

چاپ هفتم



آیین میترا

مارتین ورمازن

ترجمه بزرگ نادرزاد





ISBN 964-362-025-5

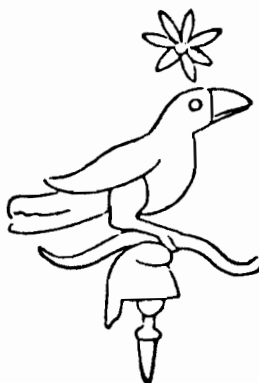


اسطوره- ۴ ۳۵۰۰ تومان

مهر یا میترا یکی از بزرگ‌ترین ایزدان اقوام هند و ایرانی است و قدیم‌ترین ذکری که از آن به دست آمده به حداقل ۳۵۰۰ سال پیش می‌رسد. نظام دینی که در حول محور این ایزد برکت و نعمت و نور و دوستی و جوانمردی و جنگاوری به وجود آمد، ایران اشکانی و اروپای مقارن آغاز دعوت مسیح را فرا گرفت و هرچند که بعد از چندین قرن ولایت در هردوی این مناطق مجبور به عقب‌نشینی شد اما منشاء تأسیس نوعی نهضت اخلاقی (اومانیسیم) شد که خفی یا جلی در شئون مختلف اجتماعی و فرهنگی و معنوی ایران تأثیر گذاشت و این نکته را بعضی از پژوهش‌های معدود اخیر نمایان کرده است. امید است که «مهر پژوهی»، درکنار تحقیقات زرتشتی و زروانی و مانوی و مزدکی، توجه اندیشمندان را بیشتر جلب کند و چگونگی این نظام دینی مرموز آشکار گردد.

آئین میترا

مارتین ورمازرن



نماد میترا:

ستاره (خورشید)، کلاغ (پیک)، کمان، کلاه فریجی، خنجر.

نقش بازیافته در پتوژ (یوگسلاوی)

ترجمه بزرگ نادرزاد

نشر چشمه

تهران، ۱۳۸۷

Vermaseren, Martin

ورمازرن، مارتین

آیین میترا / مارتین ورمازرن؛ ترجمه بزرگ نادرزاد. - تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۵
۲۵۵ ص. مصور، نقشه. - (اسطوره: ۴)

ISBN: 964 - 362 - 025 - 5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Mitra, Ce dieu mystérieux

عنوان اصلی:

کتابنامه: ص. ۲۵۴ - ۲۵۵. چاپ سوم: ۱۳۸۰

۱. مهر پرستی. الف. نادرزاد بزرگ، مترجم. ب. عنوان.

۲۹۹/۱۵ BL ۱۵۸۵ / ۴۱۹

۱۳۷۵

م۷۶ - ۱۰۱۷۸۲۲۲

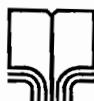
کتابخانه ملی ایران

MITHRA Ce Dieu Mystérieux

Par

Martin Vermaseren

EDITIONS SEQUOIA.PARIRIS - BRUXELLES, 1966



نشر چشمه

آیین میترا

مارتین ورمازرن

ترجمه بزرگ نادرزاد

ویراستار: ابوالقاسم اسماعیل پور

لیتوگرافی: بهار

چاپ: حیدری

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول نشر چشمه، تابستان ۱۳۷۲. تهران. (چاپ اول توسط دهخدا ۱۳۴۵)

چاپ هفتم (چاپ ششم نشر چشمه). بهار ۱۳۸۷، تهران.

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

info@cheshmeh.ir

شابک ۵ - ۰۲۵ - ۳۶۲ - ۹۶۴

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه: تهران، انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره ۷۱

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴، ۹۶۶۹۵۷۵۷۷ دورنگار: ۶۶۴۶۱۴۵۵

فروشگاه نشر چشمه: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۱ تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

فهرست

۵	یادداشت مترجم
۹	مقدمه
۱۵	میترا در ایران و هند
۲۱	زرتشت و موبدان
۳۱	آمدن میترا به اروپا
۳۵	پیروان میترا
۴۱	روش‌های تبلیغ در آئین میترا
۴۵	معبد مهری چه شکلی دارد؟
۵۴	مهرکده‌های مشهور یا مهم
۸۱	نامدارترین فتوحات میترا
۸۶	اطرافیان میترا
۹۱	افسانه میترا
۱۲۸	میترا و ایزدان همراه او
۱۴۱	ایزد زمان بیکران
۱۵۶	تشرف به مناسک و آداب و اسرار
۱۶۷	درجات هفتگانه تشرف
۱۸۸	ستارگان و عناصر چهارگانه
۱۹۸	مسئله زن
۲۰۲	آئین میترا و قربانی آمیزاد
۲۰۵	سرودهای مقدس
۲۰۹	متون متأخر سنت پریسک ژم
۲۱۹	هدایا و هنرمندان؛ میترا در هنر
۲۲۶	میترای مغلوب
۲۳۹	اسماء اعلام
۲۵۵	کتابشناسی

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان
مهر بفرای ای نگار ماه چهر مهربان
مهربانی کن به جشن مهرگان و روز مهر
مهربانی به بروز مهر و جشن مهرگان

مسعود سعدسلمان

یادداشت مترجم

این کتاب از زبان فراسه، ترجمه شده ولی اصل آن به هلندی بوده است.^(۱) متن فارسی موجود چاپ ششم کتاب مذکور است.^(۲) بنای این تالیف بر توصیف و تشریح بقایای معابد و آثار و اطلال آئین مهری در اروپا گذاشته شده و نویسنده صرفاً به ذکر مشاهدات خویش و یا نقل کشفیات پژوهندگان پیش از خود اکتفا کرده و از تفسیر و تأویل و نظریه پردازی و فرضیه سازی تا حد امکان پرهیز کرده است. بهمین جهت خواندن آن ممکن است خشک و بی جان جلوه کند. ولی چاره‌ای جز این نبوده که مطالب با حفظ امانت به فارسی منتقل شود.

در خلال تدارک چاپ جدید این کتاب مترجم متوجه شد که در جلد دوم (بخش دوم) دائرةالمعارف فارسی مرحوم غلامحسین مصاحب، مقاله فشرده و دقیق و روشن و استواری درباره مهرپرستی درج شده است و چون آن را مقدمه کلی مفیدی برای معرفی آیین میترا تلقی کرد، عین آن را در صدر این کتاب به چاپ رسانید:

«مهرپرستی (mehr-parasti) یا میترائیسم (mitraism)، آیین پرستش مهر یا میثره (سانسکریت میترا) یکی از خدایان هند و ایرانی. این آیین در آسیای صغیر شکل خاص و سری به خود گرفت و از آن جا به روم و اروپا رفت، و مخصوصاً در میان سربازان رومی رواج و انتشار یافت و مدتی از رقیبان سرسخت مسیحیت شد، ولی سرانجام با پیروزی قطعی مسیحیت در اواخر

۱. تصویر شماره ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ از کتاب زیر گرفته شده است:

A. Schütze, *Mithras, Mysterien und Urchristentum*. Stuttgart, 1960

۲. چاپ اول این ترجمه توسط دهخدا منتشر شد. تهران. ۱۳۴۵.

قرن ۴ م. از میان رفت. میترا در ودا به معنی دوست و پیمان است، و مهر در فارسی به معنی دوستی و محبت و به معنی خورشید و به معنی ماه هفتم از ماه‌های سال است (= مهر یا میثره). چون مهر به معنی پیمان و عهد بوده است میثروُد رُوج [- دروغ گوینده به مهر]، در یشها، به معنی پیمان شکنی و دروغ گوینده به مهر به کار رفته است. مهر خداوند روشنی بوده است و از پیمان‌ها و مردم وفادار به پیمان‌ها حمایت می‌کرده است. در یشت دهم از مهر خدای جنگجویان و خداوند پیروزی بخش و شفا بخش یاد شده است. مهر به یاری کسانی که او را می‌خوانند می‌شنابد و پیمان شکنان را کیفر می‌دهد. مهر در زمان هخامنشیان مورد ستایش و احترام بوده است و در کتیبه اردشیر // هخامنشی، اورامزدا و میترا و اناهیته باهم ستایش شده است.

اما مهرپرستی به عنوان آیین سَری با تشریفات و آداب مخصوص در آسیای صغیر ظاهر شده است. در میان شساهانی که پس از اسکندر در مستصرفات او پونتوس و ارمنستان و کوماگنه (kommägene)؛ (ناحیه‌ای قدیمی در سوریه) حکومت می‌کردند نام متریدات (مهرداد) زیاد دیده می‌شود، و این نشانه آن است که پرستش مهر در این نواحی معمول بوده. همین معنی را در باره پادشاهان اشکانی، که بعضی از ایشان نام مهرداد را داشتند، نیز می‌توان گفت. اما دلیل این که مهرپرستی در آسیای صغیر ظاهر شده است کتیبه معروفی است از آنتیوخوس I، پادشاه (۶۹-۳۸ ق.م.) کوماگنه، که در نمرود داغ است و در آن نام‌های آپولون، میثره، هلیوس و هرمس ذکر شده است. مقصود از این چهار نام یکی است، یعنی آپولون همان میثره و هرمس است زیرا این نام‌ها برای تصویر خدائی است که دست راست پادشاه را به عنوان حامی و متحد او می‌فشارد. هرمس خداوند و فرشته راهبر ارواح، و واسطه میان خدایان علوی و خدایان سفلی بوده است. بنابراین میثره نیز چنین بوده است و ظاهراً واسطه میان اورمزد و اهریمن بوده است. بلوتارک می‌گوید که در ۶۷ ق.م. آیین سَری مهرپرستی وارد ایتالیا شد. دزدان دریایی کیلیکیا، که متحدان مهرداد پادشاه پونتوس بودند، آیین و اعمال سَری خاصی انجام می‌دادند که پس از درآمدن به اسارت بومیوس سردار رومی این آیین را با خود به ایتالیا بردند. معلوم می‌شود که کیلیکیا همواره از مراکز مهم مهرپرستی بوده است، زیرا در قرن ۳ م. در زمان گوردیانوس III سکه‌هایی که روی آن مهر در حال کشتن گاو نر ترسیم شده است در کیلیکیا در شهر طرسوس ضرب شده. در شهر عین زربه واقع در نزدیکی طرسوس در کیلیکیا یک محراب مهرپرستی پیدا شده است. در کاپادوکیا که در شمال شرقی کیلیکیا است قدیم‌ترین کتیبه مهرپرستی که حاکی از وقف به مهر و تقدیس شخصی (روحانی یا سَری) به مهر است به دست آمده. ظاهراً در برابر استعمار رومیان یک نوع مقاومت سَری، که افراد آن خود را با تشریفات و مراسم سَری خاصی متحد و متعهد می‌کردند، پیدا شده بوده است. این اجتماعات سَری خاص مردان بوده و صفت لشکری و نظامی داشته است. راهزنان دریایی کیلیکیا برای اجرای مراسم آیین سَری خود غارهایی در زمین می‌کنند. پس از آن که مهرپرستی به ایتالیا رفت معابد مهرپرستی به صورت غار بنا می‌شد. برندگان مهرپرستی به روم، سربازان رومی بودند. در سال ۷۱ و سپسیانوس کوماگنه را به امپراطوری روم ملحق ساخت و از این جا دسته‌های کماندار برای پیاده نظام رومی

مسی گرفتند. این یکی از عوامل ورود مهرپرستی به روم بود. لژیون پانزدهم آپولیناریس (äppolinaris) که در کارنونتوم (kärnuntum؛ در سواحل جنوبی دانوب) مستقر شد، و از مشرق به آن جا برده شده بود، نیز در انتشار مهرپرستی در مغرب زمین مؤثر افتاد. ستاتیوس شاعر رومی در دهه ۸۰ می گوید: «مهر در زیر تخته سنگ های غار ایران برشاخ های گاو نر سرسخت مسلط شد». از این دوره است که مهر به عنوان کشتبه گاو نر معروف و نقش آن در معابد دیده می شود. در قرن ۲م. مهرپرستی در روم و بعضی از بنا در مدیترانه غربی و مستعمرات نظامی و پادگان های رومی در افریقا و برتانی و گل و سواحل رودخانه های راین و دانوب و در دورا واقع در ساحل فرات منتشر می شود. در این زمان در آسیای صغیر دیگر معابد مهرپرستی دیده نمی شود، ولی یک معبد مهر پرستی در ممفیس دایر بوده است. در بعضی از جاها مهر با خدایان محلی یکی می شود. کومودوس امپراطور (۱۸۰-۱۹۲) روم برای خوشامد سربازان از مهرپرستی حمایت کرد و خود به این آیین درآمد. معبد مهر معروف که در زیر کلیسای سانتا پرینسکا بر روی تپه آونتیوس (از تپه های هفتگانه رم) پیدا شده است در آن زمان دایر بود. در قرن ۳م. در میان نظامیان رومی رقابت مسیحیت با مهرپرستی آغاز می شود. آوریلیانوس در ۲۷۴ خواست که یک آیین دولتی برای پرستش «مهر شکست ناپذیر» تأسیس کند. دیوکلسین، امپراطور روم، بنیادی برای «مهرشکست ناپذیر» درست کرد و اورا پشتیبان و حامی امپراطوری خواند، اما پیشرفت مسیحیت به سرعت و استحکام انجام می گرفت و، با همه حمایت یولیانیوس امپراطور روم و سناتورهای روم، مهرپرستی در برابر مسیحیت شکست خورد و پس از سال ۴۰۰ روم به فراموشی رفت.

مهرپرستی از همان آغاز آیینی برای گروه ها و دسته های کوچک بود، و این امر از معابد کوچک مهر که اکنون در اروپا پیدا شده است معلوم می شود و، چنان که گفته شد، در اصل هم معابد مهر در غارها بود. آن جا که خاک زمین برای بنای معابد غاری و زیرزمینی مساعد نبود معابد مهر را بر روی زمین بنا می کردند. درون معبد راهروی بود که در دوسوی آن سکوهایی برای نشستن مهرپرستان بنا شده بود. در انتهای راهرو محراب مهر بود که نقش مهر را در حال کشتن گاو نر نشان می داد، و در دوسوی آن نقش، دوشعلدار دیده می شد. در این نقش تصاویر ماری که از خون مهر می نوشد، سگی که به سوی زخم گاو در حال جستن است، عقرب، و کلاغ که ظاهراً پیام آور مهر بود نیز وجود داشت. تصاویر شیر و درخت و منطقه البروج نیز در نقش های مهر وجود داشت. از روی این تصاویر، به کمک آنچه در کتب باستانی راجع به مهر آمده است، سعی شده که اصول آیین مهرپرستی را معلوم کنند. ظاهراً مهر، تابع اهورامزدا و زَروان اَکَرانه [زمان نامتناهی] (یا زروان بی کران؛ - زروانیه) بوده است و خود به عنوان آفریننده و واسطه میان انسان و خدایان برتر پرستش می شده. تصویر حیوان عجیب الخلقه ای که سر آن شبیه سر شیر و بدن آن مانند بدن انسان است و ماری به دور آن پیچیده به عقیده بعضی همان روان اکرانه و به عقیده بعضی همان اهریمن است. حوادثی که به مهر نسبت داده شده است عبارت است از تولد او از سنگ و تیراندازی او به تخته سنگی برای بیرون آوردن آب و تعقیب گاو نر و کشتن او از روی اکرانه و اتحاد او با

خداوندگار خورشید و شرکت با او در ضیافت و عروج به آسمان در گردونه خورشید. در منابع دینی ایرانی مرگ گاو موجب زایش موجودات زنده است و بدین ترتیب مهر با کشتن گاو نر آفریننده موجودات زنده محسوب می‌شود. در آیین مهرپرستی انقلابین (صیفی و شتوی) و اعتدالین (خریفی و ربیعی) موجب جشن و سرور و برگزاری تشریفات باشکوه بوده است. معابد مهر را در اروپا چنان می‌ساختند که هنگام اعتدال ربیعی و اعتدال خریفی آفتاب به‌هنگام طلوع برنقش مهر بنماید. دو مشعلدار او یکی به‌نام کاوتی (kāti) یا کاوتس (kātes) و دیگری به‌نام کاوتوپاتی (kātopāti) یا کاوتوپاتس (kātopātes) بود. کاوتی مشعل خود را در نقش مهر سربالا نگاه داشته است و کاوتوپاتی مشعل خود را سربالین. به‌همین جهت ظاهراً کاوتی نماینده آفتاب فروردین و کاوتوپاتی نماینده آفتاب مهرگان بوده است. در معابد مهر پرستندگان باهم غذا می‌خوردند. قدیس یوستینوس شهید گفته است که در این مهمانی عمومی نان و آب صرف و اورادی خوانده می‌شد. اما قرآنی در دست است که در این مهمانی‌ها شراب نیز می‌نوشیدند. در صورت حساب‌هایی که از معبد مهر دورا به دست آمده است مخارج نان و شراب در آغاز نوشته شده. در نقش معبد مهر در هیلون‌هایم آفتاب خوشه انگور بزرگی به مهر تقدیم می‌کند. شیرانی که در نقش معبد مهر سانتاپریسکا دیده می‌شوند صراحی‌های شراب به دست دارند. ظاهراً در مهمانی‌هایی که به یاد اتحاد مهر با خورشید ترتیب می‌دادند گوشت گاو صرف می‌شد. اگر گوشت گاو نبود از گوشت گوسفند یا بز یا مرغ استفاده می‌کردند. پرستندگان در مراسم صبح و ظهر و غروب دور هم گرد می‌آمدند. روز هفتم هفته را مقدس می‌شمردند. بیست و پنجم دسامبر روز «تولد خورشید شکست ناپذیر» و روز تولد مهر از سنگ بود، مهرپرستان دارای هفت پایه یا درجه بودند که ظاهراً از سیارات هفت‌گانه گرفته شده بود، کلاغ، داماد، سرباز، شیر، ایرانی، پیک مهر، و پدر. کلاغ از طرف عطارد، داماد از طرف زهره، سرباز از طرف مریخ، شیر از طرف مشتری، ایرانی از طرف ماه، پیک مهر از طرف خورشید، و پدر از طرف زحل حمایت می‌شد. کلاغ‌ها ساقی‌گری می‌کردند و شیران بخور می‌سوزاندند و با آتش تازه واردان را تصفیه می‌کردند. سربازان بانوعی غسل تعمید تقدیس می‌شدند، و با آهن سرخ برایشانی ایشان داغ زده می‌شد تا به عنوان سرباز مهر شناخته شوند. تنها مردان و پسران می‌توانستند در این آیین سزای وارد شوند و زنان حق ورود نداشتند. «پدر» ریاست هر گروه را به عهده داشت و او را ساگردوس یا آنتیستس می‌گفتند. در مراکز مهم یک «پدر پدران» نیز بود که به منزله ناظر کل یا اسقف بود. اداره هر جمعیت با گروه با رئیس آن بود، و مخارج جمعیت از طرف افراد تأمین می‌شد. در آیین مهرپرستان طبقات و تعینات اجتماعی وجود نداشت، و به اصطلاح شاه و گدا در برابر هم می‌نشستند. در این آیین، مهر به‌عنوان آفریننده و نجات‌دهنده انسان در روز بازبین نظم نوینی برقرار می‌کند که در آن مؤمنان واقعی در نعیم حاودانی خواهند بود. شکست مهرپرستی را در برابر مسیحیت نتیجه این می‌دانند که در مهرپرستی تعدد خدایان تأکید شده بود در حالی که روح عصر بتدریج به سوی توحید متمایل بود، و نیز طرد زنان از جوامع دینی مهرپرستی را یکی از علل شکست قطعی آن در برابر مسیحیت می‌دانند.»

مقدمه

نیتی خیر مدیریت چاپخانه سکویا^۱ را بر آن داشته است تا با مراجعه به دکتر ورمازرن^۲ کتاب او را که حاوی تاریخچه و بحثی مختصر در باره دین میتراست به چاپ برسانند. این محقق که مجموعه نوشته‌ها و آثار مربوط به دین مهری را چاپ و تحقیقات چندی هم در همین زمینه کرده است، در حال حاضر بهترین متخصص کیش مهری و در واقع جانشین شادروان فرانتر کومون^۳ است. اما مراد از کتاب حاضر عوام فهم کردن مطالب نیست، بلکه غرض خلاصه کردن تمام پژوهش‌ها و اکتشافاتی است که اخیراً در باب میترا و آئین او شده است. ناگفته نماند که اگر علم در زمینه مهرشناسی پیشرفت‌هایی کرده، نخست مدیون فرانتر کومون و تحقیقات او در کتاب متون و آثار مهری^۴ و بعد تا حد زیادی و امدار نوشته‌های ورمازرن است. در امر تتبع در آئین میترا - چون اسناد و مدارک موجود ناقص یکدیگرند - توفیق در استخراج حقیقت از دل این تناقضات، معرف شایستگی ورمازرن است. اسناد و نوشته‌های یافته شده در مشرق و ایران و هند ابهام فراوان دارند و گویای اهمیت و اقتدار دوهزار ساله مهر در این مناطقند و او را همچون خدائی در جوار اهورامزدا نمایان می‌دارند ولی در عین حال در باره جزئیات دین و خصوصیات شخصیت وی سخن نمی‌گویند.

1. Sequoia

2. Vermaseren

3. F. Cumont

4. *Textes et Documents relatifs aux Mystères de Mithra*

اما به منابع اطلاع شرقی، منبع دیگری افزوده می‌شود و آن متشکل از عمارات و ابنیه و سنگ‌نوشته‌ها و خلاصه مدارک مربوط به باستان‌شناسی است و محدود به امپراتوری روم و سوریه و آلمان باستان و انگلستان می‌شود و حد زمانی آن میان قرن اول تا پنجم مسیحی است.

این دسته از آثار عاری از هرگونه نوشته ادبی و تاریخی هستند و هرگاه همه این بازمانده‌های غربی در کتابی جمع شوند، آن کتاب صرفاً شامل یک سلسله تصاویر خواهد شد، ولی میتراى جدیدی را به ما نشان خواهد داد که مُنجی بشر و در مرکز یک جهان‌بینی دینی و فلسفی قرار گرفته است.

در منابع شرقی و هندی و ایرانی اگرچه میترا همچون خدائی بزرگ نموده می‌شود، ولی به هیچ روی در مرکز دین قرار نگرفته و به عبارت دیگر محور اصلی نیست. میان میتراى هند و میتراى ایران دسته‌ای از دین‌مردان^۱ قرار دارند که به مغان معروفند.

از کارهای اینان چیزی بر ما روشن نیست، اما آن چیزی را که خلق کرده‌اند در دسترس ما است. تا زمانی که نوشته‌های این مغان کشف نشده است ناگزیر باید به حدس و گمان اعمال آنان را تعبیر کنیم و البته این اعمال ملهم از مشرب فلسفی ایرانی و یونانی‌اند.

چند قرن قبل از ظهور مسیح، در آن دوره از تاریخ یونان که عهد هلنیستیک^۲ گفته می‌شود، بنیادگذاران دین مهری توانسته‌اند به خواسته‌های معاصران خویش پاسخ مثبت گویند. در تمام ادیان شکوفان در این دوره از تاریخ یونان، این تمایل سازگار کردن دین با محیط دیده می‌شود. ولی هیچ کدام مثل دین مهری موفق نشده‌اند آرزوی طرفداران خود را برآورند. اما برای این که بتوانیم در چگونگی تکوین دین میترا داوری کنیم، مجبوریم ماهیت افکار مذهبی جاری در این دوره را روشن نمائیم. چنین تحقیقی ما را به

۱. به جای کلمه *prêtre* دین‌مرد را به کار برده‌ام، به معنی مطلق روحانی - م.

۲. *Hellénistique* صفتی است که اطلاق می‌شود به زبان و تمدن یونان از آغاز قرن سوم پیش از مسیح تا تسخیر آن به دست لشکر روم - م.

پژوهش در روابط میان دین مه‌ری و دین مسیحی می‌کشاند. چون یک سلسله علل اخلاقی و روحی باعث شده است که هر دو دین با موفقیت انتشار یابند و تمثیلات معنوی مردمان دوران خویش را ارضاکند. قبل از ظهور مسیح فکر بشر آماده پذیرش دینی نو بود و به همین علت سه قرن پس از دعوت او مسیحیت دین رسمی اروپا شد و این نکته می‌بایست صفحه‌ای از تاریخ عالم^۱ بوسوئه^۲ می‌شد، ولی این حکیم بدبختانه به آن پی نبرد و این جای تأسف است. فیلسوفان هند و ایران و مصر و یونان راه مسیح را در انتشار دین خویش بیش از پیامبران اسرائیل باز کردند. فلسفه مغان همچون عطیه‌ای گرانقدرتر از زر برای دین مسیح نوحاسته بود. اما «تمنیات دینی» که لحظه‌ای پیش بدان اشارت رفت، متوقف بر سه مسئله بود: اندیشه اعتقاد به خدا؛ نیاز به یک میانجی بین خدا و انسان؛ نجات اخروی و داوری در روز قیامت.

۱. در دیده‌بت پرستان خدایان خواجگانی مقتدر و دشوارپسند بودند و به صرفه انسان بود که موجب رضایت آنان را فراهم کند. این عقیده ساده و در خور انسان به سایر افکار مبتنی بر اعتقاد به اجحاف‌گری خدایان اضافه شد و البته چندان جدی نبود.

در دین مه‌ری خدای واحد و جاودانی سرور عالم شد و قادر مطلق جهان بی‌انته‌اگشت. تنها خصیصه انسانی‌ئی که در او وجود داشت عقل بود که به حد کمال در او موجود بود. «در آغاز و درین هر شیئی عقل هست و عقل خداست، اما عقل خدا سوای عقل انسان‌هاست که همیشه در معرض تهاجم نیروهای تخیل و احساسات است.»

تمام مذاهب مبتنی بر سنت مدعی معرفت بر چنین خدائی شده‌اند. این خدا در یونان زئوس^۳، در اسکندریه سراپیس^۴ در سوریه هداد و بعل^۵ و در

1. *L'Histoire Universelle*

2. Bossuet: حکیم و خطیب و نویسنده مذهبی فرانس‌ه (۱۷۰۴-۱۶۲۷).

3. Zeus

4. Sérapis

5. Bél Hadad

پالمیر بعل شمیم^۱ نامیده شد. مغان خدا را در اهورامزدا یافتند و از او مفهوم کرونوس^۲ را ساختند که سرور زمان بود. حتی زئوس که با فرشتگان بدکار در جدال است، به ظاهر خادم او است. میترا پسر و قاصد او است. در اطراف این خدای یگانه موجودات فوق طبیعی قرار دارند که در حقیقت مخلوقات او هستند (حتی مخلوقات بدکار)، و از این رو روحانیان بر آن شدند تا ارج و قرب خدایان باستان خویش را که به درجات پست نزول کرده بودند، دوباره به آنان بازگردانند.

۲. چنین دگرگونی در زمینه دین باعث پدید شدن فاصله‌ای میان خدا و انسان شد و دوباره ضرورت وجود یک موجود میانجی که هم کمال و قدرت خدا را بدارد و هم حیات و تقوی و تجربه انسان را، احساس شد.

از این جهت تمام ادیانی که مایل به ادامه حیات بودند، بر آن شدند تا بین خدا و انسان میانجی‌ای پیشنهاد کنند. این شد که در یونان ارفه^۳ یا دیونیزوس^۴، در سوریه هلیوس^۵ و در پالمیر ملک بعل^۶ وجود یافتند. گاهی اوقات هم نقش میانجی به الهه‌هایی نظیر ایزیس^۷ واگذار شد.

تنها یک مذهب سمت میانجیگری را به زمان (به عبارت دیگر تغییر و تحول = شدن) می‌سپارد و آن دین یهود است که مسی^۸ یا مبشر در آن اهمیت روزافزون پیدا می‌کند. اما در دیده مغان نقش میترا درست نظیر نقش مسی است. میترا در روی زمین حیات می‌یابد و با صعود به آسمان زندگیش انجام می‌پذیرد.

میترا در دوران زندگی خویش از مراحل نظیر «مراحلی که ما انسان‌ها طی می‌کنیم» می‌گذرد و نمونه‌ای از تقوی و پارسائی است، خیر بشریت غرض نهائی او است و برای برآوردن این منظور قدرتی الهی در دست دارد و بعد از صعود به آسمان نیز میانجی بین مؤمنان به خویش است.

1. Bêl Shamim

2. Kronos = زروان

3. Orphée

4. Dionysos

5. Hélios

6. Malakbêl

7. Isis

8. Messie

۳. مسئله سوء مربوط به نجات اخروی بشر است. منشأ اعتقاد به ابدیت روح در تاریکی‌های تاریخ گم می‌شود. نخست عقیده بشر به این بود که روح پس از مرگ در گور و حوالی آن به حیات خود ادامه می‌دهد و در زیر سنگ گور استراحت می‌کند. بعدها ایمان بر این جاری شد که جای روح در اعماق زمین است و سپس بر آن شد که روح در زمین، در آن طرف کره خاکی که شب هنگام خورشید روشنش می‌نماید زندگی می‌کند. این سنخ تفکر سومین در مصر معاصر ساختمان اهرام و در سوریه دو هزارسال قبل از مسیح جریان داشت. اگرچه عقیده به روز قیامت نزد مصریان بسیار قدیم است، ولی اینان به رابطه روشنی میان اعمال خیر و شر زندگان و سرنوشت آن‌ها در دنیای باقی قائل نبودند. در عقایدی که بعد از اعتقادات مصری و سوریه‌ای باب شد، مسئله جزای روز قیامت اهمیتی فراوان یافت.

از طرفی نیکوکاران پاداش خواهند یافت و در آسمان زندگی خواهند کرد و از سوی دیگر بدکاران به جهنمی خواهند رفت که یونانیان محل آن را در پست‌ترین نقطه کره آسمان می‌دانند. بدین طریق تمام ادیان فقط به معتقدان خویش مژده نجات اخروی و داوری روز پسین می‌دهند، بدون این که سرنوشت همه بشریت را در نظر بگیرند.

ضامن عدالت پروردگار میانجی است. بر این سیاق، غالب اعمال دینی به این منظور انجام می‌گیرند که به مؤمن زندگی جاودانی عطا کنند و یا لاقول زندگی این جهانی او را توفیق بخشند.

در باره بهشت موعود میترا چیزی نمی‌دانیم، ولی شکی هم نداریم که میترا وعده چنین بهشتی را به گروندگانش می‌داد و این به تحقیق علت اساسی موفقیت عظیمش بود. این مختصر ما را مجاز به این نتیجه‌گیری می‌کند که دین مهری و دین مسیح راناشی از یک جریان واحد فکری بدانیم و آن را مرحله‌ای از تحول فکر بشر بیانگاریم؛ تحولی که جای بحث آن در تاریخ جهان است. همان طور که در آغاز این مقدمه گفتیم، این تحول راز تاریخ جهان است که

بوسوئه آن را به فراست دریافته بود. امروز این عقیده مورد قبول است که تکامل در طبیعت، طریق معقول خلق موجودات زنده توسط پروردگار است، و به عبارت دیگر تحول جاری در طبیعت همان آفرینش خداوندی است. آیا در تحول فکر بشر نمی توان دست «عقل کل» را دید؟

میترا در ایران و هند

در سال ۱۹۰۷ در ناحیهٔ بغازکوی پایتخت سرزمین هیتی‌ها^۱ که در شمال غربی آسیای صغیر واقع شده است، لوح‌هایی از جنس خاک رس به دست آمد که روی آن‌ها نخستین بار نام میترا (به همین املاء) دیده می‌شود. این لوح‌های گلی محتوی بر پیمانی است که میان هیتی‌ها و همسایه‌شان میتانی‌ها^۲ بسته شده و از میترا و خدای آسمان برای پایداری این پیمان استعانت شده است. بر سر تاریخ این پیمان موافقت پیدا شده است و انعقاد آن را در چهارده قرن پیش از مسیح دانسته‌اند. اما آخرین مدرکی که محتوی بر نام میترا است و در غرب یافته شده مربوط به پنج قرن پس از مسیح است. پس قرون متمادی ناظر احترام مؤمنان نسبت به این خدا بوده است.

مهرپرستی از میان رفته ولی نام او بر سر زبان پژوهندگان است. علوم گوناگون همچون باستان‌شناسی، تاریخ ادیان، الهیات و زبان‌شناسی، به شناخت این خدا علاقه می‌ورزند و می‌خواهند راز آن را از پرده استتار بیرون بکشند. اگر دین مهری خوب شناخته نشود، تاریخ آغاز دین مسیح در زمانی که تازه در حال نضج گرفتن بود، تاریک می‌ماند.

تحقیق در باب دین میترا گاهی اوقات با اشکالات بزرگ روبه‌رو می‌شود. در کشورهای شرق اسناد و مدارک مربوط به مهر فقط از نوع مکتوب است و حال آن که در غرب تنها مدرک بازمانده، آثار تاریخی است. همان

1. Hittites

2. Mitanniens

طور که محقق بزرگ فرانتز کومون (در ۱۹۴۷ به بخشایش ایزدی پیوست) توضیح کرده، دانشمندی که می‌خواهد در بارهٔ دین مهر تحقیق کند درست وضع کسی را دارد که می‌خواهد در مسیحیت پژوهش کند و تنها مدرکش کتاب «عهد عتیق» و کلیساهای قرون وسطی است. نتیجهٔ این نقصان مدارک این می‌شود که معلومات ما در مورد میترا ناقص و دست و پا شکسته است. به این دلیل است که کاوش‌ها و اکتشافات جدید بسیار سودمند هستند و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

معاهده‌نامهٔ باستانی میان هیتی‌ها و میتانی‌ها گویای این امر است که نیاکان هند و اروپائی ما میترا را در آن عهد می‌شناخته‌اند. بنابراین، جای شگفتی نیست اگر نام او را میان مردمان هند و ایران می‌یابیم. در کتاب مقدس و دما متعلق به هندیان باستان نام مهر به صورت میترا چندین بار تکرار می‌شود و معنای «پیمان» می‌دهد. در کتاب اوستا نام دینی ایرانیان باستان نام میترا می‌آید و سرودی به نام «مهریشت» در ستایش او آمده است. چه در ودا و چه در اوستا نام میترا با نام وارونا و اهورمزدا خدای بزرگ همراه است. با این حال باید چند مرحلهٔ متوالی در این دو کتاب تشخیص داد. این دو کتاب در عین حال که بخش‌های بسیار قدیم دارند، فصل‌هایی از آن بسیار جدیدترند و به این علت است که نام میترا همیشه اهمیت سابق را ندارد و عقایدی که در بارهٔ اش ابراز می‌شود به کرات تغییر می‌یابند. خاورشناسان بر این عقیده‌اند که در اعصار باستان، رقابتی میان مهرپرستان و پرستندگان خدای آسمان وجود داشته است. اگر بخواهیم به دین مهر بهتر پی ببریم، هیچگاه نباید دوگانه پرستی‌ائی را که در ادیان ایرانی وجود داشته است، فراموش کنیم. اهورامزدا خداوند فرزاندگی است و فرمانروای جهان روشنائی است و گروهی از ایزدان گرداگرد او را فرا گرفته‌اند. در برابر او نیروهای بدکار هستند که در حول و حوش خدای تاریکی قرار گرفته‌اند. این دو گروه مدام در جدالند، اما روزی خواهد آمد که نیروی نیکی بدی را از زمین پاک خواهد کرد. در این جدال، میترا حکم ایزدی «یزت»

را دارد که دستیار اهورامزدا است و در صف مبارزان خیر و راستی نبرد می‌کند. کاملاً واضح است که میترا همان خدای روشنائی است که در هند به خورشید تشبیه شده است. نظیر او را نزد الهه هلیوس در حماسه هومر می‌بینیم که در جهان می‌گردد و انتقام ظلم ستمکار را از ستم دیده می‌کشد و راستی را دوباره در کائنات مستقر می‌کند.

از طرفی میترا خدای روشنائی است و از سوی دیگر در خدمت اهورامزدا نبرد می‌کند. پس در واقع میترا فیضانی از اورمزد است و از او الهام می‌گیرد. اورمزد یارانی دارد که به امشاسپندان معروفند و از ذات او تراوش یافته‌اند. درست نظیر آنچه در هند می‌گذرد. در اطراف میترا ایزدان کهتری نظیر آریامن (ایزد محافظ آریاها) و بهاگا (خدای سرنوشت) که مقدرات مردمان به دست اوست و میان آنان هدایای خیر آفرین تقسیم می‌کند، قرار گرفته‌اند. در هند این دو ایزد بهم پیوسته سرائوسا^۱ و آسی نام می‌گیرند و عملاً وجوه مشخصی از میترا هستند. چنان‌که بعدها در مورد کوتس^۲ و کوتوپاتش^۳ (بخش ملازمان میترا را ببینید) ضمن نمایشنامه‌های مذهبی قرون وسطای مسیحی دیده می‌شود.

شخصیت و اشتهار زرتشت از اهمیت و اعتبار میترا به شدت کاست. زرتشت دین خود را اساساً در بخش شرقی ایران منتشر کرد. با این وصف در باب تاریخ زمان زندگی او عقاید گوناگون وجود دارد حیات او را معمولاً در حدود سال‌های هزار تا ششصد قبل از مسیح تصور می‌کنند، اما فعلاً تاریخ زندگی او در حوالی سال ششصد قبل از عیسی تثبیت شده است. متأسفانه تنها مدرکی که می‌توان از خلال آن به شخصیت زرتشت پی‌برد، بخش گات‌های اوستا است که محتوی بر سرودهای مقدس است و زبان آن یک لهجه شرقی ایرانی است که ترجمه آن هم البته بسیار مشکل و پیچیده است. اما در این تردید نیست که زرتشت مصلح بزرگی بود و قصد داشت شرک

1. Sraosa

2. Cautes

3. Cautopates

را براندازد و یکتاپرستی را جانشین آن کند و اهورامزدا را خدای یگانه دین زرتشتی بنماید. به عزم تحقق بخشیدن این مقصود، زرتشت مجبور شد که از اهمیت میترا در نزد مؤمنان به او بکاهد و با مراسم مذهب مهری‌ها مخالفت ورزد و خونریزی و فدیہ کردن گاو و استعمال گیاه مستی‌بخش هوم را که ایجاد خلسه می‌کرد، ممنوع سازد. از امتزاج خون گاو قربانی شده و شیرۀ گیاه هوما نوشابه‌ای به دست می‌آمد که نیروی جاودانی به نوشندۀ آن می‌داد و زرتشت چون این رسم را برانداخت ضربه بزرگی به دین مهری وارد آورد.

در این باب که داریوش و کوروش پادشاهان هخامنشی، زرتشتی بودند یا نه، سخن نمی‌رانیم. آنچه روشن است، این است که دین مهری محبوبیت بسیار در میان عامه داشت و زرتشت موفق به از میان بردن کامل آن نشد و در آغاز تبلیغ دینش با مخالفت شدید مهرپرستان مواجه شد و بالاخره هم به دست آنان در پرستشگاهی به قتل رسید.

در مهریشت که متعلق به بخش‌های متأخر اوستا و نموداری از کثرت انتشار دین مهری میان مردمان است، مهر با شکوهی بسیار جلوه گر می‌گردد. و آن جا که اهورامزدا به زرتشت می‌گوید: «وقتی مهر را آفریدم و به مردمان دستور دادم که بر او قربانی کنند و فدیہ دهند و نماز گزارند. مقام او را به اندازه آن خودم بالا آوردم» اهمیت مهر بیشتر معلوم می‌شود.

در یشت دهم اوستا باز صحبت از مهر می‌شود: «تو از مردمانی که حسن نیت نسبت به مهر دارند، حمایت می‌کنی. انسانی را که قصد صدمه زدن به او داشته باشد، منهدم می‌کنی. مهر دارنده زمین‌های فراخ است. آرزو می‌کنیم که مهر پیروز، پادشاه شکوهمند مردمان روی زمین، مهر زورمند، مهری که بر او نماز می‌گزارند، به کمک ما بشتابد.»

«مهر نیکوکار، نیرومند، آسمانی، عالیقدر و بخشنده است. در قتل رفیع زندگی می‌کند، جنگجویی است نیرومند و دلیر، پیروزگری است که سلاخی کارساز در دست دارد و راهنمای آدمیان در تاریکی است و فریب نمی‌خورد.

مهر باهوش‌ترین موجودات است، فاتح است و افتخار همراه اوست. هزار گوش، ده هزار چشم، ده هزار جاسوس دارد.» «او خدائی است قادر و به خطا نمی‌رود. بر این خدای من می‌خواهم فدیة دهم.» در سرتاسر این یشت صحبت از نیروی میترا و بزرگی و جنگجویی اوست. خصایص اخلاقی فوق‌الذکر باعث می‌شود که مهر را مردمان دوست بدارند و در مناسک عبادی مهرپرستان هم منعکس گردند. در قرون بعدی این نیروی فوق‌العاده منسوب به میترا عامل جنب و جوش و تحرک پیروان وی در اعمال مذهبی بوده است. مفهوم و شخص وارونا چنان با مفاهیم نور و خورشید درآمیخته است که می‌گویند: «چشم مهر و وارونا». می‌توان گفت که ودا بیش از اوستا رابطه میان مهر و رسم فدیة گاو را که بعدها در مرکز مراسم دینی مهری قرار گرفت، روشن می‌کند. افتخار تحقیق و جمع‌آوری متون ودائی مربوط به میترا (در حالی که مشغول قربانی کردن گاو است) از آن پروفورل^۱ است. نقطه آغاز عقیده آقای لمل، لفظ سوما (با هوما مقایسه شود) است که به نظر ایشان خدای زندگی است. این خدا در واقع تجسد باران است که از ماه به زمین می‌ریزد و باعث رشد گیاهان می‌شود، و غذای انسان و حیوان را فراهم می‌آورد. نزد موجودات زینه شیره نباتات تبدیل به دانه می‌شود و نزد موجودات مادینه تبدیل به شیر. با مرگ موجود زنده، جوهر حیات به ماه برمی‌گردد، وقتی ماه پر می‌شود، سوما همچون شرابی که در ساغر ریزند، در ماه ریخته می‌شود. پس سوما آب زندگانی است و خدایان هر ماه از آن می‌نوشند، در این داستان، سوما که باران است، در عین حال تخم گاو آسمانی است که زمین را زایا می‌کند و شیر گاو آسمانی است که به مردمان غذا می‌رساند. اما چون خدایان می‌خواهند به قطره‌ای از آب زندگی دست یابند. تصمیم می‌گیرند که سوما را بکشند. وایو^۲ خدای باد، حاضر به انجام دادن این کار می‌شود و از میترا هم خواهش می‌کند تا در توطئه شرکت کند. خدایان به میترا گفتند: «ما قصد داریم سوما را بکشیم.»

1. Lommel

2. Vāyu

میترا پاسخ داد: «به چنین کاری تن در نمی‌دهم، از این رو که دوستار همگان هستم.» خدایان دیگر گفتند: «با وجود این ما می‌خواهیم او را بکشیم.» سرانجام میترا به این شرط در قتل شرکت کرد که بهره‌ای از قربانی نیز به او رسد، چون کشتن سوما منجر به از دست دادن گاو و گوسفندانش می‌شد و چهارپایان از او زوی گردانده می‌گفتند: «با وجود این که میترا (دوستار و مهربان) در راه دوستی گام می‌زند، جرم قبیحی از او سر زده است.» حتی وارونا هم در قتل سوما شرکت می‌کند. قتل به این نحو صورت گرفت که موافق مراسم دینی سوما را میان دو سنگ خرد کردند و شیرۀ ساقه گیاه را بیرون کشیدند. سوما گیاهی است نیروبخش و خدایان و دینمردان و مؤمنان از آن می‌آشامند. مردمان از آشامیدن آن روان جاودانی می‌یابند و دیگر نمی‌میرند. البته سوما انسان را از مرگ جسمانی رها نمی‌کند، فقط خدایان از این نوع مرگ هم معاف هستند. مقایسه میان بخش‌هایی از ودا و اوستا و بخصوص کتاب بندهشن^۱ که می‌گوید از کشتن گاو مخصوص، گیاهانی می‌روید، جالب توجه است. (فصل نامدارترین فتوحات میترا را ببینید.) بعدها در آئین میترا موقعی که خدای سوما (هاوما) از میان رفت، مسئله تجدید حیات که وابسته به کشتن گاو است، باقی ماند. به این ترتیب رابطه میان مراسم میترای هند و ایران و مناسک میترای گاو اوژن در غرب حفظ شده است.

1. Bundahishn

زرتشت و موبدان

از منابع جدیدتر چنین برمی آید، موقعی که زرتشت در آتشکده بلخ کشته شد، به قاتل خود گفت: «همان طور که من بخشودم، امیدوارم اورمزد نیز شما را ببخشد.» منبع مذکور چه ارزش تاریخی داشته باشد و چه عاری از اعتبار باشد، گویای احترام سرشار آن نسبت به پیغمبر است. ناگفته نماند که این دفعه منحصر به فرد نیست که در زمان‌های بعدی شخصیت زرتشت را با آن مسیح مقایسه کرده‌اند و قرابت‌هایی میان آن دو یافته‌اند. (به فصل «افسانه میترا» رجوع شود.)

اگرچه که از جمیع جهات عقاید زرتشت در ایران عمیقاً ریشه نگرفته ولی به هر حال تأثیر این عقاید بارز است و در نوشته‌ها از نام او با احترام یاد شده است. حتی می‌توان گفت که نام زرتشت و اقتدار او باعث شده است که این نوشته‌ها محترم و مقدس شمرده شوند.

زرتشت یک مغ بود.

برخی نویسندگان مانند پلی‌نیوس^۱ موبدان را متهم به جادوگری و اعمال مرموز کرده‌اند، ولی واژه مغ نباید به ذهن خواننده مفهوم جادوگران پنهانکار را القا کند.

موافق نظر مسینا^۲ عالم ایران‌شناس، مقصود از واژه ماگوسی است که در مراسم «داد و دهش» (ماگا) یعنی اصول دین زرتشت شرکت می‌کند و به

1. Plinius

2. Messina

مراسم آن عمل می‌کند. بنابراین واژه موبد اساساً چیزی جز پرستنده اهورامزدا نیست. زرتشت اولین موبد است. از این رو که اهورامزدا اصول مکتب خود را به او آموخته است.

به قول دیوکریزستوم^۱ زرتشت در قلعه کوهی سوزان با اورمزد صحبت داشته و از او تعالیمی را فرا گرفته است. بنابر آنچه گذشت، زرتشت دینمرد و سخن‌سرائی بود که مصلح شد و پیامبری یافت.



شکل ۱: مغان دست‌اندرکار نیایش. نقش بازیافته در داسکی‌لیوم

(پنج قرن قبل از میلاد مسیح)

کم‌کم معنای واژه مغ گسترش یافت و به روحانیان یا دینمردان به طور اعم اطلاق شد، بدون این که این روحانیان الزاماً مزداپرست قشری و سخت‌گیر باشند. موبدان در واقع مردان وارسته و فرزانه‌ای بودند که شاهنشاهی‌های ایران

1. Dio Chrysostome

را شدیداً تحت تأثیر خود قرار دادند و معمولاً تربیت شاهزادگان به عهده آنان واگذار می‌شد. اما این که سیرون در این خصوص ادعا کرده است که احدی نمی‌توانست پادشاه پارس‌ها شود، مگر این که تربیت شده موبدان بوده باشد گزافه است.

مقام بلند اجتماعی مغان گاهی سبب مداخله اینان در برخی حوادث، نظیر داستان اسمردیس غاصب می‌شد که هرودت به طرز دلپذیر و صاف کرده است. مسینا معتقد است که مراد از غضب تخت سلطنت توسط اسمردیس و شورش بردیای غاصب در قصر پادشاه که در غیاب کمبوجیه به ظهور پیوست، در واقع بذل مساعی موبدان در راه تصرف قطعی قدرت و انتشار آسان‌تر و سریع‌تر دین زرتشت بود.

اما به نظر هرودت مغان یکی از شش قبیله مادی هستند. اگر این فرض را قبول کنیم، مسئله قبضه کردن قدرت به دست مغان، صرفاً انگیزه سیاسی پیدا خواهد کرد و مبتنی بر همین نظریه است که استاد بنونیست^۱ انتقام و حشت‌انگیز داریوش جانشین کمبوجیه را از موبدان و کشته شدن آنان را توجیه می‌کند.

توجه زیادی هم که داریوش در سنگ‌نوشته رسمی بیستون به توصیف این حادثه نشان داده، روشنگر نظر مذکور است. گمان می‌رود که دینمردان از میان اعضای قبیله مغان برگزیده می‌شده‌اند. ولی صرف تعلق به طایفه موبدان، همه اینان را الزاماً به مرتبه پیشوایی دین نمی‌رسانید. شاید از این روست که مغان بنابر سنت متعارف از دفن مردگان خود ابا می‌کردند و آنان را جلو جانوران و مرغان وحشی می‌انداختند و این عرف و عادت خاص مغانی بود که در شمال ایران می‌زیستند. با همه این حوادثی که گذشت، حیثیت این طایفه در چشم مردم دست نخورده باقی ماند و مورد تکریم عام بودند. در دیده هرودت هرگونه فدیة در حضور مغان می‌بایست انجام بگیرد و اینان به هنگام انجام دادن مناسک قربانی، سرودهای دینی که مشتمل بر افسانه ولادت خدایان بود،

1. E. Benveniste

می خواندند. نقشی که در ناحیهٔ داسکی لیوم^۱ در غرب آسیای صغیر یافته شده و مربوط به پنج قرن پیش از عیسی است به طرز زنده فعالیت و کار مغان را برای ما توصیف می‌کند. (به شکل ۱ نگاه کنید).

تکه پارچه‌ای را جلوی دهان می‌بندند به اسم پنام تانفشان آتش را آلوده نکند. و دسته‌ای از شاخه‌های گیاه موسوم به برسوم در دست می‌گیرند و جلوی مذبح و یا نمازگاه راست می‌ایستند. از اطراف این قربانگاه سرقوچ و گاوی آویزان است و قوچ و گاوی دیگری هم در پس دیوار آن قرار داده شده است. چون شاهشاهی هخامنشی گسترش یافت موبدان با طبقات روحانی سایر ملل و بخصوص کلدانیان مربوط شدند. پیوندهای سرراست تری میان این مغان و فرهنگ یونانی برقرار شد. در سنت آمده است که موبدی استانس^۲ نام، اندیشه‌های دینی ایرانی را در یونان رواج داده است.

بر اساس همین قول است که محققان در جستجوی روابطی میان موبدان و فلسفه یونان اند.

افلاطون در کتاب آلسی‌بیاد^۳ لفظ ماگیا^۴ را مترادف با نیایش ایزدان^۵ می‌داند. اما سوفوکل^۶ که بازگوی عقاید عامیانه تری است، لفظ ماگوس^۷ (= مغ) را معادل باگنس^۸ به معنای «جادوگر» می‌داند.

دینمردان کلدانی در علم ستاره‌شناسی به حدیقت مشهور بودند و تحول معنای واژهٔ موبد نشان می‌دهد تا چه اندازه رابطهٔ مغان با کلدانیان در انتشار اعتقادات نجومی مؤثر بوده است.

همین مغان «یونانی مآب» آسیای صغیر بودند که مراسم آئین پر رمز و راز مهرپرستی را خلق کردند و خدای مورد ستایش قاطبهٔ مردم را محور مناسک سری و باطنی جلوه دادند.

در تمام آسیای صغیر جشن‌هایی که به افتخار خداوند می‌گرفتند،

1. Dascylium

2. Ostanes

3. Alcibiade

4. Magéia

5. Théon Therapéia

6. Sophocle

7. Magos

8. Gnos

معروف بود. به هنگام جشن موسوم به میتراکانا یا مهرگان قربانی‌های مجلل می‌کردند و شاه به رقص مقدس می‌پرداخت و به افتخار خدا به افراط باده می‌نوشتید. از این مراسم کتریاس^۱ (۳۹۰ قبل از میلاد مسیح) نام می‌برد و سایر منابع آن را تأیید می‌کنند. جشن مهر در روز مهر از ماه مهر که مصادف با دوّم اکتبر (ماه فرنگی) و آغاز زمستان بود، گرفته می‌شد.

موبدان میترا را در صف مقدم می‌گذارند و از او همچون خدای خورشید نام می‌بردند و تصور می‌کردند که زروان در رأس دو نیروی متضاد خوبی و بدی قرار گرفته است. مقام پیشوایی دین در نزد مغان موروثاً از پدر به پسر و منطبق با سنتی قدیمی منتقل می‌شد.

در خصوص نحوه انتشار و ازدیاد مغان، سنگ نوشته‌ای به دو زبان یونانی و آرامی یافته شده که حائز اهمیت فراوان است. این کتیبه در شهر کاپادوس^۲ و در ناحیه فرشا^۳ یا روداندوس^۴ کشف شده که روی آن جمله زیر حک شده است: «ساگاریوس^۵ پسر ماگافارنس^۶ یا مای فارنس^۷ (در صحت قرائت این نام تردید است) سردار آریارامنا موبد مهری شد و یا (به عبارت بهتر) مراسمی را به افتخار میترا انجام داد». متأسفانه تعیین تاریخ این کتیبه مشکل است. برخی آن را متعلق به سه قرن پیش از مسیح می‌دانند و بعضی معتقدند که این نوشته مربوط به ابتدای انتشار دین مسیح است. در هر صورت، موبدان قرون متمادی در آسیای صغیر ماندند و استرابون^۸ مورّخ که از سال ۶۶ قبل از مسیح تا سال ۲۳ بعد از مسیح زیسته اینان را به چشم خویش دیده است. وصفی که استرابون از موبدان می‌کند. در واقع روشنگر کتیبه داسکی‌لیوم است که مذکور افتاد و مربوط به قرن پنجم پیش از عیسی است (شکل ۱ را ببینید). استرابون می‌نویسد که مغان «شاخه‌هایی از تمر هندی در دست می‌گیرند و دیرگاهی به خواندن اوراد می‌پردازند».

1. Ctesias

2. Cappadoce

3. Farasha

4. Rhodandos

5. Sagaríos

6. Magapharnés

7. Maipharnés

8. Strabon

بعدها خواهیم دید که در قرن اول پس از مسیح، در یازنان سیلیسی به اسرار دین میترا واقف شده بودند، ولی در همان هنگام در جنب مجامع سَری مهری، نیایش و پرستش مهر به صورت عمومی نیز انجام می‌گرفت. آن طور که از ظواهر امر برمی‌آید، تبدیل پرستش عمومی و آشکارای مهر به مجامع سَری در قرون اول و دوم پیش از مسیح متحقق شده است.

بعد از اکتشافات دوراروپوس^۱ در سوریه، تردید کردن، - آن طور که ویکاندر^۲ دانشمند سوئدی کرده - در تأثیر عمیقی که موبدان آسیای صغیر در تکوین مناسک و آئین مهری داشته‌اند اصلاً جایز نیست. در دو طرف محراب پرستشگاه دوراروپوس (تصویر شماره ۸) روی دیوار تصویر دو موبد دیده می‌شود که لباس مخصوصی بر تن دارند و به طرزی مجلل بر تختی نشسته‌اند. جامه‌شان مرکب از روپوش و شلوار و شبکلاه فریجی است. یکی از موبدان عصائی چوبین در دست راست و کتابی در دست چپ دارد. با وقار به سوی مقابل خود می‌نگرد و فرزانه‌ای است که راه وصول به اسرار را نشان می‌دهد. مردی هژمونوس^۳ نام در ۳۵۰ بعد از مسیح به این سیاق مانی موبد و پیامبر (۲۱۶-۲۷۶ بعد از مسیح) را توصیف می‌کند: «مانی روپوشی بر تن داشت با زمینه آبی فام و مزین به رنگ‌های گوناگون، عصائی سخت از جنس آبنوس به دست داشت، و کتابی بابلی در دست چپ گرفته بود.» جامه مانی به لباس دینمردان مهری شباهت بسیار دارد.

در مهرکده سنت پریسک رم پیشوا یا رئیس جماعت مذهبی، فرزانه‌وار بر تختی نشسته و جامه‌ای سرخ نظیر جامه میترا به تن دارد و بر سر شبکلاه فریجی به رنگ سرخ گذاشته است و در دست راست انگشتری دارد. روی یک کاشی که در شهر اُستی^۴ به دست آمده عصا و کلاه و خاتم ارشاد همچون علائم مشخص مرشد (پیر) نقاشی شده است. (به بخش «مراحل

1. Doura Europos

2. Wikander

3. Hégémonius

4. Ostie

هفتگانه تشریف» مراجعه کنید.) اضافه بر این‌ها در سنگ‌نوشتهٔ دورا از مردی ماکزیموس نام سخن می‌رود که موبد است. زمانی فرارسید که این موبدان در خاک رم نفوذ کردند. در سال ۶۶ مسیحی تیرداد اول پادشاه ارمنستان چون به پادشاهی برگزیده شد، تصمیم گرفت تاج سلطنت را از دست نرون بگیرد. به این منظور از تراس^۱ و ایلیری^۲ و پیسنوم^۳ عبور کرد و در این سفر پای خویش را به آب نیالود، چراکه او موبد بود و نمی‌خواست عنصر مقدس آب را بیالاید. پس از نه ماه سفر پیروزمندانه به ناپل رسید و سپس به رم رفت. ورود تیرداد با آن همه شکوه و جلال خاص پادشاهان شرق، همچون منظره‌ای با عظمت در دیدهٔ رومیان جلوه کرد. همراه تیرداد سه هزار سوار پارسی در جولان بود و جزء موبد وی موبدان بودند.

چون موقع تاجگذاری فرا رسید، تیرداد به این منوال با نرون سخن گفت: «من پادشاهم. از تخمه ارشک، از دودمان پادشاهانی چون بلاش و برادرش پاکروس^۴. اما من بندهٔ شما هستم و شما خداوند منید. به درگاهتان آمده‌ام تا همچون میترا پرستشان کنم.» (به فصل «متون تازه یافته در سنت پریسک رم» مراجعه بفرمائید.) هرچه گوئید همان خواهم شد، زیرا که در دیدهٔ من شما، هم موایرا^۵ و هم تیشه^۶ هستید.

تیرداد سخن به انجام نرسانده بود که نرون تاج کیانی خاص پادشاهان ایران را از سر او برگرفت و دیهیم مخصوص امپراتوران رم را بر جای آن گذاشت. فراتر کومون این گونه تاج‌بخشی را با تیت تیرداد دایر بر متشرف کردن نرون به آئین مهرپرستی مربوط می‌داند. پلی‌نیوس مورخ رومی به این مراسم اشاره می‌کند و می‌گوید: «تیرداد نرون را از مراسم سحرآمیز شرکت در طعام دسته‌جمعی آگاه کرد و این تشریفات همان سفره مندور و اهدائی به میتراست.»

1. Thrace

2. Illyrie

3. Picenum

4. Pakoros

5. Moira

6. Tyché

اگر چنین قولی درست باشد، نرون اولین امپراتوری است که معرفتی بر دین مهری یافته است. نرون به علم مغیبات علاقه وافر نشان می‌داد و شاید اقبالی که به دین مهری می‌نمود، به این امید بود که رموز این علم را از موبدان بیاموزد. اضافه بر این، نرون میل داشت رعایایش او را همچون ایزد خورشید نیایش کنند و در خانه زرّینی که برای خود بر ساخته بود، به راستی خود را ایزد خورشید تصور می‌کرد و در باغ قصرش تندیس عظیمی از او برپا بود که همچون خدای خورشیدش می‌نمود. نرون در جشن‌هایی که به افتخار تیرداد برپا کرد، دستور داد تا روی نمایشخانه پمپی که در میدان مارس قرار داشت، چادری به رنگ ارغوان بکشند. روی این چادر تصویری از نرون نقاشی شده بود که در ارابه خورشید نشسته و ستاره‌های زرّین دور و برش را گرفته‌اند. در هر حال، مسلم این است که ده سال بعد از این واقعه، دین میترا در رم حق اهلیت یافت و معروف همگان گشت. (بخش «ورود میترا به اروپا» را ببینید).

در همین اوان دین عیسی نیز کم‌کم شروع به نشر یافتن می‌کند. این دین در برگرفته‌گفته‌های عیسی منجی و مبشری بود که مردم مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدند؛ عیسانی که بر زمین نازل شد و به قالب انسانی درآمد. در انجیل متی آمده است که چون عیسی تولد یافت، دسته‌ای از مغان به هدایت یکی از ستارگان به بیت‌الحم رسیدند، او را پرستیدند و زرناب و کندر و لبان و مرمری پیشکش کردند. مسینا این نکته را به اثبات رسانیده که یهودان زرتشت را به دیده احترام نگریده‌اند و حتی او را به مثابه حزقیل^۱ و یا شاگرد الیا^۲ دانسته‌اند. موبدان نیز به سهم خویش به دین یهودان اقبال کرده‌اند. ترسایان چون بخوبی می‌دانستند که زرتشت یهودی نیست، تصور می‌کردند که او پیامبری است که خداوند برای اعلام بشارت عیسی فرستاده است. و این نکته روشنگر روایتی در ترجمه عربی انجیل است که می‌گوید: «نگاه کنید همان طور که زرتشت پیشگویی کرده بود، موبدان از شرق به اورشلیم آمدند.» اگر قول نویسندگان

1. Ezéchiel

2. Elie

مسیحی را باور کنیم، مبشر مورد بحث در واقع عیسی است. اما موافق نوشته‌های اوستا مراد سوشیانس است که بعد از چندین هزاره و در انتهای زمان ظهور خواهد کرد و حقیقت و خیر را بر نیروهای تاریکی‌زا پیروز خواهد گردانید. سوشیانس منجی پیروزمند است و چون روز رستاخیز رسید و مردگان زنده شدند او به آنان زندگی درخشان و حیات جاودانی خواهد بخشید (زامیادیش ۱۹ و ۸۹). بر حسب یکی دیگر از سرودهای اوستا، بهمن‌یشت، میترا مهم‌ترین هم‌اورد و رقیب نیروهای شر است. پشوتن کافران را نابود خواهد کرد و اهورامزدا به یاران خود فرمان خواهد داد تا به آن منظور او را یاری دهند. میترا در رأس لشکریان قرار دارد و از همین جابحث تازه او ایزد خورشید آغاز می‌شود و در بندهشن (XXX,25) آمده است که: «آنگاه که مردگان به پا خاستند، سوشیانس گاوی را خواهد کشت و از آمیزهٔ چربی آن با گیاه هوما، مشروبی درست خواهد کرد که عمر جاودانی به مردمان خواهد داد.» در مناسک دینی راز آمیز غربی این منجی کس دیگری جز میترا ایزد خورشید نبود. به همین علت است که در رم روی کتیبه‌ای به زبان لاتین نوشته شده: «درود بر سوشیانس»^۱. در یک نوشتهٔ مانوی بازیافته در ترکستان نکتهٔ خاصی علاوه شده و آن این است که: در مقابل میترای راستین، میترائی دروغین تصور شده که سوار بر گاو است و خود را «پسر حقیقی خدا» معرفی می‌کند و به مردمان فرمان می‌دهد تا او را بپرستند.

مطابق نوشته‌های بندهشن (XXX,10) بهدینان (زرتشتیان) از بددینان (کفار) جدا خواهند شد. در اوستا آمده است که بعد از جنگی نهانی، میترا یکی از سه داور خواهد بود که موظف به قضاوت در باب ارواحی هستند که خواهان عبور از پل چینودند (پل صراط زرتشتیان). میترا سرانجام ارواح را از میان رودی از آتش به ساحل دیگر آن راهبری خواهد کرد و به هنگام عبور فقط ارواح کافر در آتش خواهند سوخت. بنابراین، نباید تعجب کرد از این که

1. Nama Sebesio

مسیحیان، بعد از این که دیرزمانی در بشارت موبدان تأیید بشارت مسیح را دیدند و بعد از حصول اطمینان از این که موبدان، عیسای نجات بخش آنان را می پرستند، بعد از چند قرن به این نتیجه رسیدند که میترا را باید به منزله ضد مسیح (دجال) تلقی کرد. دیر زمانی بود که مسیحیان در بشارت موبدان در واقع بشارت مسیحی را می دیدند و تصور می کردند که مغان عیسی را می پرستند، اما بعد از گذشت چند قرن بالاخره بر خطای خود واقف شدند و از آن به بعد میترا را به مثابه مخالف و رقیب مسیح پنداشتند.



شکل ۲: میترای دروغین در حال سوار شدن بر گاو.

آمدن میترا به اروپا

اوضاع و احوالی که چند قرن بعد خدای ایران را به اروپا کشانید، شگفت‌انگیز است.

پلوتارک^۱ تاریخنگاری که یک قرن بعد از مسیح می‌زیست، می‌گوید: رومی‌ها میترا را به وسیله دریازنان سیلیسی که یکی از ایالات آسیای صغیر است، شناختند. تهدیدات این راهزنان بدان درجه رسید که امپراتور پمپه^۲ مجبور به فرستادن چندین لشکر و نبرد با آنان شد (۶۷-۷۸ قبل از مسیح). پلوتارک در آنجا که تذکره احوال پمپه را می‌دهد، در مورد دریازنان سیلیسی چنین می‌نویسد: «اینان روی کوه المپ در ناحیه لیس^۳ قربانی‌های شگفت‌انگیزی کردند و در خفا مناسک اسرارآمیزی را انجام دادند که امروزه در آئین میترا بازمانده است. همین دریازنان نخستین کسانی بودند که در پراکندن آئین میترا کوشیدند.» به عقیده مورخ رومی آپیانوس^۴ (اواسط قرن دوم مسیحی) مهرپرستان رُم، بازماندگان ارتش مغلوب مهرداد اوپاتور^۵ هستند که دریازنان را به اسرار آئین مهری واقف کردند و ارتش مهرداد متشکل از قبایل متعدد شرقی بود.

در سیلیسی، موطن کوهستانی دریازنان هنوز هم ابنیه‌ای وجود دارد که به میترا هدیه شده است. اخیراً در آنازاربوس^۶ مهرکده‌ای یافته‌اند که توسط

1. Plutarques

2. Pompée

3. Lycie

4. Appien

5. Mithridate Eupator

6. Anazarbos

شخصی به نام مارک ارل^۱ که خود را دینمرد و مرشد دین زئوس - هلیوس - میترا خوانده، وقف میترا شده است. میترا در تارس^۲ هم که پایتخت بود، مورد احترام بود؛ و مؤید این معنا سکه‌های گردیانوس سوم^۳ امپراتور روم است که در یک طرف آن صورت میترا در حالی که گاوی را می‌کشد دیده می‌شود (تصویر ۳ را ببینید). می‌دانیم که در زمان پادشاهی گردیانوس، جنگ بزرگی میان ایران و روم در گرفت. ضرب سکه با آن نقش مخصوص در واقع یا به منظور تبلیغ بوده و یا به نظر ا. ویل^۴ «تعظیم و تکریم خدای ایران که مورد قبول رومی‌ها نیز واقع شده بود و بخصوص در این هنگام که آتش جنگ میان روم و میهن این ایزد روشن بوده، در حقیقت رنگ و بوی سیاسی خاصی به خود می‌گیرد.» آیا اسناد



شکل ۳: سکه‌ای است باز یافته در تارس و ضرب آن مربوط به زمان

گردیانوس سوم است و میترای کُشندهٔ گاو را نشان می‌دهد.

مذکور مربوط به قرون دوم و سوم مسیحی می‌تواند هنوز هم منقولات پلوتارک را در باب دریازنان سیلیسی تأیید کنند؟ چنین احتمالی وجود دارد. تقریباً روشن شده است که میترا خصوصاً در تارس مورد پرستش بوده، زیرا که صورت میترای کُشندهٔ گاو بر سکه‌های این شهر یافته شده و گردیانوس که خیال رفتن به میدان جنگ را داشته، به احتمال قوی از این شهر گذر کرده

1. M. Aurèle

2. Tarse

3. Gordien

4. E. Will.

است. چون شهر تارس بر سر چهارراهی قرار داشته، محتمل است که از قدیمی‌ترین روزگاران آئین و مناسک تشریفی مهری در آن جای معروف بوده است. سپس پلوتارک می‌گوید که در یازنان مقیم دامنه‌های کوه اُلْمپ، بی‌حرمی‌ها نسبت به خدایان اُلْمپی کردند. چون اینان پرستندگان ایزدان شرقی بودند به سایر خدایان صرفاً با نظر تحقیر می‌نگریستند. به این در یازنان مردمان صاحب منصب نیز پیوستند و جمعاً به پرستش میترا پرداختند. فقط مردها مازون به انجام دادن مراسم نیایش بودند. بنابراین، محتمل است که پس از آن که در یازنان شکست یافتند و امپراتور رُم پمپه آنان را به ایتالیا کوچ داد، دین میترا را هم با خود به آنجا بردند. از آنچه گذشت می‌توانیم تاریخ اطمینان‌بخشی برای انتشار عقاید مهری در اروپا بیابیم. اسناد دیگری مربوط به یک قرن پیش از مسیح وجود دارند که از نیایش میترا صحبت می‌دارند، اما از ماهیت و چگونگی آن سخن نمی‌گویند. سنگ قبری در نمرود داغ یافته‌اند که به آنتیوخوس اول اهل کماژن^۱ تقدیم شده و یکی دیگر را در آرسامه^۲ در کنار رود اورنت^۳ پیدا کرده‌اند که به مهرداد (میتريدات) پدر آنتیوخوس اهدا شده است، این دو سنگ قبر در نهایت شکوه تزیین شده‌اند. این دو پادشاه به قصد تکریم خدائی که مورد پرستش پدرانشان بوده، مجسمه‌های عظیمی از او ساخته‌اند و روی صفحه‌هایی پهناور نصب کرده‌اند. این مجسمه‌ها به شکل خدایانی هستند که بر تخت‌های بزرگی نشسته‌اند و میان آنان آنتیوخوس امپراتور قرار گرفته که به هیئت نمرود ترسیم شده است. (۶۹-۳۴ قبل از مسیح). در نوشته‌های زیر آن، نام میترا با نام زئوس - اهورا - مزدا، هرمس^۴، آپولون - هلیوس^۵، هراکلس - ورثرگنه^۶ در یک زمان می‌آید. بنابراین، این دو پادشاه خدایان ایران را همچون ایزدان پاسدار خاندان خویش انگاشته‌اند. اضافه بر آن نقش‌های برجسته‌ای که از میتريدات و پسرش برجای مانده، آن‌ها را در حالی نشان

1. Antioche ler. de Commagéne

2. Arsamée

3. Oronte

4. Hermés

5. Hélios

6. Verethra-gna

می‌دهد که دست در دست میترا دارند.

سالروز مرگ پادشاهان گذشته را هر سال طی مراسمی متذکر می‌شوند. ولی مدارک موجود و بازمانده از آن مجالس کوچک‌ترین اشاره‌ای به مناسک رمزی میترا نمی‌کنند. بنابراین آنچه گذشت، میترا جزء خدایان ملی است و به این صفت مشهور.

هر چند هم اسناد موجود در کتاب پلوتارک سودمند باشد، هیچگاه از نظر نباید دور داشت که این موزخ تذکره احوال پمپه را فقط در اواخر قرن اول بعد از مسیح به دست می‌دهد و مقارن همین احوال است که ما آثار مهری نظیر نقش کشنده گاو را در رم می‌بینیم و می‌دانیم که مفهوم فدیه گاو یکی از وجوه مشخص آئین نیایش و تعالیم سری میترا است. در هر صورت، استاس^۱ شاعر در سال‌های ۸۰ پس از مسیح، میترا را به این گونه توصیف می‌کند: «خدایی که زیر صخره غارهای ایران چمباتمه زده شاخ‌های سرکش خود را می‌گرداند و باز می‌گرداند.» و در هر حال شگفت آور است که ما نتوانیم تاریخ هیچ یک از آثار مهری را تا قبل از یک قرن پس از میلاد مسیح معین کنیم. کاوش‌هایی که در پمپئی شهری که در ۷۹ بعد از مسیح زیر خاک مدفون شد، انجام گرفته هیچ اثری از این خدا بروز نداده است. آثار مهری مربوط به سال‌های ۶۷ قبل از مسیح تا ۷۹ پس از مسیح تاکنون نایافته مانده‌اند، قدیم‌ترین سندی که تعیین تاریخش آسان است، مجسمه‌ای است رومی که امروزه در موزه بریتانیا در لندن نگاهداری می‌شود. نوشته پائین مجسمه از کسی است به نام آسیموس که خود را زرخرید شخصی موسوم به ت - کلودیوس لیویانوس^۲ می‌خواند. اگر این لیویانوس همان فرمانده کشیکچیان امپراتور تریانوس باشد، مجسمه مربوط به آغاز قرن دوم پس از عیسی می‌شود. در این تاریخ است که راه برای آئین سری میترا باز شده و مقارن همین احوال است که میترا پیشرفت پیروزمندانه خود را آغاز می‌کند و تا کاپیتول و پالاتن نیز جلو می‌رود.

1. Stace

2. T. Claudius Livianus

پیروان میترا

همان طور که تاکنون دیده‌ایم، میترا در خود ایران هم مشهور به خصلت جنگاوری و پرخاشخوئی است، همیشه مهبای نبرد و آماده‌کمک به یارانی است که در راه خیر مبارزه می‌کنند و تا آن‌ها را به پیروزی نرساند از پای نمی‌نشیند. در آئین مهری یکی از مراحل که سالک باید از آن بگذرد، مرحله یا مرتبهٔ سربازی^۱ است. آئین نیایش مهری در حکم یک نوع خدمت نظامی است و زندگی در جهان خاکی نبردی است در راه خدای پیروز. بنابراین، این، اگر در میان لشکریان رومی در هر مقام و منصبی که بودند و اغلب شرقی هم بودند، علاقه و جذبه‌ای به دین میترا احساس می‌شده مایهٔ تعجب نباید باشد. زیرا همه کسانی که زیر پرچم عقاب نشان ارتش رم گرد می‌آمدند - می‌توانستند - مورد حمایت نیرومندان میترا قرار بگیرند. مساعدت و حمایتی که میترا در میدان‌های جنگ از سربازان معتقد به خود می‌کرد و انضباط نظامی که از هم اینان متوقع بود عوامل مهمی در انتشار دین او و رسمیت یافتن آن بوده‌اند. به مجردی که درفش عقاب نشان سپاه روم در زمین یک ساخلو کاشته می‌شد، دین میترا هم در همان جا فوراً استقرار می‌یافت و بدون شک چنین پدیده‌ای از قرن دوم میلادی به بعد رواج یافت.

مثال والرینوس ماکسیمیانوس^۲ یکی از آن‌هاست.

1. Miles

2. Valerianus Maximianus

این امپراتور در پوئتوویو^۱ در ایالت دالماسی^۲ (شمال غربی یوگسلاوی) زاده شد که در آن محل سه معبد بزرگ مهری یافته شده است. ماکسیمیانوس در زمانی که فرماندهی لشکر سیزدهم رم را در دست داشت، مهرکده‌ای در آپولوم^۳ ساخت و چون به فرماندهی لشکر سوم رم در سال‌های ۱۸۳-۱۸۵ بعد از مسیح ترفیع یافت، در ایالت نومیدی^۴ در شهر لامبز^۵ چندین مهرکده وقفی ساخت و نیز باید دانست که روابط استواری میان ایالات اطراف دانوب وجود دارد و کیش مهری تا نزدیکی مرزهای افریقا پیش رفته است. لشکر دوم هرکولیا^۶ در ناحیه تروسمیس^۷ از ایالت موئسی^۸ مستقر شد و پس از آن در سی تیف (در افریقا) جای گرفت. و می‌دانیم که دین میترا در هر دو این نواحی انتشار یافته است. ارلیوس^۹ نام‌که در کارنونتوم^{۱۰} در شرق وین زاده شده - و در این شهر میترا سخت مورد احترام بوده - چون فرماندهی لشکریان را یافت. مهرکده‌ای در لامبز ساخت. سکستوس کاستوس^{۱۱} سرهنگ لشکر ژئیون ششم رمی با این که به احتمال قریب به یقین در افریقا تولد یافته بود در ردچستر^{۱۲} مهرکده‌ای را وقف میترا کرد. سربازان در عقب هنگ‌های سپاه روان می‌شوند، هنگ‌های سپاه در عقب فرماندهان در حرکتند و میترا در پی همه آنان راه می‌سپرد. اشخاصی می‌توانسته‌اند با انجام دادن خدمات نظامی به دین مهری درآیند. جزئیات این مطلب را نوشته‌ای که در شهر پالتوپلیس^{۱۳} از شهرهای جزیره آندروس^{۱۴} یافت شده است، توصیف می‌کند. امپراتور رم سپتیموس سوروس^{۱۵} در حوالی سال ۲۰۰ مسیحی به شرق لشکرکشی کرد، قشون بسیار بیاراست و در سر راه جزیره آندروس را ناگزیر اشغال کرد، مقارن این احوال و در همان جزیره شخصی به نام ارلیوس روفینوس^{۱۶} غاری تعبیه و به

-
- | | | |
|-----------------|-------------------|----------------------|
| 1. Poetovio | 2. Dalmacie | 3. Apulum |
| 4. Numidie | 5. Lambese | 6. Herculia |
| 7. Troesmis | 8. Moesie | 9. Aurelius |
| 10. Carnuntum | 11. Sextus Castus | 12. Rudchester |
| 13. Palaeopolis | 14. Andros | 15. Septimus Severus |
| 16. Rufinus | | |

میترا پیشکش کرده است. روفینوس عضو فوق العاده هیئت مأموران امپراتوری بوده و در نوشته‌هایی که در شهر سیسیا در بلغارستان از او یافته شده می‌گوید که زادگاهش شهر بیزی^۱ در ایالت تراس بوده است. از آثاری که برجای مانده این نکته را می‌فهمیم که مهرپرستی به غیر از شهرهای بساپارا^۲ و فیلی پوپولیس^۳، در بخش‌های جنوبی این ناحیه نتوانسته است نفوذ بکند. بنابراین، روفینوس در تراس با دین مهری آشنائی نیافته بلکه معرفت او بر این آئین از زمانی شروع شده که خدمت سربازی را شروع کرده و بعد به دسته سربازان کشیکچی ملحق شده است. سواره نظام و تیراندازان ارتش رومی پیرو ایزد شرقی هستند و در او خدائی شکست‌ناپذیر که سرور و حافظ مؤمنان به خویش است می‌یابند. و میترا همین تیرانداز ایزدی است که از صخره صلب به زخم یک پیکان آب بدر می‌آورد. در یکی از آثار تاریخی مربوط به مهر که در رم یافته شده میترا دیده می‌شود، در حالی که کمانی در دست دارد. همین میترا سوارکاری است ایزدی شکست‌ناپذیر که آهو و گراز را با یک تیر از پای درمی‌آورد. در مهرکده دوراوپوس دو تصویر گوناگون هست که میترا را مسلح به تیر و کمان نشان می‌دهد (شکل ۲۹) و تیراندازان پالمیر می‌توانستند با دیدن این دو تصویر متفاوت، تصویری از میترای سوارکار پیدا کنند. در آلمان (دیسورگ - روکینگن^۴) هم گاهی تصاویری یافته‌اند که میترا را به هنگام شکار نشان می‌دهد، در حالی که سگ‌های شکاری او را احاطه کرده‌اند. تصویری که در نوین‌هایم^۵ یافته شده، میترا را همچون پادشاهی مقتدر نشان می‌دهد که کره زمین را در دست راست دارد و سوار بر اسب است. (تصویر ۲۸). با این که می‌دانیم که دین میترا بخصوص در بندرهای اروپا رواج بسیار یافته به هیچ روی نباید تصور کرد که در یانوردان آئین این خدا را وارد بندرها کرده‌اند. اگرچه میترا در میان بازرگانان و کشتی‌بانان شهرتی بسزا دارد، ولی نوشته‌هایی

1. Bizye

2. Bessapara

3. Philippopolis

4. Dieburg-Ruckingen

5. Neuenhiem

که از پیروان دریانورد او باقی مانده قلیل است. رودخانه‌ها هم مثل چهارراه‌ها برای بازرگانان و سپاهیان اهمیت اساسی دارد، زیرا حمل و نقل گروه‌های سربازان و کالاها را تسهیل می‌کند و رودهای بزرگ به مثابه یک نوع کمر بند دفاعی طبیعی هستند که به دور مملکت کشیده شده‌اند. مکان‌هایی که مورد بحث قرار گرفت، قبل از این که شهریت پیدا کنند، سنگر و حصار و بارو داشته‌اند. سرتاسر رود فرات، در افریقا، در داسی، سرتاسر رود دانوب، در ناحیه مؤنزی، در گوشه و کنار رود رن در آلمان، و در انگلستان بین سلوی^۱ و تین^۲ به سیاقی که گفته شد، کمر بندی از قلاع نظامی مشاهده می‌شود. آدریانوس مجبور شد سدی در مقابل تهاجم اقوام پیکت^۳ بپا کند. میترا در همه جا حاضر بود، حتی در پادگان‌های مرزی، در دورترین نقاط امپراتوری رم هم آثاری از آن دیده می‌شود (شکل ۴). نزدیک شبکه‌ای از جاده‌های اصلی در شهر کریمه که مشرف بر دریای سیاه است، دسته سربازان معروف به ممتاز^۴ به افتخار خدایشان، در یک مهرکده، قربانی‌هایی کرده‌اند و این معبد هنوز کشف نشده است. در سال‌های اخیر معابدی در ردچستر و کارائوبورگ^۵ پیدا شده است. پرستشگاهی که در والبروک^۶ نزدیک لندن کشف شده، از برخی جهات شباهت‌هایی با معبد یافته شده در ناحیه مریدای اسپانیا و مهرکده سنت پریسک رم دارد. کمی نزدیک به زمان ما، یکی از پیروان میترا در محله یهودان رم موسوم به ترانس تیریم^۷ نام خود را روی معبدی در ناحیه استی که در ضمن محل کار او هم بوده حک کرده است. اگر در مهرکده‌های دیسبورگ و استوکشتات^۸ آلمان تصویرهایی از مرکور یافته شده که کیفی در دست دارد، اسباب تعجب نباید بشود. چون در شرق درکماژن گاهی اوقات نام میترا با خدای هرمس - مرکور^۹ یکجا می‌آمده است.

در جوامع مهرپرست، اختلاف خلیقات افراد و اختلاف طبقاتی و

1. Solway

2. Tyne

3. Pictes

4. Beneficarii

5. Carrawburgh

6. Walbrook

7. Trans-Tiberim

8. Stockstadt

9. Hermes - Mercure

اجتماعی آنان هر چه قدر باشد قاطبه مردان مؤمن خود را متحد و یکی می‌بینند. به این دلیل است که در چندین مهرکده مظاهر اعتقادات ساده و عامیانه مردم را در جوار ابنیه و آثار با شکوه مربوط به مردمان صاحب مقام می‌توان دید.

نقش چندین انسان مهرپرست برای ما به یادگار باقی مانده است. از مردی به نام ژاهریبول^۱ فرمانده تیراندازان و دو تن از دوستان مهمش در ناحیه دورا نقش برجسته‌ای مانده که در حال قربانی کردن گاو هستند. مارینوس یا مارتوس^۲ مهرکده را با نقاشی‌های خود آراسته و نام خویش را روی یکی از ستون‌ها حک کرده است. اینکه این نقاش به رایگان قلم موی خود را در اختیار معبد گذاشته و یا این کار را فخری برای خویش می‌شمرده، باید تحقیق کرد و دید.

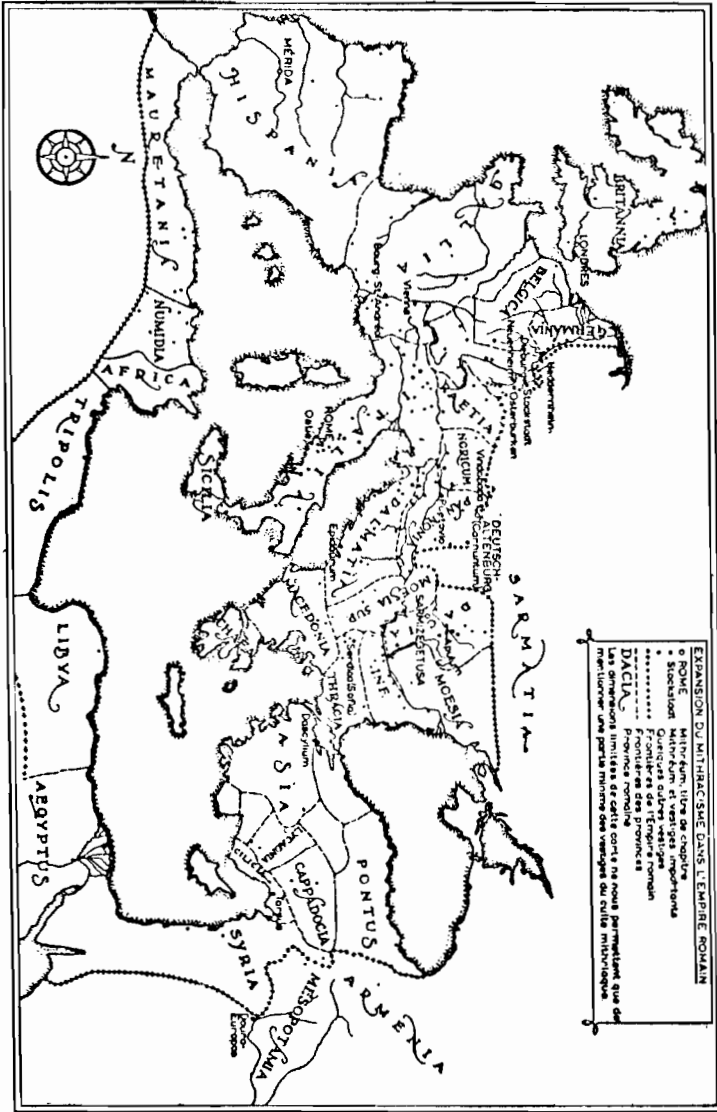
در پرستشگاه آوانتن^۳ مهرپرستانی را می‌بینیم که ردیف وار هدایائی برای میترا می‌برند. اگر به نام‌های این اشخاص اعتماد بتوان کرد، ظاهراً شرقی هستند، موی سر را از ته تراشیده‌اند و انبوهی ریش، گردن‌بندوار عارض آن‌ها را فرا گرفته است. هنرمندی که این تصاویر را کشیده شخصیت هر یک از افراد را جداگانه توصیف کرده است.

1. Jahribol

2. Maréos , Mareinos

3. Aventin

شکل ۴: گسترش آئین مهری در امپراتوری رم



روش‌های تبلیغ در آئین میترا

دیدیم که سربازان و پیشه‌وران، آئین مهرپرستی را تا به دورترین مرزهای امپراتوری روم پیش بردند. در مدارک کتبی که به دست آمده، بیش از پیش به نام سرداران و بلندپایگانی برمی‌خوریم که هوادار پرشور میترا هستند. در اسناد یافته شده در ناحیه پوئوویو یک سلسله نام‌های صاحب‌منصبان گمرک را می‌بینیم که متدین به دین میترا هستند و نیز فرماندهان لشکر و فرمانداران استان‌ها را می‌یابیم که نذر کرده‌اند و محراب و مذبحی برپا داشته‌اند. مجسمه‌ای در رم یافته شده که اکنون در بریتیش میوزیوم قرار دارد و نام ترایانوس بنده آزادشده‌ای روی آن ذکر شده است. در اواخر قرن اول مسیحی عقاید شرقی در رم نفوذ کرد، در ناحیه استی مجسمه نیم‌تنه‌ای از ترایانوس امپراتور رم یافته شده که کلاهی فریجی^۱ بر سر دارد. ترایانوس فرماندهی چندین جنگ را در کشورهای شرقی به عهده داشته است.

یک قرن بعد در زمان سپتیموس سوروس که زوجه‌ای از اهل سوریه به نام ژولیا دومنا^۲ داشت، در خانه خصوصی ییلاقی ترایانوس امپراتور روم معبدی شاهانه مشرف بر رود آوانتن ساخته شد. از این به بعد عقاید مهری در دربار راه یافت و دینمردی مهرپرست به تنسيق امور دینی آنجاگماشته شد. اگر به قول مورخان اعتماد کنیم، در همین گیرودار کمد^۳ امپراتور رم بر تعلیمات

1. Phrygien

2. Julia Domna

3. Commode

میترا آگاهی یافت. پسران سپتیموس سوروس، یعنی کارا کالا^۱ و گتا^۲ به پرستش
 میترا شوق ورزیدند و در حمام‌های معدنی کارا کالا و در رم معبدی مستقر شد
 و در همین اوان بود که چندین پرستشگاه (از جمله سنت پریسک) در رم و
 افریقا که میهن خانوادگی امپراتوران مذکور بوده بنا شد. حتی در پالاتن^۳ مقر
 باشکوه امپراتوران رم، آثاری از دین میترا یافته شده، مهر تا پای کاپیتول^۴ و
 فورم^۵ نیز پیش رفته است.

ادیان شرقی سی بل^۶ و ایزیس^۷ بیش از عقاید مذهبی یونان راه ورود
 میترا به کاخ پالاتن را باز کردند و علت اساسی آن هم اعتقاد راسخ دین مهری
 به نجوم و تأثیر ستارگان در سعد و نحس امور خاکیان بوده است. در مرکز
 اعتقادات نجومی مهرپرستان، ایمان به خورشید وجود دارد. می دانیم که مهر
 پادشاهی است که در میان ستارگان قرار دارد و اوست که قدرت و جلال به
 پادشاهان روی زمین اعطا می کند. نخستین امپراتوری که این عقاید مجرد را
 عملاً متحقق کرد، نرون بود که برای خود خانه‌ای موسوم به زرین سرا^۸ ساخت.
 نرون مهرداد را به حکومت ارمنستان منصوب کرد. و مقارن همین انتصاب بود
 که خود راهمچون میترای جدیدی خواند و از مؤمنان توقع احترام و ستایش کرد.
 فرمان داد تا در باغ‌های قصرش مجسمه‌ای عظیم به شکل هلیوس سل
 (خدای خورشید)^۹ از او پیرداختند و در همان جانصب کردند و مردم را به
 اکرام و اعزاز آن دعوت کرد. بعد از خاندان سوروس و نیز بعد از حکمت
 هلیوگابال^{۱۰} که وجود تاریخش قبول عام نیافته و محل بحث است، در اواخر
 قرن سوم مسیحی به ارلیوس^{۱۱} امپراتور رم برمی خوریم.

این امپراتور آئین پرستش خورشید شکست ناپدیر را رسمیت بخشید و
 در محل کنونی کلیسای سنت سیلوستر^{۱۲} معبد بزرگی برای خدای خورشید

1. Caracalla

2. Geta

3. Palatin

4. Capitole

5. Forum

6. Cybéle

7. Isis

8. Domus Aurea

9. Hélios-Sol

10. Héliogabale

11. Aurélius

12. Ste-Sylvestre

بساخت. آن طور که از ظواهر برمی آید، شک و تردیدی که ترایانوس امپراتور رم در قرن اول مسیحی در زمینه پذیرفتن آئین پرستش خورشید داشت، دیگر از میان رفت از این به بعد دین مزبور مقبول خاطر امپراتوران رم واقع شد، و آن هم بیش از پیش از طریق سلاطین مستبد شرقی را اتخاذ کردند.

این تحول را به وضوح روی سکه‌های بدست آمده می‌توان دید. امپراتور به تنهایی نماینده خدای خورشید است؛ اوست که هم فرمانروا^۱ و هم خداست،^۲ شکست‌ناپذیر^۳ و همراه^۴ و نگهبان مردمان است.^۵ می‌دانیم که صفات مذکور از دیرگاه، صفات منسوب به میترا خدای شکست‌ناپذیر خورشید است، اعتقادات نجومی همی هم بیش از پیش در مراسم دین مهری جایی برای خود باز می‌کردند.

وقتی که دیوکلسین^۶ امپراتور سالخورده رم، گالریوس^۷ ولیسی نیوس^۸ در ۳۰۸ بعد از مسیح در شهر کارنوتوم^۹ نزدیک شهر وین گرد آمدند و حکومت سه پادشاهی^{۱۰} به وجود آوردند، به یادگار معاهدات منعقد میان خویش قربانگاه و مهرکده‌ای وقف میترا کردند. بر این بنا میترا با حروف شکوهمند و به عنوان نگهبان قدرت امپراتوری رم وصف شده است. موفقیتی که دین مهری بخصوص در قرون دوم و سوم مسیحی یافت و سخت میان مردمان شیوع پیدا کرد ناشی از توجه و علاقه‌ای بود که خاندان امپراتوری به آن ابراز می‌داشتند. در خود رم تنها، بقایای بیش از صد معبد مهری یافته شده که در تمام نقاط شهر چه در خارج و چه در داخل ناحیه پومریوم^{۱۱} پراکنده بوده است. همه این معابد را در یک تاریخ نساخته‌اند، مع‌ذلک تعداد زیادی از آن‌ها مربوط به یک زمان هستند. این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که غار مهری هر چقدر هم وسیع باشد، ناگزیر بیش از عده محدودی از مهرپرستان رانمی‌تواند

1. Dominus

2. Deus

3. Invictus

4. Comes

5. Conservator

6. Dioclétien

7. Galérius

8. Licinius

9. Carnuntum

10. Triumvirat

11. Pomérium

در خود جای بدهد. این شد که چاره‌ای اندیشیدند. به این ترتیب که هر قدر بر شماره مهریها افزوده می‌گشت، به همان اندازه بر ابعاد پرستشگاه می‌افزودند، ولی سرانجام دیر یا زود مجبور به تأسیس پرستشگاهی جدید در جایی دیگر می‌شدند و به این منوال آئین مهری تکیه‌گاه‌های جدیدتری تحصیل می‌کرد.

معبد مهری چه شکلی دارد؟

پورفیر^۱ در کتابش^۲ از شخصی به نام اوبولوس^۳ روایت می‌کند که ستایش مهر در غارهای طبیعی انجام می‌گرفته است. نزدیک غار می‌بایست رودخانه‌ای جریان داشته باشد. از چنین نوع غار در فرانسه (بورسنت آندئول^۴) و آلمان (شوارتزردن^۵) و یوگسلاوی (کاوتات اپیدورم^۶) و شهر نفرتارا^۷ نزدیک پلوی^۸) تعدادی یافته شده و صورت میترا در حالی که مشغول ذبح گاو مقدس است، روی جدار سنگی غار کنده شده است. مهرکده‌ای که در ناحیه تیرگوسور^۹ یعنی در کوهستان‌های شمال غربی کنستانتزا (رومانی) به سال ۱۹۵۸ کشف شده، بسیار جالب توجه است. سنگتراشی موسوم به نیکومد^۹ سنگ‌های آن را تراشیده و نقل می‌کند که این غار در جنگل کوچک مقدس نزدیک رود فرات قرار داشته است. این رود فرات جویبار کوچکی است که همان رود بزرگ فرات واقع در بین‌النهرین گهواره آئین میترا است. گاهی اوقات که مقتضیات مکانی اجازه برپا ساختن معبد را که می‌بایست مطابق گفته زرتشت در غاری طبیعی باشد نمی‌داد، پرستشگاهی مصنوعی می‌ساختند و در این امر دقت می‌شد که نمازخانه به شکل غار باشد (شکل ۵). نتیجه این شد که تا حد امکان مهرکده‌ها زیرزمین ساخته می‌شدند. اغلب اوقات معاریف و

1. Porphyre

2. De Antro nympharum

3. Euboulos

4. Bourg Saint Andeol 5. Schwartzerden

6. Cavtat epidaurum

7. Nefertara (Plevlje) 8. Tirgusor

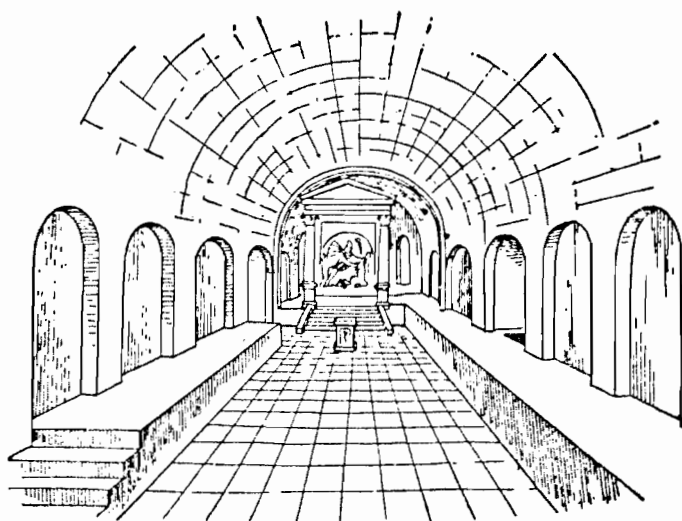
9. Nicomède



عکس ۱ - منقش باز یافته در دورا اریوس



عکس ۲- طاقچه مخصوص مراسم عبادی در مهرکده واقع در زیر کلیسای سنت پریسک



شکل ۵: درون مهرکده سردیکا (سوفیا)

بلندپایگان جماعات مهرپرست، بخشی از خانه خود را مخصوص ساختمان یک معبد می‌کردند. (کلیساهای سنت پریسک، سن کلمان و سن مارتین از این سنخ هستند.) اما غار نشانه‌گنبد آسمان است و به همین علت طاق پرستشگاه معمولاً محدب و مزین به ستاره است. در ناحیه کاپو^۱ در مهرکده‌ای، لونا^۲ را به طور جدا در حالی که درون ارابه خود قرار دارد و گاوی چند آن را می‌کشند، نمایش داده شده است. با وصف این، در این امر رعایت می‌شد که درون معبد تاریک بماند و تقریباً هیچ وقت پنجره و روزنه‌ای برای آن نمی‌ساختند. ترتولین در کتابش^۳ از این که خدای روشنایی را در معبدی بی‌فروغ که همچون

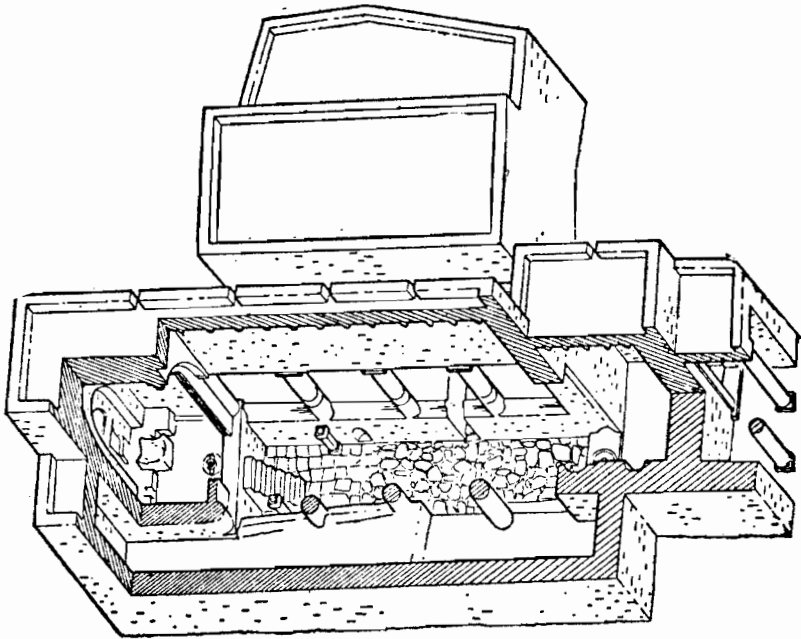
1. Capoue

2. Luna

3. De corona

«سنگر تیرگی‌ها» است، می‌پرستند، در عجب می‌شود. نظیر چنین استدلال تعجب‌آمیزی را نزد ماترنوس^۱ (چهار قرن بعد از مسیح) نیز می‌بینیم. این نویسنده که صاحب کتابی است در باب اصول ضاله ادیان مشرک، می‌گوید: «مهرپرستان نام ایزد خورشید به میترا می‌دهند و مراسم دین را در غارهای آن قدر تاریک انجام می‌دهند که گوئی در ظلمت آزاردهنده آن مخفی می‌شوند و از جذبه و زیبایی نور درخشان حذر می‌کنند.»

معمولاً قبل از تالار نمازخانه اتاقی قرار گرفته که در آن اسباب و آلات مورد لزوم در مراسم دینی گذاشته شده و نیز در همین اتاق است که مهرپرستان لباس مخصوص مذهبی را می‌پوشند.



شکل ۶: مهرکده دورا

1. Firmicus Maternus

روش تقسیم معبد به حجره‌های متعدد، در تمام معابد ثابت است. یک راهرو مرکزی می‌بینیم که در طرفین آن دو نیمکت سنگی طویل قرار گرفته است (شکل ۶).

معلوم نیست که این روش تقسیم نماد (سمبول) معنای خاصی است و غرض مخصوصی از آن اراده می‌شود یا نه؟ معابد ناحیه استی دارای راهرو و نیمکت‌های مفروش از موزائیک است. مراسم دینی در راهرو مرکزی انجام می‌گرفته و روی نیمکت‌ها بالش‌هایی قرار داشته مهرپرستان روی آن‌ها دراز می‌کشیده‌اند (و برخلاف چند تصویر نادرستی که ممکن است القای شبهه کنند، زنان نمی‌زدند).

پیروان میترا خصوصاً در موقع خوراک دراز می‌کشیدند. خدمتکاران خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را روی لبه برجسته قسمت جلو نیمکت قرار می‌دادند مقابل دیوار ته راهرو محرابی بر پا بود. اما گاهی هم دیده شده که نقش میترا روی دیوار باشد، بدون این که محرابی به چشم بخورد.

در نقش اصلی تصویر خدا یا از مرمر است که روی آن رنگ خورده یا مثل نقش بازیافته در سنت پریسک مرمر اندود است. اما غرض اساسی در ابنیه مهری نشان دادن میترا است، در حالی که مشغول ذبح گاو است. به این منظور درون محراب را با قشری از سنگ خارا می‌پوشانند. گاهی اوقات به دیوار محراب پرده‌ای می‌آویزند که تزیینات هنری دارد (در ناحیه استی). از آنچه گذشت در می‌یابیم که در نحوه ساختمان و آرایش معبد اختلافات سطحی و گونه‌گون وجود دارد. البته این اختلافات بی‌اهمیت معلول شرایط مکانی و یا تمایل آن کسی است که دستور ساختمان پرستشگاه را داده است.

مطابق سنن ایرانی، در معابد گاهی اوقات قبل از محراب، دو نمازخانه قرار می‌گیرند که آتش مقدس در آن فروزان است. برخی اوقات حوضچه کوچکی هم در نزدیکی در ورودی معبد دیده می‌شود. هدایا و نذوراتی که به معبد ارزانی می‌شود، بدون قاعده و رسمی خاص در طرفین چپ و راست

نمازخانه قرار می‌گیرند.

در بسیاری از معابد مهری، دیوارها مزین به نقوشی هستند که اشخاص مختلف نذر آن‌ها کرده‌اند. (معابد سارمیز گتوزا در رومانی و پتو در یوگسلاوی خصوصاً از این لحاظ بسیار غنی هستند.) در گوشه نیمکت‌های سنگی محراب‌ها و سکوهائی قرار دارد که روی آن‌ها مجسمه آدم‌های مشعل به دست گذاشته می‌شود. در همین جا یک یا چندین پله دیده می‌شود که برای رسیدن به سطح نیمکت‌ها ساخته شده است. اغلب، چاله‌های مخصوصی در خارج ولی نزدیک به معبد تعبیه شده که در آن استخوان‌های حیوانات قربانی شده را دفن می‌کنند.

به غیر از در معابد رم و استی، شبستان منقوش کمیاب است. غالب اوقات معابد ابعاد نسبتاً محدودی دارند، ولی در برخی موارد اتاق‌هایی ضمیمه معبد می‌شود که غرض از ساختن آن‌ها همیشه روشن نیست.

در جلو معبد استی آشپزخانه کوچکی هم ساخته شده است.

با این وصف نزدیک سنت پریسک شبستان بسیار قابل توجهی وجود دارد. در اطراف فضائی که مخصوص مراسم دینی بنا شده، سه نمازخانه برپا گردیده است. از این معبد سنت پریسک تا کنون به کرات سخن رفته، اما هر قدر هم که ابعادش زیاد شایان توجه نباشد، میان سایر معابد مهری اهمیت خاصی دارد. این پرستشگاه در پای تخت امپراتوری روم ساخته شده و به این علت معبد اصلی مهرپرستان رم است. در این معبد در کنار محراب اتاق کوچکی قرار گرفته که روی یکی از دیوارهای آن تصویر دومی از جنس مرمر نما وجود داشته که امروزه متأسفانه از میان رفته است.

در کنار دیوار ظرف‌های متنوع بزرگی قرار گرفته‌اند که ته ندارند و شاید به هنگام می‌گساری به افتخار میتره به کار می‌رفته‌اند. در گوشه این معبد شاید منظره‌ای از تولد میتره نقش شده بوده است. در ۱۹۵۴ در این اتاق کشف

بزرگی شد و آن دو سر زیبا از ونوس^۱ و سراپیس^۲ (تصویر ۷) از جنس مرمر بود. در سه نمازخانه جنبی مذکور سکوهائی وجود دارد که ارتفاع آنها در تالار مرکزی کم است و دو اتاق دیگر بیشتر برای نشستن مورد استفاده قرار می گرفته‌اند.

تقریباً مطمئن هستیم که این سه اتاق مخصوص مراسم مشخصی بوده‌اند. در نمازخانه مرکزی، محرابی هست که احتمالاً منقوش به سر میترا از جنس مرمر نما بوده. دور این سر دایره‌ای دیده می‌شود که روی آن علائم منطقه البروج کشیده شده است. جلو محراب مصطبه‌ای قرار دارد که درون آن حوضچه‌ای به طریقی ساخته شده که اگر شخصی زانو بزند، بتواند سر خود را درون آب فرو ببرد و یک نوع غسل تعمید بکند.

در اتاق طرف چپ ظرفی در سطح زمین مدفون شده است، در این ظرف، ظرف دومی قرار دارد که ته آن سوراخ است و روی لبه آن خطوطی نقش گشته که کشف و قرائت آن سخت مشکل می‌نماید. در تفسیر این خطوط متأسفانه آراء بسیار مختلف است. پرفسور ث. و. فلگراف^۳ استاد دانشگاه اوترخت^۴ واژه‌های زیرین را روی این ظرف چنین خوانده است: «و من ترا با آتش داغ می‌کنم، بیاساتورن. بیا آتر. بیا آپس.» ساتورن و آپس زوج ایزدی عصر طلائی هستند و آتر خدای آتش ایرانیان است. هر وقت سالک طریقتی را می‌خواهند با آتش داغ کنند از آتر استمداد می‌طلبند. در ته ظرف مذکور پیاله‌ای از جنس شیشه قرار دارد که پرفسور فلگراف علت وجودی آن را دریافته است. پرفسور اِگر^۵ استاد دانشگاه وین راه حل دیگری پیشنهاد می‌کند که کاملاً متباین با قرائت پرفسور فلگراف است. مطابق قرائت اِگر جمله زیر به دست می‌آید: «ای مارکوس ارلیوس! ای پدر، این را به کوتس اهدا کن.» بنابراین روایت، مراد قربانی‌ئی است برای کوتس و در چنین صورتی، پیاله

1. Vénus

2. Sèrapis

3. Vollgraff

4. Utrecht

5. Egger

شیشه‌ای به کار می‌گساری مذهبی می‌خورد. من از اظهار هر نوع عقیده در این باب احتراز می‌کنم، چون هیچ یک از دو قرائت را نمی‌توانم بپذیرم. به غیر از مقادیری خال و گچ و گل رُس چیز دیگری در اتاق سوم یافته نشده است. به این اتاق فقط از راه نمازخانه مرکزی می‌توان دسترسی یافت و غرض از ساختمان آن نیز هنوز بر ما پوشیده مانده است. اگر نظر استاد فلگراف در باب نمازخانه طرف چپ درست باشد، اتاق مرکزی مخصوص غسل تعمید با آب است و حال آن که اتاق سوم، اتاقی است که احتمالاً غسل تعمید با خاک در آن انجام می‌گرفته است. در مورد معبد اصلی باید گفت که مقصود از آن عبور باد از نردبام افلاک سبعة است. (فصل «ستارگان و عناصر» را ببینید.) کسی که در تمام این مراسم شرکت جسته در واقع از میان کل عناصر عبور کرده و نظیر همین امر بدون کم و کاست در مناسک سَری ایزیس وجود دارد.

سالک طریقت در چه مرحله‌ای از تشریف مجبور به عبور از این چهار عنصر می‌شود؟ ما می‌دانیم که شیر علامت آتش است (رجوع کنید به فصل مراتب هفتگانه تشریف) و بنابراین می‌توانیم قبول کنیم که درجات پائین تر به ترتیب نماد زمین و آب و هوا بوده‌اند. در درجه پائین کلاغ قرار داشته و در اطاق اصلی معبد به رموز آن تشریف می‌یافته، در نمازخانه‌های جنبی اتاق اصلی، «همسر»، «سرباز»، و «شیر» بر اسرار آئین وقوف می‌یافتند. وقتی که از مراتب هفتگانه تشریف که سالکان بایست از آن عبور کنند تا به اتحاد نهائی با میترا واصل شوند صحبت کردیم، از مسائل مذکور در فوق نیز سخن خواهیم راند.

مهرکده‌های مشهور یا مهم

پرستشگاه نزدیک کلیسای سنت پریسک روی تپهٔ آوانتن رم.

آوانتن^۱ یکی از دلپذیرترین تپه‌های رم است و زیبایی‌های تابناک و باشکوه دارد. این تپه مشرف بر رود تیبیر^۲ است و چشم‌اندازی عالی مشرف به قصر پالاتن^۳ دارد و بندر استی از روی تپه به طرزی چشم‌نواز نمایان است. در دامنه‌های این تپه نسبتاً بزرگ، نقاطی قرار دارند که حائز اهمیت بسیارند. مثل امروز در زمان امپراتوران رم هم در دامنه‌های تپه آوانتن محله‌های مجللی قرار داشت که در آن خانه‌های متمولین ساخته شده بود و آب جاری به وسیلهٔ کاریزهای روی زمینی وارد خانه‌های مردم می‌شد. در کوچه‌های این شهر سکوت و آرامشی حکومت می‌کرد که متباین با روح پریاهوی شهرهای جنوبی اروپا بود. در اواخر قرن اول میلادی، تریانوس فرمان داد تا قصری نزدیک کاخ دوستش ل. لی‌سی‌نیوس سورا^۴ که مانند خود او از نژاد اسپانیایی بود، بساختند. تحقیق در متون تاریخی وجود این کاخ مجلل را در ناحیهٔ آوانتن بر ما مسجل کرده بود، اما دکتر وان‌اسن^۵ باستان‌شناس انستیتوی تاریخ هلند در رم ثابت کرد که این قصر احتمالاً در همین محل کلیسای سنت پریسک که در آغاز قرن پنجم مسیحی ساخته شده قرار داشته و افتخار این کشف از آن

1. Avantin

2. Tibère

3. Palatin

4. Licinius Sura

5. Van Essen

اوست. بنا بر آنچه گذشت، ساختمان مورد بحث، نزدیک کلیسای سنت ساین و روی تپه معروف به آوانتن بزرگ قرار داشته است.

اتفاقاً روی آجرهایی که از زیر کلیسای سنت پریسک بیرون کشیده اند، نام کارخانه آجرسازی کنده شده است، و چنین امری روی آجرهای سایر ابنیه تاریخی رم نیز مشاهده شده است. یک محقق امریکائی به نام بلوخ^۱ در باب این نام‌های منقور بر آجر تحقیقاتی کرده و سیاهه‌ای از نام‌های منقوش روی آجرهای کلیساهای معروف درست کرده است که بر اساس آن می‌شود هویت و اسم و رسم بناهای ناشناخته را معلوم کرد.

با بکار بردن این روش بوده که توانسته‌ایم آثار باز یافته در قصر واقع در زیر کلیسای سنت پریسک را منسوب به ترایانوس کنیم و حتی اصلاحات بعدی که در این قصر انجام شده به کمک همین اسناد روشن گشته است. این قضیه محقق شده است که بعد از مرگ ترایانوس در سال ۱۱۷ بعد از مسیح، مالکیت قصر مزبور به جانشینانش سپرده شد. وقتی که امپراتوران متعلق به دودمان سور^۲ (که اصلاً سوریه‌ای بوده‌اند) بر تخت سلطنت دست یافتند (دو قرن بعد از مسیح) معبدی مهری در کاخ آوانتن برپا شد. تاریخ صحیح ساختمان آن از روی متون مکتوب بر جدارهای محراب این معبد به دست آمده است. روی همین محراب تصویری از میترا وجود دارد که در حال کشتن گاو است و متنی دارد به این شرح: «روز شنبه در تاریخ هجدهم ماه (آسمان)، یعنی دوازده روز پیش از اول ماه دسامبر در زمان حکومت قنسولی دو امپراتور سور و آنتونین^۳، بامدادان، موقعی که اولین پرتو آفتاب برون آمد، زاده شدم.»

مطابق تقویم و گاهشماری رمی، این تاریخ مصادف با بیستم ماه نوامبر سال ۲۰۲ مسیحی است. در این تاریخ سور و پسرش کارا کالا حکومت کنسولی را در دست داشتند. متن فوق متعلق به مردی است که نخواسته نام خود را ذکر کند و در روز مذکور متولد شده یعنی بر رموز دین تشریف یافته و سالک

1. Bloch

2. Sévères

3. Antonins

طریقت شده و امتناعی که از ذکر نام خود کرده موجب تعجب است. این راهم بگوئیم که این امر تشریف بر رموز درست دو روز بعد از زادروز میترا در سوریه وقوع یافته است. نوشته‌هائی بدست آمده که مربوط به سال ۳۲۲ بعد از مسیح است و نویسنده آن‌ها که مردی است لشکری از شهر سالسووی^۱ در ناحیه موئزی سفلی^۲ تاریخ ولادت فراموش ناپذیر خدا را هجدهم نوامبر در تقویم مسیحی می‌داند. احتمال این است که نویسنده نوشته‌های روی دیوار معبد آواتن از اهل سوریه باشد. زیرا در نقاشی‌های دیوارهای جانبی معبد آواتن نام‌های شرقی یافته می‌شود. در هر حال، این مسئله ثابت شده که محراب معبد در سال ۲۰۲ مسیحی آماده برای برگزاری مراسم دین بوده است.

اما مطابق عرف جاری، معبد از تالاری تشکیل شده بود که در آن یک راهرو مرکزی و دو نیمکت در طرفین آن وجود داشته است روی دیوارهای جانبی تصاویری بابی سلیقگی از مراسم تشریف بلند پایگان به اسرار دین نقاشی شده (اغلب اینان شیر هستند). آن سوی مدخل معبد درست در آن جا که نیمکت‌ها قرار دارند دو محراب ساخته شده که در آن تصاویر مشعلداران دیده می‌شود. در محراب وسیع چسبیده به دیوار ته معبد نقشی از میترا هست که گاوی را قربانی می‌کند. روی دیوارنگاره‌ها (فرسک) اسامی متشرفان این عهد دیده می‌شود. گاهی اوقات به نام‌های اشخاصی برمی‌خوریم که شرقی هستند و بعد از این که در امر تجارت در رم و یا در استی صاحب مکنت شده‌اند، در آواتن مسکن گزیده‌اند.

تا سال ۲۲۰ بعد از مسیح، یعنی تقریباً طی ۲۰ سال، مراسم مذهبی در این معبد نسبتاً کوچک ادامه یافت. شاید در اثر مساعی مرشد جماعت مهري این معبد را بزرگ‌تر کردند و تغییراتی در آن دادند. بدین قصد بهترین صنعتگران را فرا خواندند، روی نقاشی‌های سابق را با قشری از ماده‌ای مرم‌گونه اندوختند و تصاویر جدید و زیباتری نقاشی کردند. البته موضوع

1. Salsovie

2. Moésie

نقاشی‌ها تغییر نیافت و آن اغلب متوقف بر تصویر یک گله شیر بود که تحف و هدایا حمل می‌کردند. با این وصف از ترسیم مجدد برخی جزئیات اجتناب کردند و چیز دیگری به جای آن‌ها نشاندهند. از جمله آیات بسیار قابل توجهی که روی نقاشی‌های قدیم نوشته شده بود حذف شد و مثلاً تصویر هفت درجه سالکان طریقت برجای بماند و با تغییراتی مختصر جماعت معاریف مجدداً نقاشی شد. روی دیوار چپ تصویر مجللی از مجلس طعام خدای خورشید و میترا اضافه شد. نقاشی‌هایی که بعد از سال ۲۰۰ مسیحی ترسیم شده‌اند، این تصور را می‌انگیزند که گوئی پرداخته دست چندین هنرمند هستند و حال آن‌که تزیینات مجددی که در معبد کرده‌اند، ظاهراً کار یک نفر بوده است.

در این تزیینات ابتکار دیگری هم صورت گرفت، بدین معنا که تصویری مرراندود از آسانوس - کائوس^۱ کشیدند، که در معجزه قربانی گاو حضور یافته است و البته تا کنون متوجه شده‌ایم که موضوع اساسی غالب تصاویر مهری همین مراسم قربانی است. در نقاشی مزبور میترا حالت باشکوهی دارد، گیسوان بافته شده مجعد دور سر زرین او را گرفته‌اند، کلاهی بر سر و پیراهن بلندی به رنگ آبی سیر در بر دارد. تا این جا ابتکار در تزیینات مربوط به فدائیان میترا بود. در این نقوش ابتکار آمیز به میترا و گروه یارانش، سراپیس^۲ (خداوند باروری در مصر) و ونوس و مارس و سایر خدایان کره زمین نیز ملحق شدند. این نقاشی‌ها نیز کار دو صورتگر هستند و ارزش هنری آن‌ها بدون تردید بسیار است. هر یک از این دو هنرمند چشم‌های اشخاص تابلو را به طرزی خاص و موافق سلیقه شخصی خود کشیده‌اند. سه نمازخانه به طرفین معبد اضافه کرده‌اند. این نمازخانه‌ها به این کار می‌آمد که مناسک ویژه تشریف در آن‌ها صورت می‌گرفت. بعدها سرسرائی هم به معبد افزودند و آن را بزرگ‌تر کردند.

در قرون بعد یعنی تا پایان قرن چهارم بعد از مسیح، اصلاحاتی که در این معبد شد جزئی بود. به عنوان مثال، خصوصاً تصاویر مرراندوده را عوض

1. Océanus-Caelus

2. Sérapis

کردند، ولی باقی قسمت‌های معبد شکل اصلی خود را حفظ کرد؛ تا این که مسیحیان حکومت را به دست گرفتند. ظاهراً در گیرودار اصلاحات معبد زنی پریسک نام بخشی از خانه‌ای را که زیر معبد قرار داشت تصاحب کرد و همدینان خود یعنی مسیحیان را به آنجا دعوت کرد تا به مناسک عیسوی عمل کنند. می‌بینیم که به فاصله چند دیوار، دو دست رقیب در دو جا اعمال مذهبی انجام می‌دادند. اما دیری نپائید که مهرپرستان با عجله دیواری نزدیک یکی از مدخل‌های نمازخانه خود کشیدند تا چشم مردم نامحرم به آنجا نیفتد.

جدیت پریسک در امر دیانت باعث شد که سن پیر به دست خود این زن متقی را غسل تعمید بدهد؛ زنی که نتیجه تلاش او این شد که معبد مسیح و پرستشگاه میترا ایرانی مجاورت یافتند. همان طور که دین مهر در آغاز کاخ امپراتوران رم را تسخیر کرد، مسیحیت تازه کار هم به همان سیاق عمل نمود. همکیشان سنت پریسک مشحون از اعتماد به نفس پرخاشجویانه به معبد مهری هجوم آوردند و تمام آثار هنری موجود در آن را از میان بردند. در این غزوه دینی، با خشمی هنرشکن، مسیحیان بخصوص آن ادواتی را که مربوط به مراسم آئین منفور آنان بود نابود کردند. آثاری از جنس شبه مرمر، شمایل مجلس طعام خدای خورشید و میترا و خلاصه هر چه نقاشی به دستشان افتاد با کلنگ خرد کردند و از میان بردند. البته مهری‌ها کوشش کردند تا آنچه را که می‌توانستند نجات دادند و شاهد این مدعا کشف شانزده چراغ دست‌نخورده و سالم است. ولی از آن تاریخ به بعد دیگر مهری‌ها نتوانستند مراسم دینی خود را در همان معبد انجام دهند. مسیحیان اتاق‌های مقدس معبد را با خار و خاشاک و خرده‌ریزی که از گورستان مجاور به دست می‌آمد پر کردند و پس از آن متوجه ساختمان معبد شدند و بخش بزرگی از این خانه سابقاً مسکونی را خرد کردند. بدین طریق بر خرابه‌های معبد مهری، مسیحیان پیروزمندانه کلیسای سنت پریسک را ساختند. در نوشته‌های باستانی که به دست آمده

کلیسای سنت پریسک را با کلیسای سنت ماری ماژورا^۱ سنجیده‌اند. مطالبی که به طور خلاصه نقل شد، حاصل تحقیقاتی است که بیل به دست در حین حفاری‌ها انجام داده‌ایم. کاوش‌های باستان‌شناسی در این ناحیه را کشیش‌های مسیحی منسوب به فرقه اگوستین‌ها^۲ در سال ۱۹۳۴ شروع کردند که تا سال ۱۹۳۷ طول کشید. غرض آن‌ها از این کاوش‌ها، دریافت اطلاعات بیشتری در باب کلیسای سنت پریسک بود، چنان که دیدیم منجر به کشف پرستشگاه شد. متعاقب اقدامات مذکور حفاری‌های انستیتوی باستان‌شناسی هلند شروع شد. طی این حفاری‌ها بازمانده‌هایی از نمازخانه این معبد به دست آمد، مقادیری خاک‌برداری شد و بالاخره در همان جا موزه کوچکی تعبیه شد که آثار باز یافته را در آن قرار دادند. اما به چه دلیل در تحقیقات راجع به دین میترا این معبد در درجه اول اهمیت قرار دارد؟

نخست به این دلیل که در این معبد آثاری هنری از جنس شبه‌مرمر به دست آمده که بسیار زیبا و کمیاب هستند. در اواسط ماه اوت ۱۹۵۶ در فضای کوچکی جنب محراب میترا، سرهای سراپیس و ونوس و مارس و سر دیگری از میترا یافته شده است. به علت زودشکنی جنس شبه‌مرمر، تعداد اشیاء حجاری شده شبه‌مرمری بسیار کم است. بیرون کشیدن سرهای مزبور چندین هفته طول کشید، چون هر دفعه که بخشی از سر از زیر خاک بیرون می‌آمد، می‌بایست منتظر ماند تا خوب خشک بشود که بتوان باقی آن را از زیر خاک بدر آورد.

بعد از این که این کار انجام گرفت، تازه آقای ژ. سانسونه تعمیرکار ایتالیائی آثار عتیقه مجبور شد ماه‌ها کار کند تا با تزریق گرد مرمر در بدن آثار باز یافته استحکام آن‌ها را حفظ کند. فوق‌العاده‌ترین اثری که به دست آمده، سر حیرت‌انگیز سراپیس خدای مصری است که کلاهی به شکل سبد میوه به سر دارد و مراد از آن اشاره به آفرینندگی ذات اوست (تصویر ۷). شاید حجاری این

1. Sainte-Marie Majeure

2. Augustins



شکل ۷: سرابیس، خدای مصری

سر تقلیدی از آثار سنگتراش یونانی موسوم به بریاکسیس^۱ است کله مزبور صورتی به شکل صورت ژوپیتر دارد؛ موی سرش حلقه حلقه و فراوان و محاسنی انبوه دارد قیافه اش جدی و مهربان است. این خدا را گاهی اوقات با ساتورن یکی دانسته‌اند. ولی امر باز یافتن خدای مصری (که معمولاً با ایزیس همراه می‌آید) در معبد مهری معرف این است که مهری‌ها در مراسم دینی خود دوباره او را قبول کرده‌اند. دلیل این استقبال مجدد هم تمایل مهری‌ها به داشتن

1. Bryaxis

دینی بوده که مذاهب دیگر را در خود هضم کرده تا اولویت خویش را بر آن‌ها به ثبوت برساند. نظیر پدیدهٔ مزبور را در یک سنگ نیشتهٔ یونانی (تاریخ تحریر آن همزمان با حجاری سر سراپیس است) یافته‌اند. این کتیبه در تالار بزرگ معبد نزدیک گرمابه‌های کاراکالا پیدا شده و به صورت وقف به خدای زئوس - هلیوس به سراپیس بزرگ و به میترای رهائی‌بخش و ثروت آفرین نیکوکار و شکست‌ناپذیر اهدا شده است. اما آنچه که بیش از همه در معبد آواتن جالب نظر می‌کند، دو قشر روی هم قرار یافته نقاشی‌های روی دیوار است. این نقاشی‌ها تنها منبع اطلاعات ما در باب جزئیات آداب و مراسم آئین میترا است که در پنهان کرد آن سخت کوشش می‌شده است. حال به تفسیر جزئیات دیوارنگاره‌های (فرسک) مذکور می‌پردازیم: روی دیوار چپ معبد تعدادی شیر دیده می‌شوند که حامل هدایائی هستند. در جلو ردیف شیران شخصی به طرز دینمردان مثل یک مجسمه ایستاده است. در دست راستش شمعی افروخته و در دست چپش یک دسته شمع قرار دارد. در عقب او شخص دیگری را می‌بینیم که حامل یک خروس است. در میان شیران، شیر فبوس^۱ (= درخشان) و شیر ژلاسیوس^۲ (خندان) مشخص هستند. شیر اول ظرفی از جنس شیشه به دو دست گرفته که در آن تکه‌ای نان یا یک شیرینی نهاده شده و شیر دوم کوزه‌ای در دست دارد. این هدایا بسیار جالب توجه‌اند و بسیار زود می‌توان رابطهٔ آن‌ها را با تصویر مجلس طعام سل و میترا که در واقع هدف شیران است، دریافت.

نان و شراب معرف و جانشین گوشت و خون گاو مقدس است (فصل «افسانه میترا» را ببینید). پردهٔ نقاشی مورد بحث مربوط به تقریباً ۲۲۰ سال بعد از مسیح است و گفته‌های سابق ما را در باب مراسم دینی و موبک سالکان طریقت تأیید می‌کند. این سالکان، رهروان مراحل هفتگانه وصال‌اند و در یک شمایل دیگر هر کدام از آن‌ها واجد مشخصات و علائم مربوط به مقام و

1. Phoebus

2. Gelasius

منصب خودشانند. (بخش «مراحل هفتگانه تشریف» را ببینید.)

روی پرده دیوار سمت راست، مراسم قربانی گاو و قوچ و خوک به طرزی زنده نقاشی شده است. در رأس موکب مردی قرار دارد که دیگران را هدایت می‌کند و متشرف به اسرار دین مهری است و به همین علت لقب شیر به او داده شده است.

از این قسمت پرده فقط تکه‌هایی چند برای ما باقی مانده است. در دنبال مرد فوق‌الذکر، شخص دیگری در حالی که افسار گاو سفیدی را در دست دارد، دیده می‌شود و بعد از او شیری می‌آید که حامل خروسی سفیدرنگ است. جامه‌ای کوتاه به تن و ریش صورتش به شکل گردن‌بند است. در عقب اینان مردی کمی گوز قامت دیده می‌شود که بره‌ای را به جلو می‌راند. نقاش این مرد را به شیوه امپرسیونیست ترسیم کرده است. او تنها شخصی است که به درون تالار نگاه می‌کند، ولی نقاش طوری چشمان او را کشیده که گوئی نگاهش مدام از نظر نگرنده می‌گریزد.

اما محقق دقیق فراموش نخواهد کرد که حالت این مرد، حالت مرد متدینی است که با خضوع و در عین حال غروری خاص، پیشکش یا قربانی خود را در میان گروه حمل می‌کند. در آخر صف، شیر «حامل پیروزی»^۱ و شیر «عطیه خداوندی»^۲ قرار دارند و به ترتیب حامل کوزه و خوک هستند. این نقاشی مربوط به مراسم قربانی گاو تنها سندی است که منسوب به قرن سوم مسیحی است و برای تحقیق در مراسم دین مهری اهمیت سرشار دارد؛ درست نظیر گاو زیبایی که در معبد کاپو^۳ یافته شده و مهر در حال کشتن اوست. رنگ این گاو هم سفید است. وجود خروس در این نقاشی‌ها قابل توجه است و چه در نقوش قشر زیرین دیوارهای معبد و چه روی پرده‌های دیوار سمت چپ معبد دیده می‌شود. خروس «پرنده ایران» است و خروش او اهریمن بدکار را می‌راند. خروس در آئین زرتشتیان جانوری مقدس است و نوع سفیدرنگ آن

1. Nicephore

2. Théodore

3. Capoue

را به اهورامزدا و میترا هدیه کرده‌اند. این عقاید در غرب منتشر شده و در کاوش‌های باستان‌شناسی دلایل مؤید آن به دست آمده است. هیپولیت^۱ از این نظر قابل توجه است که می‌گوید باید غسل تعمید را به هنگام آواز خروس^۲ انجام داد، زیرا چنان که گفتیم به نوای خروس خاصیت راندن شیطان را منسوب می‌کردند.

مؤید نکته مزبور متون دیوار نوشته‌هایی است که هنگام تشرّف به اسرار دینی در سحرگاهان ذکر کرده‌اند. نیسفور (شیر حامل پیروزی = پیروزی) حامل کوزه‌ای است که به کار صرف شراب می‌خورد، مگر این که احیاناً خون گاو قربانی شده در آن بریزند. امر ذبح گاو مراسمی بوده دولتی و مؤید نظر مزبور این است که خود معبد مهری نزدیک سنت پریسک هم دولتی بوده است. مراسم قربانی را در نقاشی‌های قشر زیرین نمی‌یابیم. روی دیوار سمت چپ فقط تصویر گاوی خردسال (گوساله) و خوکی با پشم انبوه دیده می‌شود. آن طور که از ظواهر برمی‌آید، قربانی گاو طی مراسمی مخصوص شاید به افتخار نوسازی عمارت معبد در حوالی سال ۲۲۰ مسیحی انجام گرفته است. البته مثال‌های متعدد دیگری هم از قربانی گاو وجود دارد که موقع تجدید عمارت و بزرگ کردن معابد و بقاع مقدس انجام می‌گرفته است.

چندین سطر از متنی که روی نقاشی قشر زیرین دیوار معبد نوشته شده حائز اهمیت بسیار است. تحقیق در این نوشته‌ها را به بخش جداگانه‌ای موکول خواهیم کرد و نیز بحث در پرده‌های نقاشی این معبد را به آخرین بخش این کتاب که مربوط به معبد سنت پریسک است موکول می‌کنیم. کشفیات درخشانی که در این معبد شده است بسیارند! این اکتشافات حاکی از این است که فقیر و غنی در این معبد یکسان مراسم قربانی را انجام می‌داده‌اند. مثلاً کافی است سرهای دو مجسمه خدای خورشید را با یکدیگر مقایسه کنیم. قرارگاه خاص این مجسمه‌ها در معبد بر ما ناشناخته مانده است. نخست سر خدای خورشید

1. Hippolyte

2. Hora Gallicinii

(= سل) را می‌بینیم که کمی زمخت به نظر می‌رسد. جنس این مجسمه از سرب است و به جای چشم و دهان و اشعه هفتگانه حفره‌هایی روی بدنه آن ساخته شده که هرگاه چراغی پشت سر آن مجسمه قرار گیرد پرتو نور از سوراخ‌ها ساطع می‌شود. اما سر دیگری هم یافته شده که اثری است هنری و از جنس موزائیک مرمرین است.

انواع مختلفی از مرمرهای قیمتی به قطعات بسیار کوچک بریده شده‌اند و روی آن را صیقلی کرده‌اند. این عمل چندین هفته طول می‌کشد که البته حاصل آن سر زیبای خدائی است که امروز در دست ماست. گونه‌های او به رنگ قرمز لعل‌فام است و خرمنی از طره‌های گیسوان براق دور سر او را احاطه کرده‌اند. بنابر آنچه گذشت مهری‌ها معبدی در روی تپه آواتن داشته‌اند که در نوع خود بی‌نظیر بوده و اطلاعاتی به ما داده که از برکت آن کاوش‌های نواحی استی و لندن ممکن گشته است.

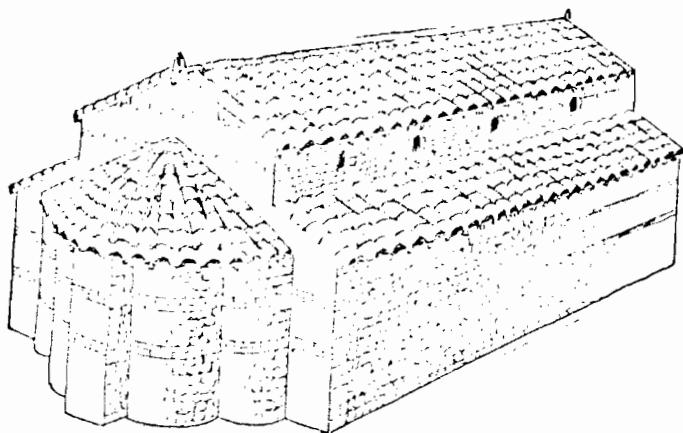
مهرکده‌ای که نزدیک والبروک^۱ در شهر لندن قرار دارد.

چند سال پیش نیست که استاد ژ. بکاتی^۲ کتابی در باب معابد مهری بندر استی نوشته است، این کتاب جزء یک سلسله انتشاراتی است که غرض از آن تفسیر تدریجی کلیه اکتشافات انجام شده در شهر استی واقع در کنار مصب رود تیبیر است. این شهر در قرون دوم و سوم مسیحی شکوفان بوده و با این که تمام زوایای آن بر علم باستان‌شناسی گشوده نشده، مع‌ذکک تاکنون شانزده معبد در آن جا سراغ کرده‌ایم و حال آن که جمعیت آن به پنجاه هزار نفر برآورد شده است. هر چند تعداد معابد یافته شده نسبتاً محدود است، ولی اگر آن را با معابد ایزدان دیگری (که در حاشیه دین رسمی قرار داشتند) که در

1. Walbrook

2. G. Becatti

استی وجود داشتند، مقایسه کنیم، اهمیت بسیار آن بر ما معلوم خواهد گشت. البته در بندرهائی که تعداد مردم شرقی نژاد زیاد بود، خدایان شرقی بسیار مورد پرستش بودند. بنابراین، هیچ جای شگفتی نخواهد بود اگر بگوئیم که در سال ۱۹۵۴ معبدی در بندر لندن یافته‌اند. هنوز همه ما جمعیتی را که هر روز دور و بر آثار بازیافته در حفاری‌ها گرد می‌آمدند در خاطر داریم.



شکل ۸: بازسازی نمای خارجی معبد لندن

کاوش‌ها درست در وسط شهر لندن نزدیک مانشن هوس^۱ انجام می‌گرفت. معبد نزدیک والبروک قرار گرفته و مطابق سنت مهری در مجاورت آن جویباری وجود داشته است. ولی وضع خاص زمین، چه در لندن و چه در استی، اجازه نمی‌داده که معبد را در زیرزمین بسازند. مهلتی که به باستان‌شناسان برای واری داده بودند بسیار کوتاه بود، و در این مدت معلوم شد که معبد یافته شده ابعاد نسبتاً کوچکی دارد (۷×۱۸ متر) و به مشرق نگاه می‌کند. راهرو مرکزی و نیمکت‌ها در دو طرف راهرو و محراب معبد تصور

1. Mansion House

یک کلیسای کوچک را در ذهن تماشاگر بیدار می‌کند (شکل ۸). این معبد در سال ۱۵۰ مسیحی بنیادگذارده شده و تا قرن چهارم مورد استفاده بوده است. در عرض این مدت اصلاحاتی در آن شد و سطح راهروی مرکزی را تا کف محراب بالا آوردند و بدین طریق با آن همسطح کردند.

کشف این معبد هیچ‌گونه تعجبی ایجاد نکرد در سال ۱۸۸۹ در همین محل آثار بسیار مهمی از این دین ایرانی بازیافته شده بود. در میان این آثار نقش برجسته‌ای یافته شد که میترا را در حال ذبح گاو نشان می‌داد. در حالی که دایره‌ای از صور منطقه البروج دور سر او را احاطه کرده بود. در چهار گوشه نقش برجسته دو نیم تنه یکی از ایزد باد و دیگری از ایزد خورشید و یکی هم از خدای ماه در حالی که سوار بر ازابه‌هائی هستند، دیده می‌شوند.

این نقش برجسته را کهنه سربازی رومی از لشکر دوم ارتش روم به نام اولیوس سیلوانوس^۱ که از شهر اُرائژ^۲ یکی از بلاد جنوب فرانسه می‌آمده، وقف معبد کرده است. در حفاری‌هایی که اخیراً انجام شده دست راستی پیدا کرده‌اند که احتمالاً متعلق به میترا است، ولی ابعاد آن به حدی است که نمی‌تواند متعلق به مجسمه‌ای بوده باشد که درون معبد مذکور افراخته بوده است. این کشف باعث شده که فرض کنند معبد دومی در همین ناحیه شهر لندن وجود داشته که بزرگ‌تر از معبد نخستین بوده است. اضافه بر آنچه گذشت بخش فوقانی مجسمه اسانوس را می‌شناختیم، اما روی سر او آن کلاه مخصوصی را که در سنت پریسک داشت، دیگر نمی‌بینیم. بسیار محتمل است که مثل معبد آواتن این تندیس در جلوی شمایل ذبح گاو قرار داشته است.

محل آخرین اکتشافاتی که در درون معبد شده معلوم نیست. سری مجلل از میترا از جنس مرمر به دست آمده، سری از یک بغبانو (آتنا^۳ یا شاید رُما^۴) نیز کشف شده است. تندیس کوچکی هم یافته‌اند که مرکور را در حالت

1. Ulpius Silvanus

2. Orange

3. Athéna

4. Roma

نشسته نشان می‌دهد. قسمت تحتانی یک نقش برجسته که مشعلداری را نشان می‌دهد هم پیدا کرده‌اند.

در یک نقش گروهی با کوس^۱ همراه یک ساتیر^۲ و یک مناد^۳ و سیلن^۴ در حالی که می‌خواهد سوار خر بشود، دیده می‌شوند. نقشی از خدای اسب سوار تراس یافته شده که می‌نمایاند برخی از مهری‌های لندن احتمالاً اهل شبه جزیرهٔ بالکان بوده‌اند. زیباترین بازمانده‌ای که در اکتشافات لندن به دست آمد، محققاً سر سراپیس است از جنس مرمر و در چهارم اکتبر سال ۱۹۵۷ یافته شده است. این کشف دو ماه بعد از یافتن سراپیس در سنت پریسک انجام شد و نشان می‌دهد که تا چه اندازه اتفاق در امور باستان‌شناسی باعث می‌شود که دو کشف مقارن یکدیگر انجام گیرند و متمم فایده یکدیگر بشوند. مقایسه این دو سر که یکی از شبه مرمر است و دیگری از مرمر، نتایج بسیار جالبی دارد. در هر دو اثر یک نوع حالت جدی و یک قسم شکوه و مهربانی احساس می‌شود.

اگر ترازنامهٔ کاملی از جمیع آثار باز یافته در معبد لندن ترتیب دهیم، خواهیم دید که اهمیت اساسی این معبد در محل اکتشاف آن است.

این معبد در واقع تنها پرستشگاهی است که در جنوب انگلستان یافته شده است. سایر معابد مهری انگلستان در طول خطوط استحکامات نظامی شمال این کشور، یعنی همان جا که لشکریان رمی خیمه و خرگاه زده بودند، دیده می‌شوند.

اکتشافات درخشانی که در معبد مریدا^۵ در اسپانیا شده است.

مریدا یکی از شهرهای باشکوهی است که در ایالت لوزیتانی^۶ واقع و به

1. Bacchus

2. Satyre

3. Ménade

4. Siléne

۵. Mérida: نام باستانی آن Emerita Augusta است.

6. Lusitanie

سبک رمی ساخته شده است و در زمان ما به علت کاوش‌های باستان‌شناسی که در آن کرده‌اند، اشتهاری عظیم یافته، نمایشخانه‌ای به سبک رمی، یک سیرک و یک آمفی‌تئاتر و چندین معبد در آن وجود دارد. در سال‌های ۱۹۰۲ و ۱۹۱۳ تندیس‌های نسبتاً ممتازی در آن یافتند که احتمالاً متعلق به یک معبد مهری بوده، ولی متأسفانه آگاهی‌های دندانگیری در باب آن‌ها نیافته‌ایم. اگر در این مقال توصیفی از قطعات باز یافته به دست می‌دهیم، به این علت است که میان این آثار و مکشوفات لندن و سنت پریسک و رم، قرابت و مشابهتی وجود دارد. از سنگ نوشته‌ای که در همین حفاری‌ها به دست آمده چنین برمی‌آید که در سال ۱۵۵ مسیحی شخصی به نام گایوس آکیوس هدیروس^۱ مقام مرشدی یک جماعت مهری را داشته است. همین شخص دو مجسمه وقف معبد کرده: اولی تندیس از مرکور است از جنس مرمر که روی صخره‌ای نشسته و بخشی از این صخره‌ها را روکش پوشانیده‌اند. مرکور به صورت عریان نشان داده شده و پای‌های او بالدار است. بربطی روی صخره کنده شده و متن مکتوب میان بربط جای گرفته است دومی تندیس‌ای است از اسآنوس که روی دلفین (خوک دریائی) قرار یافته که متأسفانه سر و دستش شکسته و از میان رفته ولی بقایای سبد میوه که نشان نعمت و فراوانی است به وضوح کامل باقی مانده است. پایه دلفین مزین به خطوط موج‌داری است که نماد آب است.

در زمانی که هدیروس پیرو مرشد این معبد بوده، مردی به نام کایوس کوریوس آویتا^۲ مجسمه‌ای به سبکی بسیار بدیع از میترادر سن و سال شباب وقف معبد کرده است. سازنده این مجسمه دمتریوس^۳ نامی بوده که اسم خود را به حروف یونانی زیر آن ثبت کرده است. این مجسمه مردی را به حالت ایستاده نشان می‌دهد که نیم‌تنه پرچینی بر تن دارد و به روی آن خرقة‌ای از پارچه سنگین پوشیده است. نزدیک پای چپ مجسمه دلفینی مشاهده می‌شود.

1. Gaius Accius Hedychrus
3. Démétrius

2. Caius Curius Avita

مجسمه دیگری به همین سبک یافته شده که در نوع خود شاهکار است، اما معلوم نیست که آن هم به دست دمتریوس ساخته شده یا نه. و آن تندیس است از ایزدی در آغاز جوانی، عریان و به حالت ایستاده، نیم تنه‌ای به سیاق جامه سربازان یونانی که فقط نیمی از بدن آن‌ها را می پوشاند، به بر دارد. نزدیک پای راست او ریشه درختی نمایان و شیری در حالت نشسته نقش شده است. احتمال می رود که این مجسمه تصویری از میترا باشد.

سنگ نوشته‌ای روی قربانگاه مرمرین معبدی یافته شده و معرف این است که در سال ۱۵۵ مردی به نام مارکوس والرئوس سکوندوس^۱ یکی از صاحب منصبان لشکر هفتم ارتش روم، در روز ولادت میترای شکست ناپذیر مذبحی را وقف او کرده است. نام فعلی محلی که این معبد یافته شده پلازاد توروس^۲ («میدان گاوان») است. اما میان آثاری که از زیر خاک بیرون کشیده اند، نقشی از میترا یافته نشده است. در هر صورت این معبد مملو از مجسمه بوده است. دو تندیس از ونوس، یکی از اسکولاپ^۳ و یکی از نپتون^۴، دو مجسمه از دو زن ایستاده ملبس به پوششی مخصوص و سرانجام سری از سراپیس به دست آمده که خطوط صورتش به آشکاری و صراحت دو سر بازیافته در سنت پریسک و لندن نیست. دو مجسمه از ایزد زمان هم به دست آمده که اولی، مطابق سنت، تصویری است وحشت انگیز از این خدا و دیگری نقشی است که در آن کوشش شده تا خدای زمان چهره آرمانی مهربان تری بدارد و به همین علت است که ساخت آن را به دمتریوس یونانی نسبت می دهند. در این مجسمه خدا به شکل یک جوان ظاهر می گردد. چهره‌ای نظیر چهره انسان دارد و روی سیئه او نقابی نقش بسته که معرف شیر است و همین نکته به طبع ذهن را متوجه مجسمه دیگری می کند که آن هم صورت یک مرد جوان است و در همین معبد یافت شده و شیری نزدیک او نشسته است. این مجسمه اهمیت

1. Marcus Valérius Secundus

2. Plaza de Toros

3. Esculape

4. Neptune

خاصی دارد و مجدداً در فصل مربوط به ایزد زمان از آن سخن خواهیم گفت. در این معبد فقط یک نقش برجسته یافت شده که صحنه غیر مألوفی را نشان می‌دهد. سه نفر انسان مقابل میزی دراز کشیده‌اند، روی این میز خوراکی (نان و شاید گوشت) نهاده شده است، و در طرفین آن‌ها دو شبح دیده می‌شود که ملبس به روپوشی بلند هستند. در سمت چپ این اشخاص انسان دیگری نمودار است که به اینان نزدیک می‌شود و سینی‌ئی در دست دارد که حامل سر گاو است. این نقش معرف این است که در مراسم خوردن طعام مقدس گوشت گاو صرف می‌شده و اگر تولد میترا را هم در همین صحنه مشاهده می‌کنیم معلول اتفاق نیست. چون همین میترا است که گاو را می‌کشد و با گوشت آن طعام مقدس را ترتیب می‌دهد.

مهرکده‌ای که در ناحیه دویچ آلتن‌بورگ^۱ نزدیک وین یافته شده است.

دویچ آلتن‌بورگ قصبه‌ای است در شرق وین (در ناحیه ویندوبنا)^۲ و نزدیک مرز مجارستان واقع شده. اشتهار امروزه این منطقه معلول چشمه‌های آب گرم آن است. اما در قرن اول مسیحی، رومیان شهر بزرگی به نام کارنونتوم^۳ در آنجا ساختند. این شهر بر سر دوراهی تجارتنی بسیار مهمی قرار گرفته بود و آن یکی راه آبی دانوب و دیگری جاده موسوم به عنبر بوده که دریای بالتیک را به شبه جزیره ایتالیا وصل می‌کرد. کارنونتوم پایتخت ایالت پانونی^۴ شد و چون از این نواحی قبایل مارکومان^۵ و کوآدها^۶ به امپراتوری رم هجوم می‌آوردند، شهر کارنونتوم مرکز تجمع نیروهای نظامی شد که برای رفع تهدید و تهاجم مارکومان‌ها و کوآدها لازم می‌نمود. مارکوس ارلیوس^۷

1. Deutsch-Altenburg

2. Vindobona

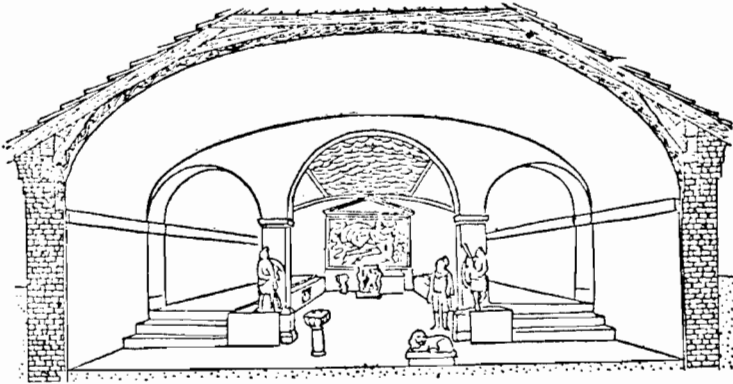
3. Carnuntum

4. Pannonie

5. Marcomans

6. Quades

7. M. Aurélius



شکل ۹: بازسازی معبد دویج - آلتن بورگ (اتریش)

قبایل دشمن را پس از جنگ‌های شدیدی که با آن‌ها کرد به شمال رود دانوب راند و در همین لشکرکشی در سال ۱۸۰ در وین رخت از جهان کشید. در سال ۱۹۳ مسیحی سپتیموس سوروس در کارنوتوم امپراتوری یافت و عنوان کلنیا^۱ (مستعمره) به آن داد، به این علت که سنگربندی لشگریان او در کنار این شهر واقع شده بود. در سال ۳۰۸ مسیحی دیوکلسین^۲ جانشینان خود را در شهر کارنوتوم جمع کرد و مجمعی از آنان ترتیب داد و چون به علت سالخوردگی از سلطنت استعفا کرد، می‌خواست در قصری که در ناحیه اسپالاتو^۳ در یوگسلاوی ساخته بود، بقیه عمر را به خرسندی بگذراند. اما مجال استراحت به او ندادند. اگوست^۴ و قیصر^۵ بر سر امپراتوری به جان یکدیگر افتادند و با اینکه امپراتور سالخورده مداخله کرد، مشکل از میان برنخاست. در مجمعی که دیوکلسین در ماه نوامبر ترتیب داده بود، گالریوس ماکسیمیانوس^۶ اگوست مشرقی^۷ و والریوس لیسینانوس لیسینیوس^۸ (معروف به اگوست مغربی)^۹ و

- | | | |
|------------------|---------------------------------|------------------|
| 1. Colonia | 2. Dioclétien | 3. Spalato |
| 4. Auguste | 5. César | 6. G. Maximianus |
| 7. A. d'orient | 8. Valérius Licinianus Licinius | |
| 9. A. d'occident | | |

ماکسی میانوس هرکولیوس که او هم استعفا کرده بود، اما منتظر فرصت بود تا دوباره به صحنه سیاست بیاید، شرکت کرده بودند. در این مجمع از شفاعت و میانجیگری دیوکلسین این نتیجه حاصل شد که ماکسیمیانوس از دعاوی خود دست کشید و قرار شد که دو مدعی سلطنت متفقاً به امور ملک بپردازند و از قیصر مستعفی استعانت و کسب نظر کنند. این دو مرد از روی حق شناسی قربانگاه بزرگی وقف میتراکردند که هم اکنون در موزه جالب کارنونتوم جای داده شده است. در متن مندرج بر دیوار مذبح چنین نوشته شده که اینان (اشاره به دو حاکم) به میترای شکست ناپذیر خطاب می کنند، چون او موافق با سلطنت ایشان است، میترایزد خورشید است و اینان معبد خدا را مرمت کرده اند.

این مذبح قبل از گرد آمدن سران دولت در معبد وجود داشته است. بعد از پایان مجمع کوشش شد تا متن اصلی که بر روی دیوار مقور بود پاک شود و به جای آن متن فوق الذکر را نوشتند. این امر که این دو فرمانروا متن مزبور را وقف میتراکردند و از ایزد دیگری نامی نبردند، منحصرأ معرف خوشرفتاری این دو پادشاه نسبت به عقاید ساکنان شهر کارنونتوم نیست (و باید دانست که در کارنونتوم لشکر پانزدهم رمی که از شرق باز می گشت، اطراق کرده بود). بلکه گویای این واقعت هم است که مناسک و نیایش خورشید شکست ناپذیر با مراسم پرستش شخص امپراتور مناسبتی تام داشت و به همین دلیل در مرکز آئین رسمی قرار گرفته بود.^۱

حفاری هایی که در سال ۱۸۹۴ شد، وجود این معبد را در قسمت غربی شهر آشکار نمود. (شکل ۹).

این معبد از مهم ترین معابد سه گانه ای است که تا به حال در دوویچ آلتن بورگ یافته شده. خود معبد ۲۳ متر طول و هشت متر و نیم پهنا دارد و نقش برجسته ای در آن وجود داشته که متأسفانه تکه تکه شده ولی قطعاتی از آن به دست آمده است. در نتیجه معلوم شده که نقش مزبور ۴ متر عرض و ۳

1. Swoboda, Carnuntum, 64.

متر ارتفاع داشته و سازنده آن تیتوس فلاویوس ویاتور^۱ بوده است. روی کلاه فریجی میترا منافذی دیده می شود که مخصوص دریافت اشعه خورشید بوده است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰: بازسازی نقش میترا در معبد دویج - آلتن بورگ

در این معبد، مذبح دیگری وجود داشته که اصول معماری آن کاملاً بدیع بوده است. تصاویری از خدایان چهارگانه باد و چهار فصل در آن باز یافته شده که از روی بال‌ها و مشخصاتشان می توان بازشان شناخت. اضافه بر آن، کائولوس^۲ که باده‌ها و فصول زیر فرمان او هستند، در این نقاشی میان بهار و تابستان قرار داده شده است. این مذبح را مردی رمی به نام ماگنیوس^۳ ساخته که به طوری که از لقبش هراکلا^۴ پیدا است نسبت به غیر رمی می رسانده.

1. Titus Flavius Viator

2. Caelus

3. Magnius

4. Heracla

تصاویر کوتس و کوتوپاتس در این معبد هم در مدخل نیمکت‌های جانبی نقاشی شده‌اند (رجوع شود به سنت پریسک) و اضافه بر این دو، نقش بسیار زیبایی هم از میترای جوان دیده می‌شود که از دل یک صخره مخروطی شکل زاده می‌شود. در کنار آن هم درخت بزرگی حک شده و صدفی هم از جنس سنگ سیاه بر روی پایه‌ای نصب گردیده که حکم حوضچه آب را داشته است. به این آثار شیری را هم باید اضافه کرد که میان پاهای خود سر گاوی را گرفته است.

در باره دیگر معابد ناحیه کارنونتوم اطلاعات وافی نداریم، ولی این را می‌دانیم که نزدیک معبد ژوپیتر دولیکنوس^۱ سوریه‌ای معبدی وجود داشته و پرستشگاه دیگری هم در کنار ساحل شمالی رود دانوب نزدیک یک معدن سنگ برپا بوده است. در معبد اخیر اضافه بر نقوش برجسته میترای، چندین تصویر از مشعلدار، زایش میترای و چند مذبح موقوفه یافته شده است.

این معبد مدتی مدید مورد استفاده بوده و بر سنگ‌نوشته‌ای، داستان تعمیر و مرمت غاری فرو ریخته از کهنگی و فرسودگی که معبد مذکور در آن ساخته شده، آمده است. تولد میترای در این معبد مورد توجه و دقت بسیار قرار گرفته است. چون دینمردی به نام پوبلیوس آئلیوس نیگرینوس^۲ مذبحی را در این محل وقف «صخره آفریننده» کرده و غلام زرخزیدی به نام ادلکتوس^۳ مذبحی وقف میترای «خدای روشنی آفرین» کرده است.

شخصی موسوم به تیتوس فلاویوس ورکوندوس^۴ فرمانده لشکر چهاردهم پیاده نظام رومی مذبحی مزین به تصاویری از کوتس و کوتوپاتس را وقف میترای کرده است. این شخص یعنی تیتوس فلاویوس ورکوندوس اصلاً از ناحیه ساواریای^۵ مجارستان است و آن شهری است در جنوب کانونتوم کنار بزرگراه یوگسلاوی.

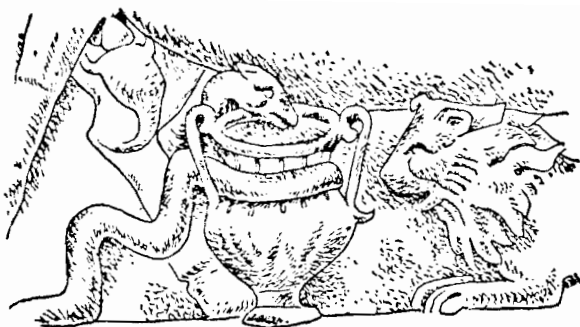
1. Dolichénus
3. Adlectus
5. Savaria

2. Publius Aelius Nigrinus
4. Titus Flavius Verecundus

در سطور پیش دیدیم که در معبد بزرگ شیری بوده که سر گاوی را میان پاهای جلو خود گرفته بوده. این نقش بکرآت در معبد کارنونتوم مشاهده شده و در پرستشگاه اخیر هم نمونه‌ای از آن را دیده‌اند. اما در این معبد روی سر شیر سوراخی حلقوی شکل دیده می‌شود. شاید جالب باشد اگر علت وجودی این سوراخ حلقوی را با نکته‌ای از تاریخ شهادت «کوآترو و کورناتی»^۱ مقایسه کنیم که برای تکریم آنان کلیسای مجلی در رم ساخته شده است. این کلیسا به چهار سرباز رومی که حاضر به پرستیدن اسکولاپ^۲ نشدند اهداء شده است. اما در روایتی دیگر آمده که کوروناتی‌ها احتمالاً سنگتراشانی بودند از اهالی مملکت پانونی^۳ که پایتختش کارنونتوم بوده و چون مطلقاً قبول نکردند که مجسمه اسکولاپ را بسازند به شهادت رسیدند. در تذکره احوال این چهارتن شهید آمده که شیرهایی می‌ساختند که از دهانشان آب فوران می‌کردند است.^۴ بنابراین، شیر سنگی احتمالاً مرتبط با یک چشمه طبیعی و یا یک منبع مصنوعی بوده است. تا به حال شرح داده‌ایم که نقش‌های برجسته‌ای از میترا یافته شده که در آن شیری با حالت تهدیدآمیز در مقابل ظرفی قرار گرفته است (شکل ۱۱). چه شیر سنگی مذکور در فوق و چه شیر تهدیدگر نقوش گونه‌گون ظاهراً نماد مدلول واحدی هستند. دو عنصر آب و آتش بایکدیگر مبارزه‌ای مستمر و آشتی‌ناپذیر دارند. به این دلیل سالکانی که در مراحل طی طریق به مقام «شیری» رسیده‌اند (شیر: سمبول آتش)، برای شست و شوی بدن خود از آب استفاده نمی‌کنند و به جای آن غسل به کار می‌برند. درنده‌خوئی شیر بیشتر از این جا فهمیده می‌شود که سر گاوی را میان دو پای خود گرفته است. نقش مهمی را که این گروه در نشانه‌ها و نمادهای مربوط به مرگ و مراسم تدفین داشته، محققین به نام فر. دورویت^۵ به اثبات رسانده است. اگر امروز علم بیشتری به احوال ساکنان کشور رومانی در زمان‌های قبل

1. Quattro Coronati 2. Esculape
4. Leones fundentes aquam

3. Pannonie
5. Fr. de Ruyt



شکل ۱۱: تکه‌ای است از یک نقش برجسته، که شیری را در حالت تهدیدآمیز نزدیک یک طرف نشان می‌دهد.

معبد سارمیزکتوزا (رومانی)

از امپراتوری رم داریم آن را مدیون تحقیقات آقای ث. دکوویسیو^۱ استاد دانشگاه کلوژ^۲ هستیم. کاوش‌های باستان‌شناسان در جنگل‌های ترانسیلوانی^۳ باعث شده که قلعه‌های نظامی ناحیه داس^۴ کشف شود و در دسترس مورخان قرار گیرد و از این روی باید سپاسگزار آنان بود. بر همین سیاق می‌باید کرده ترایانوس امپراتور رم را تحسین کرد، چون او بود که طی دو لشکرکشی این قلاع پراکنده بر روی ده‌ها تپه را به تصرف خود درآورد و دسبال^۵ پادشاه داس‌ها مجبور شد که از او اطاعت بکند. ترایانوس جنگجویی بوده نامور. تشکیلات نوین ایالت داس ساخته و پرداخته اوست و ستونی که به افتخار او در رم برپا شده از اهم آثاری است که در تکریم او ساخته شده. در غرب قلاع نظامی ناحیه داس در دره هاتگ^۶ همین ترایانوس، مهاجرنشینی به نام اولپیا

1. Daicoviciu

2. Cluj

3. Transylvanie

4. Dace

5. Décebal

6. Hatég

ترایانا اگوستا داسیکا^۱ ایجاد کرد که بعدها آدریانوس^۲، نام سارمیزگتوزا^۳ اسم پایتخت سابق ایالت داس را به آن داد. انگیزه^۴ این عمل امپراتور رعایت یک سنت سیاسی حکومت رم بوده است. مثلاً در قرن سوم قبل از مسیح، امپراتوران رم شهر فالریئی وترس^۴ (سیویتا کاستلانا)^۵ را که روی بلندی قرار داشت از میان بردند و به جای آن شهری به نام فالریئی نووی^۶ را در دشتی بنا کردند. شهر سارمیزگتوزا دارای حصار عظیمی بوده و ترقی و آبادانی بسیار یافته و شاهد آن بازارمکاره^۷ و آمفی تئاتر و سایر ابنیه معروف آن است و در آغاز قرن سوم عنوان مادرشهر (ام البلاد)^۸ را به آن داده اند و این عنوان را روی ستونی که به دست دو عامل بلدیة در یک معبد بر پا شده بازمی یابیم. این معبد را در سالهای ۱۸۸۳-۱۸۸۱ از دل خاک بیرون آورده اند و بزرگ ترین پرستشگاه مهری جهان است. ۲۶ متر طول و ۱۲ متر عرض دارد و از تالار قبه مانند وسیعی تشکیل شده که در آن مطابق عرف معماری مهری یک راهرو مرکزی تعبیه شده و در دو طرف آن سکوها یا نیمکت ها قرار گرفته اند، اما نمازخانه منضم به آن ندارد. در هیچ معبدی این قدر آثار تاریخی یافته نشده است. ده ها نقش برجسته به دیوارها آویزان بوده و چندین سکو مخصوص قربانی کردن گاو وقف این معبد شده که اطلاعاتی در باب اعضاء این مجمع دینی می دهد. شخصی به نام پرتاس^۹ فرستاده آمپلیاتوس^{۱۰} امپراتور روم برای سلامت پادشاه، ستونی از مرمر وقف این معبد می کند که سر آن مزین به سر گاو است. گاو در حال دویدن است و پرنده ای را هم می بینیم که برگی در منقار دارد. اسم پرتاس منشاء شرقی دارد. به همین علت است که پرتاس میترا را به لقب نابرز^{۱۱} می خواند که واژه ای است ایرانی و معنای شکست ناپذیر و یا

1. Ulpia Traiana Augusta Dacica

2. Adrien

3. Sarmizegetusa

4. Falerii Véteres

5. Civita castellana

6. Falerii Novi

7. Forum

8. Métropole

9. Protas

10. Ampliatas

11. Nabarze

شکست نیافته را افاده می‌کند. بنده‌ای کارپیون^۱ نام که آزاد شده و از رقیب امپراتور خلاصی یافته، حسابدار این معبد بوده است. والرینوس^۲ نام عضو مدرسه مذهبی منضم به پرستشگاه و در ضمن خادم مراسم دینی امپراتوری بوده است. (در ناحیه سارمیزگتوزا یکی از این خدام امپراتوری^۳ را از زیر خاک به در آورده‌اند.) لنگوس^۴ نام یکی از کارمندان موجب‌گیر این معبد بوده و شخصی به نام سیتوس^۵ هم دستیار حسابدار بوده، سوروس^۶ هم بنده‌ای است آزاد شده به دست امپراتور.

در این پرستشگاه که در سرحد امپراتوری رم قرار داشته همه متدینان به صلح و صفا می‌زیسته‌اند. جالب این جا است که دینمردی هم که در روم باستان از روی پرواز پرندگان تفال می‌کرده، نقش برجسته‌ای از میترا را، به هنگام کشتن گاو، وقف معبد کرده است. کرنلیوس کرنلیانوس^۷ عضو دیگری از این مجمع دینی بوده و این نکته را در باره او می‌دانیم که مدافع حقوق حمل‌کنندگان منبر بوده است. روی سکوی مخصوص قربانی موقوفه معبد که در ۱۸۵۶ باز یافته‌اند عبارت «تقدیم به میترا، خورشید شکست‌ناپذیر» را می‌یابیم. واقف این سکو شخصی است به نام هرما دیو^۸ که مسلماً یا شرقی و یا یونانی بوده است، چون در کنار واژه اینویکتوس^۹ لاتینی لفظ یونانی آنیستوس^{۱۰} را آورده که هر دو به معنای «شکست‌ناپذیر» است.

در ناحیه کاران سبس^{۱۱} (شهری که در قدیم تی بیسکوم^{۱۲} نامیده می‌شد.) که در جنوب شهر سارمیزگتوزا و در ساحل رود دانوب واقع شده است، سنگ نوشته‌ای می‌یابیم که به میترا تقدیم گشته و ساخته دست هرما دیو نامی است که ساکن ایالت داسی بوده. این شخص شاید همان لوسیوس فلاویوس هرما دیون^{۱۳}

-
- | | | |
|------------------------------|----------------|----------------------|
| 1. Carpiion | 2. Valérien | 3. Aedes Augustalium |
| 4. Longus | 5. Synethus | 6. Sévèrus |
| 7. C. Cornélianus | 8. Hermadio | 9. Invictus |
| 10. Anicetus | 11. Caransebes | 12. Tibiscum |
| 13. Lucius Flavius Hermadion | | |

باشد که تندیس زیبایی از میترا در حال تولد یافتن در رم ساخته است. روی پایه این مجسمه (فعلاً در دوبلن است) نام هر مادیون دیده می شود و بالای آن تاجی از گل و گیاه هست که دوروبر واژه ناما (به معنای نجات) را گرفته است.



شکل ۱۲: میترا در حال کشتن گاو

این نقوش برجسته متعدد که بیشتر به صورت مثله شده به دست ما رسیده خاص نواحی این سوی و آن سوی رود دانوب است و به اشکال مختلف از ذوذنقه ای گرفته تا گنبدی و گاهی اوقات حلقوی دیده می شود. جنس آن ها معمولاً مرمر خاکستری و یا آبی رنگ است که در منطقه یافته می شود در این نقش ها جزئیات حوادث و اتفاقات زندگی میترا تشریح شده است. معمولاً یک نقش برجسته از سه قسمت تشکیل می یابد: صحنه قربانی گاو در وسط پرده قرار گرفته و در بخش های بالا و پائین آن صحنه های دیگری نقاشی شده است. برخی نقوش برجسته مشبک هستند و روی یکی از آن ها هنوز بقایای دانه های

قرمز رنگ پدیدار است و توجه را به خود جلب می‌کند (شکل ۱۲).
در این صحنه میترا انگار در حال قربانی کردن گاوی است. بدن گاو
مزمین به نوار عریضی از پارچه و آمادهٔ قربانی شدن است. ماری میان میترا و
گاو مورد ذبح قرار گرفته که سر را به طرف ناحیه مجروح بدن گاو می‌کشاند.
مشعلداران اینجا و آنجا ایستاده‌اند. ولی مهم‌تر از همه اشخاص حاضر و ناظر،
کوتوپاتس است که در پشت گاو ایستاده و با دست چپ خود دم او را گرفته
است.

دم گاو مرکز نیروئی است سحرآمیز و مشعلدار می‌خواهد از این نیرو
سهمی بیابد.

سر شیر هم به سهولت قابل تشخیص است و در برخی تصاویر در بالای
کوزه‌ای قرار گرفته. در عقب کوتوپاتس میترا دیده می‌شود که گاو را می‌راند.
کوتس در دست راست خود مشعلی فروزان دارد و در عقب او صحنه خروج و
تولد یافتن میترا از دل سنگ نموده شده است.

زیر صحنه ولادت میترا شخصی را می‌بینیم که ملبس به جامهٔ شرقی
است و دست راست را روی شانه چپ گذاشته است. لبه غار به شکل دایره است
و از شاخ و برگ بسیار پوشیده شده و این اشارهٔ رمزآمیزی است به این اصل که
کشتن گاو، باعث وفور نعمت و فراوانی در جهان می‌گردد. حاشیهٔ غار مزمین به
تندیس‌های نیم تنه از خدای خورشید (سل) و خدای ماه (لونا) و کلاغ (مبشر
میترا) است.

چندین هنرمند تشریک مساعی کردند تا توانستند پارسائی و دینداری
اعضای این جماعت را با بیانی هنرمندانه بنمایانند.

نامدارترین فتوحات میترا

روی دیوار ته هر معبد نقشی از درخشان‌ترین اعمالی که میترا در راه بشریت انجام داده دیده می‌شود و این عمل درخشان موقوف بر قربانی کردن گاو است. گاهی اوقات این نقش را در صدر محراب در درون دیوار تهی شده مقابل در ورودی حک می‌نمایند. چراغ‌های روغنی هم روشنائی داخل معبد را تأمین می‌کنند. معمولاً پرستشگاه در سمت مشرق ساخته شده تا اولین پرتوهای خورشید وارد آن شوند. بدین منظور پنجره و یاروزنه‌ای روی سقف یا گنبد پرستشگاه تعبیه شده که مستقیماً نور خورشید را روی تصاویر میترا می‌تابانده است. از میان کارهای برجسته میترا بیشتر مراسم قربانی گاو مقدس نقاشی شده و عملاً در تمام معابد این تصویر دیده می‌شود. گو این که نقش قربانی گاو بر حسب معابد تغییراتی می‌پذیرد. ولی موضوع اساسی پرده در همه جا یکی است. یعنی میترا به صورت مردی نیرومند نظیر هرکول نر می و طراوت جوانی را به حد کمال دارد. با یک حرکت زانو مشغول انداختن گاوی بر روی زمین است، دست در شاخ و یا در سوراخ‌های بینی حیوان کرده و سر او را عقب می‌کشد و خنجری در قلب او فرو می‌برد.

عمل قربانی معمولاً در غاری انجام می‌گیرد و گاو پس از تشنج بسیار جان می‌دهد. در محراب معبد سنت پریسک همین نقش قربانی گاو دیده می‌شود، ولی روی آن را پوششی از سنگ سیاه کشیده‌اند تا توهم غار را در ذهن نگرنده ایجاد کند. قسمت فوقانی نقش‌های برجسته هم معمولاً به یک طاقه محدب ختم

می‌شود. هنرمندانی که این نقوش برجسته را به وجود آورده‌اند، توانسته‌اند با استعمال گل و گیاه در چهارچوب این‌ها، تصور غار برای بیننده بیافرینند. غار نماد طاق نیلگون آسمان و به عبارت دیگر کل کائنات است. روی حاشیه غار پیکر ایزد خورشید (سل) و ایزد ماه (لونا) و میان این‌ها تصاویری از خدایان گوناگون سیارات مختلف دیده می‌شود. (نمونه‌ای از این گونه نقش در بولونی^۱ یافته شده است.) سیاره‌ها را به صورت نمادین هفت ردیف متناوب متشکل از مذبح و هفت شمشر که میان آن‌ها گاهی اوقات یک درخت دیده می‌شود هم نمایش داده‌اند (معبد سارمیزگتوزا).

تزین حاشیه معبد که به وسیله گل و گیاه انجام می‌گیرد، گویای تأثیر شگفت‌انگیز عمل قربانی گاو است. وقتی که گاو به حال تشنج ناشی از احتضار افتاد، خونی که از او برون می‌آید، گندم‌ها را آبیاری و تغذیه می‌کند. دم گاو خواص سحرآمیز دارد و از آن نیز خوشه‌های گندم می‌رویند. یک سگ و یک گاو سربلند می‌کنند تا به محل جراحی گاو برسند و خون جاری را بکنند، عقب‌ری با شاخ‌های خود اعضای تناسلی گاو محتضر را می‌فشد. معنای این صحنه‌ها چیست؟ نوشته‌های باستانی، به غیر از یک مورد، اطلاعات زیادی در این باب به ما نمی‌دهند. آگاهی‌های بیشتر را باید به طریق استنتاج از دل آثار و اطلال بازیافته استخراج کرد.

چه اطلاعاتی که اسناد و مدارک در مورد میترا به ما می‌دهند و چه آگاهی‌هایی که از هویت این خدا در رم داریم هر دو ناقص هستند و همین نقص در اطلاعات باعث اشتباهات بسیار در تعبیر و تفسیر دین مهری شده است. در میان تعبیراتی که غالباً خیالبافانه انجام شده، تفسیر پرفسور ف. کومون قانع‌کننده‌تر به نظر می‌رسد و رد کردن آن به موانع بزرگی برمی‌خورد. آنچه مسلم و متیقن است، این است که فدیه گاو نماد امر آفرینش است. مرگ گاو حیاتی نو می‌آفریند و این نکته در حکم مرکز و قلب کل اسرار و

1. Bologne

رموز عقاید باستانی است و اهم این عقاید مسئله حیات و مرگ و رستاخیز است که مثال بارز آن طبیعت است که سال به سال تازه می‌گردد و زندگی از نو آغاز و خلاصه از مراحل سه گانه مزبور عبور می‌کند.

دانه گندم را به زمین می‌سپارند و بعد از چندی خوشه‌زیرین را درو می‌کنند. کر^۱، آتیس^۲ و آدونیس^۳ همه ناپدید می‌شوند و دوباره حیات می‌یابند. آیا گاو مقدس هم در واقع معرف شخص میترا است که خود را می‌کشد تا مجدداً زنده شود. چنین فرضی را نمی‌شود نکرد، ولی اطلاعاتی که در دست هست، ما را مجاز به تأیید این فرض نمی‌کنند. البته شباهت‌هایی میان آئین قربانی گاو و برخی از بخش‌های کتب مقدس ایران باستان دیده می‌شود. در کتاب «بندهشن» و کتاب «یادگار جاماسپیک» (که شامل پیشگوئی‌های پایان جهان است) آمده که اهورامزدا خدای بزرگ نیکی قبل از آفریدن کیومرث نخستین بشر، گاوی آفرید. لشکریان بدی چون خواستند آفرینش را از میان ببرند، بر گاو دست یافتند. اما از مغز گاو انواع گوناگون گاو پدید آمد. در بندهشن همین نکته با تفصیل زیادتر آمده و گفته شده که از مغز گاو مزبور پنجاه و پنج نوع غله و دوازده گونه گیاه طبی پدیدار گشته است.

حال چگونه و به چه حیل‌های می‌توان از اهریمن بدکار به میترا رسید؟ بدبختانه معلومات کافی در دسترس نیست. در بحث‌های بعدی که در باب مسئله آفرینش خواهیم کرد، تاکید لازم در تشریح نتایج نیکوی رسم قربانی گاو خواهد شد.

اهریمن می‌خواست بدی بکند، میترا بدی را به رهایی بشریت تبدیل کرد و از این رو خود را نجات‌دهنده خواند^۴. محتمل است که بقایای این اسطوره - یعنی این که اهریمن به گاوی یک رنگ و بدون لکه حمله کرده باشد -

1. Kor

2. Attis

3. Adonis

۴. به یونانی: Soter

در نقوش عقربی که بیضه گاو را در چنگال خود می‌فشرد بازمانده باشد. در بندهشن که در بالا سخنش رفت، عقرب و مارمولک و مار و وزغ همچون جانوران بدکار معرفی شده‌اند. این جانوران فرستادگان اهریمن هستند و کسانی که این موجودات را از میان برند، عمل خیر انجام داده‌اند. بدین طریق عقرب با چنگ زدن در بیضه گاو می‌خواهد منی یعنی منبع زاینده‌گی و حیات را از بن درآورد. در کتب مقدس ایران آمده که منی به کره ماه صعود می‌کند و در آن جای از آلودگی پالاییده می‌گردد و چون تصفیه گشت در مراجعت زاینده انواع بی‌شمار جانوران می‌شود.

اما در این داستان سگ و مار چه وظیفه‌ای به عهده دارند؟ دیدیم که ایرانیان مار را همچون جانوری بدکار تصور می‌کنند. اما به عکس سگ، موافق نوشته‌های هرودت، آن قدر نزد ایرانیان محترم است که در عداد انسان به شمار می‌آید و موبدان منحصرأ مجاز به کشتن این دو (انسان و سگ) نیستند. با این وصف می‌بینیم که سگ و مار با همدیگر خون گاو را می‌لیسند و چیزی که حاکی از خصومت و نفاق میان این دو جانور باشد به چشم نمی‌خورد.

اما چون در تصاویر دیگر می‌بینیم که سگ همچون یاری باوفا با میترا به شکار می‌رود، امکان این که بخواهد با پلید کردن خون گاو مقدس به عمل آفرینش زیان و صدمه وارد کند کاملاً از میان می‌رود. سگ خون گاو را به این دلیل می‌لیسد که خواص نیکوی آن را جذب بدن خویش کند. همین نکته در باره مار نیز صادق است. در آئین میترا مار جانور بدکاره متعلق به اهریمن نیست. در برخی نقش‌ها مار همراه با میترا دیده می‌شود و در اساطیر یونان مار نماد زمین است. از لیسیدن خون گاو، مار یعنی زمین تمایل خود را مبنی بر آستن شدن و خیر بشریت را فراهم کردن آشکار می‌کند.

بنابراین، هویت میترا در صحنه قربانی گاو کاملاً معین شده است. مهر آفریننده‌ای است که طبیعت را مجدداً می‌زاید، رهاکننده‌ای است که در نظام طبیعت مداخله می‌کند و غرضش از مداخله تأمین خیر و سعادت معنوی برای

آدمیان است. در مورد این مطلب در فصول بعد تأمل بیشتری خواهیم کرد. اما بنابر آنچه گذشت شگفت نیست که مهرپرستان میان آن همه مناسک عبادی به فعل قربانی گاو او آن قدر اهمیت بگذارند و وقتی که استغاثه به درگاه او می‌کنند، از او همچون میترای گاو اوژن یاد نمایند.

اطرافیان میترا

در برخی نقوش مهری در پشت میترا کلاغی دیده می‌شود که روی لبه هلالی غار نشسته است. در اکثر تصاویر بازمانده، پرندۀ مزبور این تصور را برمی‌انگیزد که دارد به سوی خدا پرواز می‌کند و آورندۀ پیامی است که خدا برای شنیدن آن گوش فرامی‌دارد. در بعضی پرده‌ها خدا را بوضوح می‌بینیم که سر را به سوی کلاغ بلند کرده است. باید به یاد آورد که در ادبیات باستانی یونان کلاغ مبشر آپولون^۱ است و به همین علت است که در زاویۀ فوقانی سمت چپ نقوش برجسته تصویر ایزد آپولون دیده می‌شود. در آئین مهری عنوان کلاغ بیاد آورندۀ مراسم قربانی گاو است. سالکی که به مرحلۀ تشرّف به اسرار دین رسیده نقابی به صورت می‌زند که شکل کلاغ دارد (شکل ۳۷).

سالک نقابدار در قبال میترا وظیفه‌ای همچون وظیفه کلاغ دارد. سل، ایزد خورشید به کلاغ حکم کرده تا فرمان او را دائر به کشتن گاو مقدس به میترا ابلاغ کند و آن طور که روی نقش‌ها دیده می‌شود غباری از اندوه چهرۀ میترا را فرا گرفته است. چون کشتن گاو شکوهمند دل او را به درد می‌آورد، ولی همچون یک سرباز این فرمان را انجام می‌دهد و در ضمن می‌داند که از مرگ گاو زندگی تازه‌ای خواهد بالید. در چندین شمایل می‌بینیم دور و بر سر سل خدای خورشید را هاله‌ای از انوار^۲ فرا گرفته که یکی از پرتوهای زرین آن

1. Apollon

۲. Eptaktis: دارندۀ هفت پرتو

متوجه می‌تواند است و به سوی او در جهش است و بدین طریق میان می‌ترا و موکل او رابطه‌ای مستقیم پدیدار می‌شود. شگفت آن که از تحقیق در روابط میان خدای خورشید و می‌ترا نهایتاً این نتیجه حاصل می‌شود که سل (خدای خورشید) وابسته و تابع می‌ترا است. از سوی دیگر می‌ترا به خورشید شکست‌ناپذیر معروف است. در اینجا این احتمال پیش می‌آید که ممکن است سل میانجی باشد و در این صورت وظیفه او عبارت است از انتقال احکام اهورامزدا و زئوس - ژوپیترا^۱ به وسیله گاو. شاید هم در اصل سل مقامی رفیع‌تر از می‌ترا داشته و بعدها شخصیت واحد توانای خورشیدی را به وجود آورده‌اند و در ارباهای خورشید آسا به آسمان صعود کرده‌اند. این مسئله بسیار غامض است و تا به حال راه‌حل روشنی برای آن پیشنهاد نشده است. الهه ماه هم همچون ایزد خورشید در عمل آفرینش همکاری دارد. روی ارباهای که به وسیله چند گاو نر کشیده می‌شود، گاهی اوقات از یک سو الهه ماه محو می‌شود. از طرف دیگر خدای خورشید در حال راندن ارباهای با اسبان آتشین نمودار می‌گردد. اما بیشتر اوقات بعبانوی ماه به شکل نیم‌تنه نشان داده می‌شود که دیهیمی بر سر دارد و در عقب او هلال ماه هویدا است. ماه نیروی تصفیه‌کننده دارد و این نیرو را به منی گاو منتقل می‌کند. همین ماه است که شب هنگام تأثیر سلامت‌بخش بر نباتات می‌گذارد. تقریباً همیشه در صحنه‌های قربانی گاو مقدس دو شخص دیده می‌شوند که به سبک ایرانی، مثل خود می‌ترا لباس پوشیده‌اند، و این طرف و آن طرف گاو ایستاده‌اند، پای‌ها را روی هم انداخته‌اند و بی‌اعتنائی آنان این تصور را ایجاد می‌کند که گوئی مشارکتی در مراسم قربانی ندارند. گاهی اوقات یکی از این دو شخص دم گاو را به دست دارد، به این دلیل که یا می‌خواهد از نیروی سحرآمیز دم گاو متمتع شود و یا آن که قصد دارد نمو خوشه‌گندم را که در نقش قابل رویت است تسریع کند. در بعضی تصاویر این دو شخص ظاهر چوپان‌ها را دارند و چوبی در دستشان دیده

1. Zeus-Jupiter



شکل ۱۴: کوتوپاتس مشعلی

در دست دارد.



شکل ۱۳: چوپان ناظر

بر تولد میترا.

می‌شود. می‌دانیم که چوپانان در تولد میترا حضور داشته‌اند، ولی در هر صورت این شبانان از همجنسان آتیس^۱ نیستند. یکی از اینان مشعلی به دست دارد و از گونه و دیگری مشعل را راست به دست گرفته و این طرز گرفتن مشعل کنایه از طلوع و غروب خورشید و ماه، یعنی فروغ زاینده و میرنده است و به عبارت دیگر زندگی و مرگ را جلوه گر می‌کنند.

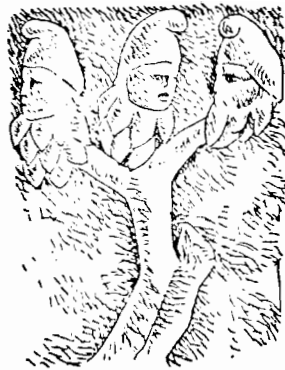
آن شخصی که مشعل افراخته در دست دارد، زیر تمثال لونا (خدای ماه) و دیگری زیر تمثال سل (خدای خورشید) قرار گرفته است. نام این دو شخص کوتس و کوتوپاتس است که اولی نماد (سمبول) طلوع خورشید و فلق است و دیگری نشانه غروب خورشید و شفق. بر سر اشتقاق این دو نام اتفاق نظر

1. Attis

به دست نیامده اما ارزش نمادین این دو شخص، آن طور که می توان آن را از آثار موجود استنتاج کرد جای تردید باقی نمی گذارد. گاهی اوقات پائین پای کوتس خروس خروشنده ای دیده می شود. این خروس که یونانیان «پرنده ایرانی» اش نام کرده بودند، اهریمنان بدکار را به آواز خویش می راند. کوتوپاتس اغلب به حالت نشسته ظاهر می شود، دست را متکای سر کرده و غم و اندوه از گونه اش آشکار است. تضاد میان شادمانی کوتس و اندوه کوتوپاتس کاملاً محسوس است. این اختلاف احساس میان دو شخص مزبور حتی در دو محراب که به اسم آن ها در معبد سنت پریسک ساخته شده هویدا است، منتهی در اینجا برای ابلاغ معنی از رنگ کمک گرفته اند. محراب کوتس و خروس او به رنگ نارنجی روشن و محراب کوتوپاتس آبی رنگ است. در برخی نوشته ها از این دو شخص به عنوان دو خدا یاد کرده اند. مؤید این خبر گفته پسودو دنی آرثوپاژی^۱ (قرن چهارم بعد از مسیح) است که می گوید دو مشعلدار و میترا خدایان سه گانه (تثلیث) را تشکیل می داده اند. بنابراین آنچه گذشت کوتس معرف خورشید صبحگاهان است، میترا گویای نیمروز است و کوتوپاتس غروب آفتاب را اعلام می کند. از این سه نکته این نتیجه را می توان گرفت که شاید میترا را بخصوص هنگام ظهر پرستش می کرده اند. در هر حال، می دانیم که روز شانزدهم مهرماه روز مهر بوده و به او اختصاص داشته است. قرص خورشید در سه مرحله طلوع و نیمروز و غروب، میترا را مجسم می کند که اعمال و نیرویش را می توان روزانه دید و احساس کرد.

تأثیر عقاید نجومی در دین مهری به حدی بارز است که به موقعیت خورشید نسبت به ستارگان وقع خاصی نهاده می شده. به این علت که وقتی کوتس سرگاو را در بغل دارد، خورشید در برج ثور است و این برج مطابقت دارد با فصل بهار. تصویر عقرب پهلوی کوتوپاتس نشانه ورود خورشید به برج عقرب و آغاز فصل پائیز است. در یک مورد منفرد یعنی در تصویری که در رم

1. Pseudo Denis l' Areopagite



شکل ۱۶: میترا در حال تولد از یک درخت

میترا در بطن یک درخت.

شکل ۱۵: سرهای سه گانه با کلاه

فریجی روی درخت کاج.

یافته شده کوس و کوتوپاتس نزدیک درخت کاج نشان داده شده اند؛ درختی که همیشه سرسبز است.

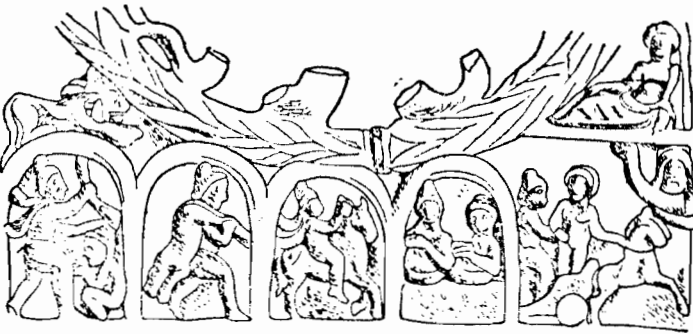
درخت سرو وقف خورشید است. درخت های سرو سه گانه گویای تثلیث میترا هستند. در ناحیه پتو^۱ همین اندیشه در تصویری از درختی سه شاخه دیده می شود. بر سر هر یک از شاخه ها کلاهی فریجی نقش شده است (در ناحیه دیبورگ^۲، شکل شماره ۱۵). نقوش مزبور مرتبط با تصویری از میترای تنها هستند که خود را در شاخ و برگ درختی مخفی کرده است (هدرن هایم^۳، شکل ۱۶). در معبد سنت پریسک اشاره ای به این سه گانگی شده، برای منوال که مثلث بزرگی از مرمر روی دیوار کنده شده که در مرکز آن کره ای قرار گرفته است. به طور خلاصه این نتیجه را می شود گرفت که دو شخص مشعلدار آن قدر اهمیت دارند که تصویرشان در تمام معابد دیده می شود.

1. Petto

2. Dieburg

3. Hederheim

افسانه میترا



زایش شگفت انگیز میترا

در پرستشگاه‌های مهری روز ۲۵ دسامبر روزی است که تولد خدا و تجلی فروغی نوین را جشن می‌گیرند. ولادت میترا بسیار شگفت‌آور است، زیرا نیروئی باطنی و سحرآمیز او را از درون صخره‌ای به جهان خارج بیرون افکنده است. میترا در این حالت کاملاً عریان است و کلاه فریجی به سر دارد، دستش را بلند کرده و خنجری و مشعلی به آن گرفته است. او زاینده^۱ روشنائی^۱ است و از دل سنگی زاده شده^۲ است. صخره‌ای آستن شد^۳ و میترا را زائید. به محض این که مهر ولادت یافت آماده کارهای خطیر شد. شمشیرش به کار

۱. genitor luminis: فروغ‌زا ۲. saxigenus: سنگ‌زاد

۳. petra genitrix: صخره آستن یا صخره زاینده



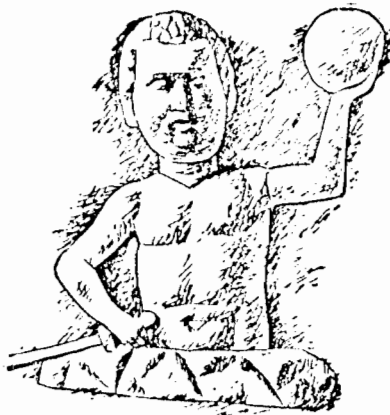
عكس ۳ - میترا دردم



عکس ۴. نو آموز مشرف به مقام شیری. نقاشی باز یافته در مهرکده واقع
در زیر کلیسای سنت پریسک در رم

کشتن گاو می آید و کمان و ترکیبی که به کمر آویخته مهبای شکار و یامعجزنمائی درآیند.

دیدیم که غار مهری نماد چرخ گردون است. صخره هم کنایه از آسمان است که نور بر زمین می پاشد. گاهی اوقات در برخی تصاویر شعله‌هایی از دل سنگ (مثلاً در ناحیه دورا) و حتی از کلاه فریجی بیرون می‌جهد. گاه گاه روی کلاه فریجی ستاره‌هایی دیده می‌شود و مبین این است که کلاه فریجی مثل غار می‌توان نماد چرخ گردون باشد. در یشت دهم اوستا، یعنی مهریشت، آمده است که دور سر مهر را هاله‌ای زرین فرا گرفته و بر فراز کوه هرا بزرائیتی^۱ (البرز) می‌درخشد و از آنجا سرزمین‌های آریائی را نظاره می‌کند.



شکل ۱۷: میترا به هنگام تولد کوه‌ای در دست دارد.

به موجب فرضیه‌ای میترا از آمیزش زمین و اهورامزدا به وجود آمده است. این نظر قابل قبول نیست میترا سنگ‌زاد است و از صخره‌ای تولد

1. Hara bërèzaiti'

می‌یابد. در نقشی که در ناحیه سنت اوبن^۱ فرانسه یافته شده، چون مهر با قدم‌های بلند از درون صخره^۲ روشن و شعله‌ور بیرون می‌آید، آتشین و پرفروغ است. این اعتقاد که ایزد روشنائی (مهر) از دل صخره‌ای زاده شده، مبتنی بر سستی قدیمی است. شاید این سنت مترتب بر اکتشاف شگفت‌انگیز بشر اولیه باشد که از اصطکاک دو قطعه سنگ چخماق آتش و روشنائی به دست آورد.

تولد میترا حادثه‌ای است کیهانی و به هنگام زایش کره‌ای در یک دست دارد (شکل ۱۷) و دست دیگرش روی منطقه البروج قرار گرفته است. میترا فرمانروای جهان^۳ است و به همین علت نقش خدایان بادهای چهارگانه و نیز عناصر چهارگانه تصویر شده است. در برخی پیکرها چند چوپان به هنگام زایش میترا حضور دارند (شکل ۱۳). اما بیشتر اوقات فقط دو مشعلدار صحنه ولادت او را با تحیری آشکار نظاره می‌کنند.

روی نقشی برجسته‌ای که در پتو یافته شده دو مشعلدار به کمک میترا



شکل ۱۸: چوپان‌هایی چند، میترا را که در حال تولد یافتن است کمک می‌کنند.

1. Saint Aubin

2. Kosmokrator

می‌شتابند (شکل ۱۸). در ناحیه لودویزی^۱ نقشی یافته شده که دو شخص مشعلدار را با لباس‌های شفاف نشان می‌دهد که مشغول بیرون کشیدن ونوس از امواج کف آلود دریا هستند و به قیاس می‌توان گفت که در نقش برجسته پتو آن دو شخص کوتس و کوتوپاتس هستند که به ملایمت میترای جوانسال را از زمین بلند می‌کنند. در بخش فوقانی این نقش تصویری از ساتورن دیده می‌شود که ایزد پیروزی بر سرش تاج می‌گذارد و نزدیک او دشنه‌ای قرار گرفته که به میترای خواهد داد. روی پیکری که در ناحیه دورا پیدا شده، ساتورن روی ابرو و یا بر فراز قله کوهی پر درخت قرار گرفته است. در دست راست شمشیری کوتاه دارد که نوکش مجهز به چنگک است. روی سر وی شاخه‌ای از درخت زیتون قرار یافته که معنای نمادین آن مترادف تاجی از گل خرزهره است که در نقش بازیافته در پتو، خدای پیروزی^۲ به او تقدیم می‌کند. روی نقش برجسته‌ای که در دیبورگ یافته شده، ساتورن بر صخره‌ای نشسته و در تفکراتی عمیق غوطه می‌خورد و در دست راست کاردی دارد (شکل ۴۲). روی نقش برجسته‌ای که در ناحیه نرسا^۳ واقع در مرکز ایتالیا یافته شده، چنگک مزبور بوضوح دیده می‌شود. ساتورن کاردی به میترای می‌دهد تا گاو را بکشد، شاید هم ساتورن چنگک را به این علت می‌گیرد که دروگر ایزدی است.

با این وصف در برخی پیکرها ساتورن دیده نمی‌شود و به جای او خدای امواج اسانوس و یا نپتون در مجلس ولادت میترای حضور می‌یابند. در ناحیه ویرونوم^۴ (اتریش) نقشی یافته شده که روی آن نپتون دیده می‌شود که شاخه‌هایی بر پیشانی دارد و پهلوی او زنش آمفی‌تریت قرار گرفته است. در برخی از پرده‌های نقاشی ولادت میترای چشمه‌آبی هم دیده می‌شود، اما در نقش برجسته‌ای که در موزه فلورانس نگهداری می‌شود فقط اسانوس حضور دارد. در مهرکده دوم هدرن‌هایم روی دیواری منظره ولادت میترای نقش شده و در

1. Ludovisi

2. Victoire

3. Nersae

4. Virunum

اطراف او به ترتیب اسانوس، کوتوپاتس و سلوس^۱ و کوتس دیده می‌شوند. هویت این خدایان در سنگ‌نوشته روی دیوار بوضوح آمده است. وجود این خدایان را در اطراف میترا چگونه باید تعلیل کرد؟ پاسخ این است که این خدایان نیروهای ابتدائی آفرینش هستند، در هنگام تولد میترا (ایزد و آفریننده) حاضر و ناظر بوده‌اند و مدام از او حمایت کرده‌اند.

نام ساتورن میوه‌بر^۲ است، میترا هم باکشتن گاو مقدس میوه‌های زمین را به آدمیان خواهد داد. اما میترا می‌تواند با تیر و کمان خود آب از سنگ خارا بدر آورد و چشمه‌ای بسازد که هیچگاه نخشکد^۳. از اینجا علت وجودی حضور ساتورن در مراسم قربانی گاو در نقش سنت پریسک معلوم می‌شود. دینمردان مهری بیشتر دقت خود را به سوی ساتورن و نه به جانب نپتون متوجه کردند. علت این بود که ساتورن که به نام دیگرش کرونوس^۴ خوانده می‌شد، با زروان خدای زمان در نظر ایرانیان و ائون^۵ خدای زمان یونانی قرابت و شباهت داشتند.

پیکره‌هایی از میترا یافته شده که همچون ایزد زمان سال خورشیدی را که بر محور گاهشماری مبنی بر منطقه البروج می‌گردد، نظارت می‌کند. در واقع میترا در عین حال هم ساتورن و هم اسانوس است، منشاء نیروی زاینده‌گی روی زمین است و آب را می‌آفریند. به این علت است که مرشد جماعت مهری نماینده میترا در روی زمین است و ساتورن از او حمایت می‌کند (سنت پریسک). و باز به همین علت است که یکی از علائم مشخص مرشد (پیر) شکل داس است. در کتیبه‌ای نام مرشد آمده و آن مزین به تاجی است که ساتورن از دست ایزد پیروزی (ویکتوآر) گرفته است.

1. Célus

2. Frugifer

۳. fons perennis چشمه خشکی ناپذیر

4. Chronos

5. Eon

فقط در آثار بازیافته در نواحی رود رن و دانوب از جدال میترا با گاو مقدس سخن رفته و تصاویری از آن به دست داده شده است. در نقاط دیگری به این واقعه اهمیت بسیار نمی‌دادند و یا صحبت از آن را سزاوار نمی‌دانستند. می‌دانیم که قربانی گاو مهم‌ترین رسم دینی در آئین مهری است و مراسم بعدی بدان پیوسته هستند. برجدار سمت راست در محراب معبد سنت پریسک، پیکری از میترا (از جنس شبه‌مرمر) دیده می‌شود که افسار گاوی را در دست گرفته است. نقش برجسته‌ای در معبد نزدیک بازار گاوفروشان^۱ رم یافته شده که در آن میترا گاوی بر دوش حمل می‌کند و به طرف غار روان است. این پرده به احتمال قوی الهام‌بخش شاعر رمی معروف به کمدیانوس^۲ (اواسط قرن سوم بعد از مسیح) شده که در یک قصیده میترا را با مردی شیر، کاکوس نام مقایسه کرده است. هرکول موقعی که در سواحل رود تیبر در حوالی بازار گاوفروشان اشتغال به درست کردن شراب داشته، کاکوس، چهارپایان او را دزدیده است. کمدیانوس کتابی به نام آموزش^۳ دارد و محققى به نام توفل^۴ در باره آن گفته: «این کتاب جو شان از عشق و تعصب نسبت به مسیحیت است. اما در مطابقت تام آن با اصول دین جای تردید هست». ما گفتیم که در یکی از قصاید این کتاب شاعر مقایسه‌ای میان میترا و کاکوس کرده ولی در وصف آن صنعت شعری توشیح را به کار برده است که شرحش در زیر بیاید: دیدیم که لقب میترا شکست‌ناپذیر است و این صفت به لاتینی اینویکتوس می‌شود^۵. هشت مصراع این قصیده به ترتیب با هشت حرف واژه لاتینی مزبور شروع شده به طوری که مجموع حروف آغازین هشت بیت مذکور اینویکتوس خواهد شد. تأمل در این قصیده که در زیر خواهیم دید، نحوه رقابت دو دین مسیحی و مهری را

1. Forum Boarium

2. Commodianus

3. *Instructiones*

4. W. Teuffel

5. *Invictus*

روشن می‌کند:

«من اعتراض به این ندارم که مهرپرستان تولد خدای شکست‌ناپذیر (یعنی میترا) را از دل یک صخره امری حقیقی بیندارند، ولی آخر وجود صخره نسبت به وجود یافتن میترا مقدم است. از وجود صخره ناگزیر باید به صانع آن پی برد. علاوه بر این نکته، شما میترا را به مثابه یک دزد گاو بر روی سنگ ترسیم می‌کنید. اگر میترا از نژاد خدایان راستین می‌بود، مرتکب سرقت نمی‌شد. پس این خدا ماهیت ناسوتی (خاکی) دارد و خلاصه طرفه معجوننی است. اگر کاکوس پسر وولکن^۱ را دزدید، میترا هم چهارپای متعلق به دیگران را در غارها ربود.»

آثاری که در کشورهای مجاور دانوب و ایالات اطراف رود رن یافته شده مملو از تصاویر مشتمل بر توصیف اعمال شگرف میترا است. چنین پیکرهائی در واقع حکم کتابی بر ساخته از تصاویر را دارند که به افتخار میترا نقاشی شده‌اند و حتی گاهی اوقات صورت یک طاق نصرت را پیدا می‌کنند. نقش برجسته‌ای که در نوین‌هایم^۲ آلمان یافته شده، به ترتیب چگونگی قربانی گاوهای را که میترا به دست آورده نشان می‌دهد.

ابتدا می‌بینیم که گاو آرام در علفزاری مشغول چرا است (شکل ۱۹)، میترا در می‌رسد و آن را دستگیر می‌کند و بر دوش، همچون شبانی که حامل گوسفندی باشد، می‌برد (شکل ۲۰). چگونگی دست یافتن بر گاو را نقوش برجسته توصیف نمی‌کنند، اما بعید نیست که از کمند^۳ استفاده می‌کرده است. در تصویر بعدی می‌بینیم که گاو خشمگین خود را نیرومندانه از چنگ قید نجات می‌دهد و آزاد می‌شود. با وصف این، میترا استوار می‌ایستد و به گردن جانور می‌چسبد و دوان دوان او را می‌کشاند. سرانجام میترا کوشش آخر را می‌کند و گاو بی‌طاقت را بر زمین می‌افکند و خود در نهایت قدرت راست

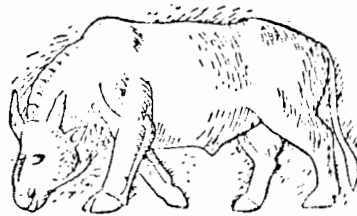
1. Vulcain

2. Neuenheim

۳. کمند: Taurobolium معنای اصلی این واژه لاتینی عمل «دستگیری گاو» است.



شکل ۲۰: میترا در حالت حمل گاو.



شکل ۱۹: گاوی است در حال چرا، تکه‌ای از این نقش.

می‌ایستد و پاهای پسین گاو را می‌گیرد و بر روی دوش خود می‌اندازد و کشان‌کشان به طرف غارش می‌برد (شکل ۲۲). در برخی پیکرها میترا سوار بر گاو می‌شود و شاخ‌های او را در دست می‌گیرد و پیروزمندان می‌رانند (شکل ۲۱). این داستان ما را به یاد متنی از پورفیر^۱ می‌اندازد که می‌گوید «میترا سوار بر گاو آفرودیت^۲ است، زیرا گاو آفریننده است و میترا مالک آفرینش». در متن یونانی واژه یونانی به صورت دمیورگوس^۳ و همین واژه در جای دیگر به خود میترا اطلاق گردیده است. دیدیم که میترا به چه نحو با کشتن گاو، حیات نوی می‌آفریند. بر حسب برخی فرضیات نجومی برج حمل مقرر سیاره ونوس - آفرودیت است، اما رابطه میان این نظریه و صحنه‌ای که میترا سوار گاو می‌شود بر ما پوشیده است، همان طور که اصولاً نمی‌دانیم آیا واقعاً رابطه‌ای وجود داشته است یا نه (شکل ۲۱).

1. Porphyre

2. Aphrodite

3. Demiourgos



شکل ۲۲: میترا در حالت حمل گاو.



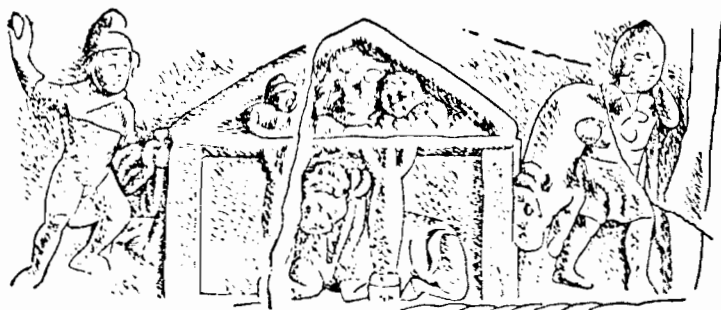
شکل ۲۱: میترا سوار بر گاو.

نقش برجسته بزرگی در دیورگک یافته شده که اطلاعات بیشتری در بارهٔ پیکار پر زحمت میترا با گاو به دست می‌دهد (شکل ۲۳). روی غالب نقوشی که در نواحی اطراف رود دانوب پیدا شده‌اند این شکل دیده می‌شود. گاو در درون معبدی روی زمین دراز کشیده، سر در معبد شکل مثلث دارد و مزین به سرهای سه ایزد است که هویتشان نامعلوم مانده. میترا بر بالای صخره‌ای بلند قرار گرفته و در دست راست یک دشنه و تکه پارچه‌ای شاید به رنگ قرمز دارد. دست راستش را بلند کرده و سنگی در آن گرفته می‌خواهد سنگ را بر بام معبد پرتاب کند و گاو را از آنجا براند. برخی نقوش یافته شده در اطراف دانوب، گاو را در زورقی بر فراز ساختمان معبد نشان می‌دهند (شکل ۲۴). شاید این صحنه می‌خواهد گاو را به صورتی نمادین در درون ماه (آسمان) نشان دهد. در آثار مهری اغلب اوقات ماه به صورت زورق نشان داده شده است. اگر گفته پورفیر را باور کنیم، گاو همانند مترادف ماه است و ماه چنان که می‌دانیم آفریننده است و «زاد و ولد» به فرمان او صورت می‌گیرد. این نظریه شباهت زیادی با تعبیری دارد که لمل^۱ از مراسم قربانی کردن گاو می‌کند و مبتنی بر نوشته‌های کتاب ودا^۲ است.

1. Lommel

2. Veda

سرانجام میترا گاو خسته و کوفته را در حالی که پوزه اش در گل ولای زمین کشانده می شود، می برد. مخالفان دین مهری این عمل میترا را به مثابه چهارپا دزدی می نگرند و او را همچون سارق می تصور می کنند و از این رو نادانسته با پورفیر همداستان می شوند که در کتابش^۱ نظریه ای در باب خدای



شکل ۲۳: نقش بازیافته در دیبورگ نمودار نبرد میترا با گاو.

ستور دزد ساخته است. اما چون گاو همانند و مترادف با ماه است و ماه بر عمل زایش حیات در روی زمین نظارت می کند، نتیجتاً پورفیر معتقد می شود که زندگی از گاوزاده می شود و خدای گاودزد کسی است که در خفا نجوای زندگی را می شنود و بر حسب این فرضیه میترا در عمل آفرینش مشارکت و مداخله دارد و حتی آفرینش روان نیز از همکاری او بی نیاز نیست. چنین فرضیه ای بدون شک ناشی از تفسیر عالمانه همین نقش برجسته ای است که در آن میترا گاو را به دوش گرفته است. در چند سنگ نوشته و نیز در یک نقش برجسته ناحیه پتو در یوگسلاوی به این صحنه نام عبور خدا^۲ داده شده است. قطعه شعری مربوط به دوست سال بعد از مسیح در مهرکده سنت پریسک رم یافته شده که با اشاره به بار سنگین روی دوش میترا می گوید

1. *De Antro Nympharum*

2. *Transitus Dei*

گاو جوان را به روی دوش خود حمل کرد. اما این امر که با کشف گاو و کشتن آن میترا فقط می‌خواهد معجزه‌های کرده باشد، درست نیست. زیرا میترا برای انجام دادن این وظیفه دینی خود، نبردهای بی‌امان و مساعی دشوار کرده است. همان طور که اوریسته^۱ به هرکول فرمان داد تا گراز متعلق به اریمانت^۲ را بگیرد و بر روی دوش حمل کند، میترا هم گاو سنگین وزن را به سوی غار می‌راند. هر یک از پیروان میترا که بخواهند این وظیفه مهم را انجام دهند، باید پشتکار و جدیت بسیار در این مرحله برزخی (عبور) از خود نشان بدهند. هر یک از مریدان از این مرحله «برزخی» عبور خواهد کرد و چون به میترا تاسی می‌کنند نیروی لازم را از وی کسب خواهند کرد.

این احتمال هست که مسئله وجود گاو بر فراز معبد نماد حضور ثور در برج خورشید باشد. حلول خورشید در برج ثور گویای فرارسیدن بهار است و به همین دلیل است که مراسم قربانی گاو ظاهراً در فصل بهار انجام می‌گرفته است. در این فصل سایر ادیان مبتنی بر طریقت رازمند هم رستاخیز مجدد حیات را جشن می‌گیرند.

معجزه چشمه آب

در کاوش‌های رم مجسمه‌ای یافته شده که ولادت معجزه‌آسای میترا و بیرون شدن وی از دل سنگ را نشان می‌دهد. این اثر هنری امروزه در مدرسه ترینیتی کالج^۳ شهر دوبلن^۴ نگاهداری می‌شود و روی آن کلماتی نوشته شده که بر زبان خود میترا جاری گشته است: «لوسیوس فلاویوس هرمدیون^۵ این تحفه را با خوشحالی به من تقدیم کرد.» هنرمندی که به دستور هرمدیون این اثر را

1. Eurysthée

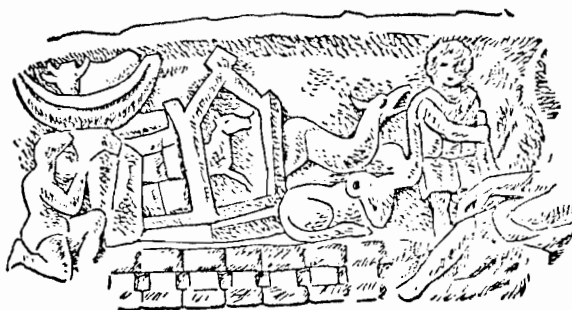
2. Erymanthe

3. Trinity College

4. Dublin

5. Lucius Flavius Hermadion

ساخته، میترا را به طرزی بسیار بدیع جلوه گر کرده چون میترای مصنوع او در حالتی خلسه مانند به نور ساطع از مشعلی که در دست خود اوست نگاه می کند. روی این سنگی که میترا از آن درمی آید یک خنجر و یک کمان و ترکش (تیردان) حکا شده است. میترا با تیر و کمان دو معجزه می کند که مشهور است:



شکل ۲۴: گاوی درون زورق بر فراز یک خانه که در آن گاوی هست.

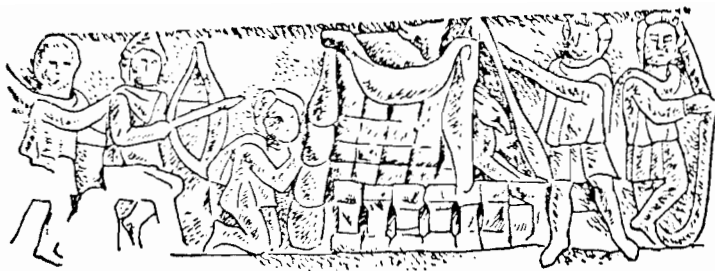
معجزه در آوردن آب و دیگری معجزه شکار. زیرا همه تیرهایی را که میترا در حین شکار می اندازد بدون استثناء به هدف می خوردند.

در رم فقط یک نقش مربوط به معجزه پیدا شده و آن قسمت جانبی تابلوئی است که در معبد نزدیک کاخ باربرینی^۱ یافته اند. در نقش های باز یافته در نقاط دیگر و بخصوص در نواحی اطراف رود دانوب و رود رن بیشتر به وجوهی از زندگی خود میترا و معجزات او توجه شده است. در پرده مزبور میترا با کمان خود یک جدار سنگی را نشانه می کند که در مقابل آن مردی در حال سجده کردن است. شخص دیگری هم در این صحنه مشاهده می شود که جلوی میترا زانو زده و حالتی استغاثه آمیز به خود گرفته است. همین شخص در پرده های دیگر دستش را روی شانه راست میترا نهاده است (شکل ۲۵). در نقش برجسته ای که در آپولوم^۲ یا آلبا جولیا^۳ در رومانی پیدا شده حالت اخیر

1. Palazzo Barberini

2. Apulum

3. Alba Julia



شکل ۲۵: نمایش معجزه آب.

دیده می‌شود. روی یک سوی جدار یکی از قربانیگاه‌های معبد پتو در یوگسلاوی تصویر بسیار استادانه‌ای دیده می‌شود که در زیر شرحش می‌آید: میترا حالتی ستیزه‌جویانه به خود گرفته و سلاح خود را به طرف صخره نشانه کرده و آب در حال فوران از درون صخره است. در جلوی صخره مردی در انتظار خروج آب و آشامیدن آن است. بر طرف دیگر جدار قربانیگاه کمان و ترکش و خنجر نیز آنچه در معبد دوبلن دیدیم، حک شده است. نکته قابل توجه اینجاست که دو شخص مزبور لباس شرقی بر تن دارند.

آیا این دو شخص همان کوتس و کوتوپاتس هستند که در مراسم تولد میترا حضور داشتند؟ در نقش برجسته بسیگ‌هایم^۱ آلمان دو پرده هست که



شکل ۲۶: میترا مسلح به تیر و کمان.

1. Besigheim

راجع به موضوع مورد بحث ماست. در پرده اول شخصی مشاهده می شود که با دو دست آب جاری از صخره را می نوشد و میترا مشغول به بیرون کشیدن تیر از ترکش است. در پرده دوم (شکل ۲۶) همین تصویر، متاهی با جزئیات بیشتر نقاشی شده است. در اینجا میترا کمان به دست آماده انداختن تیر است. یکی از دو شخص حاضر در صحنه عازم به رفتن و زانو زدن جلوی میترا است و شخص سوم می کوشد تا با دو دست آب جاری از چشمه را بنوشد.

در هر دو پرده صخره سنگ قویاً شبیه به تکه ای از ابر است. می دانیم که در مراسم دین مهری، صخره سنگ نماد گنبد آسمان است و بنابراین، این طور باید نتیجه گرفت که تیر میترا آب را از آسمان بر زمین جاری می سازد.

حضور شخص استغائه گر معرف این امر است که معجزه در زمانی صورت بسته که خشکسالی بوده و میترا بشریت را از عطش نجات بخشیده است. این داستان سوره هفدهم سفر خروج تورات را به یاد می آورد که می گوید: «یهوه به موسی گفت، پیران قوم اسرائیل را به دور خود جمع کن و عصایت را نیز به دست گیر و بدان رودخانه ای را بزنی و نگاه کن صخره هورب^۱ را خواهم گرفت و آنگاه تو با عصای خویش بدان خواهی زد و آب فوران خواهد کرد و مردمان از آن خواهند نوشید. موسی همان طور که یهوه فرمان داده بود بکرد و بنی اسرائیل نظاره کردند.»

نقش برجسته ای که در دیورگ کشف شده از جنس سنگ سیاه شکننده است و میان سایر نقوش اهمیت خاص دارد. در این نقش میترا در کنار قربانگاه ایستاده و لباس شرقی به تن دارد. در دست راست خدنگی و در دست چپ کمانی گرفته (بخش بزرگی از آن ضایع شده است). پائین پای راست او کوزه ای قرار دارد، این تصویر تنها نقشی است که در آن منحصراً معجزه چشمه آب ترسیم شده. در تمام پرده های دیگر معجزه آب فرعی است و در پس صحنه تولد میترا قرار می گیرد. در نقش باز یافته در پتو صحنه معجزه آب

1. Horeb

همراه با صحنه ائتلاف سل و میترا است (شکل ۳۴). به علت این ائتلاف، قربانگاهی که در نقش بازیافته در دیبورگ، میترا پهلوی آن ایستاده اهمیت خاصی دارد، چون احتمالاً میترا ائتلاف با خدای خورشید (سل) را به این منظور کرد که خشکسالی را از کره زمین بدور کند و برای مردمان و گله‌های چهارپایان آب آسمان فراهم سازد.

گاهی اوقات صخره‌ای که میترا از آن نشئت یافته، به وسیله چشمه‌ای آبیاری می‌شده که «چشمه جاودانی»^۱ نامیده شده است: متنی که اخیراً در کلیسای سنت پریسک یافته‌اند، معنای وجودی این چشمه را روشن کرده است. در متن بازیافته چنین آمده: «چشمه‌ای که در دل این صخره قرار دارد ممتلی است از نوحابه‌ای ایزدی و آن مایه حیات دو برادران است.» مراد از دو برادر اشخاصی هستند که در پرده معجزه آب حضور داشته‌اند. میترا با معجزه خود این دو شخص را سیراب کرد و به آنان مشروبی ایزدی نوشانید که روانشان را ابدیت بخشید.

بنابراین، آبی که از چشمه فوران می‌کند در حکم مشروب حیات بخشی است که این دو برادر قبل از دیگران نوشیدند و قوت جان یافتند و سالکان طریق مهری باید بدانان تشبیه کنند. متأسفانه اطلاعات بیشتری در این باب نداریم. آنچه محقق است این است که میان مسیحیان و مهری‌ها یک مورد تشابه و اشتراک وجود دارد. مسیحیان عادت داشتند روی بدنه تابوت مردگان خویش مجلس معجزه موسی را نقاشی کنند و این امر داستان معجزه چشمه و قوت روحی حاصل از آشامیدن آب آن را به خاطر می‌آورد.

شکار میترا

حال که افسانه میترا حکم فیلمی راستین را برای ما بینندگان پیدا کرده

1. Fons Perennis



شکل ۲۸: میترا سوار بر اسب به هنگام شکار در جنگل سرو.



شکل ۲۷: میترا سوار بر اسب مسلح به تیر و کمان.

است، بد نیست که بر سر نقش برجسته بزرگ باز یافته در ناحیه استرپورکن^۱ لختی توقف و تأمل کنیم. در این نقش مجلس طعام مقدس سل و میترا کشیده شده و در قسمت فوقانی آن، پرده دیگری هست که اهمیت بسیار دارد (شکل ۲۷). میترا سوار بر اسب و در حال تیراندازی است. غلامی در عقب او روان است که لباس شرقی به تن دارد و ترکش مولای خود را بر روی شانه راست حمل می‌کند. شیری هم در دنبال اینان می‌آید. جانوری که باید شکار شود روی پرده ترسیم نشده است. در شهر نوین هایم نزدیک معبدی پرده دیگری یافته شده که همین واقعه را شرح می‌کند (شکل ۲۸). میترا در جنگلی از سرو دیده می‌شود که با شتاب بسیار می‌تازد، باد وزان است و دامن روپوش او را بلند کرده. در دست راست کره آسمان را گرفته و با دست چپ افسار اسب را می‌کشد. یک شیر و یک مار همراه او هستند. در پائین نقش برجسته‌ای که در رومانی پیدا شده، همین جانوران دیده می‌شوند و صحنه قربانی گاو ترسیم شده است. شیر و مار نمادهای آتش و خاک و جزء ملازمان میترا شهسوار خورشیدوش هستند.

1. Osterburken

به طوری که ر. دوسو^۱ نشان داده، در شرق خصوصاً در سوریه، نقوشی که میترا را همچون ایزد خورشید نشان می‌دهند، بسیارند. اسب سوار تراکی^۲ (یعنی سل) در کشورهای بالکان مورد پرستش بوده و با آپولن خدای خورشید همسان و یکی تصور شده است. سل در ارابه^۳ چهار اسبه خود و سل سوار بر اسب در هر دو حالت معرف تحول روزانه خورشید هستند. در سنگ‌نوشته‌های بازیافته در آسیای صغیر به هلیوس (خدای خورشید) سوارکار اشاره شده است. تحقیق در متون بازمانده نشان می‌دهد که بقایای این سنت تا زمان بعثت دولت بیزنطیه برقرار مانده است. بنابر این، تقریباً محقق شده که سازنده نقش برجسته نوین‌هایم قصد داشته که میترا را در عین حال همچون خدای خورشید و فرمانروای جهان نشان دهد و کره آسمان که مخصوص اوست کاشف از همین معناست.

مع‌ذلک اختلافی میان نقش نوین‌هایم و نقش استرپورکن مشاهده می‌شود. در نقش اخیر که در رنانی پیدا شده میترا به صورت تیرانداز ظاهر می‌شود و به همین دلیل فهم پرده را آسان‌تر می‌کند. پرده دیورگ میترا را سوار بر اسب و در حال شکار نشان می‌دهد. سروی در کوهستان دیده می‌شود، و اسبی که میترا بر آن سوار است جنب و جوش بسیار می‌نماید. تیری را که می‌اندازد به قصد از پای در آوردن خرگوشی است که گوش‌های درازش هنوز هم قابل رؤیت است. سه سگ شکاری در اطراف میترا هستند، مشعلداران هر یک روی کوزه‌ای راست ایستاده‌اند. بنابراین، شیر در صحنه حضور ندارد. اما وجود دو مشعل‌دار روی پرده اشاره به نور و آتش است. به جای مار که عنصر خاک را مجسم می‌کند، کوزه‌ای نقاشی کرده‌اند که نماد آب است.

نخستین بار محققى به نام فر. بن^۳ این صحنه را تفسیر کرده و معتقد به رابطه‌ای میان آن و الهه ژرمنی موسوم به وُدان^۴ است. با توجه به این که

1. Dussaud

2. Thrace

3. Fr. Behn

4. Wodan

صحنه‌های شکار میترا فقط در آلمان یافته شده، این محقق معتقد گشته که در آلمان خدایان ایرانی و ژرمنی اختلاط و آمیزش یافته‌اند. طولی نکشید که نادرستی این عقیده به کرسی نشست و حفاری‌هایی که در معبد دورا پوس شد منجر به کشف دو پرده روی دیوارهای نمازخانه گشت. در این دو پرده صحنه شکار میترا نقاشی شده است. بنابراین، این عقیده در شرق و غرب امپراتوری رم مورد قبول واقع گشته و در نقاشی پرده فوق‌الذکر که در اورا پوس یافته شده، سلیقه و سنت هنر شرقی به چشم می‌خورد (شکل ۲۹).



شکل ۲۹: فرسک (دیوارنگاره) دورا پوس، نمودار میترا در نخجیرگاه.

چشم‌انداز این پرده از گیاهان سه شاخه و درخت‌هایی که سر آن‌ها به شکل بادبزن است تشکیل شده. رنگ بکار رفته در این پرده لاجورد است و نقاش آن می‌باید احتمالاً ساکن یکی از شهرهای مجاور شهر پالمیر بوده باشد. میترا در حالی که روبروی خود را نگاه می‌کند سوار بر اسب دیده می‌شود و در حال کشیدن کمان خویش است. اسب در حال تاخت و تاز است، و زین و برگش شکوه بسیار دارد. به یکی از تسمه‌های مربوط به زین و برگ اسب، ترکش میترا بسته شده، درست مثل جامه سواران هنگ تیرانداز همراه میترا در پالمیر. لباس

وی به طرزی زیبا قلابدوزی شده و شیری و ماری همراه میترا هستند، درست نظیر آنچه که در نوین‌هایم^۱ دیده‌ایم. تیرهای رها شده، دوگوزن هلالی شاخ، دو آهو و یک گراز را از پای در آورده است. این جانوران با این که خون از زخمشان جاری است، سرگشته‌وار می‌دوند. هنرمندی در صحنه‌های دیگر به جای مار و گراز، دو شیر بزرگ و کوچک نشانده است. دورا یک اردوگاه مقدم نظامی بود که تیراندازان پالمیر در آنجا منزل کرده بودند و روشن است که این لشکریان می‌خواسته‌اند شمایل میترا به صورت نگهدارنده جنگ‌افزار آنان منقوش باشد. اما در این شکارها - اضافه بر حراست سپاهیان - میترا در جستجوی یافتن دشمنان خویش و از میان بردن آنهاست.

قبلاً این نکته را در اوستا دیدیم. در اینجا میترا به شکار گراز می‌پردازد. چنان که می‌دانیم گراز را اغلب در راه اهریمن، سرچشمه بدی قربانی می‌کردند.

میان تصاویری که روی قیرها می‌کشیدند، پرده شکار زیاد دیده شده است. این نکته به اثبات رسیده که در عهد باستان شکار را همچون مکتب سرسختی و سخت‌جانی تصور می‌کرده‌اند. پیکار با جانوران وحشی در دیده فلاسفه نشانه فتح جرئت و هوش آدمی و شکست خشونت و توحش بوده است. از سوی دیگر صید حیوانات معنای مذهبی هم داشته و بدون تأییدات خداوندی پیروزی بر جانوران زیانکار ممکن نبوده است. در انجام هر شکار، مراسم قربانی معمول می‌شده و سفره‌ای نذر خدا می‌کرده‌اند و طعام می‌خورده‌اند. دیدیم که در پرده نخجیر باز یافته در استرپورکن، بعد از مراسم شکار ضیافتی داده شده است. در شهر سردیکا^۲ (سوفیا) پرده‌ای هست که میترا و سل را بر سر سفره طعام نشان می‌دهد و کوزه‌ای روی زمین نهاده شده است. در سمت راست غاری که در آن مراسم ضیافت انجام می‌شود، شیری مشهود است و در طرف چپ غار سنگ شکاری و گراز به نظر می‌آیند. دو منظره طعام

1. Neuenheim

2. Serdica

و شکار در پشت دو نقش برجسته یافته شده در آلمان (در هدرن‌هایم و روکینگن^۱) دیده می‌شود.

بدون هیچ‌گونه تردید میان دو نقش برجسته مذکور خویشاوندی هست و در بخش فوقانی دو مجلس ضیافت سل و میترا، پرده شکار با تمام جزئیات آن ترسیم شده است. در مرکز پرده باز یافته در هدرن‌هایم انسانی دیده می‌شود که چهره‌اش واضح نیست و چهار سگ بزرگ شکاری در اطراف او هستند. در قسمت چپ بالای سر سگ‌های شکاری تکه‌ای از پای اسب دیده می‌شود و از آنجا می‌توان نتیجه گرفت که در اصل اسب سواری روی پرده منقوش بوده و شخصی که در وسط پرده هست شاید خدمتکار اسب سوار بوده. گاو و گرازی هم خوابیده‌اند و کمی دورتر بره‌ای مشغول چریدن است. زود می‌شود حدس زد که سگ‌های ترسیم شده روی پرده به حیوانات مذکور نظری ندارند و نمی‌توان فهمید که حیوانات فوق شکار شده‌اند یا نه؟ همین‌طور تشخیص این که گاو و گراز هدف تیر قرار گرفته‌اند غیر ممکن است. به خاطر داریم که روی فرسکی که در ناحیه سوئو و توریلیا^۲ روی جدار راست مهرکده سنت پریسک رم نگاشته شده است، گاوی و گرازی و بره‌ای دیده می‌شوند. همین سه جانور را روی حاشیه دهنه غاری که در آن ضیافت داده شده نقش کرده‌اند.

در سال ۱۹۵۰ نقش برجسته‌ای از میترای سوار بر اسب در روکینگن بازیافته شده، دست چپش را بلند کرده و با آن افسار اسب را گرفته (شکل ۳۰) و در اطراف او جانوران مختلفی نظیر سگ و کره‌اسب و گراز و گوزن و گاو دیده می‌شود. به عقیده محقق^۳ به نام آلفوئدی^۴ جانوران مذکور واجد معنای خاصی هستند و آن سفر اساطیری خورشید است که همچون یک چابک سوار در ارابه‌ای در تکاپوست. با وصف این، از ظواهر چنان برمی‌آید که با اطلاعات نا کافی موجود نمی‌توان میان صحنه شکار و اسطوره جهانسوزی^۴

1. Rüklingen

2. Suovetaurilia

3. A. Alföldi

4. Conflagration Universelle

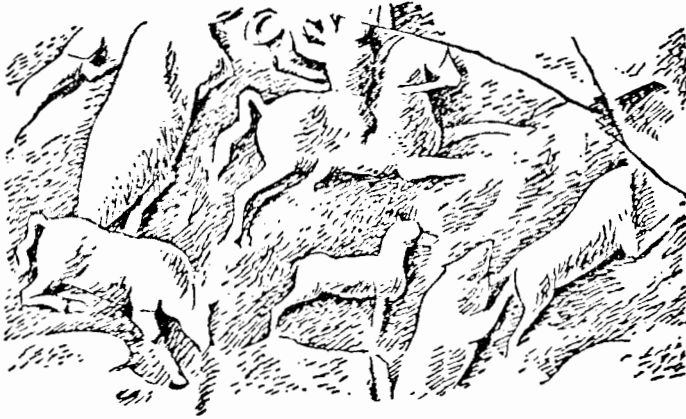
رابطه‌ای برقرار کرد.

به نظر ما صحنه شکار را باید همچون نمایش نبرد میان میترا و نیروهای شر (وجود گراز در صحنه مزبور قابل توجه است) تصور کرد. اگر در جاهای دیگر (دیبورگ و دورا) حیوانات بی‌آزاری چون خرگوش و آهو نقاشی شده‌اند به این دلیل است که نقاش خواسته سعی در منطبق ساختن موضوع نقاشی با وضعیت محلی که تنوع جانوران هم جزء آن است بکند. و اما گاو و نرو ماده را به این علت اضافه کرده‌اند که به طریقی دیگر شکار و دستیابی بر آن‌ها را نقش کنند. در صحنه منقوش باز یافته روکینگن می‌بینیم که برای دست یافتن به این چهار پایان از کمند استفاده می‌شود.

صحنه‌های شکاری که مورد بحث قرار گرفت هرودت و منقولاتش را در باب تربیت در ایران باستان به خاطر می‌آورد و نشان می‌دهد که تربیت در ایران باستان از پنج سالگی کودک شروع می‌شده و به بیست‌سالگی وی ختم می‌گشته است.

این نوع تربیت شامل سه مرحله اساسی بوده است: اسب‌سواری، تیراندازی و پرستش حقیقت. میترا و بعد از او مهرپرستان می‌توانستند در این امور الگویی نوحاستگان و جوانان ایران قرار گیرند. میترا نگاهبان حق و حقیقت است. سوارکار است و تیرانداز، بدی‌ها را با زوبین خود می‌راند و تیرش همیشه به هدف اصابت می‌کند. هرگاه به شکار می‌رود، اوست که غنیمت به چنگ می‌آورد و در نبرد میان خیر و شر پیروزی همیشه با اوست. در دورا نقاشی کوچکی هست که روی تیرکی نشانده شده و دو خدمتکار آن را حمل می‌کنند. موضوع آن شکار گاو است. بعد از این صحنه مرحله پیروزی بر نیروهای بدی است و بعد از آن مجلس میهمانی می‌بینیم که یاران میترا در آن دعوت دارند.

مردم عهد باستان ابداً به اعتقادات اصولی و جزمی مقید نبودند و هیچ گونه ضرورتی نمی‌دیدند در این که در آراء دینی خود الفت منطقی به وجود



شکل ۳۰: میترا سوار بر اسب و کمند بر دست.

بیاورند. این نکته را آقای گوتری^۱ در کتابی که در باب خدایان یونان باستان نوشته شرح کرده و ما نیز ضمن مطالبی که ذیلاً در مورد مناسبات میان سل و میترا خواهیم نگاشت واقعیت مذکور در فوق را نشان خواهیم داد. حقیقت این است که از اطلاعات موجود نمی‌توان پیوندی منطقی بین این دو پروردگار یافت و اگر مناسبتی وجود داشته باشد فعلاً بر ما مکتوم است.

حتی خود میترا در سنگ‌نوشته‌های گوناگون به کرات بالقب سل خدای شکست‌ناپذیر^۲ یاد شده و همراه با کوتس و کوتوپاتس مجسم‌کننده طلوع و نیمروز و غروب خورشید است. با این وصف پهلوی میترا ایزد خورشید را

1. Guthrie

2. *deus Sol invictus*

می بینیم که سوار بر ارابه آتشین خویش است و تازیانه کشان اسب‌ها را در فضای آسمان به جلو می راند. اما میان این خدای زردفام که از تبار آپولون و حامل نور و روشنائی است و میترا می باید تشخیص کرد. خدای مزبور معمولاً شنلی فراخ در بر دارد و هیچگاه کلاه فریجی میترا بر سر او دیده نمی شود.

در برخی از تصاویری که مراسم قربانی گاو را نشان می دهند، از هاله رخشانی که دور و بر سر سل را فرا گرفته، پرتوی می جهد. بدون هیچ گونه تردید، این خدا سل است که به میانجیگری کلاغ به میترا ایزد ایزدان فرمان ذبح گاو مقدس را می دهد. نتیجه منطقی این می شود که سل میانجی میان اهورامزدا (خدای نکوئی) و میترا است و میترا نیز به سهم خود با قربانی کردن گاو مقدس میانجی بین انسان و اهورامزدا می شود. پس سل - هلیوس - آپولون موکل مستقیم میترا است و به این عنوان در قربانی گاو شرکت می جوید. بنا به ملاحظات مذکور این طور به نظر می آید که خدای خورشید بر میترا اولویت دارد و نیروئی بس عظیم تر از او در اختیارش است. با این وصف، در برخی از نقوشی که بخصوص در خارج از رم یافته شده خدای خورشید در حالت خضوع و خشوع در مقابل میترا مجسم شده است و این حالت تسلیم و اطاعت محض را خصوصاً در تصاویر یافته شده در کشورهای بالکان بخوبی می توان مشاهده کرد. علاوه بر این در بعضی از تصاویر، میترا دست چپ خود را روی سر سل گذارده و دست راست را بلند کرده و در آن شیئی قرار گرفته که متأسفانه شناخت ماهیت آن دشوار است. در برخی از نقاشی‌ها، آن شیئی شبیه به کلاه فریجی است، و در بعضی شباهت به جام (ظرف) شاخ مانند دارد. گاهی هم شیئی مزبور تصور تکه‌ای گوشت را در ذهن نگرنده ایجاد می کند. در هیچ متنی تفسیر و توجیه این صحنه دیده نشده است. اما تصور این می رود که میترا می خواهد سل را در آغوش بگیرد (شکل ۳۱). روی یک نقش کوچک برجسته که در بوخارست یافته شده میترا را به وضوح می بینیم که دارد بر سر سل کلاه فریجی می گذارد.



شکل های ۳۱ و ۳۲: میترا در حال تجهیز یک سپاهی (نقش چپ) و سل و میترا (نقش راست).

در تصاویر دیگری هم که یافته شده تصور اتحاد و اتفاق میترا و سل بیش از پیش تأیید می شود. روی نقش برجسته بازیافته در ناحیه نرسا در ایتالیا (شکل ۳۲) تصویر سل غریبان دیده می شود که جلو میترا زانو بر زمین زده است. میان این دو خدا مذبح کوچکی مشهود است. سل دست راست را پائین آورده و دشنه‌ای بدان گرفته و با دست چپ مچ میترا را فشار می دهد. میترا هم کارد افراخته‌ای در دست راست گرفته است. از این صحنه چنین برمی آید که این دو خدا می خواهند اتحاد و اتفاق خویش را با خون خود ممهور کنند. روی نقش برجسته‌ای در رم این دو خدا در دو سوی معبدی قرار گرفته‌اند. میترا با دست چپ مچ شخصی را که در سمت مقابلش ایستاده می گیرد و با کاردی که در دست دارد، مهیای شکافتن آن می شود تا با خون عقد اتحاد را مسجل کند. روی نقش برجسته ناحیه ویرونوم^۱ اتریش، میترا دست سل را برادروار می فشارد و دوستانه با دست چپ به شانه او می زند (شکل ۳۳). روی نقش برجسته بازیافته در هدرن‌هایم آلمان میترا دیده می شود که به کمک سل می شتابد و هاله دور سر او را مرمت می کند. روی یک پرده نقاشی که در معبد نزدیک قصر باربرینی در رم یافته شده و نیز در یک نقش برجسته بازیافته در

1. Virunum

ناحیه پتوی یوگسلاوی میترا و سل دیده می‌شوند که در دو طرف مذبح معبد راست ایستاده‌اند. روی پرده باز یافته در رم میترا و سل سیخ کوتاهی به دست دارند و آن را بالای مذبح پرستشگاه گرفته‌اند. در نقش برجسته (شکل ۳۴) پتو، سل و میترا در حالی دیده می‌شوند که دست یکدیگر را می‌فشارند. روی مذبح آتش شعله‌ور است و روی آتش تکه‌های گوشت به سیخ کشیده مشاهده می‌شود. (این رسم هنوز هم در یوگسلاوی معمول است.) کلاغی هم در همین نقش دیده می‌شود که می‌خواهد تکه‌های گوشت را بخورد. روی نقشی که در ناحیه دورا یافته شده در ضیافتی همین کلاغ سیخ کباب را تعارف می‌کند. با این وصف نقشی که در ناحیه پتو یافته شده، به هیچ وجه نسخه بدل طعام میترا و سل نیست. می‌دانیم که در این محفل طعام سل و میترا خوراکی را برادروار و همچون دو متحد میان خود بخش می‌کنند. در تصویر یافته شده در قصر باربرینی این صحنه آخری به طور جداگانه نقاشی شده است. بنابر آنچه گذشت، این صحنه محتملاً مؤید اتفاق و اتحاد میترا و سل است و رسمی است دینی که در پس هر مجلس طعام می‌آید و بعد از آن میترا سوار بر ارابه سل می‌شود و به آسمان عروج می‌کند. پس می‌بینیم که خصومتی که میان این دو خدای در آغاز سخن وجود داشته که حال از میان رفته و تبدیل به دوستی جاودانی شده است. بر همان سیاقی که میترا بعد از جهان‌گشائی و فتوحات خود سوار بر ارابه سل شده و به آسمان صعود کرده، مهرپرستان هم امیدوار به بازگشت فروغ جاودانی‌اند.

ضیافت و معراج

پس از این که شکار توانفرسای گاو و ذبح هیجان‌آور آن انجام گرفت، اقامت میترا در کره خاکی به انتها می‌رسد و در ضیافتی که به عنوان حسن ختام



شکل ۳۴: میترا به سوی سل دوان است



شکل ۳۳: میترا و سل در کنار قربانگاه

برپا می‌شود، سل هم حضور می‌یابد و گوشت چهارپای قربانی شده را صرف می‌کنند. شمایل‌ی در ناحیهٔ دورا به دست آمده که دو خدمتکار را در حالی نشان می‌دهد که بر روی شانه‌شان چوب بلندی را حمل می‌کنند و جسد گاو ذبح شده از آن آویخته است. لباس اشخاص مزبور شبیه به لباس مشعلداران است.

ضیافت در غاری برپا می‌شود، میترا لباسی به صبغهٔ ایرانی در بردارد و همراه با سل گاهی نشسته و گاهی دراز کشیده دیده می‌شوند. روابط سل و میترا بسیار دوستانه است، چون در برخی تصاویر میترا در حالی که دستش را بر شانه سل گذاشته دیده می‌شود. ولی اغلب اوقات صحنهٔ فوق معرف عواطف مذهبی بسیار عمیقی است که منشأ آن یک واقعه شورانگیز می‌تواند باشد (شکل ۳۵). دو منظره قربانی گاو و مجلس ضیافت بیش از دیگر مناظر نقاشی شده است. گاهی اوقات پشت و رو، یعنی روی دو طرف يك نقش برجسته به ترتیب مجلس ضیافت و داستان ذبح گاوکنده شده است در این حال،

نقش برجسته از نوع مزبور (یعنی نقش دو رویه) بر روی محور چرخنده‌ای کار گذاشته می‌شده تا در موقع مقتضی و طی مناسک دینی اعمال

برجسته میترا را بنمایاند. برخی اوقات ضیافت مخصوص خدایان ترتیب داده می‌شد و در آن‌گاه تنها میترا و سل حضور می‌یافتند. مهرپرستان در موقع انجام دادن مراسم دینی از اعمال خدایانشان تقلید می‌کردند. از این روست که بعضی نقش‌ها خصیصه اختلاطی پیدا می‌کنند و مهری‌ها که وظیفه خدمتگزاران خدا را انجام می‌دهند، خوراکشان باطعام خدایان مخلوط می‌گردد. در تعدادی از تصاویر بازیافته، مجلس ضیافت صرفاً از خود مهمانان مهرپرست تشکیل می‌شود.

برای این که خوب به جزئیات مراسم دینی که در ضیافت مهری انجام می‌گیرد پی ببریم، دیدار کردن از فرسک با شکوه معبد سنت پریسک نهایت لزوم را دارد. در حوالی سال ۲۲۰ پس از مسیح، در عقب سکوی واقع در سمت چپ، روی دیوار یک معبد تصویر زیبایی از مناسک طعام نقش شده است: سل و میترا در غاری که طاقی محدب دارد و پرتو زرین شمع درون آن را روشن کرده، به سبک رمی‌های باستان دراز کشیده‌اند و مقابل آن‌ها میز کوچکی قرار گرفته است. سل جامه‌ای بلند به رنگ سرخ با کمربندی زرد به بر دارد. در دست چپ کره‌ای گرفته و دست راست را با شوقی قدسی و مذهبی بلند کرده است. پرتو شمع هاله‌ای به دور طره‌های زرد رنگ گیسوان بلند او افکنده، نگاهش بسان نگاه مردمان مجذوب است. میترا در سمت راست سل دراز کشیده و دست راست را روی شانه او قرار داده و پوششی سرخ بر تن و کلاه فریجی به رنگ ارغوان بر سر دارد و دو پرستار در خدمت‌اند: یکی نوشابه می‌ریزد و دیگری طعام در ظرفی بیضی شکل به دست دارد، خدمتکار دوم نقابی به شکل کلاغ بر چهره دارد و سالک متشرفی است که در مقام کلاغ^۱ قرار دارد.

هشت نوجوان دیگر هم دیده می‌شوند که هدایائی پیش می‌آورند و از فحوای متن مکتوب بر سنگ چنین بر می‌آید که در مقام شیران^۲ هستند. برخی از این جوانان نورسته یک قرص نان، یا یک کوزه و برخی از آنان خروس و یا

1. Corax

2. Leones



شکل ۳۵. میترا و سل بهنگام خورش.

دسته‌ای شمع در دست دارند. چنین نقشی از چنین محفل آراسته‌ای در هیچ جا یافته نشده است. دو ایزد به جمع یاران خود پیوسته‌اند و در گفتگویند و مهری‌ها نسبت به دو میهمان بلند مقدار خود خضوع و خشوعی در خور شأن آن‌ها می‌کنند. ایزدان در جریان مناسک حضور دارند و رهروان به آن‌ها اقتدا می‌کنند. مقام میترا و سل را در اینجا پیر (مرشد) و پیک خورشید (تفصیل آن بعداً می‌آید) اشغال کرده‌اند و به‌هنگام مراسم دینی لباسی مشابه جامعه میترا و سل به تن دارند و متّصف به صفات آنان نیز هستند. در معبد سنت پریسک برای این دو شخص سکویی تعبیه شده که روی آن می‌نشینند و برادر وار در مراسم دینی شرکت می‌جویند. سالکانی که در مقامی نازل تر قرار دارند و بخصوص آنان که در مقام کلاغان هستند خوراک و نوشابه تعارف می‌کنند. اما مهرپرستان چه می‌خوردند و چه می‌نوشیدند؟ در یک طرف نقش

برجسته باز یافته در هدرن هایم سل و میترا در عقب گاو دراز کشیده اند (شکل ۳۶). گاهی اوقات این دو خدا و یا میدان آن‌ها روی پوست گاو خوابیده‌اند و این نکته معرف آن است که می‌خواهند نیروی سحرآمیز گاو مقدس را به خود جذب کنند. در ناحیه کونجیک^۱ کلاخ و شیر نقاب به صورت دارند و طعام و شراب معاوف می‌کنند (شکل ۳۷). روی میز نان و میوه و حتی گاهی اوقات ماهی دیده می‌شود. روی نقش برجسته هدرن هایم خدمتکاران را می‌بینیم که ملبس به جامه مشعلداران هستند و سبدهائی از نان و میوه پیشکش می‌آورند. سل خوشه‌ای از انگور را به یک همخوراک تعارف می‌کند و میترا با احترام به آن می‌نگرد.

روی جامی از جنس گل‌رس که در شهر ترو^۲ یافته شده و احتمالاً به هنگام غذا خوردن به کار می‌رفته خادمی دیده می‌شود که نان تعارف می‌کند. در نقش برجسته دورا به سل و میترا گوشت به سیخ کشیده تعارف می‌شود و در معبد آوانتن شیری حامل نان شیرینی است و آن رازیر سرپوشی از شیشه قرار داده است. در مزبله‌های معابد استخوان‌های گاو و خوک و گوسفند و یا ماکیان مشاهده شده است. اما از آنچه رفت می‌توان استنتاج کرد که گوشت گاو را می‌خوردند و خون آن را می‌نوشیدند. اگر به گاو دست نمی‌یافتند و یا بهای آن گران بود به گوشت سایر جانوران خصوصاً چهار پایان کوچک اندام بسنده می‌کردند. گاهی اوقات هم به جای گوشت نان و ماهی می‌خوردند و به جای خون، شراب می‌نوشیدند. ژوستینیوس^۳ یکی از آباء مسیحی صریحاً می‌گوید «این که مهری‌ها در مراسم دینی شان نان و آب صرف کنند، تو از آن آگاهی و یا وسیله‌ای داری که از آن اطلاع یابی.»

می‌بینیم که ژوستینیوس عمداً لفظ آب و نه شراب را به کار می‌برد و حال آنکه ما می‌دانیم استعمال شراب محقق است و اصلاً بحثی در آن وارد نیست. هزینه جماعت مهری روی دیوارهای معبد دورا-روپوش یادداشت

1. Konjic

2. Treves

3. Justinus



شکل ۳۶: میترا و سل در موقع صرف طعام.

شده و بخوبی می‌توان مشاهده کرد که هزینه نان و شراب در رأس فهرست مخارج قرار گرفته‌اند. خوشه انگوری را که در دست سل (در ناحیه هدرن‌هایم) می‌بینیم، سندی است که مؤید گفتار ماست (شکل ۳۶). روی نقش برجسته‌ای که در کتوبریگا^۱ (در پرتغال) به دست آمده، خدمتکاری ظرفی را در کوزه بزرگی خالی می‌کند و خادمی دیگر دیده می‌شود که مشعلش را بر زمین انداخته تا بتواند با دو دست سفره نان را به سل تعارف کند؟ فرسک‌های معبد آواتن، مطالب مذکور در سطور پیش را تأیید می‌کنند. تصاویر این پرستشگاه که همه ضیافت میترا را نشان می‌دهند، بیش از دیگر نقوش مورد تهاجم و شتم مسیحیان آخر قرن چهارم واقع شده‌اند. تعصب ویرانگر مسیحیان که متأثر از ایمان مذهبی آن‌ها بوده، بیشتر متوجه فرسک‌های مزبور شده و به دیوار دیگر معبد آسیبی نرسیده است. فهم علت این عناد سهل است. همان‌طور که ترتولین می‌گوید مجلس ضیافت مربوط به نمایش میترا «تقلیدی ابلیس مآبانه از مراسم او کارستی^۲ مسیحیان است.»

در کتاب نویسنده مزبور آمده است که مهری‌ها از صحنه رستاخیز هم

1. Caetobriga

2. Eucharistie: عشاء ربانی

تصویری نقاشی کرده‌اند. مهری‌ها سخت معتقد بودند که استعمال گوشت و خون گاو موجب حیاتی نوین می‌شود، درست به همان سیاق که حیاتی نو از خون گاو می‌جهد. گوشت و خون گاو نه تنها نیروی جسمانی می‌دهند بلکه روان را تصفیه می‌کنند و به هنگام رستاخیز در فروغ ابدی اثر مفید دارند. برخی از محققان مثل کریستن سن و لوازی از این ملاحظات نتیجه گرفته‌اند که میترا می‌خواسته با گاو وحدت عرفانی برقرار کند.

میترا گاو را قربانی می‌کند تا رهروانش بتوانند گوشتش را بخورند و خونش را بنوشند. درست همین مراسم در آئین دیونیزوس^۱ هم مشاهده می‌شود. باید گفت که در هیچ جا متنی در تأیید رأی مزبور یافته نشده و فقط پژوهش‌های آینده می‌تواند صحت نظرات مزبور را به کرسی بنشاند.

ژوستن^۲ می‌نویسد، ضیافت مهری‌ها همراه با آئینی ویژه بوده و محتمل است که میان این ضیافت و «آخرین غذای مسیح» (به فرانسه لاسن^۳) قرابت بسیار وجود داشته باشد. در این باب متنی مربوط به قرون وسطی را



شکل ۳۷: طعام میترا

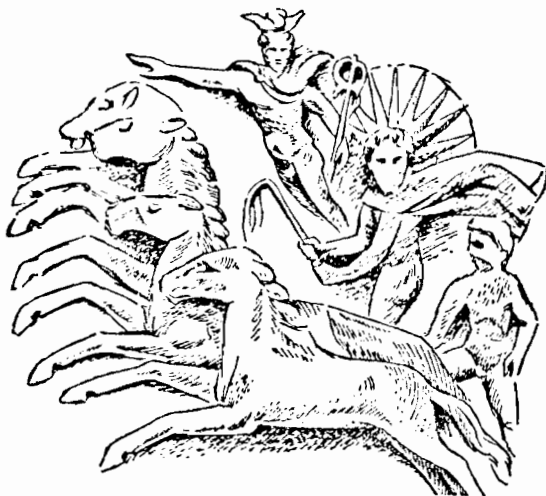
1. Dionysos

2. Justin

3. la Cene

آقای کومون یافته و به چاپ رسانیده که بسیار جالب توجه است. در اینجا حقیقت دین مسیح و زردشت معارض یکدیگر قلمداد شده چون عیسی بدین سیاق با مریدانش سخن گفته است: «هر آن کس که گوشت مرا نخورد و خون مرا به طریقی که او با من ممزوج شود و من با او مخلوط گردم، نیاشامد، به نجات اخروی نخواهد رسید.» و حال آنکه در همان کتاب، مسیح به این نحو با حواریون صحبت می‌دارد:

«کسی که گوشت مرا بخورد و خون مرا بیاشامد، حیات جاودانی خواهد یافت.»
این متن ما را به مناقشات میان مهری‌ها و مسیحیان می‌کشاند و با این که متأخر است، گفته‌های ژوستن را تأیید می‌نماید.

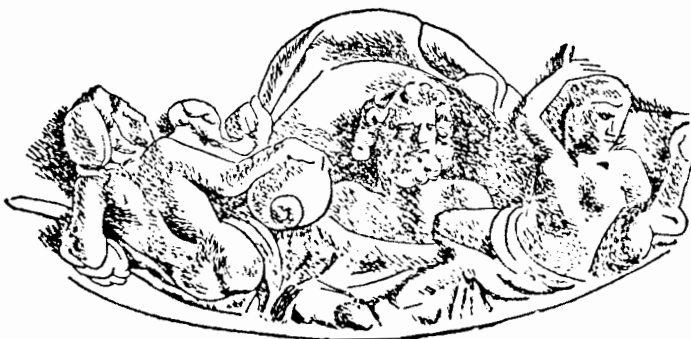


شکل ۳۸: معراج میترا سوار بر ارازه خورشید.

بعد از این که میترا معجزاتی کرد، سوار بر گردونه خورشید می‌شود و به آسمان عروج می‌کند. در برخی از نقوش برجسته میترا را می‌بینیم که در عقب

گردونه سل - هلیوس خدای خورشید می‌دود (شکل ۴۴). سل راننده گردونه است و چون حرکت اسبان ناشکیبا را مانع می‌شود اینان پای بر زمین می‌کوبند و حال آنکه در نقوش دیگر اسبان را تازیانه می‌زند و به رفتار وادارشان می‌کند. معمولاً هاله‌ای از نور دور سر سل را گرفته و به غیر از پوششی که از وزش باد در اهتزاز است چیز دیگری در بر ندارد.

گاهی اوقات مثلاً روی نقش و پرونوم (شکل ۳۸) هنرمند تصویرگر حرکت صعودی گردونه را به وضوح ترسیم کرده است. در این نقش هر مس - مرکور^۱ به عنوان مرشد راهنمایی می‌کند، و با بال‌هایی که بر سر دارد و چوبی از درخت غار که دو مار دور آن حلقه زده‌اند، قابل تشخیص است. روی نقوش برجسته باز یافته در سواحل دانوب میترا به آرامی سوار ارا به می‌شود. در اینجا ارا به قصد صعود به آسمان را ندارد و هدفش اقیانوس است که به صورت خدائی با محاسن انبوه، در حالت دراز کشیده، ترسیم شده و نیمه سفالی بدنش ملبس به پوششی است. گاهی اوقات میترا آرنج چپ را روی کوزه‌ای قرار داده و در برخی حالات آب به صورت خطوطی موج نشان داده شده است. در نقش



شکل ۳۹: دور و بر اسانوس را نمف‌ها گرفته‌اند.

1. Hermes - Mercure

برجسته دیورگ دورو بر اسانوس نمف^۱ هائی ترسیم شده‌اند. میترا در اینجا به صورت اسطوره فائتون^۲ در آمده و از هلیوس تقاضای بعاریت گرفتن گردونه خورشیدی اش را می‌کند (شکل ۶۷).



شکل ۴۱: سیمای ساتورن روی فرسک

باز یافته در دورا.



شکل ۴۰: کرونوس - ساتورن در حال تفویض

قدرت به ژوپیتر.

روی سر اسانوس تکه پارچه‌ای لچک مانند دیده می‌شود که در باد موج می‌زند. بنابراین، میان این شخص و تصویر بزرگ دراز کشیده‌ای که در نماز خانه معبد سنت پریسک لچکی بر سر داشت، قرابتی وجود دارد.

روی نقوش برجسته باز یافته در سواحل دانوب ماری دور بدن اسانوس پیچیده و سرش را به سوی اسب‌ها دراز کرده و حالتی تهدید آمیز نسبت به آن‌ها دارد. پس در خدای امواج (اسانوس) مشخصات ایزد زمان و ایزد آسمان جمع آمده و این اختلاط بدون شك مربوط به زمانی است که این دو خدا ایزد

1. Nympe

2. Pphaeton

یگانه‌ای بوده‌اند. وقتی که هنرمندان مسیحی خواستند مسیر سفر روح را به آسمان نقش کنند، موضوع عروج الیا^۱ را به آسمان، که در ارابه‌ای آتشین با اسبانی تیزتك انجام شد، از کتاب سلاطین^۲ اخذ کردند. اگر ترسیم موضوع مزبور از روی تصویر معراج میترا به آسمان در ارابه خورشید تقلید شده احتمالاً بدون غرض و علت نبوده است. در این تصویر اردن^۳ به جای اسانوس نقاشی شده است.

1. Elie

2. Le Livre des Rois

3. Jourdain اردن نام رودی است در فلسطین که عیسی در آن غسل تعمید یافته است.

میترا و ایزدان همراه او

در آئین مهری دو نیروی اصلی در کشمکش مستمر هستند. اهورامزدا فرمانروای خطه برین روشنائی و اهریمن حاکم بر جهان ظلمات است. بر فراز این دو خدا زروان قرار گرفته که ایزد زمان است. اهورامزدا و اهریمن چنان از زروان اطاعت می‌کنند که گوئی او خدای تقدیر (قضا)^۱ است. برخی اوقات زروان مثل میترا با چهره‌ای برنا جلوه‌گر می‌شود و غرض از آن نشان دادن میترای جوان است همچون خدای جدید زمان یا کرونوس - ساتورن جدید. اما از سوی دیگر پلوتارک^۲ صفت میانجی (در یونان: مسیتس)^۳ به میترا می‌دهد و روی این اصل او میانجی دو جهان روشنائی و تاریکی و یا نیکی و بدی است. چنین صفتی که به میترا نسبت داده شده، در برخی فرقه‌های گنوستیک^۴ (غنوسی) به روح داده شده است. میترا دوشادوش لشکر خیر نبرد می‌کند و او را در پیروز شدن بر نیروهای شریاری می‌دهد. تا موقعی که چنین ظفری رخ نداده میترا همچون رابطی میان فروغ محض و انسان مقید به مادیات حیات خاکی است. کل این نظریه منشاء ایرانی دارد و چنین نوع جهان بینی را موبدان در مناسک رمزی مذهب خود متجلی ساخته‌اند. در جنب این چند خدا شخصیت‌های سنتی دیگر نیز می‌یابیم که افسانه‌ای هستند و از اساطیر یونانی و رومی به عاریت گرفته شده‌اند.

1. Fatum

2. Plutarque

3. Mesites

4. Gnostique: عرفانی

تصاویر مختلفی از کروئوس ساتورن در دست داریم که قدرت ایزدی خود را به جانشینش ژوپیتز تقدیم می‌کند (شکل ۴۰) آذرخش و عصا به او هدیه می‌نماید.

این صحنه نزدیک قربانگاهی وقوع می‌یابد، گوئی که این دو خدا می‌خواهند امر انتقال قدرت را موافق اصول شرع انجام دهند و قربانی کنند. عصر طلائی^۱ که شاعران و نویسندگان به نظم و به نثر آنقدر درباره‌اش قلم فرسوده‌اند به انجام رسیده، ولی بعد از چند دوره معین و معلوم دوباره ظاهر خواهد شد.



شکل ۴۳: ساتورن بر آرنج خویش تکیه زده و آذرخش بدست دارد.

شکل ۴۲: ساتورن روی صخره‌ای نشسته و کاردی بدست دارد.

روی نقش برجسته‌ای که در استر بورکن یافته شده، در وسط دایره‌ای از گل و گیاه ظاهراً نقش اساطیری کائوس^۲ - هرج و مرج آغازین قبل از خلقت - دیده می‌شود و بعد از آن فرمانروائی ساتورن شروع می‌گردد. در تمام دورانی که ژوپیتز حکومت می‌کند و در همان احوالی که به

1. aurea aetas

2. Chaos

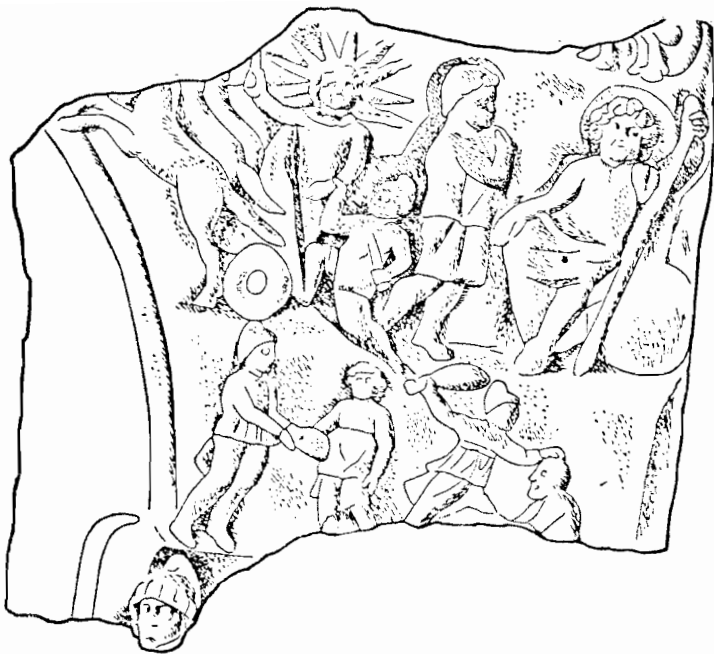
وضوح وظایف مربوط به اهورامزدا را او انجام می‌دهد، حضور ساتورن در افسانهٔ میترا ادامه می‌یابد. در نقشی که در دورا یافته شده ساتورن با جلالی تمام دیده می‌شود که عصائی در دست و چهار قدی بر سر دارد. در نقش برجسته نوین هایم ساتورن را می‌بینیم که روی آرنج خود تکیه زده و آذرخشی یا شیئی به شکل آذرخش آسمان (شکل ۴۳) به دست دارد، در حالی که در تصویر باز یافته در دیبورگ ساتورن روی صخره‌ای نشسته و کاردی به دست دارد (شکل ۴۲).

در برخی تصاویر روابط میان ساتورن و ایزد برنای روشنائی به وضوح نمایش داده شده است. گاهی اوقات ساتورن در حال اهدای خنجرری یا داسی قلاب‌دار به میترا دیده می‌شود. در برخی موارد ساتورن را در موقع قربانی کردن گاو یعنی موقعی که معجزهٔ توالد مجدد طبیعت انجام می‌گیرد دیده می‌شود. بنابر آنچه گذشت تعجبی ندارد اگر حمایت از پیر یعنی مرشد مناسک که به هنگام غیبت میترا جانشین وی می‌شود به ستاره کیوان (ساتورن) واگذار شده باشد.

نقش برجسته باز یافته در پتوژ^۱ (واقع در یوگسلاوی) را می‌توان به چند نحو تعبیر کرد (شکل ۴۴). ایزدی را می‌بینیم که روی صخره‌ای نشسته و فقط بخشی از بدنش را پارچه‌ای پوشانیده است. در دست چپ عصائی بلند دارد. در برابر او جوانی راست ایستاده و با آزر می‌بسیار دست را به دهان برده است. زیاد بعید نیست که مراد از مرد جوان خود میترا باشد که جلوی ساتورن ایستاده، اما به همان اندازه هم امکان هست که غرض از شخص مزبور فائون جوان باشد که از پدرش هلیوس تقاضای به امانت گرفتن گردونه‌اش را می‌کند. می‌توان مقایسه بسیار جالب توجهی میان نقش مزبور و نقش بزرگ باز یافته در دیبورگ (شکل ۶۷) کرد.

ژوپتر در دوران پادشاهی خویش مجبور شد که غولان سرکش را به

1. Ptuj



شکل ۴۴: این نقش شاید میترا را بنماید که در مقابل ساتورن دیده می‌شود.

جای خود بنشانند. منظره جنگ باغولان را به کرات در شمایل‌های میترا می‌بینیم، جنگی شدید در می‌گیرد، و میترا پدر بشریت آذرخش‌هائی را که در دست گرفته بر سر و روی غولان سرکش می‌اندازد و غول‌ها وحشت افزاینده و پاهایشان به مارهائی ختم می‌شوند و چون می‌خواهند صخره‌ای بلند را برکنند و بر سر ژوپیتر بزنند ژوپیتر بر آنها پیروزی می‌یابد و غولان خسته و کوفته در دوزخ سقوط می‌کنند. تصویری با تفصیل مذکور را در شمایل باز یافته در ناحیه دورا دیده‌اند (شکل ۴۵). در مهرکده سنت پریسک هم مجسمه کوچکی از يك غول به دست آمده که از جنس مرمر بنفش است و رنگ تیره آن نماینده جهان تاریکی است. واضح است که مهری‌ها مبارزه با غولان را همچون نبرد اهورا



شکل ۴۵: فرسک (دیوار نگاره) دورا. ژوپیتر در حال نبرد با غولان.

مزدا با یاران ظلمت می‌بینند. حتی خود میترا هم اقدام به قلع و قمع غولان می‌کند و از اینرو نام او در نوشته‌ها در کنار نام ژوپیتر همچون مغلوب کننده غولان دیده می‌شود. در همین جاست که مهر پرستان می‌خواسته‌اند در واقع پلی میان اساطیر باستانی یونان و روم و افسانه‌های ایرانی بزنند.

پیروان طریقهٔ غنوسی^۱ و مانوی‌ها داستان مبارزهٔ نیروهای روشنایی و تاریکی را اقتباس کرده‌اند و این معنی در کتاب بندهشن آمده است.

اما ژوپیتر در عین حال پادشاه مقتدر المپ و خدای آسمان است و این خود معنای نمادین علامتی را که روی نقش برجسته هدرن‌هایم آلمان کنده شده هویدا می‌سازد. آن علامت عبارت از کره‌ای است مزین به هفت سیاره و دو حلقه منطقه البروج. در رأس آن‌ها عقابی دیده می‌شود که بال‌ها را گسترده و در چنگال‌های خود صاعقه‌ای (= آذرخش) می‌فشارد. خصوصاً نقش‌های برجسته‌ای

1. Lagnose

که در آلمان یافته شده ژوپیترا را در حالی نشان می دهند که خدایان المپ در دو گروه در چپ و راست او ایستاده اند و او فرمان می راند. فرانتس کومون معتقد بود که رابطه ای میان هریک از ایزدان مزبور و ایزد مناسب آن در اساطیر وجود دارد. وجود چنین رابطه ای را نمی توان کاملاً نفی کرد، ولی این سؤال مطرح می شود که آیا اندیشه رابطه میان خدایان المپ و خدایان ایرانی، به این حدت عقاید مهری ها را متأثر کرده است؟ اطلاعاتی را که از راه تحقیق در مهرکده های موقوفه میترا به دست آورده ایم نا کافی هستند و نمی توانیم اعتماد مهری ها را به چنین رابطه ای به وضوح نشان بدهیم. بیشتر این طور به نظر می رسد که خدایان المپ به طور دسته جمعی در مراسم نیایش مهری پذیرفته شده اند و علت آن را هم باید در اقتباس عقاید یونانی ساری در آن زمان جستجو کرد. در واقع، فقط به این دلیل که نقش ها و مجسمه هائی از خدایان گوناگون به صورت جدا یافته شده است، می توان علت آن را جستجو نمود. مثلاً چون در هیچ جا به صورت جدا تصویری از ژونون - هرا^۱ یافته نشده است، آیا می شود وجود هرا از وجهه ژئوس^۲ را که در میان خدایان دیگر نقاشی شده با تشبیه کردنش (و یا یکی دانستنش) با سپنتا آرمائیتی^۳ و یا زمین توجیه کرد؟ بر همین منوال خواهد بود اگر بخواهیم از مسئله فوق توجیه فلسفی ای کنیم که مبتنی بر شباهت صوری لفظ هرا با لفظ آئر^۴ (هوا) است. اما برخلاف مطالب پیشین علتی که باعث شده تا خدائی چون آپولن مقامی منبع در دین میترا به دست آورد کاملاً واضح است. در واقع این آپولن، پیشوای موزها^۵ فرشته الهام بخش و (دختران ژئوس - ژوپیترا) خدای هنر و حامی موسیقی نیست که مردم تقدیس می کنند. ستایش او معلول ماهیت اوست که ایزد خورشید است. در کتیبه ها نام آپولن و میترا متفقاً آمده است. در افسانه ها، هلیوس که میترا آنقدر به او شباهت دارد، گاهی اوقات مشخصاتش نظیر آن آپولن می شود.

1. Junon - Hera

2. Zeus

3. Spenta - Armaiti

4. Aer

5. Musagete (Muse)

پیوندهای میان میترا و آپولن آنقدر نیرومند است که در زمانی که در قسمت جنوبی ناحیه گل^۱ مردم اعتقاد به نیروی درمان کننده آپولن داشتند. مهری‌ها از آن اقتباس کردند و همین نیروی معالجه کننده را به میترا نسبت دادند.

مجسمه‌ای از ایزد زمان در اُستی یافته شده که رویش علائم مشخص وولکن^۲ (خدای آتش) یعنی چکش و انبر دیده می‌شود. در اینجا خلط مبحثی شده زیرا که ائون درست مثل وولکن مجسم کننده عنصر آتش است. بنابر آنچه گذشت، نیازی به سنجش و مقایسه وولکن و آتر ایزد ایرانی نیست.

خدایانی نظیر دیان^۳ (آرتمیس^۴ = لونا^۵ = ماه)، آپولن (هلیوس - سل = خورشید)، مارس، مرکور، ژوپیتر، ونوس و ساتورن مجسم کننده ستارگان هستند و در عین حال از سالکان مراحل هفتگانه (توصیفش خواهد آمد) حمایت می‌کنند و ایزدان موکل هفت روز هفته هستند. بخصوص در آلمان و فرانسه است که ما مجسمه‌ای از هرمس - مرکور به صورت جدا در مهرکده‌ها می‌یابیم. مرکور به نزدیک طوایف گل اعتبار تام داشت و خدای تجارت و نعمت بود. مهری‌ها غالباً میترا را با مرکور مقایسه می‌کنند و خصوصیات مشابه این دو خدا را بازگو می‌نمایند. این دو ایزد در واقع راهنمای مسافران هستند و هم اینانند که راه سفر به ابدیت را به ما می‌نمایانند.

در سال ۱۵۵ مسیحی پیشوای جماعت مهری ناحیه مریدا در اسپانیا هدیکروس^۶ نام دستور داد مجسمه با شکوهی از مرکور بساختند. در اینجا مرکور دوبال به پاهایش دارد، روی صخره‌ای نشسته و جامه‌ای شکیل در بر کرده، دست چپش روی بریطی است که خود مخترع آن است. در مهرکده استوکشتات^۷ آلمان مجسمه‌ای از هرمس - مرکور یافته‌اند که دیونیزوس (در سن کودکی) را در آغوش دارد.

این مجسمه بی‌اختیار انسان را به یاد پیکر تراش مشهور یونانی

1. Gaule
4. Artémis
7. Stockstadt

2. Vulcain
5. Luna

3. Diane
6. Hédychrus



شکل ۴۶: عقابی است روی کره خاک و آن نماد قدرت ژوبیتر است.

پراکزیتل^۱ می‌اندازد. این نکته را باید اضافه کرد که دیونیزوس یا باکوس^۲ خدای شراب است و در تمام نقاطی که تمدن یونانی و رومی رسوخ یافته این خدا مورد پرستش بوده و تأثیری عظیم در امپراتوری رم کرده است. به این نحو است که در آستانه مهرکده پتوژ (در یوگسلاوی) نشانه‌ای مربوط به دیونیزوس دیده می‌شود و آن متوقف است بر یک کوزه دو دسته که دور و برش را شاخه‌هایی از مو فرا گرفته (موتیف دیونیزوس) و پلنگی پای پیشین را روی لبه آن قرار داده است (شکل ۴۷). در آئین پرستش دیونیزوس، پرستندگان مستی می‌کردند و در خلسه فرو می‌رفتند و از خود بیخود می‌شدند و آنگاه خود را با کانت^۳ یا مناد^۴ می‌پنداشتند و گمان می‌کردند که راه تصرف دیونیزوس خوردن گوشت بز است و نوشیدن خون آن. چون گروهی از اینان به جنون جمعی دچار می‌شدند بز نری را می‌گرفتند و زنده‌اش از هم می‌دریدند.

1. Praxitéle
4. Menade

2. Bacchus

3. Bacchante

مهری‌ها در مراسم خود محتاط‌تر و جدی‌تر بودند و فقط در گساردن شراب با پیروان دیونیزس شباقت داشتند. ناگفته نماند که در مراسم دینی می‌همچون توشه متبرکی بود که هر انسانی می‌بایست برای سفر روز آخرت همراه می‌داشت.

اما به جمع خدایان مهری، خدایان بلاد مشرق نیز به اقتضای اوضاع و احوال ملحق شده‌اند. از این روست که در مهربه کونینگسوفن^۱ کتیبه‌ای یافته‌اند که حکم نذر را دارد و به آتیس^۲ دلدادۀ سیبل هدیه شده است. گاهی اوقات هم پرستش میترا در مجاورت معبدی انجام می‌شد که به افتخار سیبل الهه فریجی برپا بود. پرستش این الهه در رم در سال ۲۰۴ قبل از مسیح شیوع رسمی داشت.

سیبل اصلا در شهر تروآ بود و در سنت است که اسلاف انه^۳ تروائی و پسرش ژولیوس در واقع اجداد بعید رومی‌ها و بخصوص خانواده ژولیا



شکل ۴۷: نقش دیونیزوس روی ستون يك معبد مهری.

1. Königshöfen

2. Attis

3. Enée

بوده‌اند. نقوش برجسته‌ای در معبد ژوپیتر دولیکنوس^۱ سوری واقع در ناحیه آوانتن یافته‌اند که وقف میترا است. میان تصاویری که نشان دهنده افسانه میترا هستند، نقش غریبی از اطلس می‌بینیم که بندرت نظیر آن را دیده‌ایم. روی یکی از نقوش برجسته استریورکن (شکل ۴۸) اطلس را می‌بینیم. در حالی که شیخ زنی پهلویش دراز کشیده و این شیخ احتمالاً تلوس^۲ خدای زمین است. در نوین هایم اطلس زانو بر زمین زده و بار سنگین آسمان را بردوش دارد (شکل ۴۹).

در همین زمینه نقشی در مهرکده باربرینی در رم یافته شده است. در اینجا هم اطلس یک زانوی خود را بر زمین گذاشته، ولی به کمک دست چپ به زمین تکیه کرده است، در حالی که دست راست را بلند کرده و گنبد آسمان را می‌ساید. در چپ و راست او درخت سروی دیده می‌شود. این اطلس به این اعتبار که حامل آسمان است خدائی است یونانی و درین نقوش آن را می‌یابیم، ولی از جهات دیگر اختلاف زیاد با آن دارد، چون جامه او نظیر لباس



شکل ۴۸: اطلس و درکنار او نیمرخ زن

شکل ۴۹: اطلس به هنگام حمل فلك گردون.

مانند که شاید الهه زمین باشد.

1. Dolichenus

2. Tellus



عکسهای ۵ و ۶ و ۷. بالا سمت چپ: سل (ایزد خورشید). لوح سربی از مهرکده
 سنت پریسک. بالا سمت راست: سل. کنده گری روی مرمر از مهرکده سنت پریسک.
 پائین: میترا در حال قربانی کردن گاو. از یک نقش برجسته باز یافته در دورا اریوس



عکس ۸ - طاقچه مخصوص مراسم عبادی در همراه به دورا اریوس

میتراست. و کلاهی فریجی بر سر دارد. عملاً مراد از این نقش اطلس خود میترا است که بارگنبد آسمان را به دوش گرفته و می‌دانیم که میترا به هنگام تولد حامل کرهٔ خاك بود و از این رو فرمانروای عالم و با دست دیگرش حلقه منطقه البروج را نگه می‌داشته (نقش باز یافته در ترو). فرانتس کومون معتقد است که اطلس دین مهری و اطلس دین مانوی یکی است و این عقیده بنا بر آنچه گذشت احتمال صحتش کم است. در نوشته‌های سنت اگوستن^۱ آمده که در دین مانوی، اطلس «آن شخصی است که جهان را به روی شانه‌ها حمل می‌کند و با دو دست زیر آن را می‌گیرد، در حالی که یکی از زانوان را روی زمین تکیه داده است.»^۲ بنا بر این به عقیده مانوی‌ها اطلس حامل زمین است و حال آن که میترای فروغمند^۳ بار آسمان پر فروغ را بر عهده دارد. به این جهات دین مهری به احتمال قوی مفهوم اطلس را از اساطیر یونانی اقتباس کرده، چون اطلس بهتر می‌تواند باری را که میترا باید به دوش بکشد، بیان کند و قدرت میترا به این دلیل فزونی می‌یابد.

چنانکه دیده شد آئین مهری خدایان بسیار را از ادیان دیگر اقتباس و داخل در مسلک خود کرده است. در توجیه این نکته باید گفت که از طرفی حیات طولانی دین مهری باعث درآمدن و در آمیختن خدایان بیگانه در بطن آن شده و از جانب دیگر خود پیروان میترا عالماً و عامداً از امر تصرف در خدایان مذاهب دیگر استقبال کرده‌اند تا دینی دنیاگیر و جهانشمول بسازند.

1. Saint - Augustin

2. *Contra Faustum* xv,6.

3. *Splenditenes*: لقب لاتینی میترا

ایزد زمان بیکران

در مهرکده‌های گونه‌گونی که وقف می‌ترا شده است، نقش موجود دیو آسای شگفت‌انگیزی دیده می‌شود^۱. این مخلوق عجیب و غریب بدنی به شکل انسان دارد که به دور آن ماری حلقه زده و سرش بشکل شیراست. روی هیچکدام از تصاویر مزبور نوشته‌ای دیده نشده که شناساننده این موجود باشد. برخی فرضیه‌هایی که تا به حال داده شده او را اهریمن خدای بدی خوانده است. نخستین بار پرفسور زینر^۲ استاد دانشگاه اکسفورد نظریه‌ای داده و ایران شناس بلژیکی دوشن گیمن^۳ باشک و تردید آن را قبول کرده است. البته مدارکی در دست هست که نشان می‌دهند در برخی مهرکده‌ها سنگ نبشته‌هایی وقف اهریمن شده است.

سه سنگ نوشته را خوب می‌شناسیم که در رم و انگلستان و اتریش یافته شده‌اند. در این کتیبه‌ها مهری‌ها دعا کرده‌اند تا نیروی شر را تسکین و تقلیل بخشند و اثرات الم آور آن را از خود دور کنند. اما ناگفته نماند که مهری‌هایی که به جای سرسپردن به میترا مستقیماً به دامن اهریمن دست یازیده‌اند مردمانی آب دیده و مجرب در امر دین خودشان بوده‌اند و ضمناً می‌دانسته‌اند که میترا یقیناً و ناگزیر پیروزی نهایی بر شر خواهد یافت. به عقیده ما به افتخار اهریمن قربانگاه ساختن و وقف او کردن آن هم در کلیسا امری است غیر قابل تصور.

1. *Monstruosum potentum* (به بیان Jérôme فرمانروای غول‌پیکر)

2. R. Zaehner

3. Duchesne - Guillemin

پیشینیان در این باب طوری دیگر قضاوت می‌کردند و برخی اوقات به قصد
ارضای خاطر اهریمن، گراز قربانی او می‌کردند.

دلایل مختلف مرا از قبول کردن این تفسیر جدید باز می‌دارد. یکی از
ایرادات وارد این است: میان نظریه مذکور در فوق و اطلاعاتی که از ماهیت
فلسفی فرقه‌های عرفانی و هرمسی^۱ سری دینی در دست هست تناقص وجود
دارد. در مخطوطات مربوط به این فرقه - چه آن‌ها که روی کاغذ آمده و در
تسخیر ارواح به کار می‌رفته و چه آن‌ها که روی قطعات سنگ نمک کنده شده.
گاهی اوقات شکل خدائی شبیه آنچه از آن سخن رفت، دیده می‌شود. نام این
خدا ائون بوده و بنابر این ایزد زمان است.

تعمق در این شکل اسرار آمیز ما را به این عقیده می‌کشاند که تفسیر
پیشین فرانتس کومون صحیح است.

بنابر آنچه گفته شد، آن کس که سری همچون سر شیر دارد، خدای
زمان است که در کتب یونانی به صورت ائون آمده و در ادبیات پهلوی به
صورت زروان.

در نوشته‌های پهلوی مربوط به زروان سه عقیده گوناگون در باب او
عنوان شده است و باید درست میان آن‌ها تشخیص کرد. مطابق نوشته‌های خود
زردشت زروان آفریده اهورا مزدا خدای نیکوئی است. برحسب نظریه‌ای
دیگر دو اصل کلی در جهان هست که خیر و شر نامیده می‌شود. در نظریه دیگر
فرقه مذهبی دیگر مربوط به دوران ساسانی، زروان بیکران خدای زمان بی‌نهایت،
علت فاعلی و منشأ کون و مکان است. اهورامزدا و اهریمن از او نشئت می‌یابند
و منقاد او هستند. رهروان این مذهب زروان پرستان خوانده می‌شوند. مفهوم
زروان بعد از این که از عوامل خارجی دیگر متأثر گشت وارد دین مهری شد.
بنابر این، شخصی که سری به شکل شیر دارد کسی بجز زروان نیست که یونانیان
به علت شباهت لفظی اش معادل واژه کروئوس (زمان) زبان یونانی پنداشتند و

1. Hermétique

رومی‌ها همان را ساتورن خواندند.

شکلی که از این خدای برجای مانده همیشه او را در هیئتی قدس آمیز می‌نماید و معمولاً پاهایش کشیده و بهم چسبیده‌اند. گاهی اوقات هم به صورت کاملاً عریان ترسیم شده، از این رومی شود جنسیت مذکر او را تشخیص کرد. با این وصف اغلب اوقات زروان ملبس به لنگی است و یا حلقه‌هایی به صورت مار دوروبر تن او پیچیده شده‌اند. این طور به نظر می‌رسد که نقاش این شکل عامداً قصد داشته جنسیت زروان را مبهم و مظنون نشان دهد. حتی گاهی اوقات غرض این بوده که خدا را هر مافرو دیت بنمایانند و بگویند که توالد و



شکل ۵۰: زروان در حالی که ماری به دور بدنش پیچیده.

تناسل او بدون مداخله عنصر نر انجام می‌گرفته است (شکل ۵۰). میان حلقات مار که چنبره زده و معمولاً به تعداد هفت است و این رقم معلول اتفاق نیست، گاهی علائم مخصوص منطقه البروج دیده می‌شود. شکل وحشتناک مورد بحث سری به شکل شیر دارد و یال‌های او از پشتش آویزان است، دهانی گشاد دارد که باز است و دندان‌های پیشین تهدید آمیزش را نشان می‌دهد. زمانی که تصویر فوق تازه از زیر دست نقاش بیرون آمده بوده بیننده را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌داده، چون دهانی سرخ رنگ داشته که درون آن پیدا بوده است.

تندیسه‌ای از زروان در شهر صیدا در افریقا کشف شده که حفره‌ای در سردارد و احتمالاً این حفره محل گذاشتن آتش فروزان بوده است. غرض از خلق چنین منظره‌ای این بوده که نشان دهند از سر مجسمه شعله بیرون می‌آمده است. و این خود خوف احترام آمیز پیروان را نسبت به زروان بیشتر می‌کرده و نیز شکل دیگری از زروان در دست هست: در حالی که دو مشعل به دست دارد و شعله‌ای دراز گونه از دهانش خارج می‌شود. در دو طرف زروان قربانیکگاهی قرار گرفته که در آن آتش فروزان است. شعله‌ای که از دهان زروان بیرون می‌آید، با آتش فروزان دوروبر او می‌آمیزد و یکی می‌شود. نویسنده‌ای گمنام در ساله‌ای که در باب ساتورن نوشته می‌گوید که این خدا به علت گرمای سوزانش یک بار به صورت شیری با دهان باز متجلی می‌شود و یک بار به علت سرمای یخبندان در هیئت ماری لغزان متظاهر می‌گردد.

گاهی اوقات زروان کلیدی در هریک از دست‌هایش دارد. در اینجا باید میان زروان و ایزد ژانوس^۱ مقایسه‌ای کرد، چون ژانوس حافظ یانوآ^۲ کلیددار درهای دوزخ است. مناسباتی میان زروان و سرپیس خدای مردگان در مصر وجود دارد. علاوه بر این روابطی میان زروان و خدایان سوری هم دیده می‌شود، در حالی که ماری دور بدن آنان حلقه زده است.

حال موقع آن رسیده که از آنچه گذشت اخذ نتیجه‌گیری کنیم. مشابهت

1. Janus

2. Janua

میان زروان از جهتی و کرونوس و ساتورن از جهت دیگر معرف تأثیرات خدایان یونانی و رومی است. شباهت بین زروان و ژانوس کلیددار معلول تأثیرات رومی است، به دلیل شباهتی که میان زروان و سراپیس و سایر خدایان مصری موجود است، می‌توان به تأثیر خدایان مصر بر روی زروان معتقد گشت. اضافه بر این، خویشاوندی میان زروان و خدای سوریه موسوم به آتارگاتیس^۱ آشکار است. اما بحث در مسئله شخصیت و هویت زروان تبدیل به مشکلی لاینحل خواهد شد، اگر این نکته را در نظر نگیریم که مهر پرستان و مردم معاصر اینان در آن زمان‌های باستانی - سیاق تفکر خود را مقتد به اطاعت و متابعت از شریعت و سنت موضوعه نمی‌ساختند، بلکه برحسب مقتضیات زمان و تمایلات شخصی اکتفا به روشن کردن برخی جوانب خدا و شریعت وی می‌کردند و مثال این امر کمی شبیه مثال برخی کنسرتوها است که برای پیانو و یا ویولن نوشته شده‌اند، اما نواختن بعضی از تکه‌های آن را به ذوق و سلیقه نوازنده (تکنواز) واگذار کرده‌اند. بنابر آنچه گذشت، اگر میان مطالبی که در زیر مورد بحث قرار خواهیم داد، بخواهیم مطابقت یا مخرج مشترکی بیابیم، فعلی سخت عبث انجام داده‌ایم.

کرونوس - ساتورن

همیشه ماری به دور تن ایزد پیچیده، گاهی هم علائم منطقه البروج بدن او را تزین می‌کنند. دو جفت بال دارد که جفت نخست به سوی بالا و دیگری به سمت پائین متوجه است (شکل ۵۰). در تابلویی که در مهرکده باربرینی یافته شده خدا روی کره زمین ایستاده که نمونه‌های آن بسیار دیده شده است. اما نقش مزبور خصوصیتی دارد و آن این است که نشانه‌های منطقه البروج طاق غار

1. Atargatis

را هم مزین کرده و در همین غار بوده که مراسم قربانی گاو انجام شده است. این نکته محرز است که هفت حلقه مار مربوط به کروات هفتگانه است. بدن مار اشاره‌ای است به حرکت خورشید و گذر آن از مراحل گوناگون منطقه البروج. بنابر آنچه گذشت در واقع کرونوس بسیاری از صفات خورشید را هم داراست. چون خورشید با حرکت انتقالی خود، گذشت زمان را می‌رساند. پس خورشید همچون فرماندهی است در منطقه البروج و از این رو با کرونوس خدای زمان ماهیت واحدی قلمداد می‌شود. اما کرونوس حاکم بر باد هم است و چهار بال آن در حکم نماد باد است. بنابر این زروان درست مثل سل خدای خورشید و کرونوس فرمانروای بر فصول است.

کرونوس از این نظر کائوس خدای آسمان را به یاد ما می‌آورد. صورت این ایزد میان ایزدان با دو فصول روی قربانیکاه واقع در معبد کارنوتوم تصویر شده است. این خدا به شکل شیر است و دهان باز درنده‌ای دارد آرنوبیوس^۱ در ۲۹۵ بعد از مسیح در نوشته‌ای^۲ اشاره‌ای به این امر می‌کند و می‌گوید: «میان خدایان شما خدائی را می‌بینم که سرش صورت شیری غرنده را دارد که با سرنج سرخ فام نقاشی شده است.» مجسمه‌ای در کاستل گاندولفو (شکل ۵۱) یافته شده که کله چندین شیر روی شکم و زانوهای آن حجاری شده است. محتمل است که شیر نماد آتش سوزان و سه شیر دیگر گویای ماهیت سه گانه ایزد خورشید باشد. آرنوبیوس به این خدا صفت میوه بر^۳ می‌دهد که ممکن است اشاره‌ای به اتحاد کرونوس و ساتورن رم باشد.

کله شیری که روی شکم مجسمه کاستل گاندولفو نقش بسته به خاطر آورنده مجسمه یافته شده در مریدا است. در اینجا کله شیری روی سینه خدا دیده می‌شود، ولی چهره او در اینجا به وحشتناکی سیمایش در مجسمه‌های یافته شده در نواحی دیگر نیست. در این محل انسانی جوانسال

1. Arnobius

2. *Adversus Natione* (VI, 10).

3. Frugifer

مجسم کننده خدا است.

بدون هیچگونه تردید زروان و میترا در این جا یکی شده‌اند. مجسمه دیگری در مریدا یافته شده که میترا را ایستاده نشان می‌دهد، در حالی که شیری پهلوی او نشسته است.



شکل ۵۱: تندیس ایزد زمان بازیافته در کاستل گاندولفو

بدون شك نماد آتش مربوط به شخص ایزد زروان - کرونوس است. در مراسم دینی مهری آتش خاص سالکان مهری است که به مقام شیری رسیده‌اند و نشانه مشخص آنان بیلچه‌ای است که به وسیله آن آتش را جابه جا می‌کنند. ناگفته نماند که مجسمه‌ای از ایزد زمان در استراسبورگ یافته شده که

بیلچه‌ای (از نوع آنچه مذکور افتاد) در دست دارد. در واقع، آتش کنایه‌ای است به این امر که در آخر زمان آتش جهان را خواهد سوزانید. خدائی که سرش به شکل شیر است در واقع زمان است که همه چیز را می‌درد و از میان می‌برد.

اعتقادات جاری در سوریه

در شهر هیروپولیس^۱ سوریه الهه آتارگاتیس را مردم می‌پرستیدند و تصاویری که از او به عنوان ایزد زمان برجای مانده او در هیئتی قدسی نشان می‌دهد و ماری هم به دور بدنش پیچیده است.

از مقوله مجسمه‌هایی که تاکنون شناخته‌ایم تندیس‌های در مهرکده سوری ژانیکول^۲ رم یافته شده است. این مجسمه از جنس برنج است و صورت مومیائی را به خاطر می‌آورد. اما از خطوط چهره‌اش شادابی و جوانی خواننده می‌شود. دور بدنش ماری حلقه زده که سرش را روی سرخدا نهاده است. این مجسمه را محققى به نام گوکلر^۳ در محلی به شکل هشت ضلعی یافته است. ریخت این محل هشت ضلعی محتملاً مفهومی نمادین و رمزی دارد. گوکلر با استناد به متنی از ماکروبیوس^۴ مربوط به پنج قرن بعد از میلاد، معتقد بود که این مجسمه از آتارگاتیس است. (متن مورد اشاره کتاب ساتورنالیای^۵ ماکروبیوس است.) در این کتاب مؤلف از دو مجسمه یاد می‌کند که در طرفین ایزد خورشید قرار گرفته‌اند. این دو مجسمه که در شهر هیروپولیس سوریه یافته شده‌اند، الهه‌های مؤنث بوده‌اند و ماری به دور تن آنان حلقه زده بوده است. در این باب ماکروبیوس می‌نویسد که «تصویر مار معرف مسیر منحنی ستاره است.» مراد از ستاره البته خورشید است و به همین علت است که گوکلر ظاهراً اشتباه کرده،

1. Hiéropolis

2. Janicule

3. Gauckler

4. Macrobius

5. Saturnalia

چون مجسمه‌ای که در معبد رم یافته شده از جنس مذکر است. تفسیر دیگری از این مجسمه‌ها شده که موافق آن دیونیزوس - آدونیس^۱ خدای سوریه است. این خدا مانند پدرش هداد^۲ همان مشخصات ایزد خورشید را داشت.

تصویرات اورفه‌ای^۳

در تمثالی که نشان دهنده آئین تولد میترا است و در ناحیه ترو به دست آمده پیوندی میان زایش میترا و کروئوس ساتورن دیده می‌شود. در این تصویر میترا حلقه منطقه البروج را در دست دارد و بادهای چهارگانه دورا دور او قرار گرفته‌اند. میترا ایزد برنا در حال تولد یافتن و خروج از دل صخره است و دور بدن او ماری حلقه زده است. قاعده^۴ اساسی در تصاویر مهری این است که معمولاً پاهای میترا بهم جفت شده و به بدنه صخره چسبیده‌اند. اما نقش برجسته‌ای در ناحیه مدن^۵ یافته شده که ایزد زمان را نشان می‌دهد و از قاعده کلی مذکور در فوق منحرف شده است. وجود این استثناء نظر فرانتس کومون را به خود جلب کرده و هم او توجیه فراست آمیزی از آن کرده است. نقش مورد بحث اصلاً اهدائی مردی به نام فلیکس^۶ و زوجه‌اش موسوم به افروزین^۶ بوده و بعدها خواهیم دید که این فلیکس از رهروان يك نحلۀ ارفی بوده و سپس به دین مهری مشرف می‌گردد و در آن به مرتبه پیشوائی می‌رسد و نقش مذکور را وقف میترا می‌کند و چون زوجه‌اش به علت زن بودن نمی‌توانسته در مراسم مهرپرستی که منحصرأ مردانه است شرکت کند، اسمش را از روی نقش پاك می‌کند. با وصف این، با دقت و صرف وقت هنوز می‌توان بسختی نام افروزین را خواند.

1. Dionysos - Adonis

2. Hadad

3. Orphique

4. Modéne

5. Félix

6. Ephrosyne

در اینجا این سوال پیش می‌آید که نقشی را که فلیکس نخست وقف اورفه کرده و پیرو آئین او هم بوده چگونه توانسته همان نقش را وقف میترا بکند. نقش برجسته مزبور نوجوانی را نشان می‌دهد که ایستاد و عریان است و شانه‌هایش بال دارد. آذرخشی به دست راست گرفته و در دست چپ عصائی بلند دارد. در عقب او هم هلال ماه دیده می‌شود. پاهای او به شکل سم اسب است که روی شعله‌های مخروطی شکل آتش قرار گرفته. نیمه فوقانی شعله حتی از سرجوان مزبور (میترا) هم تجاوز می‌کند. ماری به دور او حلقه زده و سرش را روی قسمت فوقانی مخروط قرار داده است. روی سینه میترا سر یک شیر دیده می‌شود و در دو طرف او سر یک بره و یک بز ملاحظه می‌شود. دور این تصویر جالب توجه را نوار بیضی شکلی فرا گرفته که روی آن علائم دوازده گانه منطقه البروج نقاشی شده است. در چهار گوشه این نقش برجسته خداوندان چهارگانه باد دیده می‌شوند. شباهت بسیار میان این نقش و مجسمه باز یافته در مریدای اسپانیا زود به چشم می‌خورد. در آنجا هم همین نوجوان را می‌بینیم که روی سینه‌اش ماری و کله شیری نقاشی شده است.

با وصف این، میان این دو نقش - در آنچه که مربوط می‌شود به پاهای به شکل سم اسب و مخروط شعله - هیچ شباهتی دیده نمی‌شود.

پاهای به شکل سم نام الهه پان^۱ را به خاطر می‌آورد که لفظاً به معنای جهان است. تشابه صوری میان دو واژه پان و فانس^۲ که به معنای شعاع خورشید است، باعث شد که این دو واژه را یکی تصور کنند. لفظ فانس مزبور با میترا یکی دانسته شد. و اوست که در دین اورفه ایزد برنای روشنائی است و از یک تخم زاده می‌شود. از اجتماع دو نیمه مخروط تخمی به وجود می‌آید و از درون آن خدا ظاهر می‌گردد. این تخم مخلوق زمان است و به این علت میان کروئوس و فرزندش - که او هم خدای زمان بود - شباهت کلی دیده می‌شود. آن‌طور که از برخی نوشته‌های باز یافته بر می‌آید فانس بال‌های زرین داشته و

1. Pan

2. Phanés

همچون زئوس آذرخش و عصار در دو دست می‌گرفته است. علائم منطقه البروج و مار از منسوبات زئوس هستند و حرکت سالیانه خورشید را به خاطر می‌آورند و خورشید و بزوبره نشان دهنده تأثیر بارز ستاره شناسی هستند.

این نکته را نیز باید به خاطر داشت که معاونت و دستیاری متقابل اورفه و میترا فقط محدود به رم نمانده است. در ناحیه هوستدز^۱ (بورکوکویوم^۲ سابق) انگلستان معبدی کشف شده که متعلق به قرن سوم مسیحی است. در این مهرکده نقش برجسته‌ای یافته‌اند که میترا را در حال تولد یافتن از یک تخم نشان می‌دهد. دور بر تخم هم علائم منطقه البروج حجاری شده است. درست مثل فانس، میترائی که در مهرکده واقع در شمال انگلستان یافته شده و شباهت‌هایی با کرونوس دارد. میترائی که در ناحیه سارمیز گتوز یافته شده به «زاینده فروغ»^۳ (= نوربخش) ملقب بوده و میترائی که در ناحیه هوستدز یافته‌اند جاویدان نام داشته که مترادف با واژه لاتینی سکولوم^۴ = آیون^۵ (یونانی) = ائووم^۶ (لاتینی) و به معنای قرن بوده است. بنابر آنچه گذشت، میترای جوان در واقع جانشین ساتورن است. جشنهایی که به افتخار ساتورن در رم گرفته می‌شد روز ۲۴ دسامبر پایان می‌یافت. روز ۲۵ دسامبر میترای نوجوان، یا ساتورن نوخاسته، همچون خدای فروغ ازدل صخره زائیده می‌شد. به این جهت است که «پیر» یا مرشد نماینده این جهانی میترا تحت حمایت سیاره ساتورن قرار داده شده است.

تأثیر عقاید مصری

در اسکندریه خدای زمان را به نام یونانی آن ائون (ائووم در لاتینی) می‌نامیدند، به طوری که ایپفانیوس^۷ می‌نویسد: میان این خدا و الهه موسوم به

1. Housesteads
4. Saeculum
7. Epiphanius

2. Burcovicium
5. Aion

3. genitor luminis
6. Aevum

کور^۱ خویشاوندی وجود داشته و شب‌های پنجم و ششم ماه دسامبر موقعی که نخستین بانگ خروس‌ها برمی‌خاسته، مؤمنان باشکوهی تمام از زیر زمینی که در واقع معبد کور بوده، مجسمه‌ای از ائون را بیرون می‌کشیدند و هفت بار دور پرستشگاه طواف می‌دادند. در موقع طواف مشعل‌ها روشن بوده و نی و طبل نواخته می‌شده است. وقتی که این تشریفات انجام می‌یافت، خدا به جایگاه اصلیش عودت داده می‌شد. به نظر ایفانیوس معنای این همه تشریفات تذکر این نکته بوده که کور در آن شب ائون را می‌زائیده است. چنین اعتقادی در باب نحوه زایش خدای زمان شبیه به اعتقاد مستتر در نقش برجسته مَدُن است که پیشتر ذکر آن رفت.

با این وصف باید دانست که تمثالی که از خدای مصر بر جای مانده با نقشی که در مدن دیده شد، اختلاف اساسی دارد. خدای مصر در حالت نشسته تصویر شده و کاملاً عریان است، سر و دست و زانوانش پوشیده از مهرهای زرین است. مع ذلك مجسمه‌ای در خیابان زاناردلی^۲ پائین معبد آواتن رم یافته شده که شبیه به ائون خدای مصر است. مجسمه باز یافته روی پایه‌ای مرمرین قرار داده شده و لنگی در بر دارد. ماری به دور بدن او حلقه زده و سرش را روی سر او قرار داده است. دو دست را راست در امتداد بدن نگاهداشته و به آن‌ها آنخ^۳، نشانه حیات را گرفته است. سر این مجسمه از میان رفته است، اما از دو نواری که به قصد تزئین به تن او آویخته‌اند، می‌توان این نتیجه را استخراج کرد که بر سر او کلاه مخصوص مصریان باستان موسوم به کلافت^۴ بوده است. پهلوی خدای الهه‌ای ایستاده که قدی کوتاه‌تر از خدا دارد. لباس بلندی به تن او دیده می‌شود و روی این لباس جبه‌ای دیده می‌شود که شرابهائی از آن آویزان است. عودی هم محتملاً در دست چپ داشته که به خاطر آورنده الهه‌ایزیس است. تا به اینجا هر چه دیدیم یاد آور اساطیر مصری بود. اما در قصر

1. Kore
4. Kluft

2. Zanardelli

3. Ankh

تابستانی پاپ در کاستل گاندولفو یعنی در همان جایی که در روزگار باستان دومیتیانوس^۱ امپراتور رم قصری برای خویش ساخته بود، مجسمه‌ای یافته شده که آئین مهری را متذکر می‌شود. این مجسمه عبارت است از کروئوس به حالت ایستاده که سری به شکل شیر دارد و یک جفت بال به شانه‌هایش چسبیده، درست مثل مجسمه ائون اسکندریه که در خیابان زاناردلی یافته شده است. این کروئوس هم لنگی کوتاه بر تن انداخته و استثنائاً چهار بازو دارد. چشمی روی سینه او نقاشی شده و روی زانو و شکم او تصاویری از شیرهایی مهیب ترسیم شده است. برخلاف رویه معتاد، مار دور بدن او حلقه نزده اما دومار در دو سمت چپ و راست وی، یکی از بدنه درخت و دیگری از پایه‌های چهار پایه‌ای که پشت خدا قرار گرفته بالا می‌روند. سگ سه سری پائین پای چپ کروئوس مشاهده می‌شود، در حالی که روی تنه درخت یک ازدها و سر یک شیر نقش بسته است. در این مجسمه برخی مشخصات ائون، مثلاً سر شیر و چشم متقوش بر روی سینه، به آن‌گونه که در آئین میترا آمده، دیده می‌شود. اما در باب شیر و ازدها باید گفت که این دو احتمالاً نمادهای تضادی هستند که میان آب و آتش وجود دارد. چهار بال و چهار دست کنایه‌ای از جهات چهارگانه وزش باد هستند.

پروفسور پتازونی^۲ ثابت کرده که وجود سگ سه سر معروف خویشاوندی این خدا است با سرپیس مصری، خدای باروری و مرگ. ماکروبیوس که نویسنده کتاب ساتورنالیاست و تألیفش سخت صبغه التقاطی دارد و در پایان قرن چهارم به اتمامش رسانیده، می‌گوید که کله شیر نماینده زمان حال، کله گرگ نماینده گذشته و کله سگ نمودار آینده است. باین وصف، سگ نگهبان (سر بر^۳) معمولاً سه تا کله دارد، ولی مجسمه کاستل گاندولفو سه کله متفاوت را نشان می‌دهد که شباهت دارند با آنچه ماکروب از آن سخن می‌راند. مجسمه کاستل گاندولفو با آنویس^۴ سگ سیما، ایزد مصری

1. Domitien

2. R. Pettazzoni

3. Cerbère

4. Anubis

شبهات دارد و ایزد مصری باکرونوس یکی دانسته شده است. همین مجسمه واجد مشخصات خدای مصری موسوم به بس^۱ هم است. این خدا هم مثل سراپیس واثون باز یافته در اسکندریه، در ناحیه زانوانش نقش سرشیر دیده می‌شود. هنرمندی که مجسمه کاستل گاندولفو را ساخته، قویاً متأثر از اعتقادات مصری بوده و با وجود چنین تأثیراتی، مهری دینان اثر هنریش را بدیده قبول نگرستند.

تأملاتی دیگر دربارهٔ ائون

مجسمه‌ای که از ائون در ناحیه اُستی یافته شده و در موزه واتیکان نگاهداری می‌شود، بخوبی گویای قدرت عالمگیر وی در جهان باستان است. صفات بسیار به وی نسبت داده شده است. روی سینهٔ او نقش آذرخش‌های ژوپیتر دیده می‌شود که میان دو کلید قرار داده شده است. روی پایهٔ مجسمه، چکش و انبر وولکن، کادوسه^۲ ژوپیتر، خروس اسکولاپ^۳ و میوهٔ کاج آتیس دیده می‌شوند. کلیدها از آن ژانوس خدای رمی هستند. او دربان آسمان است و سحرگهان درهای آن را می‌گشاید و گاه غروب آن را می‌بندد. اگر گفتهٔ مسالا^۴ قنصل رومی را که در سال ۵۷ قبل از مسیح می‌زیسته باور کنیم، ژانوس در واقع همان ائون است. ماکروبیوس این گفته را تأیید می‌کند و می‌گوید ژانوس خالق جهان و مدیر آن است. ژانوس چهار صورت دارد و به عقیدهٔ ماکروبیوس عدد چهار کنایه از چهار بادی است که در جهان می‌وزد و تحت حکومت وی قرار دارد. اخیراً فستوژیر^۵ از آباء مسیحی و متخصص ادبیات باستانی اروپا، در تحقیقی که در باب ادیان هرمنسی اروپا کرده نظرات مسالا را موافق با عقاید ارسطو در این مورد می‌داند، این نکته ما را به کنجکاوای در باب

1. Bes

2. Caducee

3. Esculape

4. Messala

5. R.P. Festugiere

تصوری که فلاسفه یونان در مورد ائون داشتند، می‌کشاند. لفظ ائون اساساً به معنای شور و جنبش و نیروی حیاتی است. جوهر ائون مفهوم حیات است. از طرفی مترادف آسمان و جهان است و از سوئی دیگر خالق طبیعت است و خصایص الهی مطلقیت و بیمرگی را دارا است. متنی را که روی مجسمه‌ای از ائون در زمان امپراتوری اگوست حک شده باید در جهت مذکور تفسیر کرد: «این مجسمه به قصد تجلیل از قدرت امپراتوری رم و دوام دیانت ساخته شد.» بنابراین سطور مذکور ائون که ماهیت ربانی دارد، آغاز و انجام ندارد، تغییر و تبدیل نمی‌پذیرد و خود آفرینندهٔ جوهر ایزدی خویش است.

جبروت ائون به حدی است که قادر به مصادرهٔ نیروی خدایان دیگر نیز هست. در نوشته‌های دینی دیده شده که مردمان به درگاه او دعا می‌کنند. چهرهٔ این خدا را روی قطعه‌های سحرآمیز سنگ نمک تصویر می‌کرده‌اند. در نقاشی‌هایی که از ائون به جای مانده گاهی اوقات سرش به شکل سر شیر است، در دست چپش کره زمین قرار گرفته و در دست راستش تازیانه‌ای است که به دور آن ماری حلقه زده و دم خود را می‌گزد. معنای نمادین کره و تازیانه واضح است. غرض از کره قرص خورشید است و مار کنایه از ابدیت. روی قطعه‌ای از پاپیروس که در پاریس نگهداری می‌شود ائون به صورت خدای روشنایی و آتش آمده و از این نظر با هلیوس یکی است و نیز می‌دانیم که هلیوس و میترا هم در واقع خدای واحدی هستند. اما به عقیدهٔ فستوژیر^۱ حتی در پاپیروسهای سحرآمیز نباید در پی یافتن مطابقتی میان وجوه گوناگون ائون شد. از قرن دوم مسیحی به بعد خدای بزرگ مورد پرستش غیر مسیحیان می‌توانست خدای جهان و یا خدائی که بالای عالم خاکی قرار دارد و یا خورشید یا پروردگار عالم، ایزدی تابع ایزد برین باشد. در هر صورت، برای کسب اطلاع از تصورات مهرپرستان در خصوص ائون، مطالعه نظرات فستوژیر الزامی است.

1. Festugière

تشرّف به مناسك و آداب و اسرار

نوجه‌ای که از راه می‌رسید و می‌خواست به جماعت مهری بپیوندید ناگزیر از مراعات مراسم تشرّف بود. نظیر این مراسم را نزد قبایل بدوی استرالیا و افریقا و امریکا باز یافته‌اند. از نظر قبایل وحشی مزبور ورود به سلك متدینان باید در حوالی سن بلوغ انجام گیرد و آن خود مستلزم آمادگی قبلی و گذراندن امتحانات مشکل است. توفیق در امتحان نمودار جرئت و جسارت و نیروی شخص تازه وارد است. داوطلب چون آمادگی خود را برای گذراندن امتحان اعلام کرد، بدون کوچک‌ترین ترحم از مادر خود جدا کرده می‌شود و مجبورش می‌کنند تا مستقلاً زندگی کند. خلاصه در عنفوان جوانی مردی می‌شود که حقوقی نظیر حقوق سایر همدینان خود دارد و البته به همان اندازه هم بار مسئولیت به گردن او خواهد افتاد. بعد از این مراسم که شاید بتوان مجازاً «غسل تعمید»ش نامید، تازه وارد عضو «انجمن» می‌شود و متقبل می‌گردد که اسرار جمع را با ناآشنایان عموماً و بر زنان خصوصاً فاش نکند.

«آموختگان» همچون اعضای یک خانواده بزرگ هستند که در اوقات عسرت به مساعدت یکدیگر می‌شتابند و به خدائی که قیم آن‌ها چه در حیات خاکی و چه بعد از مرگ در جهان باقی است ایمانی راسخ دارند. (البته این نکته در ادیانی مصداق دارد که معتقد به حیات باقی هستند.) آنطور که از ظواهر بر می‌آید، داوطلبی که می‌خواسته وارد جمع مهرپرستان بشود، می‌بایست مدت زمانی «نوآموز» بشود و تعلیمات خاصی را فراگیرد تا آمادۀ مراسم بزرگ

بعدی شود و به همین جهت «نوآموزان» موظف بودند. به مرشد و پیر جماعت مراجعه کنند.

با این وصف ماهیت تعلیمات مذکور بر ما روشن نیست. معلوم نیست که به نوآموز اساطیر مربوط به منشأ عالم، آفرینش کره زمین و خلق بشر را یاد می‌دادند و یا سرودهای مقدس یا نغمه‌های لطیف و یا اصطلاحات مربوط به آئین را به او می‌آموختند. با توجه به اهمیتی که در دین مهری به حفظ اسرار داده می‌شد، بعید می‌نماید که همه مطالب مذکور را به نوآموزان تازه وارد تعلیم می‌دادند. با این وصف می‌توان قبول کرد که مبادی و اصولی که افشای آن‌ها بدون ضرر می‌نمود، به طریق کم و بیش رسمی به پیروان تازه وارد تعلیم داده می‌شد. اسراری که در مخفی نگاهداشتن آن‌ها کوشش می‌شد بیشتر مربوط به مراسم و مناسک مذهبی بوده است.

در این باب نولان^۱ یکی از آباء مسیحی که مطالعات عمیقی در باب آثار باز یافته در مهرکده زیر کلیسای سن کلمان^۲ رم کرده معتقد به وجود مدارس در آئین میتراشده است. این مهرکده در اعماق زیر زمین ساخته شده و در یکی از اتاقهای يك خانه بزرگ که به سبک رمی بر پاگشته، تعبیه شده است. پهلوی راهروی این معبد اتاقکی یافته شده که هفت محراب دارد و برخی تصاویر دیواری هم روی جدارهای آن نقش شده است. نکته‌ای که در اینجا اهمیت خاصی از نظر باستان شناسی دارد، این است که در طول سه تا از دیوارها صفت‌هائی از جنس سنگ و گل ساخته شده است. اگر فرضیه نولان را قبول کنیم، هفت محراب کنایه نیایش کرات هفتگانه است و صفت‌ها به کار این می‌آمده که نوآموزان بر روی آن‌ها بنشینند و تعلیماتی فراگیرند و به عبارت دیگر از آن‌ها به عنوان نیمکت استفاده می‌شده است. در اینجا باید توضیح داد که تصاویر منقوش بر دیوار کوچک‌ترین رابطه‌ای با مراسم دین مهری ندارند. اتاق مورد بحث بوسیله دری به راهروی معبد متصل شده است، اما اگر قبول

1. R. P. Nolan

2. Saint - Clement

کنیم که این اتاق مورد استفاده مراسم دینی قرار می‌گرفته، نسبت «حجره درس» به آن دادن مشکل می‌شود. این احتمال می‌رود که اتاق پیش‌گفته محل تجمع مهرپرستان بوده اینکه در آن درس و بحثی تعلیم داده شود. بنا بر آنچه گذشت، می‌بینیم که منابع باستان‌شناسی و مدارک موجود نمی‌توانند اطلاعاتی در باب نحوه و ماهیت تعلیمات ابتدائی نوآموزان به ما بدهند. خوشبختانه در مورد مراسم تشریف و تعالیم اساسی دین مهر اطلاعات وافی داریم و اسرارش بر ما فاش گردیده است. مدرک منبع اطلاع ما دست‌نوشته‌ای است که در موزه فلورانس محفوظ مانده و ترجمه‌اش این است: «به‌نام خدائی که زمین را از آسمان، روشنائی را از تاریکی، روز را از شب، جهان را از آشوب، زندگی را از مرگ، نور را از ظلمات و کون را از فساد جدا کرده، با ایمان و ایقانی راسخ سوگند یاد می‌کنم که اسراری را که مرشدان پرهیزگار من سراپیون^۱ و کا (مریون؟)^۲ و همدینان و برادران من بر من فاش کردند، برملا نکنم. خدایا وفاداری مرا به سوگند خویش با رحمت خودت بیامیز و لغزش مرا لعنت فرما.»

قبل از شرکت در مراسم باشکوه دینی، نوآموز می‌بایست سوگند^۳ یاد کند که هیچیک از اسرار را افشا نخواهد نمود. در نسخه خطی مذکور در فوق آمده است که تعلیم مراسم و اسرار به نوآموز توسط دو عضو بلند پایه جماعت مهری یعنی مرشد (= پیر) و منادی انجام خواهد گرفت. بعد از اینکه مراسم پایان یافت، نوآموز به‌عنوان «برادر» سایر آموزگاران تلقی خواهد شد و همچون سایر همدینان شأن فرزندی مرشد را خواهد یافت و چنان‌که در متن نسخه خطی آمده مرشد دست‌های وی را مهور خواهد کرد و خال خواهد کوبید تا هویثش معلوم باشد.

با وصف این، روی پیشانی هم خالکوبی می‌شده و مؤید این نکته تصاویری است که برجای مانده و جای مهر بوضوح نمایان است. تصاویری که

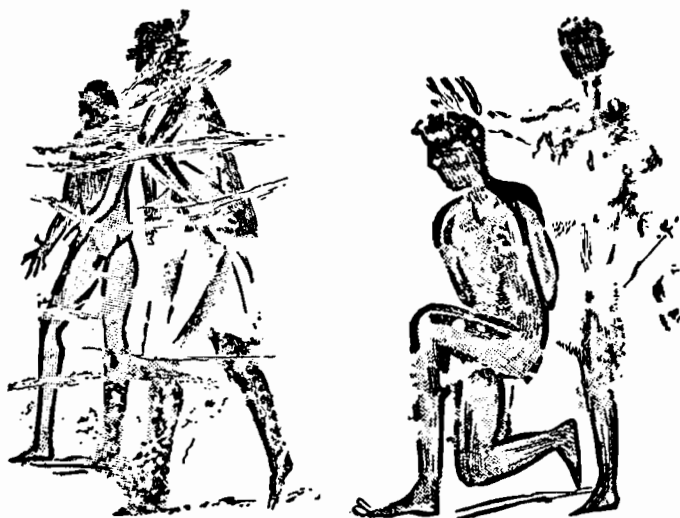
1. Serapion

2. Ka(merion?)

3. Sacramentum

از برخی امپراتوران رم نیز مانده حاکی از همین رسم است (به کتاب ترتولین^۱ مراجعه شود).

قبل از اینکه مراسم خالکوبی انجام گیرد، نوآموز باید مورد آزمایش‌های دشوار قرار می‌گرفت چند تکه نقاشی در یکی از غارهای ناحیه کاپو^۲ یافته شده که بخوبی نشان دهنده وحشت نوآموز تازه - وارد است.



شکل‌های ۵۲ و ۵۳: دو نقش از صحنه تشریف به مناسک مذهبی.

به طوری که در شکل ۵۲ دیده می‌شود، دینمرد مهرپرستان لباس سفیدی بر تن دارد که حاشیه آن سرخ رنگ است. در جلوی او نوچه‌ای کاملاً عریان روان است. چشمان نوآموز با نواری بسته شده و معنای آن این است که هنوز ناتوان از تشخیص اسرار دینی است. همین نوآموز به آهستگی و با تردید در حالی که کورمال می‌کند و فضا را می‌خواهد لمس کند پیش می‌رود و

1. Tertullien

2. Capoue

نمی‌داند که دینمرد راهنما او را به کجا هدایت می‌کند. در تصویری دیگر نوآموز را می‌بینیم که مقابل دینمرد مرشد خود با چشمان بسته قرار گرفته خاضعانه دست‌ها را به هم چسبانده و به زحمت صدای رهبر معنوی را می‌شنود که حامل شمشیر و یا عصائی است. در تصویری دیگر نوآموز را می‌بینیم که زانوئی را بر زمین نهاده و در کنارش شمشیری قرار گرفته، مرشد در عقب وی



شکل ۵۴: تشریف به رموز.

ایستاده و دستانش را روی سر او نهاده است (شکل ۵۳). اشخاص دیگری نیز دیده می‌شوند که در مراسم شرکت دارند، اما وظیفه آن‌ها در این مجلس بر ما پوشیده است. در جای دیگری نوآموز را می‌بینیم که کوفته و درمانده همچون نعشی روی زمین قرار گرفته اما بزودی زنده شده حیات جدیدی را تجربه خواهد کرد.

ظاهراً رسم دیگری که انجام دادن آن وظیفه مرشد است، این است که می‌باید نوآموز را با فشاری که روی شانه‌هایش وارد می‌آورد، به جلو بیندازد. نوآموز قبل از اینکه در اثر فشار بر زمین بیفتد شخص ثالثی آغوش خود را باز می‌کند و او را می‌گیرد و نجاتش می‌دهد. در تصویری دیگر دینمرد مذکور را

می‌بینیم (از رنگ سرخ لباس او پی به ماهیتش برده‌ایم) در حالی که مشغول انجام دادن رسم دینی مخصوصی است و تفسیر و تأویل آن بر ما مشکل می‌نماید. در دست او شمشیر یا عصائی است و پهلوی آن شیئی مدور دیده می‌شود (شاید قرصی نان و یا تاجی باشد) که روی زمین مقابل نوآموز نهاده شده است. نوچه زانو بر زمین زده و دست‌ها را زیر چانه بهم چسبانده است، مرشد در پس او قرار گرفته و با پای خود به پای او فشار می‌آورد (شکل ۵۴).

پدر یا مرشد در پشت نوچه با شمشیر خود چه می‌کند؟ متنی مربوط به

قرن چهارم بعد از مسیح اطلاعاتی در این باب به ما می‌دهد.

نویسندهٔ متن مزبور بعد از این که انزجار خود را از عدم مخالفت نوچه‌ها نسبت به بستن چشم‌هایشان ابراز می‌کند، چنین می‌گوید: «میچ دو دست برخی از این نوچه‌ها را با روده مرغ می‌بندند و سپس آن‌ها را به میان برکه‌های آب پرتاب می‌کنند شخصی به آنان نزدیک می‌شود و به ضرب شمشیر روده مرغ را می‌برد و به همین دلیل نام آزادکننده به او اطلاق می‌شود.»

اضافه بر تصاویری که در کاپو یافته شده، منابع دیگری وجود دارند که از امتحانات گونه‌گون مربوط به ورود به سلك مهری‌ها سخن می‌رانند. سuidas^۱ که در قرن نهم مسیحی لغت نامه‌ای نوشته و به یادگار گذارده، ذیل واژهٔ «میترا» می‌گوید: «هیچکس نمی‌تواند بر اسرار دین مهر آگاهی یابد مگر به شرطی که يك سلسله امتحان بگذارند و ورع و تقوای خود را بنمایاند و از بوته آزمایش سر بلند بیرون آید.» در این مورد داستان‌های وحشت‌انگیزی به دو امپراتور رم کمد^۲ و ژولیانوس^۳ (قرن چهارم بعد از مسیح) نسبت می‌دهند. گرگوار دو نازیانز^۴ (قرن چهارم مسیحی) برضد ژولیانوس خطبه‌ای ایراد کرده و در آن ژولیانوس را به این علت که «به مناسک مهر پرستان و مهر آتشین زدن بر بدن نوآمویان» احترام می‌گذارد، سرزنش کرده است.

1. Suidas

2. Commode

3. Julien

4. Gregoire de Nazianze

راهبی به نام نونوس^۱ که در قرن ششم و هفتم مسیحی می‌زیسته در باب «مسئله گذراندن امتحانات گوناگون در دین مهری» که گرگوار از آن سخن گفته بود. چیزهایی نوشته ولی بیشتر آن‌ها خیال‌بافی و از حقیقت به دور است. به گفته او «در دین مهری، نوآموختگان بعد از توفیق در یک سلسله امتحانات به اسرار مناسک مهری مشرف می‌شوند. امتحانات نخستین ساده و آسان و امتحانات بعدی رفته رفته مشکل‌تر می‌شده است. مثلاً مدت پنجاه روز نوآموز را در گرسنگی نگاه می‌داشتند و بدین طریق نیروی مقاومت او را می‌آموزد بعد از آن نوآموزان امتحانات در دانگیزتری را می‌بایست تحمل می‌کردند. بدن آن‌ها را سخت می‌خراشیدند و در همین حال مدت بیست روز آن‌ها را در برف (آب یخ‌زده) باقی می‌گذارند. فقط بعد از گذشتن از چنین مراحل بود که نوآموختگان به اسرار ژرف دین مهری واقف می‌شدند.»

اسقف شهر اورشلیم موسوم به کزم^۲ که در حوالی قرن هشتم مسیحی می‌زیسته، از صحنه‌های وحشت‌انگیزتری حکایت می‌کند. موافق نوشته‌های او، نوآموز می‌بایست در هشتاد امتحان موفق می‌شده و میان این هشتاد امتحان، به غیر از آزمایش‌هایی که سخن از آن رفت، امتحاناتی نظیر «شنا کردن به مدت چند روز، خود را در آتش انداختن و زندگی در تنهایی و گرسنگی» وجود داشته است. از مطالعه نوشته‌های نویسندگان مذکور احساس می‌شود که اینان اطلاعاتی در باب مهر یافته بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند آن‌ها را به درستی تفسیر و توجیه کنند. محقق سوئدی موسوم به ادسمن^۳ در کتابی که پرداخته، اثبات کرده که داغ کردن و استعمال مهر آتشین در دین مهری وجود داشته و برخی از نوآموزان این امتحان را گذرانده‌اند. اما در هر حال به هنگام تفسیر متون می‌باید نهایت احتیاط را مرعی داشت. آن قدر هست که میان رسم داغ کردن نوآموزان و مهرکده کاروبورگک^۴ انگلستان روابطی پیدا شده است. در سال

1. Nonnus

2. Cosme

3. Edsman

4. Carrawburgh

۱۹۴۹ کاوشگرانی که در معبد مزبور حفاری می‌کردند، نزدیک یک آتشگاه در قسمت جنوبی معبد، به گودال نسبتاً درازی برخورد کردند که شباهت بسیار با یک قبر داشت. اگر این فرض را قبول کنیم که به کمک سنگ‌های یکپارچه مسطح روی این گودال را می‌پوشانیدند، مردی که مجبور به خوابیدن در این گودال می‌شده می‌توانسته این عذاب را در آنجا تحمل کند که نخست گودال را شدیداً گرم کنند و ناگهان به سرد کردن آن پردازند. در مجاورت این گودال نیمکت کوچکی دیده می‌شود. شیوهٔ ساختمان داخلی این معبد بی‌شباهت با شبستان جنبی معبد سنت پریسک نیست. اما نحوهٔ ساختمان معبد سنت پریسک را فقط به کمک متنی که روی جدار کاسه‌ای که از درون گودالی، نظیر گودال مذکور در فوق ولی عریض تر از آن یافته شده می‌توان تفسیر کرد. این گودال گنجایش دربر گرفتن یک انسان در حالت دراز کشیده را دارد، اما در کاروبورگ در همان اتاقی که از آن سخن رفت، بیلچه‌ای هم پیدا شده که مخصوص بهم زدن آتش است. به همین دلیل این احتمال پیش می‌آید که اتاق مزبور مخصوص داغ کردن نوآموزان بوده است. این نکته را هم ناگفته نگذاریم که بیلچه باز یافته در اتاق نمودار یکی از صفات منسوب به شیر، و خود شیر نماد آتش است. شاید هم گودال مزبور به کار تظاهر به مرگ و تمرین تدفین مرده و رستاخیز مجدد او می‌خورده است. مطابق این فرضیه، ماهیت مرد خسته و کوفته‌ای که روی تصویرهای باز یافته در کاپو دیده می‌شود و در متن مشکوکی که لامپریدیوس^۱ در باب کمد امپراتور رم نوشته توجیه‌پذیر خواهند شد. در این متن چنین آمده است که کمد «با وارد کردن قتل نفس در جزء مراسم دین مهری مذهب مهری را آلوده کرد، چون عادت بر این بوده که گفتن و القا کردن تقلید از یک چیز (مثلاً قتل نفس و تدفین) در دل بیننده وحشت بیفکند.» در گودالی که در ناحیهٔ کاروبورگ پیدا شده مقادیری استخوان گوسفند و بز هم دیده‌اند و این خود به خاطر آورندهٔ موقعیت و

1. Lampridius

وضعیت مهرکده (البته معلوم نیست که واقعاً مهرکده بوده است) دل تره‌ناوات^۱ واقع در ناحیه اُستی است که در راهروی مرکزیش بنائی دیده می‌شود که شبیه قبر است و مجاور آن روی یک کاشی تصویری از یک خوک دیده می‌شود. این است که به علت عدم اطمینان در مسائل مزبور باید با حزم و احتیاط بسیار سخن گفت. اما اطلاعاتی که از حفاری‌ها مستفاد می‌شود، یقین‌انگیز نیستند و به متون موجود هم نمی‌توان کاملاً اعتماد کرد. بنابراین، باید به فرضیه پناه برد و دست توسل به نیروی تخیل دراز کرد.

بعد از انجام دادن فرایضی نظیر غسل و تطهیر و مدتی روزه گرفتن و اسماک کردن نوآموز به پایان محنت امتحانات خود می‌رسد. می‌دانیم که تا به حال نوآموز سوگند یاد کرده مَهْری آتشین بر روی دستان یا پیشانیش خورده و دست راست^۲ مرشد را فشرده است. امر فشردن دست راست مرشد (پیر) نوآموز را به مقام هم‌سلکی^۳ پدر می‌رساند و امر سوگند یاد کردن باعث می‌شود که نوآموز در سلک مردان خدا درآید. در این باب بهتر آن است که متن بسیار جالب توجهی را که در میدانی در رم موسوم به شان دومارس^۴ زیر ساختمانی که امروز موسوم به «اداره مَهرداری پاپ^۵» است، یافته شده نقل کنیم. روی دیوارهای نمازخانه این معبد تصاویری از ستارگان و هلال‌های کوچک ماه دیده می‌شود. در اواسط قرن سوم مسیحی در درون این نمازخانه مراسم مذهبی مَهْری انجام می‌گرفته است. بانی این مهرکده شخصی موسوم به پروفیکنتیوس^۶ بوده که خود رتبه پدر مقدس داشته و روز گشایش معبد فوق اشعار ذیل را سروده است:

«این محل سعادت‌بخش و مقدس و جایگاه پارسایان و نفع آن عام

است.

سفارش بنای آن را میترا به پروفیکنتیوس پدر اسرار و رموز دین کرده

-
- | | | |
|---------------------|-----------------------------|---------------------|
| 1. delle tre navate | 2. <i>Junctio dextrarum</i> | 3. <i>Sundexioi</i> |
| 4. Champs de Mars | 5. Cancellaria | 6. Proficientius |

است تا برای مراسم مذهبی غاری حفر کند. پروفیکتیوس با ایمان بسیار کار می‌کند و وظیفه خود را انجام می‌دهد. اجرای این وظیفه در مذاق او مطبوع است، چون میترا همراه اوست. پروفیکتیوس امیدوار است که نوآموختگان به عهد و میثاق و نذر و نیاز خود پیوسته وفادار بمانند. گوینده این اشعار پروفیکتیوس رتبه پدر شایسته مهرپرستان را دارد.»

در اینجا باید توضیح داد که بر روی سنگ نوشته حامل شعر مزبور دو برگ خرما دیده می‌شود. نظیر متن مزبور را در معبد سن کلمان یافته‌اند و نویسنده آن باز یکی از پدران دین مهری است. روی متن سن کلمان چرخ خورشید و برگ نخل دیده می‌شود که نماد خورشید شکست‌ناپذیر است. این را هم بگوئیم که فرمان ساختن معبد را پروفیکتیوس در خواب از میترا دریافت کرد. در اینجا سئوالی پیش می‌آید و آن این است که در جمله «...» اجرای این وظیفه در مذاق او مطبوع است» (البته در متن لاتینی آن) فاعل مجهول است. یعنی معلوم نیست که پروفیکتیوس این وظیفه مطبوع را انجام می‌دهد و یا این میترا است که با حق‌شناسی از کار پروفیکتیوس به او پاداش می‌دهد.

آنچه در منظومه فوق جالب توجه است مصراع هفتم است که می‌گوید: «نوآموختگان هم مسلکان من هستند.» این جمله به کرات در مهرکده‌های دوراوپوس دیده می‌شود و این نتیجه از آن استخراج می‌گردد که اصطلاح «هم مسلک» چه در غرب و چه در شرق در هر دو منطقه مستعمل بوده است. اما اصطلاح مزبور به شکل دیگری در نوشته‌های فیرمیکوس ماترنوس^۱ ستایشگر دین مسیحی (اواسط قرن چهارم بعد از مسیح) هم دیده می‌شود که می‌گوید: «نوآموخته هم مسلک پدر بزرگوار در مراسم دزدی گاو شرکت می‌کند.» آن کسی که گاو را دزدیده میترا بوده است و هم اوست که چون با ایزد خورشید پیمان بست، به نشانه وثیقه دست راست او رافشرد. نوآموخته‌ای که در مراسم

1. Maternus Firmicus

دین مهری شرکت می‌کند، در واقع از حرکات میترا تقلید می‌نماید، چون با بلند کردن دست راست، که خود عادت‌ی است ایرانی (بنا بر نوشته دیودور^۱) در واقع قراردادی می‌بندد و سوگند خویش را تأیید می‌کند. متنی که در زیر عمارت مُهرداری پاپ در رم یافته شده، متذکر می‌شود که نوآموختگان با بلند کردن دست راست خود، با شوق و شعف، قسم یاد می‌کنند. سوگندی که در حیات خاکی معتبر است، در حیات باقی هم خواهد ماند و اثرش حفظ خواهد شد.

1. Diodore XVI,43

درجات هفتگانه تشرّف

بعد از آنچه ذکرش رفت، این سؤال پیش می‌آید: نوآموخته تازه واردی که بعد از توفیق در امتحانات گوناگون و یاد کردن سوگند به محفل مهری‌ها وارد شده است، آیا در تمام مدت عمر عضو ساده این جمع باقی می‌ماند و یا به مناصب عالی تری در هرم اداره امور نیایش ارتقاء می‌یابد؟ قدر مسلم این است که طبقه متوسط مهری‌ها در سلسله مراتب شعائر و مراسم دین ترفیع رتبه نمی‌یافتند و علتش هم این بود که اینان یا جدیت بسیار در راه خدمت به پروردگار خود به خرج نمی‌دادند و یا این که معلومات لازم و وافی نداشتند و یا ثروت کافی در اختیارشان نبود تا از مراحل هفتگانه عبور کنند و به درجه پیران (مرشد مرشدان) تعالی یابند، اما کسی که موفق به کسب معلوماتی در زمینه الهیات و نجوم و علم رمل و طالع می‌شد که در مراسم نیایش ایزد نهایت ضرورت را داشت یا به عبارت دیگر کسی که واجد شرایط لازم می‌گشت، می‌توانست متدرجاً و متوالیاً به درجات کلاغ^۱، همسر^۲، سرباز^۳، شیر^۴، پارسی^۵، پیک خورشید^۶، پیر^۷ برسد:

منبع اطلاعات مزبور دینمردی (کشیش) است مسیحی که در قرون چهارم و پنجم مسیحی می‌زیسته و از آباء کلیسای عیسوی بوده و ژرّم^۸ نام داشته است. صحت این اطلاعات را سنگ‌نوشته‌ها و کشفیات مهمی که در

1. Corax

2. Nymphus

3. Miles

4. Leo

5. Perses

6. Heliodromus

7. Pater

8. Jérôme

شرق و غرب شده، تأیید کرده است. آنچه از آثار و مدارک باز یافته برمی آید دلیل این است که سلسله مراتبی مبتنی بر هفت مقام در تمام امپراتوری روم جاری و معمول بوده است. از همان آغاز تحقیق در مراحل هفتگانه فوق، نکته‌ای باعث تعجب می‌شود و آن این است که زبان مورد استعمال مهری‌ها زبان یونانی است، چه در مراسم دینی و چه در نامگذاری مقام‌های هفتگانه. این نکته را هم تذکر بدهیم که نام مقام موسوم به «پارسی» اشاره واضحی است به منشاء خارجی دین میترا. القاب کلاغ و شیر منشاء بسیار قدیم تری دارند و حتی در تمدن یونان نیز دیده نمی‌شوند و قبایل بدوی عصر ما هم از آن بی‌خبرند. صاحبان این مناصب معمولاً تغییر شکل و لباس می‌دهند و تصاویری هم که از آن‌ها بر جای مانده در واقع تصویر شکل «تغییر یافته» آن‌هاست. شخصی به نام آگوستن دروغین^۱ توصیفی از اینان کرده که بسیار جالب توجه است. بنا بر گفته او برخی از این بلند پایگان دین مهری مثل کلاغ پر و بال می‌زنند و از صدای آن تقلید می‌کنند و بعضی دیگر درست مثل شیر می‌غرند. دو کتیبه در رم یافته شده که از لقب و منصب دیگری به نام کریفیوس^۲ نام می‌برد. کتیبه اول مربوط به سال ۳۵۸ پس از مسیح است و دیگری متعلق به سال ۳۶۲. هر دو کتیبه مشعر بر این هستند که نونیوس و یکتور الیمپیوس^۳ و ارلیوس و یکتور اوگنتیوس^۴ که هر دو از پیران دین مهری هستند، به برخی از اعضای جماعت مهری، ترفیع رتبه خاصی داده‌اند. غرض از این رتبه خاص مقام کریفیوس است که ذکرش بیاید. این دو کتیبه اهمیت اساسی دارند، چون تنها مدارکی هستند که از رتبه و لقب مزبور نام می‌برند؛ و اکتشافات دیگری نشده تا وجود آن را تأیید بکند. عنوان کریفیوس (به صیغه جمع در لاتین کریفی‌ای)^۵ باعث تفاسیر متعدد شده است. برخی کریفیوس را به معنای کرکس گرفته‌اند (در یونانی گروپس^۶) و

1. Pseudo - Augustin 2. Cryfios یا Chryfios

3. Nonius Victor Olympius

4. Aurèlius Victor Augentius

5. Cryfii

6. Grups

یکی از مقام‌ها به شمارش می‌آورند، دسته دیگر مفسران لفظ فوق را یونانی و به معنای مخفی و پوشیده می‌دانند. تفسیر اول از نظر علم ریشه‌شناسی (= اشتقاق) غلط است. دسته دوم دلیلی در تأیید مدعای خود دارند و آن این است که دارنده منصب نمفوس (= همسر) روی یکی از شمایل‌های کلیسای سنت پریسک تصویر شده و حجابی بر تن دارد، و این تصور را در بیننده ایجاد می‌کند که همچون یک همسر با میترا یکی خواهد شد و ازدواجی عرفانی میان آنان برپا خواهد گشت.

اخیراً پرفسور ث. و. فلگراف مقاله‌ای نوشته و این مسئله را به نحو تازه‌ای مطرح کرده و میان دو لفظ نمفی‌ای^۱ و کریفی‌ای تشخیص قاطع نموده است. به عقیده او نمفوس‌ها همسران میتراوند و کریفیوس‌ها مهری‌هایی هستند مستور و مخفی که به علت تازه کار و جوان بودن و نه به دلیل عضویت سری در محافل مهری هنوز حق شرکت در مراسم محرمانه دین مهر را ندارند. نظیر این رسم را در عرف کروپتوی‌های^۲ (مستوران) اسپارت می‌بینیم که مجاز به راه یافتن در مراسم دینی نبوده‌اند. بنابراین «مستوران» کسانی هستند که هنوز رسماً وارد مجمع مهری‌ها نشده‌اند، ولی در کتیبه دورارپوس از اینان همچون چشم‌امید^۳ جماعت مهری یاد شده است. عرف بر این بوده که «پیران» (پدران) مهری جشن مجللی ترتیب می‌داده‌اند و نوجوانان تازه‌وارد را به پیشگاه میترا معرفی می‌کرده‌اند. مدارک مربوط به زمان موردنظر نشان می‌دهند که این کریفی‌ها (مستوران) از نوجوانان نوحاسته تشکیل می‌شده و گاهی به کودکان هم اجازه شرکت در نیایش را می‌داده‌اند.

پورفیریوس (نویسنده قرن سوم مسیحی) مدعی است که سه مقام نخستین (از مناصب هفتگانه) از خدمتگزاران^۴ ترکیب یافته و فقط متشرافان رده‌های عالی سلسله‌مراتب در مراسم شرکت می‌جستند. از گفته نویسنده

1. Nymphii (Nymphus جمع از)

2. Kruptoi

۳. Elpides: واژه یونانی به معنای امید به صیغه جمع است.

4. Uperetountes

مزبور چنین برمی آید که این محتشمان مهری در مراسم طعام مقدس و دسته‌جمعی شرکت می‌کردند و اشخاص متعلق به درجات پائین وظیفه خدمتگزاری را متقبل می‌شدند. گفته‌های پورفیریوس با اطلاعات بازیافته در کاوش‌های باستان‌شناسی مطابقت نمی‌کند. قربانگاهی در مهرکده واقع در ناحیه پتو (یوگسلاوی) (شکل ۳۴) یافته شده که در دو طرف آن سل و میترا قرار گرفته‌اند و سیخی به دست دارند که تکه‌های گوشت به آن چسبیده، و شکل کلاغی که پروازکنان به سوی طعام می‌رود، کشیده شده است. چون در مراسم دین مهری دارنده درجه کلاغ تقلید این پرنده را درمی‌آورد، به این دلیل کلاغ هم در تصویر مجلس طعام دیده می‌شود. عکس این منظره را در ناحیه دورا می‌بینیم که کلاغ سیخ گوشت را به میترا و سل که در ضیافتی حضور دارند تعارف می‌کند. بنابراین، کلاغ در اینجا واقعاً وظیفه خدمتکار را به عهده دارد. نقش برجسته یافته شده در ناحیه کونجیک (شکل ۳۸) و نقش‌های دیواری سنت پریسک مربوط به مجلس ضیافت هم کلاغ را همچون خدمتکار ترسیم کرده‌اند. این نقوش دیواری روی دیوار سمت چپ مهرکده قرار گرفته‌اند. نتیجه‌ای که از آن می‌توان گرفت، این است که کلاغ بهترین خدمتگزار است، اما در عین حال می‌تواند در مراسم هم شرکت کند. عکس این نکته هم در مورد کسانی که در مراسم شرکت می‌کنند صادق است. روی قشرهای فوقانی و تحتانی نقوش دیواری سنت پریسک، دسته‌ای کم و بیش منحصرأً متشکل از شیران دیده می‌شود که پیشکش به دست به سوی میترا روانند و بنابراین موظف به خدمتکاری هستند. مؤید این نکته مطلب کتیبه‌ای است که در شبستان مهرکده مشرف بر رود آواتن آمده: «ونوستوس^۱ دینمرد و پیر آئین مهر و بندگان خدا» که در میان آنان شیران هم به چشم می‌خورند، این کتیبه را وقف میترا کرده‌اند و مؤید آن کتیبه دیگری است که در همین معبد یافته شده است. مثال این امر در کلیسای کاتولیک هم هست که گاهی دینمردان وظایف

روحانیان دون پایه تر (مثل مقام شماس)^۱ و حتی هر آدم^۲ تعمید یافته بالاتر از هفت سال هم آن را انجام می دهند.

کاوش‌هایی که اخیراً انجام گرفته، ماهیت مناسک مهری را روشن تر کرده است. در این باب خصوصاً مهرکده‌های اُستی و سنت پریسک گرانبهاترین اطلاعات را فراهم آورده‌اند.



شکل ۵۵

در ناحیه اُستی علائم مشخص هر درجه (منصب) روی موزائیک نقش شده است. در مهرکده سنت پریسک صاحبان درجات مختلف دیده می شوند و مشخصات ویژه آن‌ها هم ترسیم شده است. میان این اسناد منقوش و اطلاعات کتبی نادری که در دست هست، می باید رابطه ایجاد کرد تا حقیقت امر بهتر روشن گردد.

کلاغ

در اسطوره قربانی گاو، کلاغ همچون منادی است؛ مبشر اوست و پیام پروردگار را همو به میترا می‌رساند و در واقع نقش مرکور را دارد که پیکر خدایان بوده است. به همین علت علامت مخصوص او چوبی^۳ است که به دور آن دو مار چنبره زده‌اند و این چوب همان عصای سحرانگیز هرمس - مرکور

1. Diacre

2. Metexon

3. le Caducée

است. روی موزائیک باز یافته فنجان‌ی هم دیده می‌شود. در مهرکده سنت پریسک صفی از اصحاب هفت درجه مختلف دیده می‌شود، اما متأسفانه در ردیف حاضران، شکل کلاغ محو شده و فقط آثار آن بر جای مانده و این جمله را می‌توان خواند: «درود بر کلاغ باد که مرکور حافظ اوست.» ناگفته نماند که کلاغ نماد هوا هم هست و متشرفان درجه کلاغ مجبور به انجام دادن مناسک تشریف متعلق به این عنصر هم بوده‌اند.



شکل ۵۶

نام لاتینی این مراسم کورینا^۱ یا کوروسیناساکرا^۲ است. بعد از انجام دادن این مراسم، تازه وارد ملقب به «کلاغ مقدس»^۳ می‌شود. صفت «مقدس» به ارباب سایر مدارج دین مهری هم اطلاق می‌شود، بخصوص به پیر یا پدر که مرشد جماعت است. کلاغ به هنگام اجرای وظایف مربوط به منصب خود، نقاب کلاغ به صورت می‌زند (شکل ۳۷).

همسر

یک فرسک موجود در معبد سنت پریسک شکل نمفوس یا همسری را

1. *Corvina*

2. *Coracina sacra*

3. *Ieros Korax*

نشان می‌دهد که با تکه پارچه‌ای سر و روی خود را پوشانده و در کتیبه‌ای بالای سر او نوشته‌اند که نمفوس تحت حمایت ستارهٔ ونوس قرار دارد. بدبختانه تشخیص این که نیمرخ منقوش در مهرکده اُستی که آینه‌ای به دست دارد متعلق است به آفرودیت^۱ یا نمفوس غیرممکن می‌نماید. در پرستشگاه دورارپوس شانزده نمفوس یافته‌اند. این همسران که از جنس مذکر هستند (چون می‌دانیم که زنان حق شرکت در نیایش را ندارند) به دستگیری پدر به عقد میترا درمی‌آیند. آن طور که از ظواهر برمی‌آید این ازدواج اگرچه صبغه و ماهیت عرفانی دارد، اما مانع همسری واقعی نمی‌شود.

در مراسم تشریف به اسرار امر فشردن دست راست به علامت وفاداری، نقش مهمی را به عهده دارد. این رسم چه نزد ایرانیان و چه نزد رومی‌ها جاری بوده و گاهی اوقات تصویری از آن را روی مقابر یا ضریح‌های رومی می‌بینیم. نوشته‌ای که از مورخی به نام فیرمیکوس ماترنوس به جای مانده، از نظر امر مذکور در فوق جالب توجه است. اما متأسفانه سطری که مشتمل بر اطلاعاتی در باب میترا است خوانا نیست. اگر واژهٔ نخستین آن جمله را آیده^۲ بخوانیم معنای آن این خواهد شد: «نمفوس بخوان.» ولی اگر واژهٔ مزبور را آیده^۳ بخوانیم معنای زیر مستفاد می‌شود: «نگاه کن، نمفوس. درود بر تو باد ای نمفوس درود بر فروغ نو.»

مؤید تفسیر اخیر لفظ چارقده بزرگ (ولوم^۴) است که رومی‌ها در مراسم ازدواج سر و گیسوان را بدان می‌پوشانیدند. برخی محققان فرض کرده‌اند که همسر در هنگام مخصوص رو بند یا چارقده را به کنار می‌زده تا رخسار خویش را به جمع مهرپرستان بنماید. به قول آپوله^۵ مراسمی نظیر رسم مزبور برای ایزیس اجرا می‌شده است. در این صورت واژه آیده (آواز می‌خواند) مبین این خواهد بود که به مناسبت شب زفاف نمفوس سرودی

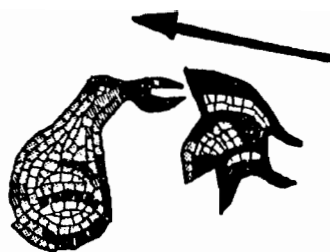
1. Aphrodite

2. aidé

3. Ide

4. Flammeum و Velum

5. Apulée



شکل ۵۷

می خوانده است.

موزائیکی در ناحیه اُستی پیدا شده که آسیب زمان دیده و معرّف این است که علامت ممیّز همسر مشعل و چراغ بوده است. مشعل چراغ شب زفاف است و آن خود نماد فروغ نوین^۱ است که پیوند استوارتری با ایزد خورشید یعنی میترا دارد. بعید نیست که بعد از این که همسر بر اسرار دین وقوف می‌یافت، معبد را چراغانی می‌کردند. البته چنین ادعائی را نمی‌توان اثبات کرد، ولی به نظر من با توجه به این که همسر قبل از اجرا کردن مراسم دین مجبور به تزکیه روح و جسم بوده (در این مورد تابلو موزه واتیکان موسوم به نوشته آلدوبراندینی^۲ دیده شود) نمفوس نمودار عنصر آب است.

سرباز

میترا خدائی است شکست‌ناپذیر و در اوستا آمده است که میترا در میدان نبرد باعث پیروزی یاران خود می‌گردد. اوست که در راه چیرگی بر شر پیکار می‌کند و هم اوست که همچون دستیار ایزد نیکی فاتح خواهد گشت.

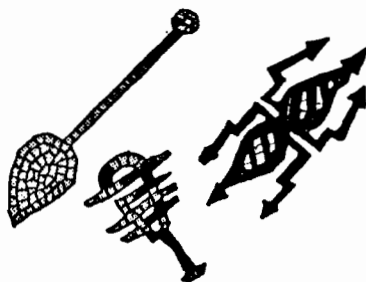
واقع این است که هر یک از پیروانی که متشرف به اسرار می‌شوند در جرگه رزمندگان^۱ راه ایزد وارد می‌گردند، اما تشرف خاص به درجه «سرباز»^۲ و اجرا کردن مراسم تحلیف، عضویت متشرف را برای همیشه مسجل می‌کند و رسمیت می‌بخشد. تصویری که مهری‌ها از سرباز داشتند، تصویری واقع‌بینانه بود. سربازی که در مهرکده سنت پریسک نقاشی شده لباس قهوه‌ای رنگ بر تن دارد و روی شانه چپ توبره‌ای نهاده شده است. توبره و نیزه و کلاه خود علائم ممیز سرباز هستند و منقوش بر روی کاشی بی‌دیده می‌شوند که در ناحیه استی یافته شده است. سرباز تحت حمایت مارس خدای پرخاشجو قرار گرفته است. در برخی متون آمده که مارس وارسته و پارسا و درستکار بوده است.

کلاغ و نمفوس نشان‌دهنده آب و باد هستند، سرباز معرف عنصر خاک است و شیرگویای عنصر آتش. با این وصف در این که آیا سرباز بوسیله عنصر زمین غسل تعمید می‌یافته سند قطعی در دست نیست و حکم نمی‌توان کرد. اما در آنچه مربوط به تشرف سرباز است به مراسم و آئین مرحله سربازی. ترتولین حکایت ابهام داری از خود به جای گذاشته و می‌گوید که «میترا بر پیشانی سربازان خود مهر می‌زند». اگر غرض ترتولین از واژه سرباز همه جماعت مهرپرست نباشد می‌توان از جمله مذکور چنین نتیجه گرفت که کسانی که به رتبه سربازی ارتقاء می‌یافتند مهر بر پیشانی آنان زده می‌شد. در جای دیگر نیز ترتولین از مراسم تشرف به رموز منصب سربازی یاد می‌کند و چنین می‌نویسد: «مراسم مخصوص در غاری انجام می‌گیرد که ظلمات مطلق است، سربازان در این غار می‌ایستند، از نوک شمشیری تاجی آویخته‌اند و این تاج باید به سر یک یک سربازان گذاشته شود. اما عرف بر این است که این سربازان با دست خویش تاج را پس می‌زنند و آن را روی شانه خود می‌لغزانند و بدین طریق اعلام می‌کنند که در واقع میترا تاج سر آنها است. بعد از این مراسم دیگر مراسم تاجگذاری تکرار نمی‌شود و اگر روزگاری از این سربازان تقاضا شد که

1. Militia

2. Miles

سوگند نظامی یاد کنند، اینان می توانند مراسم فوق را به مثابه مدرک ارائه کنند و از تحلیف مجدد بی نیاز گردند. به محض این که مردی مهرپرست تاج را پس فرستاد و به الوهیت صاحب تاج (میترا) ایمان آورد، به درجهٔ سربازی میترا ارتقاء می یابد.»



شکل ۵۸

چنان که دیده می شود مراسم و شرایط درست نظیر شرایط امروزی ارتش است. تاج افتخار به سربازی داده می شود که یا جان هم میهن خود را نجات داده و یا به هنگام یورش اولین کسی بوده که قلعه ای را تسخیر کرده و یا سنگر دشمن را فتح کرده باشد. درست همین نحو تکریم و تجلیل نسبت به سرباز مهری در موقع تشرف به اسرار دین اعمال می شود. دیدیم که تاج را از نوک شمشیر می آویختند و به سرباز پیشکش می کردند. تر تولین معتقد است که چنین طرز اعطای تاج در واقع آخرین امتحانی بوده که سرباز می گذرانیده و جرئت و شهامت او به اثبات می رسیده و این خود به قول تر تولین نوعی تقلید شهادت است. در پائین پای سرباز منقوش بر دیوار معبد کاپو (شکل ۵۳) شیء دیده می شود و هیچ بعید نیست که شیء مزبور شمشیری باشد که تر تولین از آن یاد می کند. در هر حال، این نکته محقق است که سرباز از گرفتن تاج ابا می کند و این کلمات فروتانه را بر زبان جاری می سازد: «فقط میترا تاج سر من است.»

«تاج من متعلق به خدای من است.» درست مثل میترآ، سرباز یوغ را به دست و بارش را به دوش گرفته و با انضباطی مطلق و آماده نبرد با نیروهای دشمن است. در دیوار نگاره (فرسك) سنت پریسك سرباز دنباله جامهٔ مردی را گرفته که در جلوی او روان است.

شیر

شیر جامه‌ای بلند به رنگ ارغوان به تن دارد و تر تولین در باب او گفته که طبیعتش خشک و سوزان است. نماد ویژه او بیلچه‌ای است که به کار جابه جا کردن آتش می‌خورد و به همین علت است که به نظر من نقش کسی که روی سنگ فرش موزائیک مهرکدهٔ معبد سبیل در اُستی دیده می‌شود، شکل یک شیر است. در کاوش‌های پرستشگاه‌های هدرن هایم و کاروبورگ یک بیلچه نظیر آنچه شرحش رفت، یافته شده است. در مهرکدهٔ فلی‌سیسیمو^۱ واقع در اُستی روی یک موزائیک نقش یک بیلچه یافته‌اند که نشانهٔ ممیز شیر است و روی همین موزائیک نوعی چنگ هم دیده می‌شود. این آلت موسیقی از مراسم دینی ایزیس و آذرخش ژوپیتر تقلید و اقتباس شده است. ناگفته نماند که نگهدار و محافظ خاص شیر ژوپیتراست.

آتش نماد شیر است و به هنگام اجرای مراسم دینی خاص این رتبه از آن یاد خواهد شد. پورفیر در این باب می‌گوید: «موقع تشریف به آئین به قصد تغسیل و به جای آب عسل بر روی دستان شیر می‌ریزند و این نکته حاکی از این است که دست شیر باید پاکیزه از هرگونه پلیدی و شر و جنایت باشد؛ طهارتی که در شأن رهرو متشرف است. دست او را با عسل می‌شویند چون آتش که عنصری است پاک‌کننده، دشمن آب هم است. بر همین منوال زبان شیر را با عسل می‌شویند و بدین طریق آن را از هرگونه گناه مبری می‌کنند.»

1. Felicissimo

به موجب این نماد اغلب تصویر شیر را در وضعی خصمانه نزدیک یا روی یک کوزه می‌بینیم (شکل ۵۹). در کتیبه‌ای که در ناحیه استکلن^۱ در بلغارستان یافته شده حتی از شیری نام برده‌اند که ملیکریستوس^۲ نام دارد و مراد از این لفظ «کسی است که با غسل تدهین یافته باشد.» مطابق نقوش برجسته‌ای که به جای مانده، روابط شیر و میترا بسیار صمیمانه است و با سگ و مار همراهان میترا را در شکار تشکیل می‌دهد. در مهرکده سنت پریسک دو ردیف شیر دیده می‌شوند که هدایایی به خدمت خدا می‌آورند و در نقش کونجیک (یوگسلاوی) (شکل ۳۷) یک مهرپرست دیده می‌شود که درجه شیری و نقاب شیر بر چهره دارد.

شیران در دین میترا مقامی ممتاز دارند و به این دلیل است که در یکی از تصاویر سنت پریسک، موبکی متشکل از هفت ردیف متشرفان نقاشی شده و در آن ردیف سربازان به ردیف شیران سخت حرمت می‌کنند. نقش شیر در این



شکل ۵۹: کونس و شیری روی یک ظرف (مخصوص آمیختن آب با شراب).

1. Steklen

2. Melichristus

شکل به طرزی فراموش نشدنی تصویر شده، چشمانی سیاه دارد و غرور از قامت او هویدا است. به جامه او دنباله ارغوانی رنگ تندی دوخته شده است. چون شیر نماد (سمبول) آتش است، احتمال می رود غسل تعمید او هم به کمک شعله فروزان انجام بگیرد. مؤید فرض مزبور اشتراک یک واژه است در کتبه مهرکده دورا و متنی از پورفیر.

پورفیر از «دم و نفسی صحبت می دارد که سوزان و همچون حمامی از تقدس است که حتی مغان نیز باید در آن استحمام کنند.» نکته قابل توجه این است که اصطلاح نفس یا دم (در یونانی = آستما^۱) را دیوکریزستوم در داستان فائون به قصد توصیف دم سوزان اسب گردونه خورشید به کار برده است. دم سوزان این اسب، اسبان دیگر این ارابه را نیز تهییج می کند و به تیزروی وامی دارد.

اما از این همه مناسک آتش که چیزی در باب آن نمی دانیم می توان نتیجه گرفت که غرض از آتش در دین میتراکنایه زدن به آتش سوزی جهان در روز آخرت است. در انجامین روز جهان، رودخانه ای آتشیار جهان را به سوختن خواهد کشانید. نادرستان در این آتش از میان خواهند رفت و درستکاران در این رود آتش حمام پاک کننده^۲ خواهند یافت. دو متنی که روی قشر زیرین فرسک های مهرکده سنت پریسک نوشته شده روابط میان شیر و میترا و آتش سوزی جهان را روشن می کند.

در این دو متن، مهری ها به درگاه پدر یعنی میترا نماز می گزارند و از او تمنا می کنند که شیران بخورسوز را در کنف حمایت خود بگیرد. همین شیران هستند که بدان ها بخور می دهیم تا با سوختن آن ما را بسوزند.

نیروی پاک کننده ای که در دین میترا به آتش نسبت داده می شود، در واقع تجدیدکننده صفات مقام شیر است که از آن موجودی مقدس می سازد. در چنین موقعیتی شیر همچون ژوپیتر، غول ها را با آذرخش خود می کوبد و با

1. Asthma

2. Niptron



شکل ۶۰

میترا بدخواهان را به عقوبت می‌رساند. آتش، شیر را با میترا و خورشید مربوط می‌سازد و اینان با ارا به خورشید ارتباط می‌یابند.

بنابراین جای تعجب نخواهد بود اگر می‌بینیم نقشی دیواری در رم یافته شده که ایزد زمان را در حالی نشان می‌دهد که دم آتشین از سینه خارج می‌کند و یا مجسمه‌ای هم از ائون در شهر صیدا از بلاد افریقا یافته شده که در پس سر او سوراخی دیده می‌شود و به این کار می‌آید که در برخی مراسم دینی در درون آن آتش می‌افروخته‌اند.

در برخی معابد مجسمه شیرهائی دیده می‌شود که شباهت تامی با گوربانان (مستحفظین قبور) دارند.

درست مثل مناصب دیگر، شیر هم روابط خاصی با میترا و لونا دارد که آنرا به وضوح در مقام «پارسی» خواهیم دید.

پارسی

در فرسك‌های سنت پریسك پارسی را می‌بینیم که جامه‌ای به رنگ

خاکستری در بردارد و ایزد قَیم او ماه است. همان طور که در باب شیر مشاهده کردیم، وقتی که به پارسی درجه خاص او اعطا می شود، دستانش را با غسل تطهیر می کنند، اما پرفیر همین رسم را با اندک اختلافی بیان می دارد و چنین می گوید: «علت تطهیر دستان پارسی با غسل این است که غسل نگهدار میوه ها است.» مراد از غسل در اینجا البته عنصری است که حفاظت از مرگ و میر می کند. این نکته را هم نباید فراموش کرد که در قدیم غسل به جای شکر به کار می رفت و هرودوت در کتاب (I، ۱۹۸) اشاره ای به خاصیت نگهدارنده غسل نموده است. پارسیان باستان تصور می کردند که غسل از ماه درمی آمده و منی گاوی را که میترا قربانی کرده در ماه جمع می شده و در همان جا تطهیر می یافته و گیاهان و میوه های جدیدی به بار می آورده است. به همین دلیل است که ماه همچون نگهبان میوه ها قلمداد شده و پارسی نماد آن است. از سوی دیگر، پارسی مناسبات خاصی با میترا دارد. نشانه ممیز وی داس است. در نقوش

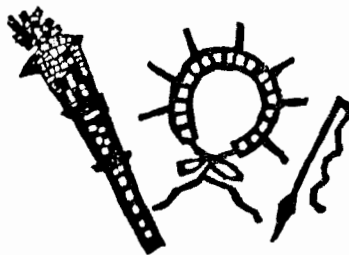


شکل ۶۱: میترا، دروگر ایزدی.

دیواری سنت پریسک پارسی را می‌بینیم در حالی که شاخه‌هائی بلند و شاید خوشه‌هائی چند با یک داس به دست دارد. اما داس از متسبات ساتورن هم است و بر نقش دیواری دیبورگ میترا همچون ساتورن جدید دیده می‌شود. او دروگری است ایزدی (شکل ۶۱) که خرمن را به خانه می‌برد. خرمنی که حاصل مغز و خون گاو قربانی شده است. از این نظر، بنابر آنچه مذکور افتاد، پارسی از مریدان با وفای خدای خویش است.

پیک خورشید

چنان‌که از نام هلیودروموس پیداست، وظیفه این صاحب منصب در مراسم دین مهری نمایندگی خدای هلیوس - سل است در روی زمین و تحت حمایت وی قرار دارد.



شکل ۶۲

علائم مشخص او چنان‌که در اُستی آمده، تازیانه و هاله و مشعل است و چنان‌که در سنت پریسک دیده شد، کره خاک و هاله پرتوافکن است. در مهرکده‌ای نزدیک گرمابه‌های کاراکالا واقع در رم، شخصی را می‌بینیم که جامه‌ای به سبک شرقیان پوشیده و کره‌ای به دست دارد و احتمالاً مبشر خورشید است. هلیودروم عبارت از خورشید است که سوار بر ارابه خویش

آسمان را هر روز طی می‌کند و اسبان را می‌تازاند. روزی وی دستور قربانی کردن گاو را داد و کلاغ دستور را به میترا ابلاغ کرد، هلیودروموس پیمانی با میترا بست و به همین مناسبت او را در آغوش کشید و پیش از عروج به آسمان در ضیافتی به همراهی میترا شرکت کرد.



شکل ۳۶

بعید نیست که برخی مراسم متعارف در مهرکده کارا کالا تکرار همین مراسم نباشد. در هر صورت ما فقط در آنچه که مربوط به نقاشی تشریفات دینی معمول در معبد سنت پریسک می‌شود، اطمینان تام داریم. روی دیوار سمت راست این پرستشگاه هلیودروموس دیده می‌شود که در میان جماعت مهری قرار گرفته است. جامه‌ای سرخ به تن دارد و کمربندی زرد روی آن بسته و کره‌ای به رنگ آبی در دست دارد. دست راست خویش را بلند کرده و با آن به پیر سلام می‌کند. خود پیر هم روی تختی نشسته و جامه‌ای و کلاه‌ی فریجی به رنگ ارغوان دارد.

روی دیوار چپ سل و میترا دیده می‌شوند، در حالی که مشغول صرف طعام مقدس هستند. جامهٔ ایزد خورشید و علائم ممیز او درست نظیر آن هلیودروموس است. در مهرکدهٔ سنت پریسک روی دیوار سمت راست تصویری از هلیودروموس کشیده‌اند که البته شکوهش بسیار نیست. در دست او

عصای نازکی دیده می‌شود، سرش مزین به هاله‌ای آبی‌رنگ است و به طرف درختی روان است که شاخه‌هایش پر برگ است و نزدیک آن‌ها مردی ایستاده که جامه‌ای مندرس به تن دارد. محتمل است که این شخص قصد چیدن میوه‌ها را داشته باشد. اگر این ظن صحیح باشد، مرد مزبور «پارسی» است.

پیر

پیر عالی‌ترین درجه در آئین میترا و نماینده او در روی زمین است و از این رو جامه‌اش نظیر جامه خود میترا است. این صاحب منصب پیر مریدان است و مریدان، خود یکدیگر را به نام برادر صدا می‌کنند. پیر مدافع منافع جماعت مه‌ری است. آموزگار مقدس^۱ اوست و هم اوست حکیم انسان‌پروری که علامت فرزانه‌گیش حلقه و عصای وی است. موبد و دانای بزرگ و دینمرد بزرگوار^۲ هموست و شرعاً از سوی متشرفان به اسرار آئین به این سمت گزیده می‌شود و امور مربوط به تشریف به مناسک را راهبری می‌کند. پدر مسئول انتخاب اعضای جدید است و هم اوست که به کار آشنا ساختن نودینان به رموز درجات مختلف دین می‌پردازد.

در دورارپوس ظاهراً قبل از مقام پیر، منصبی به نام آنتی‌پاتروس^۳ (اشتقاقاً: مقام قبل از مقام پاتر: پیر) وجود داشته که مرحله ماقبل ارشاد بوده است. در رم هم منصب پیر رموز^۴ و پیرمغان^۵ وجود داشته است. پیر مغان (پدر پدران) در واقع عالی‌ترین درجه روحانی را داشته، چون در سنگ‌نوشته‌ای چنین آمده: «پدر پدران ده صاحب منصب درجه اول». او در واقع مجسم‌کننده عالی‌ترین درجه تقوی و پرهیزگاری است و القاب او هم به ترتیب متقی^۶، به

1. Magister Sacrorum 2. Summus Pontifex 3. Antipatros
4. Pater Sacrorum 5. Pater Patrum 6. Pius

اعلی‌درجه متقی^۱ یا مقدس^۲ است. در هر حال اوست که عالی‌ترین مقام^۳ را در سلسله مراتب آئین مهری به عهده دارد. پیر در عین حال صلاحیت کامل در زمینه ستاره‌شناسی دارد و چنین امری باعث تعجب نخواهد شد وقتی می‌بینیم که تمام آئین مهرپرستی مملو از اخترشناسی است و نمونه آن قرار دادن هفت مقام سیر و سلوک و تشریف تحت حمایت هفت ستاره است. قیم پیر ساتورن است و تصویری از او در سنت پریسک یافته شده که روی آن این عبارت منقور است: «دروود بر شما ای پدران شرق و غرب که تحت حمایت ساتورن قرار دارید.» در ناحیه اُستی، علائم بازشناساننده پیر عبارتند از: داس ساتورن، کلاه فریجی میترا، یک عصا و یک حلقه که نشانه فرزاندگی او هستند.

1. *Pientissimus*

2. *Sanctus*

3. *Dignissimus*



عکس ۱۰- مینرا، لوح برنجی، بودا است.



عکس ۹- نقش برجسته مرمرین، بازیافته در رومانی در ۱۹۵۸



عکس ۱۱- سمت راست: میترا به شکل خدای زمان، مجسمه باز یافته در ناحیه

مریدا در اسپانیا

عکس ۱۲- میترا به شکل خدای زمان، نقش برجسته باز یافته در مدنا.

ستارگان و عناصر چهارگانه

گات‌ها یعنی باستانی‌ترین سرودهای اوستا مشتمل بر پاک‌ترین عقاید زرتشت هستند. در این سرودها هیچ اشاره‌ای به ستارگان نشده است. در مقابل، در بخش‌های متأخرتر اوستا اطلاعات مربوط به ستاره‌شناسی جابه‌جا یافته می‌شود و بر اساس این داده‌ها است که می‌دانیم امشاسپندان هفتگانه که در حکم دستیاران اورمزد هستند، همانند هفت سیاره قلمداد شده‌اند. تأثیر معتقدات نجومی بر دین ناشی از تأثیر افکار کاهنان کلدانی است. آئین کلدانی - از راه‌های گوناگون - آن قدر در جهان اطراف یونان (یونان بعد از اسکندر) نفوذ کرد که طبیعتاً اثراتی از آن را در دین مهری نیز می‌توان مشاهده نمود.

در امپراتوری روم، در برخی محافل فرهیخته، نجوم موضوع بحث و فحص مردمان بود. اما اخترشناسی که به قول فرانتس کومون، «خواهر نامشروع» نجوم است، آلوده به جبری‌گری بود و تمام طبقات مردم بدان معتقد بودند. دو نوشته در رم یافته‌اند که به طور قطع کار مهرپرستان بلند پایه آن شهر است و این دو نوشته به حد کفایت شاهد تأثیر اخترشناسی در دین مهری هستند. اولین نوشته متعلق به تاریخ ۳۸۲ بعد از مسیح است و در میدان سان سیلوسترو^۱، محلی که اورلیانوس^۲ معبد عظیمی به افتخار خورشید افراخته بود، یافته شده است.

معبد مورد بحث هفت محراب داشته که چهارتای آن مربع و سه تای

1. Piazza San Silvestro

2. Aurélianus

آن به شکل نیمدایره بوده است. متن بازیافته به قرار زیر است:
 «اندکی پیش از این، ویکتور (جد نوادگان خود) که خود را پیشکش
 آسمان و ستارگان کرده، با هزینه بسیار معبدی به افتخار خورشید برافراشت.
 نوه اش که همانم پدربزرگ خویش است و تقوایش بیش از او، غاری بر ساخت.
 اما رم به داد ودهش تو اعتنا نمی کند. مال و منال صرف هدف های پرهیزگارانه
 کردن، فقط بخشنده متقی را فخر می بخشد. پس چه کسی غنی تر از این وارث
 صرفه جوست؟ چه کسی ثروتش را با ساکنان آسمان بخش می کند؟»



شکل ۵۹

تامزیوس اوگتیوس^۱ معبد را بساخت و غار را به هزینه خود مرمت
 کرد. در سال ۳۸۲ گراسیانوس^۲ امپراتور روم فرمانی صادر کرده و طی آن
 نفقه ای را که تا آن وقت وقف ساختن و محافظت ابنیه دین رسمی می شد لغو

1. Tamesius Augentius 2. Gratien

کرده بود. به این علت است که اوگتیوس جمله «روم به داد و دهش تو اعتنا نمی‌کند» را در منظومه خود آورده و معرف نوعی اعتراض او به فرمان مذکور است. اوگتیوس در منظومه‌اش از ویکتور پدر بزرگش هم یاد می‌کند. ویکتور مورد بحث شخصی است به نام نونیوس ویکتور او لیمپوس که به دلیل نذر و نیازهایش در سال‌های ۳۶۲-۳۵۷ معروف ماست. او «پدر پدران است و در زمان ارشاد وی، چندین تن از صاحب‌منصبان مهری، به رموز دین تشریف یافتند. چنان‌که از منظومه مذکور برمی‌آید، اوست که بنیادگذار مهرکده‌ای بوده و آن را به آسمان و ستارگان هدیه کرده است. نوشته دیگری هم در دست است که مربوط به سال ۳۷۷ مسیحی است و مردی به نام روفوس کیونیوس^۱ آن را بر ساخته. این شخص صاحب مناصب گوناگون مذهبی بوده و زمانی رهبر رسمی مذهب و دینمرد آئین مهری گردیده است و چون مقام رهبری یافته فخر زندگی کردن در قصر رگیا^۲ را که واقع در بازار رومانوم^۳ است - نزدیک معبد وستا^۴ - دریافته است. منظومه چنین است:

«در خانه‌ای اصیل و مشهور زاده شد، رهبر دین بود و مقرش کاخ سعادت‌آمیز رگیا، همان جا که از آتش مقدس وستا هم نگهداری می‌شود. اوست فالزن و گرامی پرستنده دیان^۵ سه رخساره. اوست دینمرد بابلی زاده معبد ایرانی میترا. اوست پیشوای عارف آئین سترگ میترا.»

نکته‌ای که در اینجا بسیار شگفت‌آور به نظر می‌رسد، این است که در اواخر قرن چهارم مسیحی یعنی در همان اوانی که آئین میترا رو به تزلزل می‌گذارد، روفوس سنن بابلی را حفظ می‌کند. ولی در صفحات پیشین دیده‌ایم که بابل به میانجیگری مغان، عقاید خاص خود را بر آئین مهری تحمیل کرد و مؤید این گفته نقشی است که در حوالی شهرکنستانس^۶ یافته شده و در آن نیکومد^۷ دیده می‌شود که در حال اشاره کردن به رود فرات است.

1. Rufus Caeionius

2. Regia

3. Forum Romanum

4. Vesta

5. Diane

6. Constance

7. Nicomède

بر دیوارهٔ جانبی یک محراب پرستشگاه سنت پریسک نوشته‌ای نقر شده که معنای آن چنین است: یکی از اعضای جمع مهری به هنگام طلوع آفتاب در روز ۲۰ نوامبر یعنی روز ساتورن به آئین دین تشریف یافت. این نوشته به شکل جدول نجومی (زایچه) است. خورشید و ماه به غیر از وظیفه‌ای که در موقع ذبح گاو به آنان محول گشته، سمتی هم در مراتب سیارات هفتگانه دارند. روی حاشیه نقش برجسته‌ای که در بولونیا یافته شده، سیارات هفتگانه دیده می‌شوند که ژوپیتر در مرکز آن‌ها قرار گرفته و به همین مناسبت سبیدی روی سر دارد. در این نقش ژوپیتر همسان سراپیس قلمداد و با او متشابه می‌گردد. چنین تشابهاتی را در مهرکده‌های واقع در گرمابه‌های کاراکالا در رم می‌توان دید. در این اماکن زئوس، هلیوس و سراپیس یکجاگرد آورده شده‌اند و به یک نام نامیده می‌شوند. روی نقش برجسته بولونیا سیارات هفتگانه به ترتیب روزهای هفته نقر گردیده‌اند.



شکل ۶۰

نظیر ترتیب مذکور در فوق را باز هم می‌توان یافت؛ مثلاً در ناحیه بریژتیو^۱ در مجارستان اخیراً لوحهٔ زیبایی از جنس برنز یافته‌اند. ولی در حالی

1. Brigétio

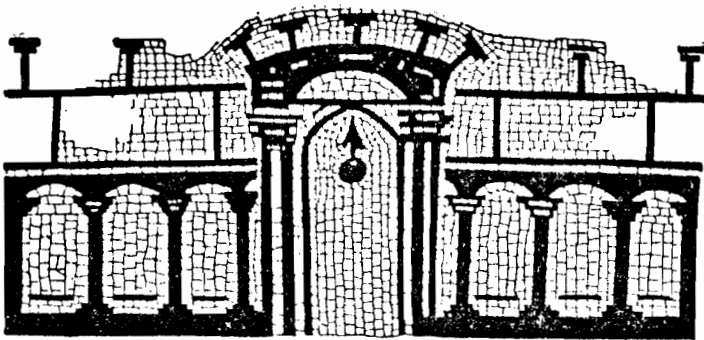
که روی نقش برجسته بولونیا، هفته با روز یکشنبه، یعنی روز خورشید آغاز می‌گردد، در نقش برجسته بریژتو ساتورن نفر اول ردیف است. وقتی که در مراسم نیایش، سیارات به مثابه محافظان ردیف‌های گوناگون ظاهر می‌گردند، نظام ردیف‌ها به این قرار مقرر می‌شود: ساتورن، خورشید، ماه، ژوپیتر، مریخ (مارس)، ونوس و مرکور. و از این نظام و توالی می‌توان استنتاج کرد که رابطه میان درجات تشریف و سیارات بعدها وضع شده و متأخر است.

بر حسب فرضیه‌ای که سلسوس^۱ ساخته و رقیبش اریژن^۲ نقل کرده، هر سیاره‌ای وابسته به یک فلز است؛ مثلاً زر وابسته است به خورشید و مجموع سیارات نوعی نردبام تشکیل می‌دهند که مقابل هر پله آن دری باز می‌شود. در رأس این درها، در هشتمی قرار گرفته که نماد (سمبول) ستارگان ثابت است. روی موزائیک مرکزی مهرکده هفت سپهر اُستی، هفت در به شکل نیمدایره نقر گردیده که همه محیط راهرو مرکزی را اشغال کرده است. در جلوی نیمکت‌ها سیارات مشاهده می‌شوند، در حالی که روی حواشی آن‌ها نشانه‌های منطقه البروج می‌درخشند. در مهرکده فلی‌سی‌سی موس سطح موزائیک شده راهروی مرکزی هفت در را نشان می‌دهد که معرف هفت مقام هستند. در بخش هشتمی از آن ظرفی می‌بینیم که محصور از خار و خاشاک است، اما در آنچه که مربوط به آئین سلسوس می‌شود، معبد «هفت در» واقع در اُستی، بسیار شایان توجه است. در عقب مدخل حرم معبد اُستی شکل دری بزرگ نقش شده از جنس موزائیک که حاشیه مرکزی آن به رنگ سیاه و سفید است. سردر آن مزین به نقوش به شکل پتک دوسویه و در طرفین آن سه در کوچک تصویر شده است. مشعلی هم از طاق‌دیس در اصلی آویخته است (شکل ۶۴). در اینجا نیز سیارات هفتگانه نقاشی شده‌اند.

چنان که دیدیم مراد از هر یک از این حالات نشان دادن تمثیلی روح انسانی است که به اعتباری در وقت تولد و به اعتبار دیگر در موقع مرگ از

1. Celsus

2. Origène



شکل ۶۴: موزائیک درهای هفتگانه واقع در شهر اُستی.

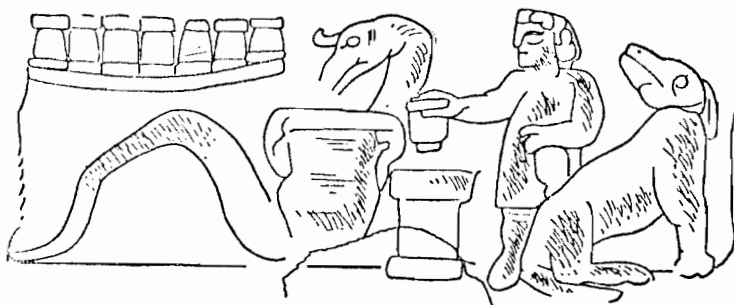
نردبام درهای هفتگانه بالا می‌رود.

روح انسانی از هر ستاره صفتی اخذ و در هنگام مرگ رهایش می‌کرده است.

در آئین مهری رقم هفت اهمیت اساسی دارد. روی برخی نقوش برجسته یافته شده در اطراف رود دانوب هفت سرو (درخت خورشیدنما) می‌بینیم که به طور متناوب با هفت خنجر جمع آمده‌اند. در بالای نقش برجسته کلاهی فریجی دیده می‌شود. در مهرکده ناحیه دورا، هفت پله می‌بینیم که به محرابی مخصوص منتهی می‌شوند.

یک نقش برجسته در شهر مانهایم آلمان هست که آثار ابتدائی بودن و قدمت بسیار از سر و روی آن هویدا است. روی آن هفت مذبح نقاشی شده (شکل ۶۵) که همگی در یک ردیف قرار گرفته‌اند، زیر مذبح‌ها کوزه بزرگی تصویر شده که ماری تنومند می‌خواهد سر خود را درون آن فرو برد. در پهلوی آن مذبح کوچک دیگری هست که روبه رویش دینمرد یا شاید پیری ایستاده است. جامی در دست دارد و می‌خواهد مایع درون ظرف را به کار مراسم دین بزند. پهلوی او هم سگی ایستاده که همراه و همنشین وفادار میترا

است. روی زمین کاشیکاری شده مهرکده هفت در اُستی نیز کوزه‌ای دیده می‌شود که ماری در حال خروج از صخره، خود را به سوی آن می‌کشد و در سوی دیگر آن کلاغ یا عقابی می‌بینیم که روی آذرخش آشیانه کرده است. گاهی اوقات شیری هم دیده می‌شود که پرخاشجویان پهلوی کوزه‌ای ایستاده و پهلوی کوزه هم ماری غنوده است (شکل ۵۹). نقش برجسته‌ای در ترو یافته شده که ولادت میترا را نشان می‌دهد و روی آن کوزه و مار و شیر و پرنده و آذرخش یکجا دیده می‌شوند. ظرفی از خاک رس یافته‌اند که روی آن نقشی از ضیافت خدایان دیده می‌شود و شیر و ظرف (که ماری متوجه آن است) و کلاغ و خروس نمایانند. مجموعه این چهارتا احتمالاً نمادهای (سمبول) عناصر



شکل ۶۵: موبد مهري در مقابل قربانگاه.

چهارگانه آب (ظرف)، آتش (شیر)، زمین (مار) و هوا (پرنده) هستند. می‌دانیم که این عناصر چهارگانه نزد مغان در ایران باستان آن قدر مورد احترام بوده‌اند که نهایت دقت می‌شده تا به پلیدی آلوده نگردند. در آئین میترا مقامی مهم به این چهار عنصر تفویض شده بود. حتی هیچ بعید نیست که مهری‌ها همان طور که به طریق نمادین (یعنی به طریق سمبولیک) از ابواب هفتگانه سیارات عبور کرده، از چهار عنصر هم گذر کرده باشند.

در آغاز حیات، جهان به هفت دوره بزرگ تقسیم گشته بود و هر کدام از این دوره‌ها مطابقت داشت با تأثیر عظیم یکی از سیارات مشخص. بعدها تحت تأثیر علائم دوازده گانه منطقه البروج، مهرپرستان ناگزیر از قبول کردن دوره‌های دوازده گانه شدند. روی نقش دیواری یا نقوش برجسته مهری بارها به تصاویر بروج دوازده گانه منطقه البروج برخوردیم. درست مثل نقوش فلکی علائم منطقه البروج هم گاهی اوقات روی حاشیه غارهای مهری دیده می‌شود؛ غارهایی که درون آن‌ها قربانی گاو صورت می‌گرفته است. در نقوش قدیمی دوازده برج را دایره وار ترسیم می‌کردند که در مرکز آن گاهی میترا به عنوان محافظ قرار داشت و گاهی اصلاً غایب بود. پس می‌بینیم که نقوش باز یافته در ترو و لندن مربوط به زایش میترا هستند. در نقاط دیگر نقوشی یافته‌اند که در آن‌ها دایره‌ای از بروج دور میترا کشیده شده و میترا به صورت خدای زمان ظاهر گردیده است. (عکس ۱۲ در مدنا) محراب نمازخانه جنبی مرکزی معبد سنت پریسک مزین به دایره بزرگی است به رنگ آبی، که علائم منطقه البروج از جنس مرمر نما بر آن منقوش است. در نقوشی که خدای زمان ظاهر است، مسیر خورشید در طول منطقه البروج دیده می‌شود.

همان طور که در مورد سیارات دیدیم، در اینجا هم توالی خانه‌های منطقه البروج به طور منظم رعایت نشده است.

نقش برجسته‌ای در ناحیه اپولوم^۱ (آلباژولیا در رومانی) یافته‌اند که هدیه یکی از سربازان هنگ سیزدهم سپاه روم به مهرکده واقع در محل مذکور بوده است. روی لبه فوقانی این نقش برجسته اشاره‌ای مبهم به ستارگان شده است. روی این نقش گاوی می‌بینیم درون یک زورق و جلوی آن گاو کوچک تری مشاهده می‌شود که در خانه‌ای محصور است. دو بزغاله (حمل) هم دیده می‌شود که روی زمین دراز کشیده‌اند و بزى هم پدیدار است که در حال جست و خیز به سوی یکی از همراهان میترا است. برادر میترا مثل خود میترا

1. Apulum

ملبّس به جامه شرقی است و جلوی تختی ایستاده که روی آن ساتورن یا ژوپتر خوابیده است (شکل ۶۶). روی نقش زیبایی از مرمر که در شهر صیدای سوریه یافته شده، فصول چهارگانه منضم به علائم دوازده گانه منطقه البروج ترسیم گشته. این فصول به شکل کودکان نقش شده‌اند.

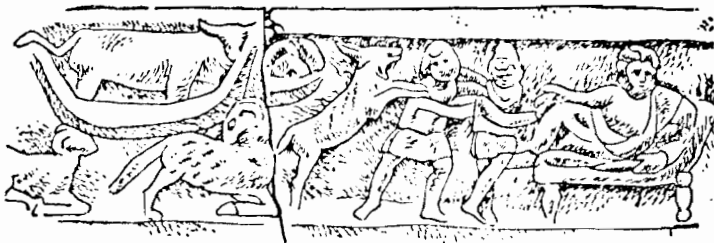
نقش نمایشگر فصل زمستان کلاه دارد و علامت مشخص آن اردک است. پائیز را تاجی است از گل و گیاه و پهلوی آن سبدی از میوه نهاده شده. بهار را به وسیله سبدی از گل نمایانده‌اند. پهلوی تابستان هم تاجی از خوشه دیده می‌شود و دسته‌ای گندم. روی نقش برجسته‌ای از جنس برنج که در بریژیو یافته شده، فصول به وسیله چهار شیء مدور در چهار گوشه تصویر نموده شده‌اند. بهار را همچون مردی جوانسال رسم کرده‌اند، تابستان را با صورت زن نموده‌اند، پائیز را به شکل مردی پخته و سرد و گرم چشیده نمایش داده‌اند و زمستان را از ورای زنی لباس پوشیده می‌بینیم. اضافه بر سیارات، ستارگانی را هم می‌بینیم که روی نقش برجسته منقوشند، و زیر صحنه قربانی گاو، شیر و مار و ظرف، آشکارا مشخص هستند (شکل ۱۱).

روی بسیاری از نقوش که صحنه قربانی گاو یا تولد میترا نموده شده، چهار گوشه آن مزین به تصاویر خدایان باد است. خدایان مذکور در گیسوان خویش بال و پر دارند و گونه‌های متورم آنان معرف دمیدن اینان بر روی باد است. در مذبح مهرکده شماره سه کارنونتوم خدایان باد و فصول دور یکدیگر جمع شده‌اند. بخش قدیمی نقش مذکور خدای آسمان (کائوس) را نشان می‌دهد که محاسن انبوه دارد و بهار و تابستان که به شکل دو مرد جوانسال، یکی مزین به تاج گل و دیگری آراسته به خوشه گندم هستند، همراه اویند. روی بخش راست مذبح مزبور سالخورده مردی می‌بینیم با ریش بسیار که ایستاده و روپوشی دارد دراز که روی سرش کشیده و این پیرمرد نماینده زمستان است. پهلوی او خدای باد (اوسترا^۱) دیده می‌شود که مشغول دمیدن در شاخی است.

1. Auster

این خدا به شکل جوانی عریان منقوش گشته که بال و پر در گیسوان دارد. بخش چپ پائیز را نشان می‌دهد که معرف آن خوشه‌های انگوری است که سر پیرمرد را مزین کرده و همراه پیرمرد، فاوونیوس^۱ باد شرطه دیده می‌شود. دو ایزد دیگر باد اوروس^۲ و سپتانتریو^۳ روی بخش خلفی مذبح نقش بسته‌اند.

هرودوت (I، ۱۳۱) می‌گوید که در قرن پنجم قبل از مسیح ایرانی‌ها به خورشید و ماه و زمین و آب و باد پیشکش می‌داده‌اند. مطالب منقول هرودت بعدها مورد تأیید استرابون^۴ قرار گرفت و در آنچه که مربوط به آئین میترا می‌شود، یکسره واقعیت دارد. مهرپرستان معتقد بودند که روح انسانی می‌تواند از سیارات هفتگانه عبور کند و همین‌طور می‌پنداشتند که ایزدان باد قادر به تسهیل یا ممانعت از این عبور و انتقال هستند. به این علت است که می‌بینیم در برخی نقوش، گاهی خدایان باد به طرف بالا می‌دمند و گاهی به سوی پائین. چنان که دیده می‌شود عقاید نجومی مهری‌ها در عقاید مربوط به عالم علوی آنان سخت مؤثر بوده است.



شکل ۶۶: نقش اهدائی به میترا که نمودار ساتورن یا ژوبیتر است، نشسته بر روی تخت.

1. Favonius
4. Strabon

2. Eurus

3. Septentrio

مسئله زن

تحقیق در آئین میترا مسئله‌ای را مطرح می‌کند که مربوط به زنان است و آن این است که آیا نمایندگان جنس ضعیف می‌توانستند به فضیلت تشریف به اسرار دین نایل گردند؟ طرح کردن چنین مسئله‌ای برای ما غربی‌ها که عادت به تساوی حقوق و امتیازات زن و مرد داریم ممکن است عجیب جلوه کند و در این که خدائی منحصرأ به مخلوق مذکرش التفات کند و زنان را مطرود، ظلمی عظیم می‌بینیم. اما این نکته را بر فور تذکر بدهیم که طرد یکی از اجناس دوگانه بشر در آئین میترا انحصاری مهرپرستان نیست، چون مثلاً اگر در آئین الوزیس^۱ و سی‌بل و دیونیزوس نربینه و مادینه هر دو می‌توانند به رموز دین واقف گردند. برعکس در برخی مسلک‌ها نظیر آئین بُنا دآ^۲ مردان یکسره مطرودند و فقط زنان حق شرکت در آن را دارند. پورفیریوس در یکی از صفحات بسیار مشکل کتاب خود موسوم به در باب امساک^۳ می‌گوید: سالکانی که در مراسم دین مهری شرکت می‌کنند شیر نام دارند و زنان به گفتار موسومند. این نکته را هم باید اضافه کرد که صفحه محتوی بر مطالب مذکور ابهام بسیار دارد. چون قطع نظر از این که در متن منقول به مرور ایام آشکارا دخل و تصرف شده و مورد اطمینان تام نمی‌تواند قرار گیرد، در هیچ سنگ نوشته و نقش برجسته‌ای نیامده که یکی از مراحل تشریف مرحله گفتاران است. در حالی که مسئله مدارج تشریف یکی از مسائل دین مهری است و در باب آن اسناد و

1. Eleusis

2. Bona Dea

3. De Abstinentia

مدارک کافی و کامل در دست هست و شک و شبهه‌ای در آن باقی نمی‌ماند. اما ایراد وارد باقی می‌ماند. اگر لفظ هی‌آینا^۱ (کفتار) به واژه لآینا^۲ (ماده شیر) بدل شده باشد، ما نام شیر ماده را در هیچ یک از مراحل گوناگون سلوک مهرپرستان پیدا نمی‌کنیم. لفظ «شیرزن» را یک بار، آن هم در شرایط مخصوص می‌یابیم. در دهکده گیگاریش^۳ در هفت کیلومتری غرب طرابلس دو گورستان یافتند که در پهلوی یکدیگر درون صخره‌ای حفر شده بودند. جدارهای این دو گور اتاق مانند با سلیقه نقاشی شده‌اند و دارای محراب محراب مانند هستند که در آن قبر واقعی قرار گرفته است.

به وضوح پیدا است که گور مذکور مدفن یک زن و شوهر است و در مندرجات روی سنگ قبر آمده که نام زن آئلیا آریزوت^۴ و نام شوی آئلیوس ماگنوس^۵ است. روی سرپوش تابوت تصریح شده که شوهر لئو^۶ (شیر) بوده و همسرش لئا^۷ (شیرزن) و این نکته را وجود دو شیر نر و ماده منقوش تأیید کرده است. بنابر آنچه گذشت آیا می‌توان نتیجه گرفت که قبر مزبور متعلق به یکی از مهری‌ها است که در سلسله مراتب مقام شیر را داشته است؟ کوچکترین رد پائی از وجود آئین میترا در ناحیه گیگاریش به دست نیامده و یافتن مقبره مذکور به هیچ وجه ما را مجاز به نتیجه‌گیری نمی‌کند.

شاید نقش آدم نزدیک نوشته‌های دیواری مربوط به مردی می‌شود که مشعل در دست دارد و می‌دود. چنین آدمی را در صف شیران منقوش در سنت پریسک رم می‌بینیم.

اگر مرد مورد بحث یکی از شیرمردان میترا است، بدون خطر لغزش می‌توان قبول کرد که زنش هم درجه شیرزنی را داشته و البته چنین وضعی در دین میترا حالتی استثنائی و جماعت این شهر ائاً اولین جماعتی است در غرب

1. Hyaina

2. Leaina

۳. Guiogariche: در عهد باستان این شهر به oea موسوم بوده است.

4. Aelia Arisuth

5. Aelius Magnus

6. Leo

7. Lea

که زنان را در جرگه خود راه داده است. در تمام اسناد موجود دیگر فقط صحبت از مردان است و زنان را در مراسم راهی نیست. اگر بر حسب تصادف در سنگ نوشته‌ای نام زنی هم آمده، عنوان و منصب او یاد نگردیده است و به طور کلی این تصور اساسی برای محقق پیش می‌آید که آئین میترا بیشتر برای مردان ساخته شده بود تا برای زنان. براین سیاق دین مهری مفهوم باستانی کلان^۱ (قبیله) را حفظ کرده بود که غرض از آن حفاظت اسرار و انتقال انحصاری آن به گوش مردان قبیله بود، مردی که همچون رئیس خانواده نماینده خانواده هم هست. به این مردان لقب مردان مقدس^۲ داده می‌شد. ترتولین رومی نوشته که دینمرد اصلی اینان فقط یک بار می‌توانست ازدواج کند. نکات مذکور یادآور مفهوم کاست‌های سر بسته مغان است و رهنمودهایی که اوستا بخصوص به رئیس خانواده داده. در یشت (X. ۱۸) آمده: «اگر رئیس خانواده‌ای یا دارنده کاخی، یا صاحب ایالتی و یا رئیس کشوری به میترا دروغ بگوید، میترا خشمناک و آزرده می‌گردد و خانه و قصر و ایالت و کشور را تکه تکه می‌کند.» در ادامه همین مطلب ترتولین در جای دیگری از کتابش دقت را به این نکته معطوف می‌کند که در آئین میترا مردان و زنان^۳ بر حسب سنت جاری از آمیزش خودداری می‌کردند و از معاشره جسمانی احتراز می‌نمودند. البته زنان هم به طریق مذکور مجاز به وقف خویشان در راه میترا بودند، ولی در مراسم دین مجاز به شرکت در مناسک سری نبودند. این ویژگی دین مهری را فقط ترتولین مورخ (که در سال ۲۰۰ مسیحی می‌زیست) نقل کرده است.

استاد ث. و. فلگراف در این مورد این پرسش را مطرح کرده که اگر برخی درجه‌داران مهری نظیر نمفوس‌ها که با میترا از طریق ازدواج عرفانی مربوط شده بودند، آیا اجازه ازدواج جسمانی هم داشته‌اند یا نه؟ اگر جواب منفی باشد، نمفوس‌هایی که ترفیع مقام نیافته بودند، جزء پرهیزکاران (یعنی آمیزش جسمانی نمی‌کردند) به شمار می‌آمدند و به نظر من مشکل فوق

1. Clan

2. Virisacrati

3. Virgines

می‌تواند تا حدودی حل گردد. از لحاظ مذکور این نکته جالب توجه است که در ناحیه دورا اکثریت مشرفان از نمفوس‌ها هستند و در سنت پریسک اکثریت با شیرهاست و باز این نکته هم مهم است که همه نمفوس‌های ناحیه دورا از دسته پرهیزکاران قلمداد شده‌اند. اضافه بر این ترفیع به مناصب عالی‌تر در سلسله مراتب تشرف ناسخ تشرفات مسبوق به قبل نیست، و از این لحاظ اسناد مربوط به خانواده کامنیوس^۱ بسیار جالب توجه است. دو کتیبه در شهر رم در محل معبد سی‌بل در واتیکان یافته‌اند که یکی از آن‌ها در تاریخ ۱۹ ژوئیه سال ۳۴۷ مسیحی تحریر شده و از طرف شخصی به نام آلتنیوس کیونیوس ژولیانیوس وقف آن بقعه مقدس شده است. این شخص، میان وظایف دینی دیگر، مناصب پیر^۲، معلم^۳ و منادی مقدس^۴ را نیز در مراسم دین مهری داشته است. نکتهٔ تعجب‌آور این است که مرد مزبور با اینکه صاحب مهم‌ترین مناصب دین بوده، با این وصف به سمت منادی بودنش هم اشاره می‌کند؛ در حالی که این منصب دون پایه و متعلق به کلاغ است. در باب کامنیوس مذکور این را هم می‌دانیم که در ۳۸۵ بعد از مسیح (پیر پیران) بوده و موقعی که در آنتیوم^۵ به بخشایش ایزدی پیوسته، باز هم صاحب منصب مزبور بوده است. همسرش بعد از فوت شوی، متن زیر را که بخشی از منظومه‌ای بزرگ‌تر است، روی سنگ گورش نویساند:

«کودکان خردسالت برگور تو ضجه می‌کنند و همسر مهربانت اندوهبار از غیبت وجود تسلی بخش، همچون یتیمی تنها در بستر عفاف می‌خسبد.»

چرا کامنیوس در زمانی که منصب نمفوس داشت و از مقام کلاغ به منصب «پیر پیران» ترفیع می‌یافت، ازدواج نکرد؟ محقق است که رهروان پرهیزگار عالم‌و عامداً از ازدواج پرهیز می‌کردند، حتی اگر تر تولین نوشته که بنا به فرمان میترا «پیر» نمی‌توانست بیش از یک بار ازدواج کند.

1. Kaménius
4. Hieroceryx

2. Pater
5. Antium

3. Magister

آئین میترا و قربانی آدمیزاد

هرودوت می‌گوید: یکی از عادات ایرانیان باستان این بوده که به عنوان سپاسگزاری از ایزدان ساکن زیرزمین انسان‌های زنده را در خاک دفن کنند. گویا زوجه خشایارشا، آمستریس^۱ هم دوبار هفت نوجوان نجیب‌زاده ایرانی را به طریق مذکور کشته است. برای بعضی این سؤال مطرح شده است که اگر این عادت پیش ایرانیان وجود داشته آیا در آئین میترا هم به آن عمل می‌شده است. برخی نوشته‌های باستانی و بعضی اکتشافات ظاهراً عقیده مذکور را تأیید می‌کنند. از این نوع اسنادند نوشته‌های لامپریدیوس^۲ در کتابی که در تذکرهٔ احوال کُمد امپراتور روم (۱۹۱-۱۸۰) نوشته می‌گوید: امپراتور مذکور مرتکب قتلی شده و با این جنایت مناسک مهری را آلوده کرده است. دو قرن بعد مردی سقراط نام (قرن چهارم و پنجم مسیحی) که مورخ کلیسا بوده نوشته که همزمان با مناسک مهری «یونانیان مردانی چند را بکشند.» اخیراً دانشمند مجار ماسالسکی^۳ آن قتلی را که مورخان قدیم به کمد نسبت داده بودند، به امپراتور ژولیانوس منسوب کرده است.

در اطراف جادهٔ سابق شهر سوپرون^۴ به پترونل^۵ نزدیک قصبه فستوراکس^۶ در مجارستان از درون معبدی مقداری اشیاء عتیقه یافتند و دانشمند مذکور طی مقاله‌ای به مناسبت کشف مذکور نوشت: پرستشگاه مزبور

1. Amestris

2. Lampridius

3. Massalsky

4. Sopron

5. Pètronelle

6. Festôrakes

به خدای شکست‌ناپذیر خورشید (میترا) هدیه شده که ژولیانوس سخت بدان گرویده بود. در این معبد اضافه بر مذبح و نقوش برجسته‌ای که وقف آن شده، تابوتی یافتند که پر از استخوان‌های انسان بود.

از این اکتشافات و منقولات حیرت‌انگیز، نویسنده مقاله مذکور این طور استنتاج می‌کند که ژولیانوس شهزاده جوانسال روزی به هنگام لشکرکشی برضد دایش قسطنطین از محل مزبور می‌گذشت و انسانی قربانی بکرد. استخوان‌های مرد مقتول که تا به امروز مانده گواه وحشتناک این حادثه است. اما این هم هست که نزدیک مدخل مهرکده سن کلمان رم دو آخور از جنس قلوه سنگ یافته‌اند که ریخت تابوت دارد. این کشف اهمیت اکتشاف زاربورگ را ندارد. کشفی که در زاربورگ شد این بود که در ته مهرکده نقش برجسته‌ای از میترای گاوکش یافتند که روی آن جسد مردی سی تا چهل ساله قرار داده شده بود. صورتش متوجه زمین و میچ دستانش به وسیله زنجیری آهنین بسته شده بود. بر این حساب اگر قتل مذکور واقعاً نوعی قربانی بوده و در راه میترا شده، ناگزیر تاریخ آن متعلق به قرن‌ها قبل از ممنوعیت قربانی انسان به وسیله تیریوس امپراتور روم است که بخصوص نظرش متوجه قربانی کردن کودکان در مراسم دینی مربوط به ساتورن در افریقا بوده است (ترتولین). آدریانوس امپراتور هم در امر ممنوع ساختن قربانی مداخله کرده و این نکته را پالاس متخصص و متدین به دین میترا ذکر کرده و شاید غرض او از درج این مطلب میری کردن خدای ایران از این گونه اتهامات بوده است. سرانجام ممنوعیت قربانی رسماً در کتاب قوانین از رساله پولوس^۱ مسجل گشت. ولی در آنچه که مربوط به ژولیانوس می‌شود، احتمال این که این شاهزاده قانون ممنوعیت را نقض کرده باشد بسیار کم است. چون بنا به گفته پالاس اعتقاد به امتناع از قربانی دادن کاملاً متوافق با احترام عمیق ژولیانوس نسبت به خورشید شکست‌ناپذیر بوده است.

1. Paulus, V, 23,16

در مورد کُمد باید قبول کرد که بر فرض این هم که نقل قول لامپرید یوس صحیح باشد (چون همیشه این طور نیست) و کمد مرتکب قتل نفس شده باشد، خود لامپرید یوس می‌گوید: «در دین مهری متدینان عادت به تفوه به قربانی و یا تظاهر بدان را داشتند، چون غرض آن‌ها ایجاد وحشت بیهوده‌ای بود.» این سنت که نقوش دیواری کاپو ظاهراً مؤید آن است، شاید خاطره‌ای است از قربانی مذهبی که احتمالاً در شرق معمول بوده و در غرب بعد از انتشار مسلک مهری منسوخ گردیده است.

این نکته را نباید فراموش کرد که یونانیان و رومی‌ها قربانی کردن انسان را به مثابه اعمال نفرت‌انگیز و ناشایست برای انسان متمدن تصور می‌کردند و از طرف دیگر برای از سکه انداختن یک مذهب طریق بهتری از متهم کردن رهروان آن به قتل نفس یافته نمی‌شد. این بود که اتهام قتل نفس، حربه‌ای بود که مدام به آن توسل می‌جستند و البته سخت مؤثر می‌افتاد.

این شد که مهرپرستان نظیر همین اتهامات را به مسیحیان زدند. از آن چه گذشت این نتیجه را می‌شود گرفت که وجود تابوت در مهرکده فستورا کس به این علت است که معبد درون صخره‌ای تراشیده شده و چون دیگر به عنوان پرستشگاه از آن استفاده نکردند به مقبره‌ای بس مناسب برای ساکنان حول وحوش تبدیل شده است. قرائن و امارات بازیافته در زاربورگ معرف این است که جسد موجود در مهرکده مزبور در واقع متعلق به زمانی است که بعد از آن مهری‌ها این معبد را رها کرده‌اند و دیگر مراسم دینی در آن انجام نداده‌اند. قتل مرد بازیافته در آن پرستشگاه احتمالاً مولود انتقام جوئی شخص دیگری بوده است. مطابق معتقدات ایرانیان باستان، جسد انسان معبد را الی‌الابد پلید و غیرقابل استفاده می‌ساخته و این خود یقیناً هدف دشمنان دین مهری بوده است.

سرودهای مقدس

هرودوت «پدر تاریخ» به این طریق مراسم قربانی نزد ایرانیان را توصیف می‌کند: «به هنگام فدیه، یک پارسی نمی‌تواند فقط برای خویشتن لطف خداوندی را مسئلت کند، از این رو باید آرزویش نفع عام داشته باشد. در حین مراسم، پارسی متدین حیوان قربانی شده را پاره می‌کند، چیزی تخت مانند از علف‌های تازه و شبدر می‌سازد و روی آن گوشت جانور را قرار می‌دهد. چون همه چیز بر منوال مذکور قرار یافت، موبدی نزدیک می‌شود و سرود چگونگی زایش و پیدایش خدایان را می‌خواند. چند قرن بعد استرابون^۱ جغرافیادان کیفیت استماع سرودهای مقدس را به هنگام مراسم قربانی توصیف کرده و پوزانیاس^۲ باستان‌شناس هم در معبدی در لیدیّه نحوه قربانی کردن در راه خدای ایران را به چشم دیده و گفته که ایرانیان ادعیه و اورادی می‌خواندند که به گوش یونانیان غیرقابل فهم بود. مطالبی که هرودوت در باب سرود موسوم به زایش و پیدایش خدا نوشته، خواننده را یاد یکی از سرودهای اوستا می‌اندازد. مع‌ذلک این نکته بعید می‌نمود تا این که کشفی در زمینه باستان‌شناسی شد و متیقن گشت که در مراسم دینی مه‌ری یکی از سرودهایی که زرتشت و موبدان می‌خواندند، خوانده می‌شده است. در سال ۱۹۲۶ طی کاوش‌هایی که در مهرکده دیورگ آلمان می‌کردند، نقش برجسته‌ای یافتند که موقوفه معبد بود و در نوع خود مطلقاً بی‌نظیر می‌نمود. نقش مزبور را دو برادر

1. Strabon

2. Pausanias

به نام‌های سیلوستریوس سیلوینوس^۱ و سیلوستریوس پرتوس^۲ و نوه یکی از آن‌ها موسوم سیلوینوس اورلیوس^۳ به پرستشگاه هدیه کرده بودند. بر حسب آنچه که بر روی نقش برجسته مرقور است پرتوس پینه‌دوز و سیلوینوس سنگتراش بوده است. و همین سنگتراش بوده که در رویه نقش را نقاشی کرده



شکل ۶۷: نقش پستی یک تصویر دوسویه از اسطوره فائون.

است. لوحه مزبور می‌توانسته روی محور مرکزیش بچرخد و به این علت در خلال مراسم می‌توانستند متناوباً دو صورت نقش را بنمایانند. در اینجا آنچه جالب توجه ماست، نقش پستی لوح مزبور است که در چهار گوشه آن سر ایزدان چهارگانه باد حک شده و دایره‌ای می‌بینیم که نمودار

1. Silvestrius Silvinus

2. S. Perpétus

3. S. Aurelius

گنبد آسمان است و در آن اضافه بر بسیاری جزئیات، میت (اسطوره)^۱ فائتون (شکل ۶۷) نیز کنده شده است. فائتون که مردی است میانه سال و نامش به معنای «رخشنده» است، از پدرش هلیوس (خورشید) اجازه می‌خواهد تا روزی ارابه خورشید را براند، تختی در مقابل مدخل کاخش قرار گرفته و هلیوس روی آن نشسته است. تقاضای فائتون مورد قبول قرار گرفته و چهار مرد جوانسال که همان ایزدان تیز تک باد باشند، ارابه هلیوس را به چهار سمت گوناگون هدایت می‌کنند. در اطراف تخت چهار زن هم دیده می‌شوند که بدون شك مجسم‌کننده چهار فصل هستند. در قسمت تحتانی نقش اسانوس الهه‌ای دیده می‌شود که کوزه‌ای (یعنی عنصر آب) به دست دارد، و الهه‌ای دگر شاخی مملو از میوه (یعنی عنصر زمین) در دست گرفته است (شکل ۳۹). مهرپرستان چه معنا و مفهومی برای این اسطوره که بی‌دلیل در کاخ خورشیدی نرون عرضه نشده است قائل بوده‌اند؟ فرانتس کومون این مشکل را با تیزینی بسیار حل کرده است. چون به طوری که نونوس^۲ شاعر رومی (آخر قرن چهارم مسیحی) گفته، میترا «فائتون آشوری‌ها در ایران» بوده و در محلی دیگر همین شاعر میترا و فائتون را در یک جا ذکر می‌کند و البته نونوس اولین کسی نیست که چنین عقیده‌ای را می‌آورد، چون خطیب مشهور دیوکریزوستوم هم در کتابش متن یکی از سرودهای موبدان را که در «مراسم سرّی دینی» خوانده می‌شده آورده است. اما سرود مذکور شباهت‌های بسیاری با سرودی دارد که به افتخار فائتون خوانده می‌شده. فائتون که زئوس مجبور شده صاعقه بر سرش نازل کند تا زمین از پیموده شدن به وسیله او (فائتون) در امان بماند. مطالب منقول در سطور زیر حاصل مشاهدات و مسموعات دیوکریزوستوم طی سفرهائی است که در حوالی سال ۱۰۰ مسیحی به آسیای صغیر کرده و در خلال آن با موبدان محشور گشته. خدای اعظم یا ایزدبرین ارابه‌ای می‌راند که چهار اسب آن را می‌کشد و این اسب‌ها نمادهای عناصر چهارگانه‌اند و جاودانه حرکت دورانی

1. Mythe

2. Nonnos

دارند. آن اسبی که در بیرونی ترین نقطه دایره قرار گرفته تیر تک‌ترین اسبان و نماد آتش است. اسب دوم بطئی تر و از این رو نماد هوا است، سومی آب را می‌نماید و چهارمین روی محور خود دور می‌زند تا معرف گردش زمین باشد، و در عین حال اسبان دیگر به دور او چرخ می‌زنند. چنین چرخشی مدتی مدید در نهایت هماهنگی انجام می‌گیرد، اما زمانی هم می‌رسد که آن اسبی که در بیرونی ترین نقاط دایره قرار دارد آتش به جان دیگر اسبان می‌اندازد. یال و موی اسبی که نماد زمین است (مراد از زمین گل و گیاه است) در شعله آتش می‌سوزد، ارابه نیز نابود می‌گردد و نهایتاً با ارابه‌ران یکی می‌شود. گوئی که دستی هنرمند ارابه را از مومی نرم خمیر کرده تا از آن شکل و ریخت تازه‌ای به وجود آورد.

و این داستان که اسب نماد آتش با نفس سوزای خویش اسب نماینده زمین را می‌سوزاند، به غایت مشابه داستان بدفرجام فائتون است. چون در داستان فائتون اسب نماینده آب فاجعه‌ای دگر به پا می‌کند و تعلق او طوفان نوح ایجاد می‌کند و این دو فاجعه تصویرکننده ویرانی نهائی عالم است. مریدان افلاطون و رواقیان به داستان فائتون و ناپختگی او تمثل می‌کردند تا آینده عالم و احتراق^۱ و انهدام آن را به مردمان بنمایانند. لفظ آستما^۲ را که دیوکریزوستوم برای اسب‌نمودار آتش استعمال کرده در مهرکده دوراارپوس باز دیده می‌شود، شاید هم که در معبد سنت پریسک اشاره به همین احتراق نهائی عالم باشد که طی آن ارابه با ارابه‌ران یکی می‌گردد. در آیه‌ای خصوصاً آمده که متدینان به دست شیرهای بخورسوز، همچون نمادهای آتش، سوخته خواهند شد. آن طور که از نقش دیورگ برمی‌آید، مهرپرستان خدای خود را همچون عامل احتراق و انهدام عالم تصور می‌کنند و در این مورد البته دنباله‌رو آئین موبدان آسیای صغیر بودند که طی دوران هلنیستیک، میترا و فائتون را یکی پنداشته بودند.

۱. به یونانی Ekpurosis

متون متأخر سنت پریسک ژم

این نکته را در اینجا باید متذکر شد که اعضای جماعت مهرپرست معبد آواتن در حوالی سال ۲۲۰ مسیحی به مرمت نمازخانه پرداختند و بر وسعت آن افزودند. نقوش دیواری اصلی این معبد را از ماده‌ای مرمگونه اندودند و روی آن‌ها نقوش جدیدی پرداختند. این پرستشگاه در پایان قرن چهارم میلادی به تصرف مسیحیان درآمد و اینان بسیاری از تصاویر را با ضربات تبر خرد کردند. آثار صدمات هنوز روی جدار چپ معبد قابل رؤیت است. شگفت آن که چون هنرشکنان مسیحی آثار مذکور را به ترتیب مزبور مصدوم کردند، خطوطی چند از پس بریدگی‌ها هویدا شد و موقعی که نقوش را از زیر خاک بدر آوردند، زیر قشر فوقانی مرمری رنگ حروفی یافتند که به زحمت قابل تشخیص بود. کم‌کم موفق شدند که قشر فوقانی آن را با احتیاط جدا کنند، به تدریج از حروف کلمات پدید آمد و از کلمات جملات و معنای نوشته‌های نقش شروع به روشن شدن کرد. متون بازیافته مزبور اهمیت بسیار دارند، چون تمام کتب قدیمی‌ای که در باب آئین و مراسم نیایش مهرپرستان چیزی نوشته‌اند، مفقود شده‌اند و متن مورد گفتگو از نوادر اسناد موجود در باب شعائر دین مهری است. ما در سطور زیر چند نمونه از متون مذکور را همراه با تفسیری خلاصه می‌آوریم. دانشمندان هلندی در معبد مزبور کاوش‌هایی کرده‌اند و نتایج نهائی تحقیقات آن‌ها بعداً در کتابی مفصل منتشر خواهد شد. تمام متون مذکور به نظم و از ابیات شش یا پنج هجائی بر ساخته است،

به غیر از یک مورد که ابیاتش از لحاظ عروضی هجاهای بلند و کوتاه دارد. این ابیات با قلم مو نگاشته شده و اگرچه فواصل میان آن‌ها نسبتاً برابر است، ولی حالت عمومی آن‌ها کمی مغشوش است؛ مثلاً سطور همیشه افقی نیستند و بزرگی آن‌ها همیشه یکسان نیست. نویسندگان کتیبه مذکور حتی در یک کلمه، یک حرف را فراموش کرده و بعد که متوجه آن شده به اضافه کردن آن پرداخته است و این اصلاح بعدی بخوبی هویدا است. در برخی جای‌ها دو یا سه سطر زیر یکدیگر نوشته شده‌اند، بدون این که اصلاً رابطه‌ای بین آن‌ها موجود باشد (البته شاید یک مورد مستثنی باشد). احتمال دارد که این ابیات متعلق باشند به قصیده‌ای و یا آوازی مقدس که مهرپرستان البته از بر می‌خواندند. این هم بعید نمی‌نماید که هر یک از قطعات مذکور، ابیات آغازین منظومه‌ای باشند که بقیه آن در کتیبه نیامده است. اثبات این امر مشکل است و چون قدر متیقن نیست امکان این هم هست که اشعار فوق ابیاتی باشند جدا جدا و یا متونی باشند که اختصاصاً برای قرار یافتن در معبد مذکور به رشته تحریر درآمده‌اند.

برخی متون قواعدی در زمینه گفتار و کردار و رفتار به دست می‌دهند و بعضی از آن‌ها وقف باز نمودن مسائل دین و اعمال عالیه خداوند است. درست مثل آئین اخلاقی رواقیان تعلیمات دینی مهری بر محور معضلات زندگی روزانه می‌چرخد. این نکته اصلی است مسلم که انسان چون گرفتار مشکلات شد به سراغ یافتن تکیه گاهی می‌رود و آئین میترا هم آماده برای تکیه گاه شدن است.

مثلاً یکی از مواعظ مکتوب روی نقش به قرار زیر است:

«ای مردم با ایمان، بر شماست که لحظات تیره زندگی را متفقاً به انجام دادن مراسم عبادی پردازید که غرض از آن معاونت و همکاری با یکدیگر، برآوردن حوائج متقابل و رعایت مبادی انساندوستی است. مردان معتقد به یک مذهب همچون برادرانی هستند که به هیئت اتفاق مناسک دین مهر را که مشحون از نمادهای درخشان و گونه گون است انجام می‌دهند.»

در آنجا که خواسته متانت و استقامت را موعظه کند، چنین گفته است:
«خورشی که از جگر ما کیان بر ساخته اند، سخت گواراست، اما آنچه
حاکم بر زندگی ماست، دغدغه خاطر و نگرانی است.»

حتی امروز نیز جگر مرغ نام یکی از خوراکی‌های است که روی
صورت غذا (آش‌نامه)ی رستوران‌های ایتالیا دیده می‌شود و آن به این علت
است که سخت دلپذیر است و بر لذایذ موجود در سفره طعام می‌افزاید. اما
مصائب و دغدغه‌های زندگی نیز در میان همین لذایذ جای دارد و هوراس^۱
شاعر لاتینی فرموده: «اگرچه سوارکار تیز تک است، اما در ترک اسب
خویشتن غم‌ها دارد.»

مراسم عبادی نیز سختگیرانه است و تشریفات بیهوده زیاد ندارد. هیچ
وقت معابد مهری تبدیل به پرستشگاه‌های گردنفرافراز عظیم پیکر نشدند و هیچ
وقت متدیثان به دنبال تزیین و آرایش خارج از اندازه اماکن مقدسه دین خویش
نرفتند. آن که مرید می‌تراست، اگر هم ثروتمند باشد، در هنگام انجام دادن
مراسم به سادگی لباس می‌پوشد و خصوصاً کمال را در تهذیب نفس می‌بیند،
چون خود را آماده زندگی اخروی می‌کند و آن زندگی مشابه حیات این جهانی
نیست.

«در اینجا قوچی را می‌بینیم که در سر ردیف گله قرار گرفته و قوچ‌های
دیگر به قاعده و مقیداً در عقب او دوانند.» گله‌ای که راهبرش قوچ باشد،
تصویری است از جماعت مهرپرستان که مرشد و پیر آنان هم ملزم به حرکت
در راسته چهارپایان است. این همه تأکید در امر نظام و نسق و ردیف دسته و
صف محقق را به سپاهیگری می‌کشاند و یاد سربازانی می‌اندازد که از فرامین
فرماندهان خود تبعیت می‌کنند. از آنچه گذشت معلوم شد که می‌ترا در مراسم
عبادی دین حکم فرمانده کل را دارد. الفاظ دویدن^۲ و مقیداً^۳ به یک اعتبار

1. Horace

2. Currere دویدن

3. Restrictius = فشرده، مقید، منقبض

متضاد یکدیگرند، چون در «تقیّد» «خویشتن داری» مستتر است. خویشتن داری و کف نفس از سجایای سرباز مهری است. چه درجه نظامی اش بالا باشد و چه پائین. بعد از این مواعظ برخی آیات می آیند که تصور می رود یقیناً مأخوذ از سرودهای مقدس باشند.

«زمین باروری که در آن پالس^۱ همه چیزی را تولید می کند.» در این مراسم نیز مثل آئین قربانی گاو می بینیم اعتقادات رسمی دولتی رم بر آئین مهری اثر گذاشته است. پالس خدائی است باستانی، متعلق به رم و نامش مرتبط با نام پالاتن^۲ است. و پالاتن همان تپه ای است که به موجب اکتشافات باستان شناسی اخیر، شهر رم (جاویدان شهر) روی آن ساخته شده و به این دلیل است که پالیلیا^۳ یا پاریلیا را روز ۲۱ آوریل جشن می گرفتند. چون این روز را تاریخ بنای شهر رم می دانستند. در کتابش موسوم به فاستی^۴، اوید^۵ نام های مراسم دینی جاری در زمان خود را با جزئیات بسیار به رشته تحریر در آورده که در زیر می آید. اوید نخست به درگاه خدایان استغاثه می کند و از آن پس نخست مراسم مجری در شب جشن را توصیف می کند و از طرق تصفیه و تزکیه نفس سخن می گوید. پس از آن می نویسد، شب قبل از شب جشن آغل بره ها را با گل و گیاه می آریند و با گوگرد بخورش می دهند و بره ها را می شویند و پاک می کنند. در همین روز به شمایل الهه شیر نیم گرم می پاشند، بر او نماز می گزارند و همچون دایه از او نام می برند و استغاثه می کنند و بخشودگی گناهان ارتكابی را از او می خواهند. سپس از درگاه او عاقبت و نیک بختی انسان و غنم و حشم را مسئلت می کنند. دعایشان این است: «پروردگارا خشکسالی را از میان بردار تا سبزی و گیاه به فراوانی بروید.» این دعا را باید چهار بار خواند و در موقع خواندن صورت را باید به سمت شرق متوجه داشت. بعد از دعا از روی کنده هیز می فروزان می جهند و خود را به آب می شویند.

1. Pales

2. Palatin

3. Palilia

4. Fasti

5. Ovide

اُوید چند گونه توجیه از رسم مذکور می‌کند. به عنوان مثال، آئین مزبور را متأثر از فائتون و دوکالیون^۱ می‌بیند که مراد از آن‌ها انعدام جهان به وسیله آتش جهانسوز و طوفان نوح است. بر این حساب درمی‌یابیم چگونه دین مهری مراسم مذهبی مخصوص پالس الهه باروری را به مراسم خود الحاق کرد؛ همان طور که آئین قربانی گاو را به مناسک آئین خود افزود. پالس نیز درست مثل میترا باروری به جهان می‌بخشد. تطهیر جسم به کمک آب و آتش و نیز استناد به فائتون محققاً الحاق پالس رومی را به آئین مهری تسهیل کرده است. در معابد، مهری‌ها جشن به افتخار پالس را موافق سیرت و سنت آئین خویش می‌گرفتند.

آیه‌ای را که در فوق تفسیر کردیم اولین آیه از یک سلسله آیات است و روی این اصل می‌توان سؤال کرد که آیا بقیه آیات نظام حساب شده‌ای دارند که مراد از آن وصف تحول جهان از آغاز تا انجام است؟ متن دو آیه آخرین، یعنی آن دو آیه‌ای که روی یک دیوار در قسمت دست راست آن نوشته شده‌اند به شرح زیر است.

«بگیر ای پدر مقدس، شیران بخور سوز را، به دستیاری شیران بخوری را که سوزاننده خودماست به تو هدیه می‌کنیم.» از «پیر» معبد که لقب مقدس را دارد خواهش می‌کنند تا «گروهی از اشخاص را که درجه «شیر» دارند در مراسم دینی خود بپذیرد.» اشخاصی که درجه شیر یافته‌اند از متشرّفان بلندپایه هستند و در سنت پریسک تصویر چند تن از آنان را می‌بینیم. اینان نماد عنصر آتش هستند، بخور می‌سوزانند و اخگر فروزان پیشکش خدا می‌کنند و این نکته یادآور نقش باز یافته در ارگیلی (داسکی لیوم) است و آن دو موبد را نشان می‌دهد که دهان خود را برای احتراز از پلید کردن آتش (شکل ۱۸) با پنام بسته‌اند و آتش هدیه می‌کنند. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا آیه دوم رابطه‌ای با آیه اول دارد؟ و چون جمله با ضمیر نسبی شروع می‌شود، می‌توان

1. Deucalion

انتظار جواب مثبت داشت، گو این که در هیچ جای دیگر دو آیه مکمل یکدیگر نیستند. اما فرض بر این اساس است که آیه دوم همان موضوع بحث شده در آیه اول را پیش می‌کشد و آن موضوع نذر و نیاز و هدیه بخور است. بر این مبنا ضمیر نسبی، به شیر راجع می‌شود و معنا این می‌شود که با پایمردی شیران، ما یعنی اعضای دیگر جماعت مهری، بخور را هدیه می‌کنیم و به وسیله این بخور، ما، یعنی جماعت مهری، در شعله‌های آن می‌سوزیم. وقتی که جهان و ما در آتش سوختیم (داستان اسطوره‌ فائتون را ببینید) و بدان طریق پاک شدیم، مردان راستین به فروغ جاودانی^۱ یعنی خورشید و میترا ملحق خواهند شد. مثل بخوری که در هنگام احتراق رایحه خوشبوی و خوشایند متصاعد می‌کنند ما نیز مثل بخور یا شمع خواهیم سوخت (شیر شمع به دست را نگاه کنید) و به عطر قدس معطر خواهیم شد. در اینجا است که تأثیر آئین رواقی که رجعت به روشنائی را همچون فرجام مصائب زندگی می‌داند، به وضوح دیده می‌شود و جای تعجب نیست اگر مهرپرستان آتن مجسمه‌ای به افتخار کریزیپ^۲ (خریسوس) حکیم معروف رواقی یونان برپا کرده‌اند.

فستوژیر، از پژوهندگان آباء مسیحی در کتابی به نام «تقدس»^۳ توصیفی دلکش از مصائب هرکول به دست داده است. زئوس و اوریسته^۴ تحت فرمان هرکول هستند و به فرزند خدایان (یعنی هرکول) هیچ ترحم نکرده‌اند. اوست (یعنی هرکول) که استقامتی عظیم داشت و تحمل سختی‌ها نمود. مثل اولیس^۵، هرکول هم از دولت سر مساعی خود او بود که آنچه هست - یعنی قهرمانی فراموشی‌ناپذیر و مرجع تقلیدی برای بشریت - شد. هرکول جمع‌آورنده رنج^۶ و عقل^۷ در عین حال است.

هرکول نماد محنت و فکرت است. «هرکول دانشمند نیست، او کتاب نخوانده، آموزگار او فقط رنج بوده ولی او نفس خود را فتح کرده و به

1. Lux Perpetua
 4. Eurysthée
 7. Logos

2. Chrysippe
 5. Ulysse

3. La Sainteté
 6. Ponos

سرنوشت خود پیروز گشته. اوست که حاکم بر خود و بر سرنوشت خود است. این است قهرمان و فرزانه.»

رواقی‌ها و اپیکوریان می‌گویند شرافت در تحمل مصائب زندگی و پرهیزگاری است. میتراگاو را در غار کشید و به این ترتیب عمل خیر برای بشریت انجام داد.

«بر این سیاق تو ما را نجات دادی، چون خون آفریننده ابدیت را افشاندی.»

چون در عداد لشکریان میترا درآمد و سوگند یاد کرد، سرباز مهری ناگزیر است باری سنگین را روی دوش خود طی راه درازی که حیاتش نامیده‌اند حمل کند. سرباز مهری برای تقلید از خدایش و خدمتگزاری او باید رنج بسیار ببرد. اوست که گاو جوانسال را روی دوش حمل می‌کند. اما این‌گونه کوشش راهبر او به نجات اخروی است. «قهرمان مردی است عادل و دادگر و با این وصف رنج می‌برد. ولی از چنین بوته آزمایشی گذر کردن ثمر بسیار دارد.» لفظ «سرباز» در اصطلاحات حکمی رواقی به کار رفته و مشترک میان همه آئین‌های یونانی است که در آن‌ها مراسم تشریف به رموز دین واجب‌الاجرا است. در این مسلک‌ها مردمان متدین به طیب خاطر خود را بنده خدا و خاتون و الهه می‌سازند. مرد مؤمن چون ندای خدا و الهه را شنید به گروه متدینان می‌پیوندد. آپوله داستانی نقل کرده که در آن دینمرد اعظم (بر حسب اتفاق نام وی میترا نیست) لوسیوس¹ نامی را به اسرار آئین ایزیس متشرف کرده چنین می‌گوید: «تو اکنون در کنت حمایت ایزد سرنوشت»، خدائی که بصیر است و حتی از پرتوافکنی خود ایزدان دیگر را نیز روشن می‌کند، قرار گرفته‌ای. پس چهره‌ای شادمان به خود بگیر، به طوری که هم‌نواز با سفیدی جامه‌ات گردد، پس آنگاه به چالاک‌ی به صف یاران الهه مددکار پیوندد. باشد که بی‌دینان ببینند و بر خطای خویش آگاه گردند. حال لوسیوس را ببینید که رحمت خدای بزرگ

1. Lucius

ایزیس، شامل حالش شد و از ملالی ستر نجاتش داد و چون چنین شد بر ایزد سرنوشت خویش ظفر یافت. با این وصف، اگر می‌خواهی اطمینان بیشتری بیابی، در این لشکر قدس شرکت کن، لشکری که چندی پیش از این، در آن سوگند یاد کردی، از این به بعد خود را وقف رعایت و اجرای شریعت آئین ما کن و از روی اراده کمر خدمت آن را بر بند. چون وقتی که وارد در خدمت الهه شدی، آنگاه است که حقیقتاً محسنات آزادیت را خواهی چشیدی.»

نظیر معانی مزبور را در آیه زیر نیز می‌یابیم: «و فرمان ایزدان را تا پایان روی دوش‌هایم حمل کردم.» حال لوسیوس به اسرار تشرف یافته و از احکام اعجاز‌آمیز خدایان الهام گرفته و متمتع از نشاط ناشی از نظاره خدای اعظم ازیریس^۱ است. ازیریس که شخصاً فرمانروای آسمان‌هاست، وقتی که مثل هر کول یا خود میترا، مرید میترا از احکام الهی تبعیت تام کرد، نور پرفروغ خدا را می‌تواند نظاره کند.

مسیح با رنجی بسیار صلیب خود را به سوی تپه‌ای کشید و چنین ندا در داد: «باری که بر دوش من است قبول کنید و به من اقتدا بنمائید، زیرا من مشحون به رحمت و قلبی ساده و فروتن دارم، چون که یوغ من سبکبار است و بارم سبک.» (انجیل متی). سن پل (پل قدیس) همین مطلب را در «رساله خطاب به رومی‌ها» از نو آورده و می‌گوید: «در آن زمان که شما کمر در خدمت ناپاکی و سفلیگی بسته بودید، تمام اعضا و جوارحتان را به کار و می‌داشتید؛ حال که بنده عدل و داد شده‌اید، اعضای بدنتان را باید در خدمت تقدس بگمارید. زیرا آن موقعی که بنده عاصی بودید، از عدل و داد پیروی نمی‌کردید و خودمختار بودید. اما چه ثمری از آن به دست آورده‌اید؟ حال شرمش برایتان باقی مانده، چون انجام آن بالاخره مرگ است. اما حال که از گناه وارسته شده‌اید و عبودیت خدا را قبول کرده‌اید، از ثمر آن که «مقدس» شدن باشد متمتع بگردید که عاقبت آن حیات جاودانی است، زیرا که کیفر گناه

1. Osiris

مرگ است، اما رحمت الهی زیستن جاودانه است در خاطره مسیح، مسیحی که سرور ماست.»

روی دیوار جانب راست مهرکده هم چند خط ذیل که مربوط به تشریف دسته شیران است، دیده می‌شود:

دروذ بر شیران باد. سال‌های نو و سال‌های دراز.^۱ (متن لاتینی جمله منقول در پانویس آمده است.) واژه نما را در آن می‌بینیم که به معنی نماز است و منشاء ایرانی دارد و در چند جا استعمال شده است. وقتی به این جمله می‌نگریم در بادی امرگمان می‌کنیم تیریکی است به مناسبت سال نو و طرف خطاب هم شیران هستند، ولی فوراً این سؤال پیش می‌آید که چرا منحصرأً دسته شیران از چنین لطفی بهره‌مند می‌شوند. کتیبه‌ای که در تاریخ تقریبی ۱۶۵ بعد از مسیح نگارش یافته و در آتن پیدا شده، مشکل مزبور را طور دیگری حل می‌کند. این کتیبه را در تالاری عظیم یافتند که به وسیله دو ردیف ستون منقسم به سه رواق شده بود. در یکی از این سه رواق محرابی تعبیه شده بوده که در آن چندین قربانیکاه و تعدادی مجسمه یافتند. بنا بر روایت کتیبه‌ها محل نامبرده محفل یکی از فرقه‌های دیونیزوسی بوده است. روی سنگ‌نوشته‌ای دیگر جملاتی می‌یابیم مربوط به نحوه انتخاب دینمرد اعظم و به نظم کشیدن مقررات و قوانین جدید. وقتی که روفوس^۲ نام از مرشدان این طریقت از جماعت حاضر در محفل تقاضا می‌کند تا دست خود را به علامت موافقت با مقررات تازه بلند کنند، جماعت یکباره فریاد می‌زند: «آرزو می‌کنیم که عالی‌جاه مرشد اعظم هرود^۳ سالیان دراز در منصب خود ایفای وظیفه کند.» چنین قاعده‌ای را در تشریفات درباری امپراتور رم هم می‌بینیم، زیرا موافق این قاعده است که امپراتور جدید به وسیله مجلس شیوخ و عامه مردم انتخاب می‌شود، زیرا اگر امپراتور از عمری دراز بهره‌مند گردد، ملت نیز بدینسان از نعمت و رفاه عظیم

1. *Nama Leonibus novis et multis annis.*

2. Rufus

3. Hérode

برخوردار خواهد شد. بعدها این قاعده در مورد پاپ جدید نیز به تدریج معمول گشت. و این نکته نشان می دهد که این قاعده متداول در کلیسای امروز قرن ها پیش مورد استفاده مهری ها بوده و برحسب آن شیران رانصب می کرده اند و قدرت به آنان تفویض می نموده اند. مطالبی که گفته آمد ما را به مراسمی می کشاند که در مهرکده سنت پریسک انجام شده و به این قرار است که روی قشر سفلای جدار طرف راست، یعنی همان جا که کتیبه کار گذاشته شده، صفی از شیران را می بینیم که هدایائی در دست دارند و احتمالاً می خواهند ارتقاء به منصب شیری را جشن بگیرند.

هدایا و هنرمندان؛ میترا در هنر

تنوع رهروان مهری را می‌توان در تنوع معابد و هدایائی که به میترا ایزد نگهدار عرضه شده متجلی دید. در کوه‌های آلپ ایتالیا، در جنوب فرانسه و در یوگسلاوی پرستشگاه‌های کوچکی یافته‌اند که در کوهستان پنهانند و لوح‌های برجسته عبادی را روی دیواره‌های سنگی آن کنده‌اند، کنار دریای سیاه، در سی کیلومتری شمال غربی کنستانترا^۱ که شهری است مشرف بر دریای سیاه، میترا را در غاری پرستش می‌کرده‌اند. جنب قربانیگاه‌هایی که معماری آن بسیار بدوی است، نقش برجسته زیبایی یافته‌اند که کنده‌گرش نیکومد^۲ نام داشته و یکی از بلندپایگان خزانه دولت آن را هدیه کرده است. پیکر تراشی از اهالی آن‌ن که کریتون^۳ نام داشته، در ناحیه اُستی گروهی بسیار زیبا از میتراهای همراه با گاو حجاری کرده و تصویر خدا را به سبک هنر یونانی برجسته نمایانده است. در ناحیه لپسیس^۴ واقع در طرابلس حجاری موسوم به آریستوس آنتیوکوس^۵ دو مجسمه از مرمر ساخته که دو انسان مشعل به دست را نشان می‌داده است. در شهر مریدا واقع در اسپانیا، دمتریوس مجسمه‌ای از میترا، در حال ایستاده، ساخته که یک دلقین هم همراه او دیده می‌شود. در قرن دوم مسیحی در ناحیه کونینگسهافن نزدیک استراسبورگ، چون گردان‌های سربازان رومی مستقر بوده‌اند و مهرپرستی میان آنان رواج داشته، دسته‌ای از

1. Constanza

2. Nicomède

3. Kriton

4. Lepcis

5. Antiochus

هنرمندان به آنجا روی آور شده‌اند. کار این دسته هنرمند محدود به حدود مهرکده‌های کونیگسهافن^۱ و ماکویلر^۲ نبوده و آثارشان تا مسافت‌های دور اطراف دو ناحیه پیش گفته نیز رفته است. این هنرمندان نقاشی‌هایی کرده‌اند که بخصوص در مهرکده‌های روم و استی یافته شده ولی آثاری از آن‌ها را در دورا و اطراف رود فرات هم پیدا کرده‌اند. اشتهار معابد استی بخصوص معلول زیبایی موزائیک‌هایی است که در آن مناطق یافته‌اند. کاشی‌سازان آن عهد به



شکل ۶۸: نقش میترا روی قطعه‌ای از نمک بلورین.

کممک مکعب‌های کوچک مرمر سیاه و سفید توانسته‌اند روی زمین و روی سکوها اصول گوناگون شریعت مهری را نقر کنند. زرگرهایی هم بوده‌اند که در پوتوویو (یوگسلاوی) و استوکستاد^۳ (آلمان) کار کرده‌اند و آثارشان عبارت

1. Königshafen

2. Mackwiller

3. Stockstadt

است از الواح کوچک نقره قلم کاری شده‌ای که رویشان تصویر میترا در حال قربانی کردن گاو دیده می‌شود. روی قطعات بلورین نمک هم تصویر میترا را کنده‌اند (شکل ۶۸). در معبد سنت پریسک هم سر خدای خورشید رایافته‌اند که دور و بر آن راهالهای از اشعه گرفته است و این اشعه از جنس سرب ساخته شده‌اند.



شکل ۶۹: نقش میترا روی یک ظرف خمیره مانند.

در همین مهرکده هم هنرمندان طی ادوار گوناگون، محرابی را به نقوشی از میترا و آثاری دیگر از مرمر کاذب آراسته‌اند. بخصوص در آلمان و اتریش کوزه گرانی بوده‌اند که کوزه‌های معروف دو دسته را ساخته‌اند که روی آن‌ها ماری نقش بسته است. اکتشافات جدید نشان داده که در کارگاه‌های

کوزه گری (از خاک رس) واقع در ناحیه لرو^۱ در جنوب گل، کوزه گری ظرفی ساخته که روی آن صحنه ذبح گاو ترسیم شده است (شکل ۶۹).

در شهر ترو جامی یافته‌اند از جنس خاک رس، که مجلس ضیافت میترا روی آن منقوش است. اما اگر تعمقی در این اشیاء باز یافته بکنیم، می‌بینیم که هنرمند دستور سفارش کارفرما را به غلط فهمیده و مثلاً کريتون در ناحیه استی، تصاویر را بر حسب تصویری که خود شخصاً از مفاهیم دین مهری داشته نقش کرده است. به طور کلی می‌توان گفت که عمق معانی و نمادهای پنهان در تصاویر هنری مهری تا حد زیادی متناسب با میزان دانش و فرهنگ افراد جماعت مهری و یا خود هنرمند نقاش است. در اکثر موارد احتمالاً نظر شخص پیر جماعت در تنسيق و تنظيم مهرکده سخت مؤثر بوده است. البته امکانات تغيير و تبديل يک معبد در برخی نقاط محدود بوده و علت اساسی آن راهم محتملاً کمبود «اعتبار مالی» باید دانست. اما هرگاه شرایط موجود بود و موانع مفقود، مهرکده را به آثار هنری می‌آراستند. مضمون اصلی در مرکز اثر قرار داشت و دور و بر آن را پر می‌کردند از نقوش مربوط به ذبح گاو مقدس (سارمیزگتوزا در ناحیه داسی). محراب را به چراغ و شمعدان مزین می‌کردند و بر حسب فحوای کتیبه باز یافته در استی، پارچه‌ای گلدوزی شده یا مصور را وقف محراب خاص مراسم عبادی می‌کردند. با این وصف تزئینات داخلی يک معبد هيچ وقت مجلل نیست؛ حتی مهرکده رم هم که آراسته به چندین مجسمه پوشیده از برگ‌های زرین است، شبستانش بی‌پیرایه است و منظری موقر و زاهدانه دارد و هماهنگ با خصیصه ایزدی است که مورد پرستش مردم است.

بررسی در چند صد نقش که در سرزمین امپراتوری یافته شده، این نکته را می‌آموزد که در هنر مهری می‌توان چندین جریان سنتی تشخیص کرد. نمونه متعارف میترا که در غاری گنبدی شکل مشغول ذبح گاو مقدس است، چه در

1. Leroux



شکل ۷۰: میترا در حال کشتن گاو.

نقش برجسته بازیافته در یوگسلاوی (شکل ۷۰) و چه در رم یا بخش‌های دیگر امپراتوری روم دیده می‌شود. این نمونه تصویر از میترا سنت جاری گشته و احتمالاً اولین هنرمندی که آن را کشیده، در عهد امپراتوران رومی می‌زیسته و سخت تحت تأثیر مکتب هلنیستیک قرار گرفته است. نقش برجسته‌ای که نمودار میترا به صورت ایستاده در روی گاو است کاملاً حالت استثنائی دارد و پای چپ او فاتحانه روی سر حیوان قرار گرفته است. روی این نقش برجسته، میترا کلاهی فریجی و تاجی به سر دارد و در دست چپ کره‌ای یا جوز صنوبری گرفته و در دست راست خنجر دارد. پهلوئی او یک عقرب، غرابی و شیر و خروسی آوازه‌خوان و مورچه‌ای و عقابی نشسته روی یک آذرخش

دیده می‌شود. سنت نشان دادن خدا در حال ایستاده روی حیوان، در آسیای صغیر آن قدر رواج داشته که مهری‌ها هم برای نمودن خدای خود از آن تقلید کردند. اما به این طریقه میترا را نمایاندن، قرین با موفقیت نبود و مثال آن نمایش صحنه گاوکشی است که خدا در مرکز طبیعت قرار دارد و نمودار لحظه رستاخیز آن است.

با این که برخی نقوش مهری را منحصرأ در رم می‌یابیم، مع‌ذک همه جریان‌های هنری مهری منشاء رومی ندارند. نقش صف شیران در معبد سنت پریسک منشاء کاملاً محلی دارد و به مراسم دین صیغه خاصی می‌بخشد. یک نقش برجسته متعلق به ناحیه کونجیک (شکل ۳۷) نمودار یکی از لحظات اساسی آئین مهری است، ولی این نقش هم منشائی کاملاً جداگانه دارد. صحنه‌هایی که شکار را می‌نمایاند از لحاظ جغرافیائی محدود به نواحی رنانی^۱ هستند و نمونه‌های آن‌ها را در رم نمی‌بینیم در حالی که نظیر آن‌ها را در ناحیه دورا نزدیک رود فرات یافته‌اند. پس این نوع تصویر احتمالاً منشاء مستقیم آسیای صغیر بوده و از آنجا وارد رنانی گشته است. اما در خود ناحیه رنانی مکاتب هنری مشخصی وجود داشته و در اینجا بوده که نقوش برجسته بزرگ مزین به صحنه‌های فرعی یافته شده است. این نقوش برجسته حکم طاق‌های نصرت واقعی را دارند که نمونه آن‌ها را در نواحی اطراف دانوب پیدا نمی‌کنیم و تنها مثال آن در رم نقشی است در مهرکده باربرینی. و از اینجا است که می‌توان گفت نقاشی رومی تحت تأثیر هنر ناحیه رنانی قرار گرفته است.

در رومانی و بلغارستان انواع دیگر هنری ظاهر شده‌اند که محدود به حدود دو کشور مزبور هستند و اگر اتفاقاً نمونه‌ای از آن‌ها را در نواحی دیگر بیابیم، آنگاه می‌توان با اطمینان گفت که از ناحیه داسی نشئت گرفته‌اند. در این نوع از هنر مهری نقوش برجسته‌ای می‌بینیم که شکل گنبد دارند و روی لبه آن‌ها صحنه‌هایی کشیده شده که مقتبس از افسانه میترا است.

1. Rhénanie

صحنه‌های منقوش روی لبه پائین معمولاً به وسیله طاق‌های کوچک جدا می‌شوند. در کشورهای اطراف دانوب، نقوشی می‌یابیم که شکل ذوزنقه دارند و روی آن‌ها تصویر میترا را می‌یابیم که دور و برش را نقوش گوناگونی فرا گرفته و تالبه‌های آن امتداد می‌یابند. از نقوش برجسته دایره‌وار در رم نیافته‌اند، ولی در یوگسلاوی (ناحیه سالونا^۱) در مجارستان (بریژتیو) و یک بار هم در بلغارستان از این نوع نقوش یافته‌اند. پس چنان که می‌بینیم تنوع در آثار هنری مهربی زیاد است. هنرمند نقاش آزادی عمل دارد و مطابق تمایلات شخصی نقش را می‌کشد و گاهی هم سنت جاری در زادگاهش الهام‌دهنده او در ترسیم پرده‌های نقاشی است. این نکته را هم بگوئیم که مواردی هم دیده شده که هنرمند به دستورهای کارفرما عمل نکرده و معانی‌ای را که کارفرما می‌خواسته در پرده مضمهر گردد، نقاش از عهده افاده مقصود برنیامده است.

1. Salona

میترای مغلوب

در طی قرن سوم مسیحی، آئین میترا چنان گسترشی در امپراتوری روم یافته بود که حتی زمانی که ایران از لحاظ سیاسی و نظامی شروع به رقابت با روم کرد همچنان فضیلت و عزت خود را حفظ نمود. پیوند خانوادگی هم که میان امپراتوران روم و خاندان‌های سلطنتی سوریه در آغاز قرن سوم انجام شد، توجه مردمان را نسبت به خدایان مشرق افزوده کرد.

جذبه آئین سرّی مهری خصوصاً در مراسم تشرّف به رموز دینی بود، چون طی این مراسم مرد سالک شخصاً خود را وابسته به خدای منتخب خود احساس می‌کرد. در آئین‌های شرقی نجات دنیوی و اخروی فرد انسان بسیار مهم بود. در دیدهٔ شخصی که به ادیان شرق علاقه‌مند بود ولی غرائب آن را خوش نداشت جذبه دین مهری محقق می‌نمود. نیاز به یکتاپرستی را تصورات فلسفی آن عهد تسهیل کرد و نتیجه‌اش توجه مردم به آئین جهانی خورشید شکست‌ناپذیر شد. جوان سوریه‌ای موسوم به هلیوگلوبال^۱ چون در سال ۲۱۸ گمان کرد که می‌تواند دین بعل امسی^۲ را در رم منتشر کند، اشتباهی عظیم کرد. چون رومیان هنوز علاقه‌مند به عقاید سنتی‌شان در باب خورشید بودند و از این رو برایشان مشکل می‌نمود که بعل را که سنگی سیاه مجسمش می‌کرد، بپذیرند. در سال ۲۷۴ اورلیانوس معبد بزرگی به افتخار خدای خورشید در میدان مارس، محل فعلی میدان سان سیلوستر و (رم) ساخت. در این معبد اورلیانوس، خدای خورشید را همچون خدائی واحد، آسمانی و قادر می‌پرستید. هر چهار

1. Hélioglobal

2. Baal d'Emése

سال جشن هائی به افتخار خدای جدید دولت می‌بایست گرفته شود. بسیاری از دینمردان را به استخدام این آئین درآوردند تا ادارهٔ مناسک آن را به عهده گیرند. تولد این خدا را در روز بیست و پنجم دسامبر جشن گرفتند. از اینجا فهمیده می‌شود که چگونه آئین مهری از این عنایت بهره‌مند شده و در سال‌های ۳۰۷ و ۳۰۸ می‌بینیم که در مرزهای امپراتوری روم چگونه دیوکلسین امپراتور روم طی خطابه‌ای در کارنونتوم، همراه با حکام آن موقع، مهرکده‌ای وقف میترا «نگهدار امپراتوری» کرده است. با این وصف فقط نام میترا در آن جای آمده و معنایش این است که حضار معتقد به آئین خورشیدی عمومی تر اورلیانوس نیستند.

قدرت میترا به اوج خود رسید و جهانگیر شد و این شد که میترا خواست صدر مجلس را در کاپیتول بگیرد. گفتن این نکته که اگر مسیحیت سد راه انتشار دین مهری در اروپا نمی‌شد، این دین قبول عام می‌یافت مشکل است و قول رنان^۱ در کتابش موسوم به مارکوس اورلیوس^۲ (صفحه ۲۷۹) که «اگر دین مسیحی در خلال مراحل رشد خود مبتلا به بیماری کشنده‌ای می‌گشت، دنیای آن زمان متدین به دین میترا شد» کمی مبالغه آمیز است. جنگی که در محل پُلِ میلوویوس^۳ نزدیک رود تیبر (در سال ۳۱۲) درگیر شد، نه تنها سرنوشت قسطنطین را معلوم کرد، بلکه آینده دین مهری را نیز روشن نمود. نام مسیح باعث پیروزی قسطنطین شد، همان طور که مثل ادوار قبل ایزد خورشید به اورلیانوس نشان داده بود که در کنار وی نبرد خواهد کرد و نه در کنار زنوبی^۴ (در آلتهایم^۵).

آئین پرستش خورشید به عنوان یک دین رسمی به رومی‌ها تحمیل شد و این صلیبی بود که قسطنطین به طرزی استوار در خطه روم در زمین فرو کرد. محققى به نام بایه^۶ به درستی می‌گوید که دین رومی‌ها همیشه در

1. Renan

2. Marc-Aurèle

3. Milvius

4. Zénobie

5. Atheim

6. Bayet

چهارچوب سیاست امپراتوری روم پرورده شده است» و این نکته تعجب آورترین خصیصه تحول آن است.»

دوریس^۱ معتقد است که از لحاظ زمانی درست نخواهد بود اگر تصور کنیم که مداخله رسمی قسطنطنین به نفع مسیحیت گویای اندیشه و احساسات شخصی او بوده. محقق مزبور به خود قسطنطنین استناد می‌جوید و می‌گوید: «به عقیده او سیاست از سوی مذهب تعیین می‌شد و مذهب از حوزه سیاست نشئت می‌گرفت.»

در جریان نیمه دوم قرن چهارم نتیجه مبارزه مسیحیت با بت پرستی معلوم می‌گردد. امپراتور روم ژولیانوس که رغبتی به اطاعت از اصول تربیت مسیحی خود نداشت، لقب مرتد^۲ یافت. ژولیانوس تحت تأثیر شدید عقاید نوافلاطونی قرار گرفته بود و اسرار و رموز هم در دیده‌اش دلکش می‌نمود؛ بر این اصل از مسیحیت برگشت و صادقانه به دین مهری گرائید. اهمیت اعتقاد و صداقت ژولیانوس بیشتر مشهود می‌گردد، اگر این امر را به خاطر بیاوریم که در قرن چهارم مسیحی دین مهری بیشتر دوستار و طرفدار داشت تا متدین واقعی. ژ. بیده^۳ که محققی است بنام و بهترین تذکره احوال را از ژولیانوس مرتد تحریر کرده در صفحاتی شورانگیز می‌گوید که او آخرین امپراتور مهری مذهب بوده است. ژولیانوس می‌دانست که اگر دین مهری بخواهد جهانگیر شود، باید که خصایص بدوی خود را از چند جهت از دست بدهد و نیز باید که درهای خود را بیشتر به تفاسیر فلسفی بگشاید. این شد که سرود نیایش خورشیدی را که خود امپراتور ساخت، ملهم از عرفان ژامبلیک^۴ است و در آن میترا خود را با خدای خورشید، با آپولون و فائتون و هیپیون^۵ و پرومته^۶ یکی قلمداد می‌کند. خدایان دیگر چیزی جز فیضانات قدرت خدای خورشید نیستند. ژولیانوس خود را شبان نرم دلی می‌خواند که معتقدات اخلاقی میترا بر

1. Doerris

2. Julien l'Apostat

3. J. Bidez

۴. عارف یونانی قرن سوم و چهارم مسیحی.

5. Hypérion

6. Promèthee

او تحمیل گشته و آن معتقدات عبارتند از «احسان به مردمی که او بر آنان حکومت می‌کند. پرهیزگاری در مقابل خدایان و تسلط بر نفس». از آن زمانی که در یکی از مهرکده‌های قسطنطنیه ژولیانوس به اعلی درجه مناصب دین مشرف شد، کل مساعی خود را صرف توفیق این مذهب کرد؛ ولی به هنگام لشگرکشی اش بر ضد شاپور پادشاه ایران، نیزه‌ای به حیاتش خاتمه داد.

بعد از مرگ ژولیانوس دوره نسبتاً کوتاه مسالمت و مدارا میان مسیحیت و دین مهری شروع می‌شود که فرمان گراسیانوس^۱ امپراتور روم در ۳۸۲ تاریخ ختم آن است. مذبح و بکتوریا را از مجلس شیوخ گرفتند و مالیاتی که وقف هزینه مراسم دینی روم بود لغو شد و گراسیانوس در سال ۳۷۴ اولین امپراتوری بود که عنوان مرشد اعظمی^۲ را نپذیرفت. به طوری که ژرم^۳ مورخ می‌نویسد، گراکوس نام، شهردار شهر کمی قبل از سال ۳۷۷ مهرکده‌ای را واژگون کرد و همه نقوش و تصاویر وحشت‌انگیز داخل آن را خرد نمود. البته هوبت این معبد را نتوانسته‌اند با قطعیت مشخص کنند. دروسی^۴ معتقد است که پرستشگاه مذکور معبدی بوده نزدیک کلیسای سن سیلوستر. در هر حال، نتایج چنین هنرشکنی‌ای را در معبد سنت پریسک بخوبی می‌توان مشاهده کرد. گراسیانوس مجبور به مبارزه با گروه بسیار مهمی از روشنفکران زمان خود شد. این روشنفکران را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. یک دسته می‌خواست پیروی از طریقه ژولیانوس بکند و دسته دیگر برای خدایانی تلاش می‌کرد که وجودشان، مطابق نوشته آلتهایم^۵، توجیه پذیر بود نه به علت وجود خود اینان، بلکه به علت وجود خدایان روم. این دو گروه همکاری نزدیک داشتند. رهبرشان مردی بود به نام وتیوس آگوریوس پراتکستاتوس^۶ که داخل فوروم (بازار مکاره) رواق دثورم کنستنیوم^۷ را ساخته و در آن تصاویر خدایان دوازده گانه را نصب کرده بود. او صاحب چندین مقام مذهبی بوده و سمت پیر

1. Gratien

2. Pontifex maximus

3. Jérôme

4. De Rossi

5. Altheim

6. Vettius Agorius Praetextatus

7. Consentium

پیران آئین مهری را داشته است. پراتکستاتوس خود طرفدار با وفای عقاید ژولیانیوس بود، در حالی که جانشینش - که دوستش هم بود- یعنی اورلیوس سیماکوس^۱ سخت محافظه کار می نمود.

امپراتور روم فلاویوس خواهرزاده سیماکوس را در سال ۳۷۷ تنبیه کرد، به این جرم که کارِ دوناتیست‌ها^۲ی افریقا را تسهیل کرده و هم او بوده که مبارزات نهائی را راهبری نموده است. از کامنیوس^۳ برادرزاده ژولیانیوس کتیبه‌های گوناگون بسیار مهمی به جای مانده که علاقه امپراتور را به آئین مهری نشان می‌دهد. در محافلی که از نجیب‌زادگان و دانشمندان تشکیل می‌شده نویسنده رومی ماکروب پرورش یافته و در کتابش موسوم به ساتورنالی کلیات دین مهری را شرح کرده است. سیماکوس دیپلمات بود و وظیفه بی‌حاصل شکایت بردن به گراسیانیوس را او بر عهده گرفت و از تصمیماتی که امپراتور گرفته بود گلایه کرد. اما استقف اعظم میلان آمبروآز امپراتور جوان‌سال را تهدید به تکفیر کرد. فی‌الواقع دورقیب متخاصم گراسیانیوس و سیماکوس نبودند، بلکه آمبروآز و پراتکستاتوس بودند که با یکدیگر مبارزه می‌کردند، تا این که در ۳۸۵ پراتکستاتوس مرد و طرفداران خود را بدون رهبر باقی گذاشت.

به امپراتوری رسیدن ثئودوز^۴ مقارن است با پایان مبارزه. بعد از این که مسیحیان سوریه کنیسه‌ای را غارت کردند و سوزانیدند و نیز پس از این که برخی رهبانان یک معبد متعلق به والانتینی^۵‌های غنوسی را آتش زدند، ثئودوز مداخله کرد و تقاضای تنبیه مجرمان و جبران خسارت کرد. اما آمبروآز نیز مداخله نمود و ثئودوز ادعای خود را پس گرفت.

در هر حال، هر چه قدر هم که ثئودوز در پی استقلال خود بود مآلاً از لحاظ معنوی از آمبروآز اطاعت می‌کرده است. هربرت بلوک با وصف این ثئودوز به علت حادثه‌ای یک بار تکفیر شد، ولی در روز میلاد مسیح در سال

1. A. Symmacus

2. Donatistes

3. Kaménius

4. Théodose

5. Valentiniens

۳۹۰ اسقف مسیحیان دوباره او را به جمع ترسایان قبول کرد.

فرمانی در تاریخ ۲۷ فوریه سال ۳۹۱ صادر شد که مراسم دینی بت پرستان و زیارت بقاع ملحدان را ممنوع می‌کرد. کمی بعد قبرستان با شکوه اسکندریه را خراب کردند. در تاریخ ۸ نوامبر سال بعد فرمان نهائی صادر شد. هر کس به مراسم دینی بت پرستان عمل کند چه در ملاء و چه در خلأ سخت مجازات خواهد شد. البته این وهم نباید پیش آید که به مجرد صدور این فرمان طرفداران بت پرستی از روی رضایت اطاعت از فرمان کردند. فلاویانوس^۱ رهبر دسته مخالفان شد و به دسته اوژن^۲ پیوست که خود را مهبیای مضاف با ثودوز در ایتالای شمالی می‌کرد. این نبرد آینده دین مهی را روشن می‌نمود. در آغاز به نظر می‌رسید که در این جنگ (نامش فریژیدوس^۳) پیروزی از آن ژوپیتر خواهد بود. فردای آن روز ثودوز زانو زد و نماز گزارد. در دریای آدریاتیک طوفان شد و نيزه‌های دشمن به سوی ثودوز روان شدند. معجزه‌ای دیگر به وقوع پیوست و سرنوشت جنگ معلوم گشت، اوژن کشته شد و فلاویانوس خودکشی کرد.

اما مبارزه معنوی باز هم سال‌ها ادامه یافت و کمی بعد سنت اوگوستن اقدام به نوشتن کتاب مشهور «شهر خدا»^۴ کرد. معروف بود که فتح رم معلول این بوده که ایزدان باستانی رم آن را رها کردند و تحقیرش نمودند. سنت اوگوستن در کتابش سعی در رد کردن مطالب مزبور کرده است. احتمال این هست که دین میترا باز هم در برخی نقاط دور افتاده به حیات خود ادامه داده باشد. اما قدرت او درهم شکسته شده بود و مرور زمان بر او غلبه کرد و آئینش ناپدید گشت و امروزه ما در جستجوی آن اسراری هستیم که میترا در جریان سقوط، با خویشتن به گور برد.

1. Flavian

2. Eugéne

3. Frigidus

4. Cité de Dieu



عكس ۱۳ - میترا . كشنده گاو . پاریس، موزه لوور.



عکس ۱۴ - میترا . کشنده گاو . لندن، بری تیش میوزیوم.



عکس ۱۵ - میترا . کشنده گاو . لندن، بری تیش میوزیوم.



عکس ۱۶ - میترا . کشنده گاو . واتیکان .



عكس ۱۷ - میترا . كشنده گاو . رم ، موزه كاپتولينو .



عکس ۱۸ - کوتس و کوتوباتس موزه لاترانوی (Laterano) رم. باز یافته درستی.

اسماء اعلام

نامهای ایزدان و اساطیر و اشخاص و اماکن و مهرکده‌ها

آریستون آنتیوکوس ۲۱۹	آ
آستما ۲۰۸، ۱۷۹	آئلیا آریزوت ۱۹۹
آسی ۱۷	آئلیوس ماگنوس ۱۹۹
آسیای صغیر ۱۵، ۲۴، ۳۱	آپس ۵۲
آسیموس ۳۴	آپولن ۱۰۹، ۱۳۳، ۱۳۴
آفرودیت ۱۰۰، ۱۷۳	آپولوم ۳۶، ۱۰۴
آگوستن دروغین ۱۶۸	آپولون ۸۶، ۱۱۵، ۲۲۸
آلباجولیا ۱۹۵	آپوله ۱۷۳، ۲۱۵
آلپ ۲۱۹	آپیانوس ۳۱
آلتنیوس کیونیوس ژولیانوس ۲۰۱	آتارگاتیس ۱۴۵، ۱۴۸
آلتھایم ۲۲۷، ۲۲۹	آتر ۱۳۴
آلسی بیاد ۲۴	آتنا ۶۶
آلفولدی ۱۱۲	آتیس ۸۳، ۸۸، ۱۳۶، ۱۵۴
آلمان ۴۵، ۲۲۰، ۲۲۱	آدریاتیک ۲۳۱
آمبرو آز ۲۳۰	آدریانوس ۳۸، ۷۷، ۲۰۳
آمپلیاتوس ۷۷	آدونیس ۸۳
آمستریس ۲۰۲	آرتمیس ۱۳۴
آمفی تریت ۹۶	آرسامه ۳۳
آنازاربوس ۳۱	آرنوبیوس ۱۴۶
آنتونن ۵۵	آریارامنا ۲۵
آنتی پاتروس ۱۸۴	آریامن ۱۷

ازیریس ۲۱۶
 آسانوس ۶۶، ۶۸
 آسانوس - کائولوس ۵۷
 آسانوس ۹۶، ۹۷، ۱۲۵، ۱۲۶، ۲۰۷
 اسپالاتو ۷۱
 اسپانیا ۳۸
 استاس ۳۴
 استانس ۲۴
 استرابون ۲۵، ۱۹۷
 استراسبورگ ۱۴۷، ۲۱۹
 استربروکن ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۳۷
 استکلن ۱۷۸
 استوبورکن ۱۰۸
 استوکسناد ۲۲۰
 استوکشتات ۳۸، ۱۳۴
 اُستی ۲۶، ۱۳۴، ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۷۳
 ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۹۲، ۲۱۹
 اُستی ۳۸، ۴۱، ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۶۴، ۶۵
 ۲۲۰، ۲۲۲
 اسرائیل ۱۰۶
 اسطورهٔ جهانسوزی ۱۱۲
 اسکندر ۱۸۸
 اسکندریه ۲۳۱
 اسکولاپ ۶۹، ۷۵، ۱۵۴
 اسمردیس ۲۳
 اطلس ۱۳۷، ۱۴۰
 افروزین ۱۴۹

آنتیوخوس ۳۳
 آنتیوم ۲۰۱
 آندروس ۳۶
 آنویس ۱۵۳
 آنتستوس ۷۸
 آوانتن ۳۹
 آوانتن ۴۱، ۵۴، ۵۶
 آوانتن ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۵۲، ۲۰۹
 آیده ۱۷۳

۱

آتآ ۱۹۹
 ائون ۹۷، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۸۰
 اپولوم ۱۹۵
 اتریش ۹۶، ۱۱۶، ۱۴۱، ۲۲۱
 ادسمن ۱۶۲
 ادلکتوس ۷۴
 اُرانژ ۶۶
 اردن ۱۲۷
 ارشک ۲۷
 ارفه ۱۲
 ارگیلی ۲۱۳
 ارلیوس ۳۶، ۴۲
 ارلیوس روفینوس ۳۶
 ارلیوس ویکتور اوگنتیوس ۱۶۸
 اُریژن ۱۹۲
 اریمانت ۱۰۳

اوگتیوس ۱۹۰	افریقا ۲۰۳، ۴۲، ۳۸
اولپا تراپانا اگوستا داسیکا ۷۷	افلاطون ۲۰۸
اولپوس سیلوانوس ۶۶	اگر ۵۲
اولیس ۲۱۴	اگوست ۷۱
اُوید ۲۱۲، ۲۱۳	اگوست مشرقی ۷۱
ا. ویل ۳۲	اگوست مغربی ۷۱
اهریمن ۸۳، ۸۴، ۱۲۸، ۱۴۲	اگوستین ها ۵۹
اهورا ۳۳	المپ ۳۱، ۳۳، ۱۳۳
اهورامزدا ۹، ۱۷، ۱۸، ۸۳، ۸۷، ۱۱۵	الوزیس ۱۹۸
۱۴۲	الیا ۲۸، ۱۲۷
ایتالیا ۷۰، ۹۶، ۲۱۹	امشاسپندان ۱۷، ۱۸۸
ایده ۱۷۳	انجیل ۲۸
ایزیس ۱۲، ۴۲، ۵۳، ۶۰، ۱۵۲، ۱۷۳،	انجیل متی ۲۸، ۲۱۶
۱۷۷، ۲۱۵، ۲۱۶	انگلستان ۱۴۱
ایلیری ۲۷	انه تروائی ۱۳۶
اینویکتوس ۷۸، ۹۸	اوبولوس ۴۵
	اوترخت ۵۲
ب	اورلیانوس ۱۸۸، ۲۲۶، ۲۲۷
بابرینی ۱۳۷	اورلیوس سیماکوس ۲۳۰
بابلی ۲۶	اورمزد ۱۷، ۲۱، ۱۸۸
باربرینی ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۴۵، ۲۲۴	اورنت ۳۳
باکانت ۱۳۵	اوروس ۱۹۷
باکوس ۶۷، ۱۳۵	اوریسته ۱۰۳، ۲۱۴
بالتیک ۷۰	اوزن ۲۳۱
بالکان ۱۰۹، ۱۱۵	اوستا ۱۶، ۱۹، ۱۸۸، ۲۰۵
بایه ۲۲۷	اوستر ۱۹۶
بردیای غاصب ۲۳	اوکاریستی ۱۲۲

بیزنطیہ ۱۰۹
 بیزی ۳۷
 پ
 پاتر ۱۸۴
 پارٹی ۲۷
 پارلیا ۲۱۲
 پاکروس ۲۷
 پالٹوپلیس ۳۶
 پالاتن ۲۱۲، ۵۴، ۴۲
 پالاس ۲۰۳
 پالس ۲۱۳، ۲۱۲
 پالمیر ۱۱۱، ۱۱۰، ۳۷، ۱۲
 پالیلیا ۲۱۲
 پان ۱۵۰
 پانونی ۷۵، ۷۰
 پتازونی ۱۵۳
 پتروئل ۲۰۲
 پتو ۱۷۰، ۱۰۶، ۱۰۲، ۹۶، ۹۵، ۹۰، ۵۱
 پتوژ ۱۳۵، ۱۳۰
 پراتکستاتوس ۲۳۰
 پراکزیتل ۱۳۵
 پرتاس ۷۷
 پرتغال ۱۲۲
 پروفیکنتیوس ۱۶۵، ۱۶۴
 پرومنہ ۲۲۸
 پریسک ۵۸

برس ۲۴
 بریاکیس ۶۰
 بریژیو ۲۲۵، ۱۹۶، ۱۹۲، ۱۹۱
 بس ۱۵۴
 بساپارا ۳۷
 بسیگہایم ۱۰۵
 بعل ۱۱
 بعل اسی ۲۲۶
 بعل شمیم ۱۲
 بغازکوی ۱۵
 بلاش ۲۷
 بلخ ۲۱
 بلغارستان ۲۲۵، ۲۲۴، ۱۷۸
 بلوخ ۵۵
 بن ۱۰۹
 بناد آ ۱۹۸
 بندھشن ۸۴، ۸۳، ۲۹، ۲۰
 بنونیسٹ ۲۳
 بنی اسرائیل ۱۰۶
 بوخارست ۱۱۵
 بورسنت آندتول ۴۵
 بوزکروویکیوم ۱۵۱
 بوسوئہ ۱۴، ۱۱
 برلونی ۸۲
 بولونیا ۱۹۲، ۱۹۱
 بھاگنا ۱۷
 بیت اللحم ۲۸

تراس ۲۷، ۳۷، ۶۷
 تراکی ۱۰۹
 ترانس تیریم ۳۸
 ترانسیلوانی ۷۶
 ترایانوس ۳۴، ۴۱، ۴۳، ۵۴، ۵۵، ۷۶
 تـرتولین ۴۸، ۱۲۲، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۷۶
 ۲۰۱، ۲۰۰
 ترکستان ۲۹
 ترو ۱۲۱، ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۲۲
 نروآ ۱۳۶
 تروسمیس ۳۶
 ترینیتی کالج ۱۰۳
 ت - کلودیوس لیویانوس ۳۴
 تلوس ۱۳۷
 تورات ۱۰۶
 توفل ۹۸
 تیر ۵۴، ۶۴، ۹۸
 تیریوس ۲۰۳
 تی بیسکوم ۷۸
 تیتوس فلاویوس ورکوندوس ۷۴
 تیتوس فلاویوس ویاتور ۷۳
 تیرداد ۲۷، ۲۸
 تیرداد اول ۲۷
 تیرگوسور ۴۵
 تیشه ۲۷
 تین ۳۸

پسودونی آرثوپاژی ۸۹
 پشتون ۲۹
 پلازاد تروس ۶۹
 پلوتارک ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۱۲۸
 پولوی ۴۵
 پلی نیوس ۲۱، ۲۷
 پمپی ۲۸، ۳۴
 پمپه ۳۱، ۳۳، ۳۴
 پنام ۲۴
 پوتوویز ۳۶، ۴۱
 پولیوس آئلیوس نیگرینوس ۷۴
 پوتوویو ۲۲۰
 پورفیر ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۷۷
 پورفیریوس ۱۹۸، ۱۶۹
 پوزانیاس ۲۰۵
 پونوس ۲۰۳
 پومریوم ۴۳
 پیر ۱۲۰
 پسوم ۲۷
 پیکت ۳۸
 پیک خورشید ۱۲۰

ت

تودوز ۲۳۰، ۲۳۱
 تارس ۳۲، ۳۳
 تاریخ عالم ۱۱
 تامزیوس اوگنتیوس ۱۸۹

دلفین ۶۸	ث
دمتریوس ۶۸، ۶۹، ۶۹، ۲۱۹	ث. دکوویسیو ۷۶
دمیورگوس ۱۰۰	ث. و. فلگراف ۵۲، ۱۶۹، ۲۰۰
دوبلن ۷۹، ۱۰۳، ۱۰۵	
دورا ۳۹، ۴۹، ۹۴، ۱۱۳، ۲۰۱، ۲۲۰، ۲۲۴	ج
دورالریوس ۲۶، ۳۷، ۴۶، ۱۱۰، ۱۶۵	چینود ۲۹
۱۷۳، ۱۸۴، ۲۰۸	ح
دورس ۲۲۸	حزقیال ۲۸
دوسو ۱۰۹	
دوشن‌گیمن ۱۴۱	خ
دوکالیون ۲۱۳	خریبوس ۲۱۴
دولیکنوس ۷۴	
دومیتیانوس ۱۵۳	د
دوناتیست ۲۳۰	دئورم کنسنتیوم ۲۲۹
دویج آلتن بورگ ۷۰، ۷۲، ۷۳	داریوش ۱۸، ۲۳
دیان ۱۳۴، ۱۹۰	داس ۷۶، ۷۷
دیورگ ۳۸، ۹۰، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷	داسکی لیوم ۲۴، ۲۱۳
۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۸۲، ۲۰۵	داسی ۳۸، ۷۸، ۲۲۲، ۲۲۴
۲۰۸	دالماسی ۳۶
دیورگ - روکینگن ۳۷	دانوب ۳۶، ۳۸، ۷۰، ۷۱، ۷۸، ۹۸، ۱۰۱
دیودور ۱۶۶	۱۲۵، ۱۲۶
دیوکریزستوم ۱۷۹، ۲۰۷	دجال ۳۰
دیوکلین ۴۳، ۷۱، ۷۲، ۲۲۷	دروسی ۲۲۹
دیوکریزستوم ۲۲	دریای سیاه ۲۱۹
دیوتیزس ۱۳۶	دسیال ۷۶
دیونیزوس ۱۲، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۹۸	دل تره ناوات ۱۶۴

دیونیروس - آدونیس ۱۴۹

ر

ردچستر ۳۸، ۳۶

رگیا ۱۹۰

رم ۲۶، ۴۲، ۵۱، ۵۴، ۵۶، ۶۸، ۱۳۷،

۱۴۱، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۲۳

رُما ۶۶

رُمانوم ۱۹۰

رن ۹۸، ۳۸

رنان ۲۲۷

رنانی ۱۰۹، ۲۲۴

روداندوس ۲۵

روفوس ۱۹۰، ۲۱۷

روفوس کیونیوس ۱۹۰

روفینوس ۳۷

روکینگن ۱۱۲، ۱۱۳

روم ۱۸۸، ۲۲۰

رومانی ۴۵، ۵۱، ۷۵، ۷۶، ۱۰۸، ۱۹۵،

۲۲۴

ز

زنوس ۱۱، ۱۲، ۳۲، ۳۳، ۱۳۳، ۱۹۱، ۲۰۷

زنوس - ژوپیتر ۸۷، ۱۳۳

زنوس - هلیوس ۶۱

زاربورگ ۲۰۳، ۲۰۴

زارلری ۱۵۲

زرتشت ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۱۸۸

زروان ۲۵، ۹۷، ۱۲۸، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵

زروان - کرونوس ۱۴۷

زنوبی ۲۲۷

زینر ۱۴۱

ژ

ژاملیک ۲۲۸

ژانوس ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۴

ژانیکول ۱۴۸

ژاهریول ۳۹

ژ. بکاتی ۶۴

ژ. بیده ۲۲۸

ژرم ۱۶۷

ژرم ۲۲۹

ژرمی ۱۱۰

ژ. سانسونه ۵۹

ژلاسیوس ۶۱

ژونون - هرا ۱۳۳

ژوپیتر ۶۰، ۷۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲،

۱۳۴، ۱۷۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶،

۱۹۷، ۲۳۱

ژوپیتر دولیکنوس ۱۳۷

ژوستن ۱۲۳، ۱۲۴

ژوستینیوس ۱۲۱

ژولیا دوما ۴۱

سقراط ۲۰۲
 سکتوس کاستوس ۳۶
 سکولوم ۱۵۱
 سکویا ۹
 سل ۴۲، ۶۱، ۸۰، ۸۲، ۸۷، ۸۸، ۱۰۷
 ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۴۶
 ۱۷۰، ۱۸۳
 سلسوس ۱۹۲
 سلوس ۹۷
 سلوی ۳۸
 سل - هلیوس ۱۲۵
 سن پل ۲۱۶
 سن پیر ۵۸
 سنت اگوستن ۱۴۰
 سنت اوبن ۹۵
 سنت اوگوستن ۲۳۱
 سنت پریسک ۲۶، ۲۷، ۳۸، ۴۲، ۴۷، ۴۸
 ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۳، ۶۶، ۶۷
 ۶۸، ۶۹، ۷۴، ۸۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۷
 ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۸۰
 ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۲۴
 سنت سابین ۵۵
 سنت سیلوستر ۴۲
 سنت ماری ماژور ۵۹
 سن سیلوستر ۲۲۹
 سن کلیمان ۴۸، ۱۵۷، ۱۶۵، ۲۰۳
 سن مارتن ۴۸

ژولیانوس ۱۶۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۳، ۲۲۸،
 ۲۲۹
 ژولیوس ۱۳۶
 س
 ساتورن ۵۲، ۶۰، ۹۶، ۹۷، ۱۲۶، ۱۳۰
 ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۸۲، ۱۹۱
 ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۳
 ساتورنالی ۱۴۸، ۱۵۳، ۲۳۰
 ساتیر ۶۷
 سارمیز گتوزا ۵۱، ۵۶، ۷۷، ۷۸، ۸۲
 ۱۵۱، ۲۲۲
 ساگار یوس ۲۵
 سالسوی ۵۶
 سالونا ۲۲۵
 سان سیلوسترو ۱۸۸، ۲۲۶
 ساواریا ۷۴
 سپتانتزیو ۱۹۷
 سپتیموس سوروس ۳۶، ۴۱، ۴۲، ۷۱
 سپنتا آرماتیٹی ۱۳۳
 سراتوسا ۱۷
 سراپیس ۱۱، ۵۲، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۷
 ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۹۱
 سراپیون ۱۵۸
 سربازی ۳۵
 سربر ۱۵۳
 سردیکا ۴۸، ۱۱۱

شان دومارس ۱۶۴	سونووتوریلیا ۱۱۲
شوارتزر دن ۴۵	سوپرون ۲۰۲
شیر ۱۲۱	سور ۵۵
شیران ۱۱۹	سوروس ۷۸، ۴۲
ط	سوریه ۱۹۶، ۵۶، ۲۶
صراط ۲۹	سوشیانس ۲۹
صیدا ۱۸۰، ۱۴۴	سوفوکل ۲۴
صیدای ۱۹۶	سوفیا ۱۱۱، ۴۸
ض	سوما ۲۰، ۱۹
ضد مسیح ۳۰	سویداس ۱۶۱
ط	سی بل ۴۲
طرابلس ۲۱۹، ۱۹۹	سیبل ۱۷۷، ۱۳۶
ع	سی بل ۲۰۱، ۱۹۸
عهد عتیق ۱۶	سی تیف ۳۶
عیسی ۱۷	سیرون ۲۳
ف	سیسیا ۳۷
فائتون ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۷۹، ۲۰۷، ۲۰۸	سیلن ۶۷
۲۲۸، ۲۱۳	سیلوستریوس پریپتوس ۲۰۶
فاستی ۲۱۲	سیلوستریوس سیلونیوس ۲۰۶
فالری ئی نووی ۷۷	سیلونیوس اورلیوس ۲۰۶
فالری ئی وترس ۷۷	سیلیسی ۳۱
فانس ۱۵۰	سیماکوس ۲۳۰
	سینتوس ۷۸
	سویتا کاستلانا ۷۷
	ش
	شاپور ۲۲۹

ق	فاوونئوس ۱۹۷
قسطنظین ۲۲۷، ۲۰۳	فیوس ۶۱
قسطنظیه ۲۲۹	فرات ۳۸، ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۲۴
قیصر ۷۱	فرانتز کومون ۹، ۱۶، ۲۷
	فرانتس کومون ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۹
ک	۱۸۸، ۲۰۷
کائولوس ۱۲۹، ۱۹۶، ۱۴۶، ۷۳	فرانسه ۴۵، ۲۱۹
کاران سبس ۷۸	فر. دورویت ۷۵
کاپادوس ۲۵	فرشا ۲۵
کاپو ۴۸، ۶۲، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۶،	فریجی ۴۱
۲۰۴	فریژیدوس ۲۳۱
کاپیتول ۴۲، ۲۲۷	فستوراکس ۲۰۲، ۲۰۴
کاپیتول پالانن ۳۴	فستوژیر ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۱۴
کادوسه ۱۵۴	ف. کومون ۸۲
کارائوبورگ ۳۸	فلاویانوس ۲۳۱
کاراکا ۶۱	فلاوئوس ۲۳۰
کاراکالا ۴۲، ۵۵، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۱	فلگراف ۵۲، ۵۳
کارپیون ۷۸	فلورانس ۹۶، ۱۵۸
کارنونتوم ۳۶، ۴۳، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵،	فلی سیمیو ۱۷۷
۱۴۶، ۱۹۶، ۲۲۷	فلی سی سی موس ۱۹۲
کاروبورگ ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۷	فلیکس ۱۴۹
کاستل گاندولفو ۱۴۶، ۱۵۳	فورم ۴۲
کاکوس ۹۸، ۹۹	فوروم ۲۲۹
کامنئوس ۲۰۱، ۲۳۰	فیرمیکوس ماترنوس ۱۶۵، ۱۷۳
کانونتوم ۷۴	فیلی پوپولیس ۳۷
کاوتات اپیدورم ۴۵	
کایوس کوریوس آوینا ۶۸	

کمدیانوس ۹۸
 کنستانزا ۲۱۹، ۴۵
 کنستانس ۱۹۰
 کوآتروکورناتی ۷۵
 کوآدها ۷۰
 کوتس ۱۷، ۵۲، ۷۴، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۹۶
 کوتوپاتس ۱۷، ۷۴، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۹۷
 ۱۱۴، ۱۰۵
 کورش ۱۸
 کوروناتی ۷۵
 کومون ۱۲۴، ۹
 کونجیک ۱۲۱، ۱۷۰، ۱۷۸، ۲۲۴
 کونگهوفن ۱۳۶، ۲۱۹
 کیومرث ۸۳

 گ
 گات‌ها ۱۷، ۱۸۸
 گالریوس ۴۳
 گالریوس ماکسیمیانوس ۷۱
 گایوس آکیوس هدیوکروس ۶۸
 گتا ۴۲
 گراسیانوس ۱۸۹، ۲۲۹، ۲۳۰
 گراکوس ۲۲۹
 گردیانوس سوم ۳۲
 گرگوار دو نازیانز ۱۶۱
 گروپس ۱۶۸

کتاب سلاطین ۱۲۷
 کنزیاس ۲۵
 کوبریگا ۱۲۲
 کر ۸۳
 کریناساکرا ۱۷۲
 کرلیوس کرلیانوس ۷۸
 کرنوس ۱۲
 کروپتوی ۱۶۹
 کرونوس ۹۷، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۳
 کرونوس - ساتورن ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۴۵
 کروینا ۱۷۲
 کریتون ۲۱۹، ۲۲۲
 کریزیپ ۲۱۴
 کریستن سن ۱۲۳
 کریفی ای ۱۶۸، ۱۶۹
 کریفیوس ۱۶۸، ۱۶۹
 کزم ۱۶۲
 کلاغ ۸۰، ۸۶، ۱۱۹، ۱۲۱
 کلافت ۱۵۲
 کلان ۲۰۰
 کلدانیان ۲۴
 کلنیا ۷۱
 کلوز ۷۶
 کماژن ۳۳، ۳۸
 کمبوجیه ۲۳
 کمد ۴۱، ۱۶۱
 کمد ۲۰۲، ۲۰۴

لیویانوس ۳۴
 م
 ماترنوس ۴۹
 مارنوس ۳۹
 مارس ۵۷، ۱۳۴، ۱۹۲، ۲۲۶
 مارک ارل ۳۲
 مارکوس اورلیوس ۵۲، ۷۰، ۲۲۷
 مارکوس والرئوس سکوندوس ۶۹
 مارکومان ۷۰
 مارینوس ۳۹
 ماسالسکی ۲۰۲
 ماکروب ۲۳۰
 ماکروبیوس ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴
 ماکزیموس ۲۷
 ماکسیمیانوس ۳۶، ۷۲
 ماکسی میانوس هرکولئوس ۷۲
 ماکیلر ۲۲۰
 ماگا ۲۱
 ماگافارنس ۲۵
 ماگنیوس ۷۳
 ماگو ۲۱
 ماگوس ۲۴
 ماگیا ۲۴
 ماتشن هوس ۶۵
 مانهایم ۱۹۳
 مانی ۲۶، ۱۴۰

گل ۱۳۴
 گنس ۲۴
 گوتری ۱۱۴
 گوکلر ۱۴۸
 گیگاریش ۱۹۹
 ل
 لئا ۱۹۹
 لئو ۱۹۹
 لآینا ۱۹۹
 لاسن ۱۲۳
 لامبز ۳۶
 لامپریدیوس ۱۶۳، ۲۰۲
 لپیس ۲۱۹
 لرو ۲۲۲
 ل. لی سی نیوس سورا ۵۴
 لُمل ۱۹
 لندن ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۱۹۵
 لنگوس ۷۸
 لوازی ۱۲۳
 لودویزی ۹۶
 لوزیتانی ۶۷
 لوسیوس ۲۱۵، ۲۱۶
 لوسیوس فلاویوس هرمادیون ۷۸، ۱۰۳
 لونا ۴۸، ۸۰، ۸۲، ۸۸، ۱۳۴
 لیدیه ۲۰۵
 لسی ۳۱

میترا ۱۱۵،۳۲	مای فارنس ۲۵
مینراکانا ۲۵	متون و آثار مهری ۹
میترای گاو اوژن ۲۰	مجارستان ۷۰
میتریدات ۳۳	مجارستان ۲۲۵،۲۰۲،۱۹۱
میلویوس ۲۲۷	مُدن ۱۵۲،۱۴۹
مؤثری ۵۶،۳۸	مدنا ۱۹۵
	مرشد پیر ۲۶
	مرکور ۱۹۲،۱۷۲،۱۳۴،۶۸،۶۶،۳۸
	مریدا ۲۱۹،۱۴۶،۱۳۴،۶۷،۳۸
ن	مریون ۱۵۸
نابرز ۷۷	مزدا ۳۳
نابل ۲۷	مسالا ۱۵۴
ناما ۷۹	مسی ۱۲
نپتون ۹۷،۹۶،۶۹	مسیح ۲۱
نرسا ۱۱۶،۹۶	مسینا ۲۸،۲۳،۲۱
نرون ۲۰۷،۴۲،۲۸،۲۷	مصر ۵۷
نفرتارا ۴۵	ملک بعل ۱۲
نمرو: ۳۳	ملیکریستوس ۱۷۸
نمرود داغ ۳۳	مناد ۱۳۵،۶۷
نمف ۱۲۶،۱۲۵	مؤسی ۳۶
نمفئرس ۱۶۹،۱۷۲،۱۷۳،۱۷۴،۲۰۰	موایرا ۲۷
۲۰۱	موزها ۱۳۳
نمفی ای ۱۶۹	موسی ۱۰۷،۱۰۶
نوتسه آلدوبراندینی ۱۷۴	مهرداد ۴۲،۳۱
نولان ۱۵۷	مهرداد اوپاتور ۳۱
نومیدی ۳۶	مهریشت ۱۸،۱۶
نونوس ۲۰۷،۱۶۲	میتانی ۱۶،۱۵
نونیس ویکتور آلیمپوس ۱۶۸، ۱۹۰	

ویکاندر ۲۶	نسوزین هایم ۳۷، ۹۹، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۰
ویکتور ۱۸۹، ۱۹۰	۱۳۷، ۱۳۰
ویکتور آر ۹۷	نیسفور ۶۲
وین ۳۶، ۷۰	نیکومد ۴۵، ۱۹۰، ۲۱۹
ویندوبنا ۷۰	
	و
۵	واتیکان ۱۵۴، ۲۰۱
هاتنگ ۷۶	وارونا ۱۶، ۱۹، ۲۰
هیریون ۲۲۸	والانتینی ۲۳۰
هخامنشی ۲۴	والبروک ۳۸، ۶۴، ۶۵
هداد ۱۱، ۱۴۹	والریانوس ۷۸
هدرن هایم ۹۰، ۹۶، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۱	والریانوس ماکسیمیانوس ۳۵
۱۲۲، ۱۳۲، ۱۷۷	والریوس لیسینانوس لیسینیوس ۷۱
هدیکروس ۱۳۴	واناسن ۵۴
هرا برزائینی ۹۴	وایو ۱۹
هراکلا ۷۳	وتیوس آگوریوس پراتکتستاتوس ۲۲۹
هراکلس - ورثرغنه ۳۳	ودا ۱۶، ۱۹، ۱۰۱
هربرت بلوک ۲۳۰	وُدان ۱۰۹
هرکول ۹۸، ۱۰۳، ۲۱۴	وستا ۱۹۰
هرکولیا ۳۶	ولوم ۱۷۳
هرمادیو ۷۸، ۷۸	ولیسینیوس ۴۳
هرمادیون ۷۹، ۱۰۳	ونوس ۵۲،
هرمافرودیت ۱۴۳	ونوس ۵۷، ۵۹، ۶۹، ۹۶، ۱۰۰، ۱۳۴،
هرمس ۳۳	۱۹۲
هرمس - مرکور ۳۸، ۱۲۵، ۱۳۴، ۱۷۱	ونوستوس ۱۷۰
هرمی ۱۴۲	وولکن ۹۹، ۱۳۴، ۱۵۴
هرود ۲۱۷	ویرونوم ۹۶، ۱۱۶، ۱۲۵

هوم ۱۸	هرودت ۱۱۳، ۲۳
هوما ۲۹، ۱۹، ۱۸	هرودوت ۲۰۵، ۱۹۷، ۱۸۱
هومر ۱۷	هژمونیوس ۲۶
هی آینا ۱۹۹	هلیستیک ۲۲۳، ۲۰۸، ۱۰
هیتی ۱۶، ۱۵	هلیودروم ۱۸۲
هیروپولیس ۱۴۸	هلیودروموس ۱۸۲
	هلیوس ۱۰۹، ۴۲، ۳۳۳۳، ۳۲، ۱۷، ۱۲
ی	۱۱۵، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۵
یادگار جاماسپیک ۸۳	۲۰۷، ۱۹۱
یانوآ ۱۴۴	هلیوس - سل ۱۸۲
یزت ۱۶	هلیوگابال ۴۲
یشت ۱۹، ۱۸	هلیوگلوبال ۲۲۶
یوگسلاوی ۳۶، ۴۵، ۵۱، ۷۱، ۷۴، ۲۱۹،	هند و اروپائی ۱۶
۲۲۵، ۲۲۳، ۲۲۰	هوراس ۲۱۱
یونان ۱۸۸	هورب ۱۰۶
یهوه ۱۰۶	هوستلرز ۱۵۱

کتاب‌شناسی

کلیات

Fr. Cumont, *Textes et monuments figurés relatifs aux mystères de Mithra*, Bruxelles I-II, 1896 - 1898.

Fr. Cumont, *Die Mysterien des Mithra* (3ème édition par K. Latte), Leipzig, 1923

M. J. Vermaseren, *Corpus Inscriptionum et Monumentorum Religionis Mithriacae*. La Haye I-II, 1956-1960.

جزئیات

G. Becatti, *Scavi di Ostia II, i Mitrei*, Rome, 1954.

R. Egger, *Bescheidene Ex-votos*. *Bonner Jahrbücher* 158, 1958, pag. 73 ss.

M. J. Vermaseren, *De Mithrasdienst in Rome*, Nimègue, 1951.

M. J. Vermaseren-C.C. Van Essen, *The Aventine Mithraeum Adjoining the Church of Sa Prisca*, dans le périodique *Antiquity and Survival* I, 1955, pag. 1 ss

C.W. Volgraff, *Les cryfii des inscriptions mithraïques dans Hommages a Waldemar Deonna*, 1957, pag. 517ss.

C. W. Volgraff, *Une inscription gravée sur un vase cultuel mithraïque dans Mededelingen der Kon. Nederl. Akademie Van Wetenschapen (Afd. Letterkunde)*, 1955.

E. Will, *Le relief cultuel gréco-romain*, Paris, 1955.

درباره آئین قربانی کردن گاو

Le Roy Cambell, *Typology of Mithraic Tauroctones dans le périodique Berytus* XI, 1954. pag 1 ss.

C. Clemen, *Der Mithrasmythus dans le périodique Bonner Jahrbücher* 142, 1937, pag. 13 ss.

H. Lommel, *Mithra und das Stieropfer dans le périodique Paideuma* III, 1949, pag. 207 ss.